



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

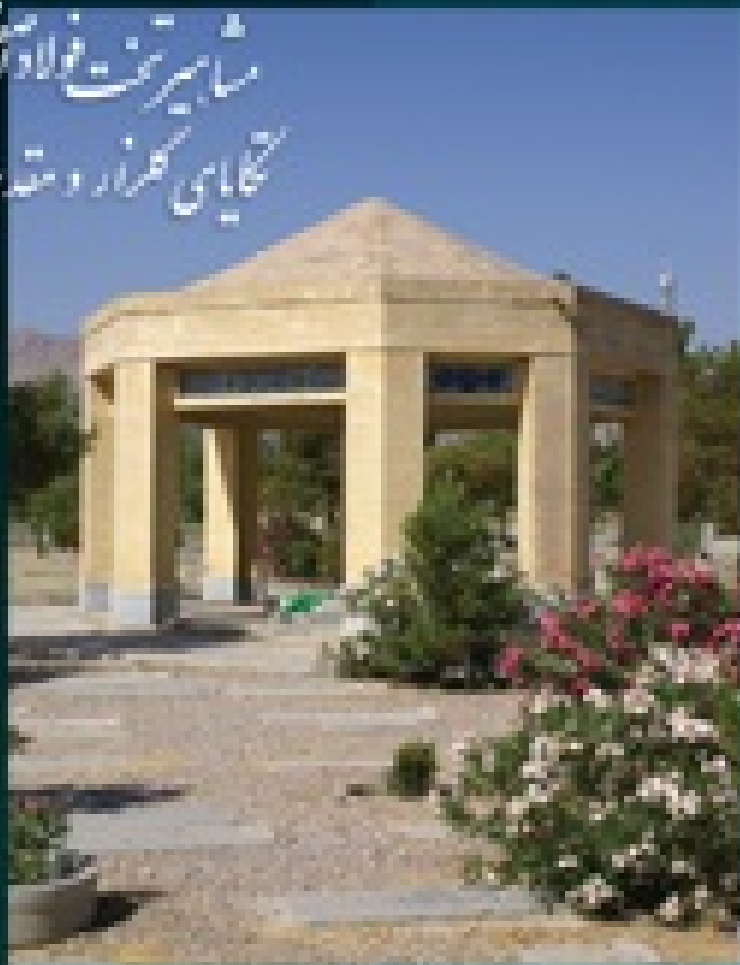
.org

.net

.ir

گلزار مقدس

مشاورت فولاد پنا
تعمیری گلزار و مقدس



بیمارستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گلزار مقدس: مشاهیر تخت فولاد اصفهان

نویسنده:

رحیم قاسمی

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	گلزار مقدس: مشاهیر تخت فولاد اصفهان
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۲	فهرست مطالب
۵۶	سخن دانشنامه تخت فولاد
۶۱	تکیه گلزار
۶۳	آقا رجیبعلی "گلزار"
۶۳	اشاره
۶۳	گلزار از زبان شیدا
۶۵	"گلزار" از دیدگاه دکتر محمد شفیعی
۶۸	حکایت
۷۲	دیوان اشعار
۷۲	اشاره
۷۴	تقریظ "شیدا" بر دیوان گلزار
۷۵	اشعار "منعم" در ماده تاریخ دیوان گلزار
۷۸	نمونه اشعار گلزار
۷۸	اشاره
۸۰	در مدح حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه
۸۶	تک بیت هایی از گلزار
۹۶	خاطره ای از جمالزاده
۹۸	وفات و مراثی
۹۸	اشاره
۱۰۱	۱. مرثیه مرحوم جعفر نوای اصفهانی:

۲. ماده تاریخ مرحوم سید رضا بهشتی "دریا": ۱۰۲
۳. مرثیه محمدرضا شکیب اصفهانی: ۱۰۳
۴. مرثیه و ماده تاریخ سید علی بدیع زادگان "هور": ۱۰۴
۵. مرثیه مرشد رمضان صابر اصفهانی: ۱۰۴
- آیه الله میر سید علی حسینی برزانی: ۱۰۶
- اشاره: ۱۰۶
- خاندان: ۱۰۶
- اشاره: ۱۰۶
۱. آیه الله سید علی اصغر برزانی: ۱۰۷
۲. حجه الاسلام سید محمد علی فقیهی: ۱۰۹
۳. آیه الله سید محمد نجفی هرسینی: ۱۱۰
۴. حجه الاسلام سید محمد صادق واعظ: ۱۱۰
- اساتید آیه الله برزانی: ۱۱۲
- اجازات: ۱۱۳
- اشاره: ۱۱۳
۱. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی: ۱۱۴
۲. اجازه آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی: ۱۲۱
۳. اجازه آیه الله سید محمد رضا رضوی خوانساری: ۱۲۳
۴. اجازه آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر: ۱۲۶
- اوصاف: ۱۳۰
- وفات: ۱۳۳
- حاج میرزا حبیب الله روضاتی: ۱۳۶
- اشاره: ۱۳۶
- تولد و خاندان: ۱۳۶
- اشاره: ۱۳۶
۱. حجه الاسلام والمسلمین سید اسدالله روضاتی: ۱۳۹

۱۴۰	۲. آیه الله میرزا محمود روضاتی
۱۴۷	اساتید
۱۴۷	اجازات
۱۴۷	اشاره
۱۴۸	اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی
۱۵۱	اجازه آیه الله شیخ علی اکبر نهایندی
۱۵۵	اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی
۱۵۸	اجازه آیه الله سید حسین حسینی اصفهانی
۱۶۲	تالیفات
۱۶۲	اشاره
۱۶۵	تقریظ علامه کاشف الغطاء
۱۶۸	اوصاف
۱۶۹	حکایت
۱۷۰	وفات
۱۷۲	فرزندان
۱۷۲	۱. سید ابوالحسن روضاتی
۱۷۲	۲. حجه الاسلام سید عبدالعلی روضاتی
۱۷۲	۳. حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی
۱۷۴	آیه الله میرزا اسماعیل بروجردی
۱۷۷	سید مرتضی ظهیر الاسلام
۱۷۷	اشاره
۱۷۷	تولد و خاندان
۱۸۳	اساتید
۱۸۹	اجازات
۱۹۲	اوصاف
۱۹۵	نمونه اشعار

وفات	١٩٤
شيخ محمد رضا نجفي جزن آبادي	٢٠٠
اشاره	٢٠٠
تولد و تحصيلات	٢٠٠
اوصاف	٢٠١
حكايت	٢٠٣
وفات	٢٠٤
فرزندنان	٢٠٥
اشاره	٢٠٥
١. حاج ميرزا عنايه الله نجفي	٢٠٥
٢. ميرزا هدايه الله نجفي	٢٠٨
حاج آقا جمال الدين خوانساري	٢٠٩
اشاره	٢٠٩
تولد و خاندان	٢٠٩
اشاره	٢٠٩
آيه الله ملا علي اكبر خوانساري	٢٠٩
اشاره	٢٠٩
آثار	٢١٣
اشاره	٢١٣
١. شرح رساله "جعفرية"	٢١٣
٢. شرح "إرشاد الأذهان"	٢١٣
٣. رساله في ادعاء المريض الطلاق في حال الصحه	٢١٥
آيه الله شيخ محمد حسين خوانساري	٢١٥
اشاره	٢١٥
١. "دروس الاصول"	٢١٦
٢. شرح "تبصره المتعلمين"	٢١٦

۲۱۸	آقا کمال الدین خوانساری
۲۱۹	تحصیلات
۲۲۱	اوصاف
۲۲۶	تدریس
۲۲۹	وفات
۲۳۲	شیخ علی فقیه فریدنی
۲۳۲	اشاره
۲۳۲	تولد و تحصیلات:
۲۳۳	اوصاف
۲۳۴	شاگردان
۲۳۸	وفات
۲۴۰	میرزا علی مشفق
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	تولد و تحصیلات
۲۴۲	اساتید
۲۴۲	اشاره
۲۴۲	میرزا یحیی مدرس اصفهانی
۲۴۶	میرزا یحیی از دیدگاه مشفق
۲۴۹	اوصاف
۲۵۰	آثار مشفق
۲۶۳	شاگردان
۲۶۵	برخی از افادات مرحوم مشفق
۲۶۵	اشاره
۲۶۸	حکایت
۲۷۳	نمونه اشعار
۲۷۸	اشعار مرشد عباس گیاهی در وصف مشفق

۲۸۲	اشعار طالع در وصف مشفق
۲۸۴	وفات
۲۸۴	اشاره
۲۸۶	مرثیه حاج مرتضی اشتری
۲۸۷	میرزا عبدالحسین مشفق
۲۹۰	میرزا حیدرعلی غاضری "محفوظ"
۲۹۰	اشاره
۲۹۰	تولد
۲۹۰	اوصاف
۲۹۲	اشعار محفوظ
۲۹۲	اشاره
۲۹۶	شرح حال منظوم
۲۹۹	هدف عالی اعلای علی
۳۰۲	کیست علی؟
۳۰۵	موعظه
۳۰۶	از علی آموز
۳۰۷	حکایت
۳۱۲	چند غزل
۳۱۵	وفات
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	شعر خداحافظی
۳۲۶	شیخ غلامحسین یزدی آبشاهی
۳۲۶	اشاره
۳۲۶	تولد و تحصیلات
۳۲۷	اوصاف
۳۳۰	وفات

۳۳۱	آقا سید محمد رضا سادات
۳۳۱	اشاره
۳۳۱	خاندان
۳۳۲	اوصاف
۳۳۳	وفات
۳۳۴	سید ابوالحسن کتابی
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	خاندان
۳۳۴	اشاره
۳۳۴	میر محمد صادق کتاب فروش
۳۳۶	اوصاف
۳۳۷	وفات
۳۳۷	اشاره
۳۳۷	تذکر:
۳۳۹	سید نور الله قاضی عسکر
۳۳۹	اشاره
۳۳۹	تحصیلات
۳۳۹	اوصاف
۳۴۰	تألیفات
۳۴۳	وفات
۳۴۵	آقا سید مهدی حسینی بدری
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	خاندان
۳۴۵	اشاره
۳۴۵	میرزا محمد علی سینی
۳۴۵	اشاره

فرزندان ۳۴۶

اشاره ۳۴۶

۱. سید عبدالوہاب بدری ۳۴۷

۲. سید ابوالقاسم بدری ۳۴۷

۳. میرزا علی محمد بدری ۳۴۸

۴. حاج سید مہدی سینی ۳۴۸

اوصاف ۳۵۰

میرزا محمد علی مدرّس زادہ ۳۵۴

اشارہ ۳۵۴

خاندان ۳۵۴

آثار و مکتوبات ۳۵۶

اشارہ ۳۵۶

۱. "تسلية الفقراء وتذكرة الأغنياء" ۳۵۶

۲. "هدية الوالدين" ۳۵۸

۳. "فوز أكبر بولاية حجه الله المنتظر" ۳۵۸

۴. "فرائد الاصول" ۳۵۹

۵. "نهاية الدراية في شرح الكفاية" ۳۵۹

۶. "مفتاح السعادات في الادعية والزيارات" ۳۵۹

۷. "الرسائل التقوية" ۳۵۹

۸. "كشف المراد" ۳۶۲

وفات ۳۶۲

سید محمّد صدرالواعظین شہشہانی ۳۶۳

اشارہ ۳۶۳

خاندان ۳۶۳

اوصاف ۳۶۵

وفات ۳۶۵

- ۳۶۷ میرزا محمد علی نحوی هرنندی
- ۳۶۸ میرزا محمد مهدی رشتی
- ۳۶۸ اشاره
- ۳۶۸ خاندان
- ۳۶۸ اشاره
- ۳۶۸ ملا محمد جعفر لنگرودی
- ۳۷۱ اوصاف
- ۳۷۵ خاکشیر
- ۳۷۵ اشاره
- ۳۷۵ اوصاف
- ۳۷۸ نمونه اشعار غیر هزل
- ۳۸۰ وفات
- ۳۸۰ اشاره
- ۳۸۱ مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا"
- ۳۸۲ مرثیه مرحوم جعفر نوا
- ۳۸۳ مرثیه سید علی بدیع زادگان "هور"
- ۳۸۴ مرثیه احمد طلائی
- ۳۸۶ آیه الله سید محمد مقدس
- ۳۸۶ اشاره
- ۳۸۶ تولد و خاندان
- ۳۸۶ اشاره
- ۳۸۷ آقا سید علی مقدس
- ۳۸۸ سید حسن مقدس
- ۳۸۸ اساتید
- ۳۸۹ اجازات
- ۳۸۹ ۱. اجاره آیه الله العظمی حاج آقا ضیاء الدین عراقی

۲. اجازہ آیہ اللہ العظمیٰ شیخ محمد حسین غروی اصفہانی ۳۹۱
۳. اجازہ آیہ اللہ العظمیٰ میرزا محمد حسین نائینی ۳۹۴
۴. اجازہ آیہ اللہ العظمیٰ سید ابوالحسن اصفہانی ۳۹۵
- بازگشت به اصفهان ۳۹۶
- اجازات آیہ اللہ العظمیٰ بروجردی ۳۹۸
- اوصاف و خدمات ۴۰۳
- ہجرت به قم ۴۰۶
- تدریس ۴۰۸
- تالیفات ۴۱۰
- کتابخانه ۴۱۴
- چند حکایت ۴۱۴
- وفات و مرثیہ ۴۲۲
- اشارہ ۴۲۲
۱. مرثیہ میرزا حبیب اللہ تیر ۴۲۳
۲. مرثیہ بانو صالحی ۴۲۴
۳. مرثیہ حجہ الاسلام سید مجتبیٰ میرمحمدصادقی ۴۲۵
۴. مرثیہ آقای میرزا فضل اللہ اعتمادی "برنا" ۴۲۵
۵. مادہ تاریخ میرزا یداللہ تائب ۴۲۸
- حاج ملا علی ماربینی ۴۳۱
- اشارہ ۴۳۱
- تولد و تحصیلات ۴۳۱
- اشارہ ۴۳۱
- اجازہ آخوند ملا محمد حسین فشارکی ۴۳۳
- اجازہ علامہ شیخ محمد رضا نجفی ۴۳۷
- اوصاف ۴۳۹
- تدریس و شاگردان ۴۴۰

- ۴۴۱ وفات
- ۴۴۱ اشاره
- ۴۴۱ مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا"
- ۴۴۷ میرزا عبدالجواد خطیب
- ۴۴۷ اشاره
- ۴۴۷ تولد و تحصیلات
- ۴۴۸ اوصاف
- ۴۴۹ نمونه اشعار
- ۴۴۹ اشاره
- ۴۵۲ در تهنیت مولود مسعود حضرت حجه بن الحسن صلوات الله عليه:
- ۴۵۷ حکایت
- ۴۵۹ ماده تاریخ ها
- ۴۵۹ اشاره
- ۴۵۹ ۱. ماده تاریخ وفات آیه الله شیخ محمد تقی آقاجفی
- ۴۶۱ ۲. ماده تاریخ وفات آقاجفی و بازگشت حاج آقا نورالله به اصفهان:
- ۴۶۵ ۳. آیه الله حاج شیخ محمد علی نقهالاسلام نجفی (م: ۱۳۱۸ق):
- ۴۶۷ ۴. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (م: ۱۳۵۷)
- ۴۶۹ ۵. شیخ علی مدرّس یزدی (م: ۱۳۵۳ق)
- ۴۶۹ ۶. شیخ محمد نظام الاسلام
- ۴۷۳ ۷. ملا عبدالجواد واعظ باغبادرانی (م: ۱۳۳۵ق)
- ۴۷۴ ۸. سید علی نقی مسأله گو (م: ۱۳۵۲ق)
- ۴۷۷ ۹. سید محمد حسن بنکدار
- ۴۷۸ ۱۰. میرزا محمد رضا رشتی
- ۴۷۹ ۱۱. میرزا محمود خاتون آبادی (م: ۱۳۵۴)
- ۴۷۹ ۱۲. حاج محمد مهدی سمسار
- ۴۸۰ ۱۳. ماده تاریخ چاپ قرآن کریم با تفسیر مولوی

- ۴۸۲ ماده تاریخ آب انبار مسجد رکن الملک (۱۳۲۵) ۱۴
- ۴۸۴ ماده تاریخ ساختمان آب انبار تکیه کازرونی (۱۳۴۰) ۱۵
- ۴۸۵ شعر تمثال آیه الله العظمی سید محمد باقر درجه ای ۱۶
- ۴۸۷ ماده تاریخ چاپ "اربعین هاشمیه" ۱۷
- ۴۹۰ شعر تمثال آیه الله میرزا احمد مدرّس خراسانی ۱۸
- ۴۹۲ آثار خوشنویسی آثار خوشنویسی
- ۴۹۲ مواضع سیاسی مواضع سیاسی
- ۴۹۵ وفات وفات
- ۴۹۵ اشاره اشاره
- ۴۹۵ مرثیه میرزا حبیب الله نیر مرثیه میرزا حبیب الله نیر
- ۴۹۷ ملا محمد دهقانی ملا محمد دهقانی
- ۴۹۷ اشاره اشاره
- ۴۹۷ تولد و تحصیلات تولد و تحصیلات
- ۴۹۷ اساتید اساتید
- ۴۹۸ تألیفات تألیفات
- ۴۹۹ وفات وفات
- ۵۰۰ سید ابوالقاسم موسوی شاه کرمی سید ابوالقاسم موسوی شاه کرمی
- ۵۰۰ اشاره اشاره
- ۵۰۰ تولد و تحصیلات تولد و تحصیلات
- ۵۰۱ وفات وفات
- ۵۰۳ سید اسدالله مستجاب الدعواتی سید اسدالله مستجاب الدعواتی
- ۵۰۳ اشاره اشاره
- ۵۰۳ تولد و خاندان تولد و خاندان
- ۵۰۳ اشاره اشاره
- ۵۰۳ آیه الله العظمی سید صدرالدین عاملی آیه الله العظمی سید صدرالدین عاملی
- ۵۰۵ سید ابوالحسن عاملی سید ابوالحسن عاملی

۵۰۹ اوصاف
۵۱۱ وفات
۵۱۴ فرزندان
۵۱۴ ۱. حجه الاسلام والمسلمین حاج سید محمد علی مستجاب الدعواتی
۵۱۷ ۲. آیه الله حاج سید مرتضی مستجابی
۵۲۲ محمّد علی پروانه
۵۲۲ اشاره
۵۲۲ شرحی در باب روزنامه شمع حقیقت
۵۲۳ نمونه اشعار
۵۲۶ وفات
۵۲۸ عبدالله ارباب
۵۳۳ سایر مدفونین
۵۳۳ ۱. مهدی تدین
۵۳۴ ۲. شیخ محمد رضا باقری محمود آبادی
۵۳۴ ۳. حاج میرزا محمد حسین شهیر به حاج آقا میرزا فریدنی
۵۳۴ ۴. حاج آقا حسن صدر عاملی واعظ
۵۳۴ ۵. حاج سید علی کرمانی
۵۳۵ ۶. آقا سید هادی عطار موسوی
۵۳۵ ۷. مرحومه زاهده فاضله حاجیه شاهزاده خانم دانش نژاد
۵۳۶ فهرست اعلام
۶۱۲ درباره مرکز

سرشناسه: قاسمی، رحیم، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: گلزار مقدس/مؤلف رحیم قاسمی؛ مدیر تولید مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد.

مشخصات نشر: اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۴۶۰ ص. مصور □ عکس □ نمونه .

شابک: ۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸۶۰۰۱۳۲۰۳۰۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۳۴-۴۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه

موضوع: مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد (اصفهان)

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- اصفهان -- سرگذشتنامه

موضوع: مشاهیر -- ایران -- اصفهان -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده: مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد (اصفهان)

رده بندی کنگره: DSR۲۰۷۳ /ص ۷۵ ق ۲۵ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۹۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۷۴۱۲

ص: ۱

اشاره

گلزار مقدّس

مشاهیر تخت فولاد اصفهان (تکایای گلزار و مقدّس)

مؤلف: رحیم قاسمی

زیر نظر: دکتر اصغر منتظرالقائم

مدیر تولید: مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد

ناشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

نوبت چاپ: اول (تابستان ۱۳۸۹) شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: کمالی نژاد / صحافی: امین

شابک: ۹ - ۳۰ - ۱۳۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

همه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد وابسته به شهرداری اصفهان می باشد.

مرکز پخش: ۹۱-۶۶۳۸۸۹۰-۰۳۱۱-۲۲۳۹۴۶۶-۰۳۱۱

ص: ۴

فهرست مطالب

آقا رجبعلی "گلزار". ۲۴

گلزار از زبان شیدا. ۲۴

"گلزار" از دیدگاه دکتر محمد شفیعی. ۲۵

حکایت. ۲۷

دیوان اشعار. ۲۹

اشعار "منعم" در ماده تاریخ دیوان گلزار. ۳۳

نمونه اشعار گلزار. ۳۵

در مدح حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه. ۳۶

تک بیت هایی از گلزار. ۴۲

خاطره ای از جمالزاده. ۴۹

وفات و مرثی. ۵۰

۱. مرثیه مرحوم جعفر نوای اصفهانی. ۵۱

۲. ماده تاریخ مرحوم سید رضا بهشتی "دریا". ۵۳

ص: ۵

۳. مرثیه محمدرضا شکیب اصفهانی: ۵۳

۴. مرثیه و ماده تاریخ سید علی بدیع زادگان "هور": ۵۴

۵. مرثیه مرشد رمضان صابر اصفهانی: ۵۵

آیه الله میر سید علی حسینی برزانی: ۵۷

خاندان: ۵۷

۱. آیه الله سید علی اصغر برزانی: ۵۷

۲. حجه الاسلام سید محمد علی فقیهی: ۵۹

۳. آیه الله سید محمد نجفی هرسینی: ۶۰

۴. حجه الاسلام سید محمد صادق واعظ: ۶۰

اساتید آیه الله برزانی: ۶۱

اجازات: ۶۲

۱. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی: ۶۳

۲. اجازه آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی: ۶۸

۳. اجازه آیه الله سید محمد رضا رضوی خوانساری: ۷۲

۴. اجازه آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر: ۷۴

اوصاف: ۷۶

حاج میرزا حبیب الله روضاتی: ۸۴

ص: ۶

۱. حجه الاسلام والمسلمين سيد اسدالله روضاتي. ۸۷

۲. آيه الله ميرزا محمود روضاتي. ۸۷

اساتيد. ۹۰

اجازه آخوند ملا محمد حسين فشاركي. ۹۱

اجازه آيه الله شيخ علي اكبر نهاوندي. ۹۶

اجازه آيه الله العظمي ميرزا محمد حسين نائيني. ۹۹

اجازه آيه الله سيد حسين حسيني اصفهاني. ۱۰۱

تأليفات. ۱۰۴

تقريظ علامه كاشف الغطاء. ۱۰۸

حكايه. ۱۱۱

وفات. ۱۱۲

فرزندان. ۱۱۳

۱. سيد ابوالحسن روضاتي. ۱۱۳

۲. حجه الاسلام سيد عبدالعلي روضاتي. ۱۱۳

۳. حجه الاسلام والمسلمين سيد عبدالحسين روضاتي. ۱۱۴

آيه الله ميرزا اسماعيل بروجردي. ۱۱۵

سید مرتضیٰ ظہیر الاسلام. ۱۱۸

تولد و خاندان. ۱۱۸

اساتید. ۱۲۰

اجازات. ۱۲۷

اوصاف. ۱۲۹

نمونہ اشعار. ۱۳۱

وفات. ۱۳۱

شیخ محمد رضا نجفی جزن آبادی. ۱۳۴

اوصاف. ۱۳۴

وفات. ۱۳۶

۱. حجه الاسلام میرزا عنایہ اللہ نجفی. ۱۳۷

۲. میرزا ہدایہ اللہ نجفی. ۱۳۸

حاج آقا جمال الدین خوانساری. ۱۳۹

آیہ اللہ ملا علی اکبر خوانساری. ۱۳۹

ص: ۸

آیه الله شیخ محمد حسین خوانساری. ۱۴۴

آقا کمال الدین خوانساری. ۱۴۶

اوصاف. ۱۴۷

تدریس. ۱۵۰

وفات. ۱۵۲

شیخ علی فقیه فریدنی. ۱۵۵

میرزا علی مشفق. ۱۶۲

میرزا یحیی مدرّس اصفهانی.

میرزا یحیی از دیدگاه مشفق. ۱۶۵

ص: ۹

اوصاف. ۱۶۷

آثار مشفقی. ۱۶۸

شاگردان. ۱۷۶

برخی از افادات مرحوم مشفقی. ۱۷۷

نمونه اشعار. ۱۸۲

اشعار مرشد عباس گیاهی در وصف مشفقی. ۱۸۵

اشعار طالع در وصف مشفقی. ۱۸۷

وفات. ۱۸۸

مرثیه حاج مرتضی اشتری. ۱۸۹

میرزا عبدالحسین مشفقی. ۱۹۱

میرزا حیدرعلی غاضری "محفوظ". ۱۹۴

اوصاف. ۱۹۴

شرح حال منظوم. ۱۹۶

هدف عالی اعلای علی. ۱۹۹

کیست علی؟. ۲۰۱

موعظه. ۲۰۴

ص: ۱۰

از علی آموز. ۲۰۵

حکایت. ۲۰۶

چند غزل. ۲۰۹

وفات. ۲۱۱

شعر خداحافظی. ۲۱۲

شیخ غلامحسین یزدی آبشاهی. ۲۱۵

وفات. ۲۱۶

آقا سید محمد رضا سادات. ۲۱۹

سید ابوالحسن کتابی. ۲۲۱

میر محمد صادق کتاب فروش. ۲۲۱

اوصاف. ۲۲۳

ص: ۱۱

سید نور اللہ قاضی عسکر. ۲۲۵

تالیفات. ۲۲۶

وفات. ۲۲۸

آقا سید مہدی حسینی بدری. ۲۳۱

۱. سید عبدالوہاب بدری. ۲۳۲

۲. سید ابوالقاسم بدری. ۲۳۲

۳. میرزا علی محمد بدری. ۲۳۳

۴. حاج سید مہدی سینی. ۲۳۳

میرزا محمد علی مدرّس زادہ. ۲۳۷

خاندان. ۲۳۷

آثار و مکتوبات. ۲۳۸

ص: ۱۲

وفات. ۲۴۶

سید محمد صدرالواعظین شهشانی. ۲۴۷

خاندان. ۲۴۷

سید حسین شهشانی. ۲۴۹

میرزا محمد علی نحوی هرندی. ۲۶۶

میرزا محمد مهدی رشتی. ۲۵۰

ملا محمد جعفر لنگرودی. ۲۵۰

۱. حاج آقا مرتضی رشتی. ۲۵۳

۲. حاج میرزا قوام الدین رشتی. ۲۵۳

اوصاف. ۲۵۴

ص: ۱۳

خاکشیر. ۲۵۶

اوصاف. ۲۵۷

نمونه اشعار غیر هذل. ۲۶۰

وفات. ۲۶۱

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۲۶۲

مرثیه مرحوم جعفر نوا. ۲۶۳

مرثیه سید علی بدیع زادگان "هور". ۲۶۴

مرثیه احمد طلائئ. ۲۶۵

آیه الله سید محمد مقدس. ۲۶۸

تولد و خاندان. ۲۶۸

آقا سید علی مقدس. ۲۶۸

سید حسن مقدس. ۲۷۰

اساتید. ۲۷۰

۱. اجازه آیه الله العظمی حاج آقا ضیاء الدین عراقی. ۲۷۱

۲. اجازه آیه الله العظمی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی. ۲۷۲

۳. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی. ۲۷۴

۴. اجازه آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی. ۲۷۵

ص: ۱۴

بازگشت به اصفهان. ۲۷۵

اجازات آیه الله العظمی بروجردی. ۲۷۶

اوصاف و خدمات. ۲۷۸

هجرت به قم. ۲۸۴

تألیفات. ۲۹۲

کتابخانه. ۲۹۵

چند حکایت. ۲۹۶

وفات و مراثی. ۳۰۳

۱. مرثیه میرزا حبیب الله نیر..... ۳۰۴

۲. مرثیه بانو صالحی. ۳۰۵

۳. مرثیه حجه الاسلام سید مجتبی میرمحمدصادقی. ۳۰۶

۴. مرثیه آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۰۶

۵. ماده تاریخ میرزا یدالله تائب. ۳۰۸

حاج ملا علی مارینی. ۳۱۰

تولد و تحصیلات. ۳۱۰

اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۳۱۱

اجازه علامه شیخ محمد رضا نجفی. ۳۱۴

اوصاف. ۳۱۶

ص: ۱۵

وفات. ۳۱۷

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۱۷

میرزا عبدالجواد خطیب. ۳۲۰

اوصاف. ۳۲۰

نمونه اشعار. ۳۲۲

حکایت. ۳۲۶

ماده تاریخ ها. ۳۲۸

۱. ماده تاریخ وفات آیه الله شیخ محمد تقی آقانجفی. ۳۲۸

۲. ماده تاریخ وفات آقانجفی و بازگشت آیه الله حاج آقا نورالله به اصفهان: ۳۲۹

۳. آیه الله حاج شیخ محمد علی ثقهالاسلام نجفی: ۳۳۱

۴. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی. ۳۳۲

۵. شیخ علی مدرّس یزدی. ۳۳۳

۶. شیخ محمد نظام الاسلام. ۳۳۴

۷. ملا عبدالجواد واعظ باغبادرانی. ۳۳۵

ص: ۱۶

۸. سید علی نقی مسأله گو. ۳۳۷
۹. سید محمد حسن بنکدار. ۳۳۹
۱۰. میرزا محمد رضا رشتی. ۳۴۰
۱۱. میرزا محمود خاتون آبادی. ۳۴۱
۱۲. حاج محمد مهدی سمسار. ۳۴۱
۱۳. ماده تاریخ چاپ قرآن کریم با تفسیر مولوی. ۳۴۲
۱۴. ماده تاریخ آب انبار مسجد رکن الملک. ۳۴۳
۱۵. ماده تاریخ ساختمان آب انبار تکیه کازرونی. ۳۴۴
۱۶. شعر تمثال آیه الله العظمی سید محمد باقر درجه ای. ۳۴۴
۱۷. ماده تاریخ چاپ "اربعین هاشمیه". ۳۴۵
۱۸. شعر تمثال آیه الله میرزا احمد مدرّس خراسانی. ۳۴۸
- آثار خوشنویسی. ۳۴۸
- مواضع سیاسی. ۳۴۹
- مرثیه میرزا حبیب الله نیر. ۳۵۱
- ملا محمد دهاقانی. ۳۵۳
- اساتید. ۳۵۳

سید ابوالقاسم موسوی شاه کرمی. ۳۵۵

سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۶

سید ابوالحسن عاملی. ۳۵۷

۱. حجه الاسلام سید صدرالدین صدر عاملی. ۳۵۸

۲. عالم ربانی سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۹

وفات. ۳۶۱

فرزندان. ۳۶۲

۱. حجه الاسلام حاج سید محمد علی مستجاب الدعواتی. ۳۶۳

۲. آیه الله حاج سید مرتضی مستجابی. ۳۶۳

محمد علی پروانه. ۳۷۳

شرحی در باب روزنامه شمع حقیقت. ۳۷۳

نمونه اشعار. ۳۷۴

وفات. ۳۷۶

ص: ۱۸

عبداللہ ارباب. ۳۷۷

سایر مدفونین. ۳۸۰

۱. مہدی تدین. ۳۸۰

۲. شیخ محمد رضا باقری محمود آبادی. ۳۸۱

۳. حاج میرزا محمد حسین شہیر بہ حاج آقا میرزا فریدنی ۳۸۱

۴. حاج آقا حسن صدر عاملی واعظ. ۳۸۱

۵. حاج سید علی کرمانی. ۳۸۱

۶. آقا سید ہادی عطار موسوی. ۳۸۲

۷. مرحومہ زاہدہ فاضلہ حاجیہ شاہزادہ خانم دانش نژاد ۳۸۲

ص: ۱۹

۳۸۲.....

منابع..... ۳۹۲.....

۱. آیه الله سید علی اصغر برزانی. ۵۷

۲. حجه الاسلام سید محمد علی فقیهی. ۵۹

۳. آیه الله سید محمد نجفی هرسینی. ۶۰

۴. حجه الاسلام سید محمد صادق واعظ. ۶۰

اساتید آیه الله برزانی. ۶۱

اجازات. ۶۲

۱. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی. ۶۳

۲. اجازه آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۶۸

۳. اجازه آیه الله سید محمد رضا رضوی خوانساری. ۷۲

۴. اجازه آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر. ۷۴

اوصاف. ۷۶

حاج میرزا حبیب الله روضاتی. ۸۴

تولد و خاندان. ۸۴

۱. حجه الاسلام والمسلمین سید اسدالله روضاتی. ۸۷

۲. آیه الله میرزا محمود روضاتی. ۸۷

اساتید. ۹۰

اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۹۱

اجازه آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی. ۹۶

اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی. ۹۹

اجازه آیه الله سید حسین حسینی اصفهانی. ۱۰۱

تالیفات. ۱۰۴

تقریظ علامه کاشف الغطاء. ۱۰۸

حکایت. ۱۱۱

وفات. ۱۱۲

فرزندان. ۱۱۳

۱. سید ابوالحسن روضاتی. ۱۱۳

۲. حجه الاسلام سید عبدالعلی روضاتی. ۱۱۳

۳. حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی. ۱۱۴

آیه الله میرزا اسماعیل بروجردی. ۱۱۵

سید مرتضی ظهیر الاسلام. ۱۱۸

تولد و خاندان. ۱۱۸

اساتید. ۱۲۰

اجازات. ۱۲۷

اوصاف. ۱۲۹

نمونه اشعار. ۱۳۱

وفات. ۱۳۱

شیخ محمد رضا نجفی جزن آبادی. ۱۳۴

اوصاف. ۱۳۴

وفات. ۱۳۶

۱. حجه الاسلام میرزا عنایه الله نجفی. ۱۳۷

۲. میرزا هدایه الله نجفی. ۱۳۸

- حاج آقا جمال الدین خوانساری. ۱۳۹
- آیه الله ملا علی اکبر خوانساری. ۱۳۹
- آیه الله شیخ محمد حسین خوانساری. ۱۴۴
- آقا کمال الدین خوانساری. ۱۴۶
- اوصاف. ۱۴۷
- تدریس. ۱۵۰
- وفات. ۱۵۲
- شیخ علی فقیه فریدنی. ۱۵۵
- میرزا علی مشفق. ۱۶۲
- میرزا یحیی مدرّس اصفهانی. ۱۶۳
- میرزا یحیی از دیدگاه مشفق. ۱۶۵
- اوصاف. ۱۶۷
- آثار مشفق. ۱۶۸
- شاگردان. ۱۷۶
- برخی از افادات مرحوم مشفق. ۱۷۷
- نمونه اشعار. ۱۸۲
- اشعار مرشد عباس گیاهی در وصف مشفق. ۱۸۵
- اشعار طالع در وصف مشفق. ۱۸۷
- وفات. ۱۸۸
- مرثیه حاج مرتضی اشتری. ۱۸۹
- میرزا عبدالحسین مشفق. ۱۹۱
- میرزا حیدرعلی غاضری "محفوظ". ۱۹۴

اوصاف. ۱۹۴

شرح حال منظوم. ۱۹۶

هدف عالی اعلاى على. ۱۹۹

کيست على؟. ۲۰۱

موعظه. ۲۰۴

از على آموز. ۲۰۵

حکایت. ۲۰۶

چند غزل. ۲۰۹

وفات. ۲۱۱

شعر خداحافظى. ۲۱۲

شيخ غلامحسين يزدى آبشاهى. ۲۱۵

وفات. ۲۱۶

آقا سيد محمد رضا سادات. ۲۱۹

سيد ابوالحسن کتابى. ۲۲۱

مير محمد صادق کتاب فروش. ۲۲۱

اوصاف. ۲۲۳

سيد نور الله قاضى عسكر. ۲۲۵

تألیفات. ۲۲۶

وفات. ۲۲۸

آقا سيد مهدى حسینی بدرى. ۲۳۱

۱. سيد عبدالوهاب بدرى. ۲۳۲

۲. سيد ابوالقاسم بدرى. ۲۳۲

۳. میرزا علی محمد بدری. ۲۳۳

۴. حاج سید مهدی سینی. ۲۳۳

میرزا محمد علی مدرّس زاده. ۲۳۷

خاندان. ۲۳۷

آثار و مکتوبات. ۲۳۸

وفات. ۲۴۶

سید محمّد صدرالواعظین شهبهانی. ۲۴۷

خاندان. ۲۴۷

سید حسین شهبهانی. ۲۴۹

میرزا محمد علی نحوی هرندی. ۲۶۶

میرزا محمد مهدی رشتی. ۲۵۰

ملا محمد جعفر لنگرودی. ۲۵۰

۱. حاج آقا مرتضی رشتی. ۲۵۳

۲. حاج میرزا قوام الدین رشتی. ۲۵۳

اوصاف. ۲۵۴

خاکشیر. ۲۵۶

اوصاف. ۲۵۷

نمونه اشعار غیر هذل. ۲۶۰

وفات. ۲۶۱

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۲۶۲

مرثیه مرحوم جعفر نوا. ۲۶۳

مرثیه سید علی بدیع زادگان "هور". ۲۶۴

مرثیه احمد طلائی. ۲۶۵

آیه الله سید محمد مقدّس. ۲۶۸

تولد و خاندان. ۲۶۸

آقا سید علی مقدّس. ۲۶۸

سید حسن مقدّس. ۲۷۰

اساتید. ۲۷۰

۱. اجازه آیه الله العظمی حاج آقا ضیاء الدین عراقی. ۲۷۱

۲. اجازه آیه الله العظمی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی. ۲۷۲

۳. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی. ۲۷۴

۴. اجازه آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی. ۲۷۵

بازگشت به اصفهان. ۲۷۵

اجازات آیه الله العظمی بروجردی. ۲۷۶

اوصاف و خدمات. ۲۷۸

هجرت به قم. ۲۸۴

تألیفات. ۲۹۲

کتابخانه. ۲۹۵

چند حکایت. ۲۹۶

وفات و مرثی. ۳۰۳

۱. مرثیه میرزا حبیب الله نیر..... ۳۰۴

۲. مرثیه بانو صالحی. ۳۰۵

۳. مرثیه حجه الاسلام سید مجتبی میرمحمدصادقی. ۳۰۶

۴. مرثیه آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۰۶

۵. ماده تاریخ میرزا یدالله تائب. ۳۰۸

حاج ملا علی مارینی. ۳۱۰

تولد و تحصیلات. ۳۱۰

اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۳۱۱

اجازه علامه شیخ محمد رضا نجفی. ۳۱۴

اوصاف. ۳۱۶

وفات. ۳۱۷

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۱۷

میرزا عبدالجواد خطیب. ۳۲۰

اوصاف. ۳۲۰

نمونه اشعار. ۳۲۲

حکایت. ۳۲۶

ماده تاریخ ها. ۳۲۸

۱. ماده تاریخ وفات آیه الله شیخ محمد تقی آقانجفی. ۳۲۸

۲. ماده تاریخ وفات آقانجفی و بازگشت آیه الله حاج آقا نورالله به اصفهان: ۳۲۹

۳. آیه الله حاج شیخ محمد علی ثقهالاسلام نجفی: ۳۳۱

۴. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی. ۳۳۲

۵. شیخ علی مدرّس یزدی. ۳۳۳

۶. شیخ محمد نظام الاسلام. ۳۳۴

۷. ملا عبدالجواد واعظ باغبادرانی. ۳۳۵

۸. سید علی نقی مسأله گو. ۳۳۷

۹. سید محمد حسن بنکدار. ۳۳۹

۱۰. میرزا محمد رضا رشتی. ۳۴۰
۱۱. میرزا محمود خاتون آبادی. ۳۴۱
۱۲. حاج محمد مهدی سمسار. ۳۴۱
۱۳. ماده تاریخ چاپ قرآن کریم با تفسیر مولوی. ۳۴۲
۱۴. ماده تاریخ آب انبار مسجد رکن الملک. ۳۴۳
۱۵. ماده تاریخ ساختمان آب انبار تکیه کازرونی. ۳۴۴
۱۶. شعر تمثال آیه الله العظمی سید محمد باقر درجه ای. ۳۴۴
۱۷. ماده تاریخ چاپ "اربعین هاشمیه". ۳۴۵
۱۸. شعر تمثال آیه الله میرزا احمد مدرّس خراسانی. ۳۴۸
- آثار خوشنویسی. ۳۴۸
- مواضع سیاسی. ۳۴۹
- مرثیه میرزا حبیب الله نیر. ۳۵۱
- ملا محمد دهاقانی. ۳۵۳
- اساتید. ۳۵۳
- سید ابوالقاسم موسوی شاه کرمی. ۳۵۵
- سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۶
- سید ابوالحسن عاملی. ۳۵۷
۱. حجه الاسلام سید صدرالدین صدر عاملی. ۳۵۸
۲. عالم ربانی سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۹
- وفات. ۳۶۱
- فرزندان. ۳۶۲
۱. حجه الاسلام حاج سید محمد علی مستجاب الدعواتی. ۳۶۳

۲. آیه الله حاج سید مرتضی مستجابی. ۳۶۳

محمد علی پروانه. ۳۷۳

شرحی در باب روزنامه شمع حقیقت. ۳۷۳

نمونه اشعار. ۳۷۴

وفات. ۳۷۶

عبدالله ارباب. ۳۷۷

سایر مدفونین. ۳۸۰

۱. مهدی تدین. ۳۸۰

۲. شیخ محمد رضا باقری محمود آبادی. ۳۸۱

۳. حاج میرزا محمد حسین شهیر به حاج آقا میرزا فریدنی ۳۸۱

۴. حاج آقا حسن صدر عاملی واعظ. ۳۸۱

۵. حاج سید علی کرمانی. ۳۸۱

۶. آقا سید هادی عطار موسوی. ۳۸۲

۷. مرحومه زاهده فاضله حاجیه شاهزاده خانم دانش نژاد ۳۸۲

فهرست اعلام

..... ۳۸۲

منابع ۳۹۲

آقا رجبعلی "گلزار". ۲۴

گلزار از زبان شیدا. ۲۴

"گلزار" از دیدگاه دکتر محمد شفیعی. ۲۵

حکایت. ۲۷

دیوان اشعار. ۲۹

اشعار "منعم" در ماده تاریخ دیوان گلزار. ۳۳

نمونه اشعار گلزار. ۳۵

در مدح حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه. ۳۶

تک بیت هایی از گلزار. ۴۲

خاطره ای از جمالزاده. ۴۹

وفات و مرثی. ۵۰

۱. مرثیه مرحوم جعفر نوای اصفهانی. ۵۱

۲. ماده تاریخ مرحوم سید رضا بهشتی "دریا". ۵۳

۳. مرثیه محمدرضا شکیب اصفهانی. ۵۳

۴. مرثیه و ماده تاریخ سید علی بدیع زادگان "هور". ۵۴

۵. مرثیه مرشد رمضان صابر اصفهانی. ۵۵

آیه الله میر سید علی حسینی برزانی. ۵۷

خاندان. ۵۷

۱. آیه الله سید علی اصغر برزانی. ۵۷

۲. حجه الاسلام سید محمد علی فقیهی. ۵۹

۳. آیه الله سید محمد نجفی هرسینی. ۶۰

۴. حجه الاسلام سید محمد صادق واعظ. ۶۰

اساتید آیه الله برزانی. ۶۱

اجازات. ۶۲

۱. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی. ۶۳

۲. اجازه آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۶۸

۳. اجازه آیه الله سید محمد رضا رضوی خوانساری. ۷۲

۴. اجازہ آیہ اللہ العظمی سید صدرالدین صدر. ۷۴

اوصاف. ۷۶

حاج میرزا حبیب اللہ روضاتی. ۸۴

تولد و خاندان. ۸۴

۱. حجه الاسلام والمسلمین سید اسداللہ روضاتی. ۸۷

۲. آیہ اللہ میرزا محمود روضاتی. ۸۷

اساتید. ۹۰

اجازہ آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۹۱

اجازہ آیہ اللہ شیخ علی اکبر نهاوندی. ۹۶

اجازہ آیہ اللہ العظمی میرزا محمد حسین نائینی. ۹۹

اجازہ آیہ اللہ سید حسین حسینی اصفہانی. ۱۰۱

تالیفات. ۱۰۴

تقریظ علامہ کاشف الغطاء. ۱۰۸

حکایت. ۱۱۱

وفات. ۱۱۲

فرزندان. ۱۱۳

۱. سید ابوالحسن روضاتی. ۱۱۳

۲. حجه الاسلام سید عبدالعلی روضاتی. ۱۱۳

۳. حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی. ۱۱۴

آیہ اللہ میرزا اسماعیل بروجردی. ۱۱۵

سید مرتضی ظہیر الاسلام. ۱۱۸

تولد و خاندان. ۱۱۸

اساتید. ۱۲۰

اجازات. ۱۲۷

اوصاف. ۱۲۹

نمونه اشعار. ۱۳۱

وفات. ۱۳۱

شیخ محمد رضا نجفی جزن آبادی. ۱۳۴

اوصاف. ۱۳۴

وفات. ۱۳۶

۱. حجه الاسلام میرزا عنایه الله نجفی. ۱۳۷

۲. میرزا هدایه الله نجفی. ۱۳۸

حاج آقا جمال الدین خوانساری. ۱۳۹

آیه الله ملا علی اکبر خوانساری. ۱۳۹

آیه الله شیخ محمد حسین خوانساری. ۱۴۴

آقا کمال الدین خوانساری. ۱۴۶

اوصاف. ۱۴۷

تدریس. ۱۵۰

وفات. ۱۵۲

شیخ علی فقیه فریدنی. ۱۵۵

میرزا علی مشفق. ۱۶۲

میرزا یحیی مدرّس اصفهانی. ۱۶۳

میرزا یحیی از دیدگاه مشفق. ۱۶۵

اوصاف. ۱۶۷

آثار مشفقى. ۱۶۸

شاگردان. ۱۷۶

برخی از افادات مرحوم مشفقى. ۱۷۷

نمونه اشعار. ۱۸۲

اشعار مرشد عباس گياهى در وصف مشفقى. ۱۸۵

اشعار طالع در وصف مشفقى. ۱۸۷

وفات. ۱۸۸

مرثيه حاج مرتضى اشترى. ۱۸۹

ميرزا عبدالحسين مشفق. ۱۹۱

ميرزا حيدرعلى غاضرى "محفوظ". ۱۹۴

اوصاف. ۱۹۴

شرح حال منظوم. ۱۹۶

هدف على اعلاى على. ۱۹۹

کيست على؟. ۲۰۱

موعظه. ۲۰۴

از على آموز. ۲۰۵

حکايت. ۲۰۶

چند غزل. ۲۰۹

وفات. ۲۱۱

شعر خداحافظى. ۲۱۲

شيخ غلامحسين يزدى آبشاهى. ۲۱۵

وفات. ۲۱۶

آقا سید محمد رضا سادات. ۲۱۹

سید ابوالحسن کتابی. ۲۲۱

میر محمد صادق کتاب فروش. ۲۲۱

اوصاف. ۲۲۳

سید نور الله قاضی عسکر. ۲۲۵

تألیفات. ۲۲۶

وفات. ۲۲۸

آقا سید مهدی حسینی بدری. ۲۳۱

۱. سید عبدالوهاب بدری. ۲۳۲

۲. سید ابوالقاسم بدری. ۲۳۲

۳. میرزا علی محمد بدری. ۲۳۳

۴. حاج سید مهدی سینی. ۲۳۳

میرزا محمد علی مدرّس زاده. ۲۳۷

خاندان. ۲۳۷

آثار و مکتوبات. ۲۳۸

وفات. ۲۴۶

سید محمد صدرالواعظین شهشاهانی. ۲۴۷

خاندان. ۲۴۷

سید حسین شهشاهانی. ۲۴۹

میرزا محمد علی نحوی هرندی. ۲۶۶

میرزا محمد مهدی رشتی. ۲۵۰

ملا محمد جعفر لنگرودی. ۲۵۰

۱. حاج آقا مرتضی رشتی. ۲۵۳

۲. حاج میرزا قوام الدین رشتی. ۲۵۳

اوصاف. ۲۵۴

خاکشیر. ۲۵۶

اوصاف. ۲۵۷

نمونه اشعار غیر هزل. ۲۶۰

وفات. ۲۶۱

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۲۶۲

مرثیه مرحوم جعفر نوا. ۲۶۳

مرثیه سید علی بدیع زادگان "هور". ۲۶۴

مرثیه احمد طلائی. ۲۶۵

آیه الله سید محمد مقدس. ۲۶۸

تولد و خاندان. ۲۶۸

آقا سید علی مقدس. ۲۶۸

سید حسن مقدس. ۲۷۰

اساتید. ۲۷۰

۱. اجازه آیه الله العظمی حاج آقا ضیاء الدین عراقی. ۲۷۱

۲. اجازه آیه الله العظمی شیخ محمد حسین غروی اصفهانی. ۲۷۲

۳. اجازه آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی. ۲۷۴

۴. اجازه آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی. ۲۷۵

بازگشت به اصفهان. ۲۷۵

اجازات آیه الله العظمی بروجردی. ۲۷۶

اوصاف و خدمات. ۲۷۸

هجرت به قم. ۲۸۴

تألیفات. ۲۹۲

کتابخانه. ۲۹۵

چند حکایت. ۲۹۶

وفات و مراثی. ۳۰۳

۱. مرثیه میرزا حبیب الله نیر..... ۳۰۴

۲. مرثیه بانو صالحی. ۳۰۵

۳. مرثیه حجه الاسلام سید مجتبی میر محمد صادقی. ۳۰۶

۴. مرثیه آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۰۶

۵. ماده تاریخ میرزا یدالله تائب. ۳۰۸

حاج ملا علی مارینی. ۳۱۰

تولد و تحصیلات. ۳۱۰

اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی. ۳۱۱

اجازه علامه شیخ محمد رضا نجفی. ۳۱۴

اوصاف. ۳۱۶

وفات. ۳۱۷

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا". ۳۱۷

میرزا عبدالجواد خطیب. ۳۲۰

اوصاف. ۳۲۰

نمونه اشعار. ۳۲۲

حکایت. ۳۲۶

۱. ماده تاریخ وفات آیه الله شیخ محمد تقی آقاجنقی. ۳۲۸

۲. ماده تاریخ وفات آقاجنقی و بازگشت آیه الله حاج آقا نورالله به اصفهان: ۳۲۹

۳. آیه الله حاج شیخ محمد علی ثقهالاسلام نجفی: ۳۳۱

۴. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی. ۳۳۲

۵. شیخ علی مدرّس یزدی. ۳۳۳

۶. شیخ محمد نظام الاسلام. ۳۳۴

۷. ملا عبدالجواد واعظ باغبادرانی. ۳۳۵

۸. سید علی نقی مسأله گو. ۳۳۷

۹. سید محمد حسن بنکدار. ۳۳۹

۱۰. میرزا محمد رضا رشتی. ۳۴۰

۱۱. میرزا محمود خاتون آبادی. ۳۴۱

۱۲. حاج محمد مهدی سمسار. ۳۴۱

۱۳. ماده تاریخ چاپ قرآن کریم با تفسیر مولوی. ۳۴۲

۱۴. ماده تاریخ آب انبار مسجد رکن الملک. ۳۴۳

۱۵. ماده تاریخ ساختمان آب انبار تکیه کازرونی. ۳۴۴

۱۶. شعر تمثال آیه الله العظمی سید محمد باقر درجه ای. ۳۴۴

۱۷. ماده تاریخ چاپ "اربعین هاشمیه". ۳۴۵

۱۸. شعر تمثال آیه الله میرزا احمد مدرّس خراسانی. ۳۴۸

آثار خوشنویسی. ۳۴۸

مواضع سیاسی. ۳۴۹

مرثیه میرزا حبیب الله تیر. ۳۵۱

ملا محمد دهاقانی. ۳۵۳

اساتید. ۳۵۳

سید ابوالقاسم موسوی شاه کرمی. ۳۵۵

سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۶

سید ابوالحسن عاملی. ۳۵۷

۱. حجه الاسلام سید صدرالدین صدر عاملی. ۳۵۸

۲. عالم ربانی سید اسدالله مستجاب الدعواتی. ۳۵۹

وفات. ۳۶۱

فرزندان. ۳۶۲

۱. حجه الاسلام حاج سید محمد علی مستجاب الدعواتی. ۳۶۳

۲. آیه الله حاج سید مرتضی مستجابی. ۳۶۳

محمد علی پروانه. ۳۷۳

شرحی در باب روزنامه شمع حقیقت. ۳۷۳

نمونه اشعار. ۳۷۴

وفات. ۳۷۶

عبدالله ارباب. ۳۷۷

سایر مدفونین. ۳۸۰

۱. مهدی تدین. ۳۸۰

۲. شیخ محمد رضا باقری محمود آبادی. ۳۸۱

۳. حاج میرزا محمد حسین شهیر به حاج آقا میرزا فریدنی ۳۸۱

۴. حاج آقا حسن صدر عاملی واعظ. ۳۸۱

۵. حاج سید علی کرمانی. ۳۸۱

۶. آقا سید هادی عطار موسوی. ۳۸۲

۷. مرحومه زاهده فاضله حاجیه شاهزاده خانم دانش نژاد ۳۸۲

فهرست اعلام ۳۸۲

منابع ۳۹۲

ص: ۲۰

تخت فولاد سرزمین مقدّسی است که از دیر زمان مورد نظر علمای دین، عرفا، حکما و دانشمندان بوده و از شاخصه های هویت اسلامی جهان اسلام و تشیع و از نشانه های دینی، قدسی و ملی مردم اصفهان می باشد. جاذبه های معنوی، تاریخی و هنری این آرامستان آن را به یکی از بهترین مکان ها جهت جذب زائران مشتاق و توریست های، داخلی و خارجی نموده است.

پس از دستور مقام معظم رهبری و تأکید علمای بزرگ شهر مینی بر حفاظت و عمران تخت فولاد و گلستان شهدا، در دوره های گوناگون به ویژه در دوره اخیر، شهرداری اصفهان در کنار عمران تکایا و ساماندهی بافت تاریخی این مزارستان همچون بازسازی و مرمت و عمران اساسی گلستان شهدا، تکایای خواجهی، فاضل اصفهانی، میر فندرسکی، درویش عبدالمجید طالقانی، بروجردی، شیخ مرتضی ریزی، آقا محمد بیدآبادی، جهانگیرخان قشقایی، مهدوی، آغا باشی، کازرونی، صاحب روضات و ایجاد تسهیلات جهت استفاده زائران در بخش فرهنگی نیز اقدامات فراوانی انجام داده است که اهم آن ها عبارتست از:

۱- تشکیل کار گروه علمی تحقیقاتی جهت تدوین دانشنامه تخت فولاد در چهار جلد.

۲- تشکیل کار گروه مشاوران فرهنگی جهت تحلیل، بررسی و پیش برد اهداف فرهنگی.

۳- چاپ کتاب با موضوع تکایا و آثار شخصیت های مدفون در این مزارستان:

- ضیاءالقلوب (مباحثی درامات)، تألیف محمدبن عبدالفتاح تنکابنی (فاضل سراب)

- تخت فولاد اصفهان، تألیف آقای سید احمد عقیلی .

- بزمگاه دلبران، تاریخچه گلستان شهدا، تألیف دکتر اصغر منتظرالقائم.
- دانشمندان و بزرگان اصفهان، تألیف سید مصلح الدین مهدوی، تصحیح و تحقیق آقای رحیم قاسمی، دو جلد.
- مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی، به همت دکتر اصغر منتظرالقائم.
- روضه رضوان (مشاهیر تکیه کازرونی)، تألیف آقای محمد حسین ریاحی
- گلشن اهل سلوک، (مشاهیر تکیه مادر شاهزاده) تألیف آقای رحیم قاسمی.
- نگرشی بر مشروطیت اصفهان تألیف آقای سید احمد عقیلی.
- مشاهیر مزار علامه ابوالمعالی کلباسی، تألیف آقای علی کرباسی زاده.
- بوستان فضیلت (مشاهیر تکیه بروجردی) تألیف آقای حمید خلیلیان.
- احوال و آثار ملا اسماعیل خواجهوی، گردآورنده آقای سید مهدی رجایی.
- مشاهیر مطبوعاتی اصفهان مدفون در تخت فولاد تألیف آقای علی اخضری.
- شرح مجموعه گل (مشاهیر تکیه سیدالعراقین)، تألیف آقای رحیم قاسمی.
- دشت خرم (دیوان عباسعلی اصفهانی متخلص به خرم)، تصحیح علیرضا لطفی.
- حدیث خوبان (حکایات مشاهیر تخت فولاد)، گردآوری آقای حمید خلیلیان.
- گلزار فضیلت (مشاهیر تکیه فاضل هندی)، تألیف آقای رحیم قاسمی.
- بزم معرفت (مشاهیر تکیه خواجهوی)، تألیف آقای رحیم قاسمی.
- هدایهالفؤاد، تألیف ملا اسماعیل
- خواجهوی، ترجمه مرحوم شیخ احمد روحانی.
- دانشنامه تخت فولاد اصفهان، جلد اول، گروه مؤلفین.
- بزم قدسیان (مشاهیر تکیه تویسرکانی)، تألیف آقای رحیم قاسمی.
- جلوه قرآن در خاک تابان (مفسران و خادمان قرآن مدفون در تخت فولاد)، تألیف آقایان سید احمد عقیلی و حمید خلیلیان.
- ۴- راه اندازی مجموعه موزه های تخت فولاد گنجینه سنگ نوشته ها با عکس خانه و موزه روزنامه نگاران در تخت فولاد.
- ۵- برگزاری همایش در بزرگداشت مشاهیر مدفون در تخت فولاد همانند:

- همایش فاضل سراب و اصفهان عصری.

- بزرگداشت محقق و مورخ شهیر مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

۶- چاپ دهها نمونه بورشور از تکایا و زندگینامه بزرگان مدفون در تخت فولاد

۷- راه اندازی تورهای تخت فولاد شناسی و راهنمای زائران شهری و کشوری.

۸- برگزاری دوره های آموزشی اصفهان و تخت فولاد شناسی که تا کنون پنج دوره برگزار شده است.

۹- شرکت در نمایشگاه های مختلف شهری.

ص: ۲۲

۱۰- حمایت از ساخت فیلم خاک تابان.

از رسالت های مهم این مرکز در عرصه فرهنگی چاپ و احیای آثار بزرگان مدفون در این ارض مقدس می باشد و چاپ کتاب «گلزار مقدس» تألیف جناب آقای رحیم قاسمی در همین راستا به انجام رسیده است.

جا دارد در اینجا از کوششهای محقق گرامی جناب آقای رحیم قاسمی تشکر و قدردانی گردد.

مدیر دانشنامه تخت فولاد اصفهان

دکتر اصغر منتظرالقائم

عید فطر ۱۴۳۱

مطابق با ۱۹ شهریور ۱۳۸۹

ص: ۲۳

تکیه گلزار

از تکیه های زمان پهلوی است که پس از فوت مرحوم آقا رجبعلی شاعر متخلص به "گلزار" بنا گردیده و عده ای از شعرا و فضلاى اصفهان در صحن تکیه و اطاق های اطراف مدفون گردیده اند.

ص: ۲۵

فرزند حاج ملا حسین، از شعرای معروف اصفهان و اساتید فن شعر.

وی در ۱۳ رجب سال ۱۳۰۲ ق متولد شد.

از کودکی به شعر راغب و طبع شعری اش شکوفا بود.

وی از جوانی به کار قلمزنی روی آورد و به موازات کسب و کار، از طبع آزمایی نیز غافل نبود و مدت نزدیک به ۱۶ سال در انجمن دانشکده اصفهان که به همت مرحوم میرزا عباس خان "شیدا" برپا می شد شرکت می نمود.

وی از جوانی به مدح و منقبت خاندان عصمت و طهارت پرداخت و تا پایان عمر به این افتخار مباهی بود.

گلزار از زبان شیدا

ادیب دانشمند میرزا عباس خان "شیدا" در مقدمه دیوان او می نویسد:

"از بدایت حال و عهد صباوت، طبعش موزون و با مضامین بکر مشحون.

در وفا و صفا طاق و در محبت و و داد بی مانند.

قلبش آئینه سان، مجلای انوار حقیقت، مغزش مشحون از شور عشق و الفت. الحق فرشته ای است در لباس بشر و انسانی است جاذب اهل نظر.

قدمی برنداشته جز به راستی و گامی نگذاشته جز به درستی.

دل های دوستان همه مجذوب مهر اوست.

از حاصل دست رنج خود، بحمد الله، قرین سعادت و از حرفه و پیشه خویش مشمول نعمت. تاکنون جز مدح علی و اولاد علی ممدوحی نداشته و سخنی بیرون از شرط صدق و صفا نگفته.

□

چنانچه از سیمای شریفش، آنان که اهل نظرند، خواهند فهمید که یک عالم حقیقت و یک دنیا انسانیت در وجود عزیز القدرش مستور و از هر چه جز کمال نفس است دور است.

از ابتدای تأسیس انجمن دانشکده اصفهان تا نهایت که قریب شانزده سال باشد، مجمع اهل فضل را زینت افزا بودند و این بنده را قرین سعادت می فرمودند.

تمام انظار گویندگان بدیشان معطوف و بیشتر هم این بنده نسبت به این برگزیده

ص: ۲۸

اهل هنر مصروف بود؛ چه از کلامش سخن آشنا می شنیدم و از این گلزار حقیقت خرمی های فوق التصور مشاهده می کردم".

"گلزار" از دیدگاه دکتر محمد شفیعی

(۱)

مرحوم دکتر محمد شفیعی در مقدمه دیوان گلزار در سال ۱۳۳۷ ش می نویسد: "گلزار از ابتدای تولد شاعر به دنیا آمد؛ چه آن که به عقیده من شعر به تمام معنی بود. از شاعر جز لطافت طبع، رقت مضامین، تلفیق عبارات، تجسم مناظر و سایر افزارهای خودنمایی شعر، انتظارات دیگری هست که همه در سیمای ملکوتی گلزار جمع شده بود. به حکم سخن استاد بزرگ سعدی:

همه قبیله من عالمان دین بودند

مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

ص: ۲۹

۱- دکتر محمد شفیعی در سال ۱۲۹۹ ش در محله بیدآباد اصفهان متولد شد. دوره متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و همزمان دروس حوزوی را نیز فراگرفت. پس از گذراندن دوره دانشسرای تربیت معلم از سال ۱۳۲۰ به خدمت آموزگاری در وزارت فرهنگ درآمد و سالیانی به تدریس در نقاط دورافتاده پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفت و در سال ۱۳۳۴ دکترای زبان و ادبیات فارسی خود را از دانشگاه تهران گرفت. در سال ۱۳۳۶ وارد دانشگاه شیراز شد و مدت ۱۴ سال در سمت معاونت و ریاست دانشکده ادبیات و استادی به خدمت پرداخت. وی حدود ۱۲ سال نیز در دانشگاه آزاد نجف آباد و پیام نور اصفهان تدریس کرد و سرانجام در پی یک بیماری جانکاه در روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۰ ش وفات کرد و در باغ رضوان مدفون شد. کتاب "مفسران شیعه" و "فریاد کویر" که مجموعه اشعار اوست به چاپ رسیده است. گلشن نام آوران نوشته آقای محمد طاهری ص ۷۱-۶۸.

با آن که "گلزار" در خانواده حاج ملا حسین روحانی و عالم عصر خویش متولد شد، از اوان کودکی شاعر بود. کم کم شعر می گفت و با همان قیافه برای این و آن می خواند تا بالاخره شاعری به نام و سخن گویی توانا شد.

"گلزار" در غزل سرایی دست غریبی داشت. در انواع مختلفه شعر: قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع بند و ترکیب بند مهارتی به خرج داده است. مخمس بهاریه او در وصف نوروز و مدح حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام معروف است. در توحید شعر گفته و پیامبر اسلام و ائمه هدی را در آثار خویش ستوده و مدح کرده است.

در انجمن دانشکده استاد محترم آقای عباس شیدا عضویت داشته و مورد علاقه عموم شعرای اصفهان بوده است.

تعداد اشعارش به پانزده هزار می رسد؛ ولی آنچه که برای طبع آماده شده است بیش از شش هزار بیت نیست که در انواع مختلفه شعر، معرّف لطافت ذوق و قدرت طبع و قّاد اوست.

سبک شعرش عراقی متمایل به هندی است.

در بدیهه گویی قدرتی نشان داده که در خلال آثارش به آن ها اشاره می رود.

از این شاخه سرسبز شاخه ای جدا نشد و طراوت طبع و صفای خویش را مانند دیگر آرزوهای خود با خویش به گور برد...

دوستانی که قریب به چهل سال با وی آشنا بودند، یاران نزدیک او ادعا می کنند: لب "گلزار" هیچ وقت از خنده خالی نبود. قیافه معصوم وی هیچ گاه گرفته و

غضبناک به نظر نمی رسید. "گلزار" همیشه می خندید...

سجیه اخلاقی "گلزار" که معتقد استاد عزیز آقای صغیر است همان بردباری و شکیبایی اوست که روی تمام صفات و ملکات اخلاقی او را گرفته است.

اگر "گلزار" را ندیده اید با احیای این مناظر ذهنی می توانید او را بشناسید:

مردی پرهیزکار و خوش عمل،

شاعری لطیف طبع و خوش برخورد،

گوینده ای مهربان و خنده رو بود.

به هر کس با نظر علاقه نگاه می کرد.

رنجش دوستان را با حسن خلق از یاد می برد.

با همه شعرا مانوس و گاه گاه با حسن برخورد مخصوصی اشعار آنان را اصلاح می کرد. از دوستان نزدیک وی: استاد محترم آقای صغیر شاعر معاصر، خواننده معروف حضرت آقای تاج اصفهانی و رفیق مهربان او آقای غلامحسین درخشان عکاس... آقای رضا محمودزاده قلمزن که در ضمن چهل سال آشنایی و شراکت مورد علاقه وافر او بود و در ابتدای دیوان خویش به محاسن اخلاقی او اشاره کرده است.

آقای میرزا علی مشفق که انتشار دیوان وی را به عهده گرفتند و آقای "رجاء" خویشاوند سببی و یکی از نزدیکان ایشان... آقای محمد علی شکیبایی کرمانی دوست شاعر ایشان که مورد علاقه شاعر بردبار و شکیبای ما بود؛ آقای برخوردار که اغلب از محضر او برخوردار می گردید.

افسوس مرا با این گلزار معرفت و عشق وقتی اتفاق ملاقات دست داد که برف پیری پیشانی او را پوشانیده و گلچین مرگ برای قطع این درخت سالخورده آماده بود...".

□

حکایت

شاعر ارجمند جناب آقای حاج احمد خلیلیان (فرزند مرحوم میرزا علی خلیلیان رجاء) حکایت زیر را از زبان مرحوم گلزار (شوهرخاله خود) برای نگارنده نقل کرد:

مرحوم گلزار شغل قلم زنی داشت و مغازه او در بازار زیر چهارسو مخلص بود. وی چند شاگرد نیز داشت که یکی از آنان مرحوم شکیب شاعر اصفهانی بود.

مرحوم گلزار نقل می کرد: زمانی یک سینی با نقش منارجنبان ساختم که بسیار مورد توجه خریداران واقع شد و فروش آن رونق زیادی به کارمان داد. در زیر نقش منارجنبان یک بیت شعر فکاهی نیز افزوده بودیم که:

ص: ۳۲

اگر نشان طلبی صنعت صفاهان را

بیا بگیر و بجنبان منارجنبان را

سال ها از ساخت سینی منارجنبان گذشت و همچنان رونق آن برقرار بود. روزی شخصی آمریکایی به همراه مترجم به مغازه آمد. سینی را دید و پسندید. چند عدد از آن را خرید و به شاگردان هم انعام داد و رفت.

فردا پاسبانی از شهربانی آمد و مرا با خود به شهربانی برد. در آن جا بدون تفهیم اتهام، مرا بازداشت کرده و سپس تحویل زندان دادند.

مدت ده روز بدون این که بدانم جرمم چیست در زندان به سر بردم.

شب دهم، شخص بزرگواری را در خواب دیدم.

سلام کردم. پاسخ سلامم را داد و پرسید: که هستی؟

گفتم: رجبعلی گلزار.

فرمود: شاعر هم که هستی!

عرض کردم: بله.

فرمود: چرا برای منارجنبان شعر می گویی و برای ما شعر نمی گویی؟

فهمیدم که یکی از حضرات معصومین علیهم السلام است.

خواستم بپرسم شما که هستید که از خواب بیدار شدم.

دیدم بیتی به ذهنم آمده است:

فلک در گردش خود هیچ می دانی چه ها کردی؟

ز آدم تا به خاتم ظلم و کین بر انبیا کردی

این بیت را مطلع قصیده ای قرار دادم و در آن به مصائب انبیا و چهارده معصوم

اشاره کردم.

آخرین بیت را که سرودم بلندگو نامم را صدا زد که برای رفتن به دادسرا آماده شوم. به همراه مأموری به دادسرا رفتم.

قاضی نام و مشخصات مرا پرسید و یادداشت کرد. سپس گفت: می دانی برای چه به زندان افتادی؟ گفتم: نه. کشو میزش را جلو کشید و یکی از همان سینی ها را بیرون آورد و گفت: برای این.

گفتم: من ده سال است این را می سازم و از طریق فروش آن امرار معاش می کنم.

ایراد آن در کجاست؟

گفت ایراد در شعر آن است.

معلوم شد مترجم آن شخص آمریکایی، به او چنین القا کرده بوده که این شعر فحش و توهین به شما است و او که صاحب منصب بوده شکایت کرده و باعث گرفتاری من شده است.

قاضی گفت: باید تعهد بدهی که دیگر از این سینی ها نسازی.

گفتم: شعر آن را عوض می کنم و همان وقت این بیت به ذهنم رسید:

اگر نشان طلبی صنعت صفاهان را

بین به دیده عبرت منارجنبان را

قاضی قبول کرد و با دادن تعهد آزاد شدم و فهمیدم که چهارده معصوم مرا تنبیه کرده اند که چرا استعداد شعری ام را در مسیر درست به کار نگرفته ام.

ص: ۳۴

تصوير

□

ص: ۳۵

دیوان اشعار این شاعر شیرین بیان که شامل انواع مختلف شعر و به خصوص غزل است، سه بار به شرح زیر به چاپ رسیده است:

۱. در زمان رضا شاه با مقدمه میرزا عباس خان "شیدا" به وسیله شرکت کتابفروشی فردوسی اصفهان در ۱۶۷ صفحه.

۲. در سال ۱۳۷۱ق با ترتیب و تدوین میرزا علی مشفق، به خط حسین ناسخیان و به ضمیمه برخی از اشعار آقای میرزا علی خلیلیان متخلص به "رجاء"، به همت کتابفروشی اسلامیة تهران و کتابفروشی کمالی اصفهان.

مرحوم صغیر اصفهانی در این باره گوید:

حاجی کمالی آن که بود با صفا قرین

با بعضی از اعظم دوران و اهل دین

در طبع و نشر دفتر "گلزار" از خلوص

کردند سعی و لطف خدا گشتشان قرین

افتادشان به دست خوش امروز رشته ای

کان می کشد به جنتشان روز واپسین

کردند خرمن آنچه که محصول عمر اوست

خلقی ز خرمنش همه گشتند خوشه چین

دیوان شاعر آینه روی شاعر است

در این کتاب طلعت "گلزار" ما ببین

عمری تمام مدح علی گفت و آل او

در حقّ وی "صغیر" چه مدح آورد جز این

کی محو گردد از نظر او که بوده است

"گلزار" با "صغیر" چهل سال همنشین

گردید این کتاب مرتب ز "مشفق"

او را علی است ناصر و آل علی معین

□

"گلزار" در قطعه ای به زحمات مرحوم مشفق و مشتاقی در ترتیب دیوان و کوشش در طبع آن اشاره کرده و می گوید:

تعالی الله ز رای و همت والای مشتاقی

زهی بر همت والا، خهی بر رای مشتاقی

ص: ۳۷

در اول "مشفق" کوشید در ترتیب این دیوان

سپس شد طبع ز اقدامات کوشش های مشتاقی

به عالم مانده باقی زین دو تن "گلزار" اشعارت

به محشر باد یار "مشفق" مولای مشتاقی

۳. دیوان گلزار برای سومین بار به وسیله کتابفروشی ثقفی اصفهان در ۲۵۲ صفحه چاپ حروفی شده است. در این چاپ قصائد و غزلیات مرحوم میرزا علی خلیلیان متخلص به "رجاء" نیز از ص ۲۵۵ تا ص ۳۹۲ آمده است.

تقریظ "شیدا" بر دیوان گلزار

مرحوم میرزا عباس خان شیدا در تقریظ بر دیوان "گلزار" می نویسد:

"رعناترین گلی که به گلزار روزگار سر برزند، زیباترین شکوفه ای که در فصل نوبهار نهال سعادت را زینت بخشد، حمد خداوندی است - جلّ و علا - که در هر سری سرّی نهاد و در هر دلی شوری افکند؛ به اختلاف فصول، اصول خلل ناپذیر عالم ایجاد را برقرار، و به تناوب لیل و نهار بساط تبدیلات و تغییرات روزگار را استوار ساخت؛ تا دانا عبرت گیرد و نادان آسیب ملال نبیند. و درود نامعدود بر پیغمبر محمود و آل و اولاد او باد.

سپس، چون در این عصر سراسر نصر، که ایران باستانی بوستان سعادت گردیده،

□

و کشور ساسانی دشواریش به آسانی و قرین تأییدات آسمانی گشته... از هر گوشه و کنار عندلیبان گلشن انس و بلبلان خوش الحان دانش و بینش مترنم و دیوان های هوش زدا و نعمات دل ربا به معرض و نمایشگاه عالم آورده، اینک هم به نوبه خود، استاد فضل و بلاغت و سخن سنج بی همال فصاحت، آقای رجبعلی گلزار، چشم اهل هنر را روشن و گلستان طبع مستعدان را طراوتی به سزا بخشیده، از نشر این کتاب مستطاب و دیوان حقایق و دقایق، دری از خلد گشوده و شمیمی از نسایم فرح افزای فردوس آورده و دماغ جان هر صاحب ذوقی را معطر ساخته.

گر صدق سخن خواهید دفتر را برگشاید تا دقایق حقیقت بنگرید و دیوان را باز کنید تا حقایق و لطایف مشاهده کنید، که گل را باید دید و لذت برد و شاهد شکر را باید چشید و شیرین کام گردید. نافه را باید برگشود تا مشام جان معطر شود و سخن گوینده را باید شنود و به میزان درایت سنجید تا به کنه آن رسید."

اشعار "منعم" در ماده تاریخ دیوان گلزار

(۱۳۵۳)

میرزا شکرالله منعم (۱) که به نوشته شیدا: "الحق والانصاف استاد شعر و ادب و جامع فضایل و کمالات صوری و معنوی" بوده، قطعه ای در تاریخ "دیوان اشعار آبدار حضرت گلزار، رفیق شفیق و دوست با تحقیق" خود سروده که چنین است:

ص: ۳۹

۱- شاعر شیرین سخن و ادیب عارف. از شعرای مشهور اصفهان که به شغل زرگری اشتغال داشته و در انواع فنون سخن استاد بوده و به گفته خودش بیش از صد هزار بیت شعر سروده بود. وی در شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳۶۰ ق وفات نمود و در تکیه آغاباشی مدفون گشت.

لوحش الله از این دفتر پرمایه نغز
که بود سحر حلال، ار که نباشد اعجاز
از مضامین نو و تازه که درج است در او
جای دارد که بگوییم بود مخزن راز
در صفاهان بشکفت این گل و بوی او رفت
تا به تبریز و خراسان و عراق و شیراز
باشد این دیوان بزمی که ز اشعار در اوست
گلغذارانِ کش و لاله رخانِ طناز
هر کجا وصف می و جام شده در شعری
مستمع مست شود زان چو خمار از بگماز
اندر این ملک به تصدیق همه اهل سخن
شهد الله که بود روح فزا و ممتاز
نیست اغراق اگر گویم "گلزار" بود
به قصیده چو "شهاب" و به غزل همچو "نیاز"
هر یکی بیت که در او شده از خوبان وصف
هست بزمی که پر از لعبت چین است و طراز
کلماتش زده فریادِ درستی آری
بلبلانش ز شعف گشته به هم، هم آواز
گر به دقت به مضامین بدیعش نگری
مرغ روح آید از بوی خوشش در پرواز
قصه کوتاه، سر زلف سخنانش به کف آر
خوش نگه دار که باشد سر این رشته دراز

بی زبان باری کردند چو در این گلزار

بلبل آسا سخنان نغمه سرایی آغاز

بلبل ناطق "منعم" پی تاریخش گفت:

"گل گلزار معانی بشکفته چو بناز"

نمونه اشعار گلزار

اشاره

تا می عشقت مرا شد در ایاغ

لحظه ای از غم نمی یابم فارغ

شب به یاد شمع رخسارت خوشم

شکر لله نیستم شب بی چراغ

جز که در چاه زنخدانت دگر

یوسف دل را کجا گیرم سراغ

تا بهار است و بود گل در چمن

خوش بود با لاله رویی طرف باغ

خیز چون بلبل سوی گلشن رویم

حالی کز باغ بیرون رفت زاغ

ساقیا از زهد خشک افسرده ایم

خیز و کن از باده ما را تر

دماغ کی ز گل "گلزار" را

باشد نشاط کز غمت دارد به دل چون لاله داغ

دلبر ما بر سر ناز است باز
در بر او دل به نیاز است باز
دوخته ام چشم و دل از ماسوی
لیک به دیدار تو باز است باز
دیده محمود شده پر ز خاک
باز به دیدار ایاز است باز
قصه گیسوی تو کوتاه کرد
عمر من و قصه دراز است باز
سوختم از عشق تو زین شرر
سوخته را سوز و گداز است باز
خواجه بسی سیم و زر اند و خسته
وز پی زر در تک و تاز است باز
ما پی فرمان نگر فتم لیک
خواجه ما بنده نواز است باز
مطرب اگر نغمه داود زد
بر سر ما شور حجاز است باز
دین و دلش بردی و "گلزار" را
بر خم ابروت نماز است باز

در مدح حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه

ای منفعل ز روی تو خورشید خاوری
وی پا به گل ز رشک قدت، سرو کشمیری
شد رایت نکویی سرو چمن نگون
تا سرو قامت تو علم شد به دلبری
باشند در سپهر ملاحظت، رخ تو را
خورشید و ماه و زهره و مریخ، مشتری
بی مثل آفریده تو را حق که از بشر
در حسن با تو کس ننماید برابری
آگه شوی ز حال دل دردمند من
یک بار اگر در آینه بر خویش بنگری
ای مه چه باشد از بنوازی مرا ز مهر
زیرا کمال مهر بود ذره پروری
چون خاک در ره تو فتادم بدین امید
باشد که بر سرم ز سر ناز بگذری
ای خواجه حال زار ضعیفان گهی پرس
شکرانه ای که داده خدایت توانگری
زر کن مس وجود خود از کیمیای عشق
تا بی نیاز گردی از این کیمیاگری
دانی چه مقصد است در این جا ز کیمیا
اندوختن به حقه دل، مهر حیدری

شاهنشاه سریر سلونی که قدرتش
کرد از ازل به کشتی ایجاد لنگری
خواندش خدا ولیّ خود و مصطفی وصیّ
به به بر این مقام و بر این عزّ و سروری
غیر از عالی ندید کسی را که مصطفی
سازد مخاطبش به خطاب برادری
ای دل اگر سعادت دارینت آرزوست
کن پیروی ز مذهب و آئین جعفری
از حق بجو فرج به ظهور ولیّ عصر
شاهنشاه زمین و زمان، پور عسکری
مولای جنّ و انس که از بندگی حق
باشد به ماسوی اللہش از رتبه، برتری
شاهی که پیش درگه او هر شب آسمان
بندد ز کهکشانش، کمر از بهر چاکری
کمتر گدای درگه او، پادشاهیش
تا مه ز ماهی و ز ثریاست تا ثری
شد در زمانه ختم امامت به شخص او
چونان که ختم شد به پیمبر پیمبری
شاهها توئی که امر خلاق به دست توست
بنوشته حق به نام تو طغرای داوری
بین سوی مادحت به عنایت که راستی
پشتش شده ز کثرت آلام چنبری

من مادح تو باشم و از بی عدالتی
با من جهان سفته کند این ستمگری
"گلزار" تا به مدح و ثنای تو دم زند
از اهل نطق برده سبق در سخن وری

* * *

یا چو رخسارت گلی در گلستان باشد، نباشد
جز تو در عالم کسم اندر نظر آید، نیاید
غیر نام تو مرا ورد زبان باشد، نباشد
بوی زلف عنبرینت مشک چین دارد، ندارد
بوی زلف عنبرینت مشک چین دارد، ندارد
بوی زلف عنبرینت مشک چین دارد، ندارد
کس چو ابرویت هلال ماه نو دیده، ندیده
همچو چشمت فتنه در آخر زمان باشد، نباشد
سبزه ای همچون خطت در گلستان روید، نروید
چون دهانت کوثری اندر جهان باشد، نباشد
دل به جز بر طاق ابرویت نماز آرد، نیارد
غیر کویت قبله ای اندر جهان باشد، نباشد
غیر نرد جور و کین، با عاشقان بازی، نبازی
مدعایت از حریفان غیر جان باشد، نباشد
من به نرد عشق تو جز جان و دل بازم، نبازم
در قمار عشق تو کس را زیان باشد، نباشد

کس چو من در عاشقی بی پا و سر گردد، نگردد

چون تو معشوقی سراپا دلستان باشد، نباشد

بر تن از بار غم هجرت توان ماند، نماند

جز می وصلت مرا قوت روان باشد، نباشد

لرزه بر جسمم جز از بیم فراق افتد، نیفتد

دل جز از یاد وصال شادمان باشد، نباشد

جز غمت "گلزار" را در سینه جا گیرد، نگیرد

یا دل او غیر عشقت را مکان باشد، نباشد

تا که هستم زنده جز مدح علی گویم، نگویم

مدح دونان جز پی اخذ دو نان باشد، نباشد

* * *

به بزم، دختر رز تا ز رخ نقاب گرفت

به یک کرشمه دل و دین ز شیخ و شاب گرفت

غریو باده کشان از زمین رسید به چرخ

چو پیر میکده بر کف بط شراب گرفت

مرا که هست در این ورطه نوح کشتیان

چه باک از آن که جهان را تمام آب گرفت

چگونه خواب در آید به چشم ما شب هجر

که انتظار تو در دیده راه خواب گرفت

به غیر عشق تو از کشور خراب دلم

خراج، کی شهی از کشور خراب گرفت؟

به پیچ و تاب شد ار زلف او به رخ، نه عجب
که مو در آتش سوزنده پیچ و تاب گرفت
شده است روز من از شب سیاه تر کامروز
مهم ز گیسوی مشکین به رخ نقاب گرفت
بگو به ماه چه لافی ز حسن در بر او
که باج حسن، مه من ز آفتاب گرفت
ملک، به دیده، تراب رهش کشد "گلزار"
کسی که همچو تو دامان بو تراب گرفت

* * *

در نرد عشق، باختن جانم آرزوست
بگذشته ام ز جان، رخ جانانم آرزوست
من مرغ قدسیم، ز چه مانم در این قفس؟
پرواز سوی روضه رضوانم آرزوست
دلتنگ شد در این قفس و آشیان تن
آب و هوای ساحت بستانم آرزوست
چون بلبل از خزان فراق شدم خموش
در باغ وصل، ناله و افغانم آرزوست
بنشسته ام در آتش عشق تو چون خلیل
"بردا سلام" گو که گلستانم آرزوست
عمری است دل به عشوه چشم تو بسته ایم
یک غمزه زان دو نرگس فتانم آرزوست

خواهم از آن لب نمکینت تبسمی
یاللعجب شکر ز نمکدانم آرزوست
بنما میان ظلمت گیسو رخت که من
در شب، فروغ مهر درخشانم آرزوست
بی باده وقت شد که رود روحم از بدن
ساقی بیا که باده ریحانم آرزوست
من تشنه مردم و لب تو آب زندگی است
بنمای لب که چشمه حیوانم آرزوست
"گلزار" شد چو لاله دلم داغدار هجر
یک دم وصال آن گل خندانم آرزوست

تک بیت هایی از گلزار

چنان از عشق لیلی طلعتان "گلزار" شد شیدا
که مجنون می شود، کس بوید ار برگ گیاهش را
"گلزار" پای رفعتش از نه فلک گذشت
تا جای در پناه شه انس و جان گرفت
سایه پیر مغان جوی چو "گلزار"
تا شوی ایمن ز آفتاب قیامت
کار "گلزار" نه امروز کشیده به جنون
روزگاری است که دیوانه مه سیماییست
فتاد عکس تو ای گل به دیده "گلزار"
که عالمش به نظر سر به سر گلستان است

هزار مرتبه "گلزار" توبه کرد زمی
چو شد بهار و گل آمد به باغ توبه شکست
در بیابان طلب تشنه بماند م "گلزار"
خضر کو تا مگر این سوخته را آب دهد
"گلزار" را نبود چشم بر گلی
از آن زمان که بر گل رویت نظاره کرد
بنده پیر خرابات شدم چون "گلزار"
تا به گلزار سخن حسن کلام دادند
عشق "گلزار" به حسن تو بد آن روز
نه ز وامق سخنی بود و نه از عذرا بود
عشق می بادیت ار طالب یاری "گلزار"
کی خرد راه به سرمنزل جانان دارد
کسی گر از تو جوید منزل "گلزار" را ای دل
بگو عمریست منزل در خرابات معان دارد
در جهان هرگز نگردد پیر از بیداد دهر
هر که چون "گلزار" می در عهد برنایی کشد
حرارتی بود از عشق بر دل "گلزار"
که هیچ کس نتوان دفع این حرارت کرد
ای گل مگر از گلشن وصل تو به عالم
جز خار جفا قسمت "گلزار" نباشد
ز عراق و ترک و زابل چه زنی ترانه مطرب
که همیشه میل "گلزار" سوی حجاز باشد

بلبل این ناله ز گلزار بیاموخت بلی
شود استاد کس ار خدمت استاد کند
دور از خم گیسوی تو حال دل "گلزار"
مانند غریبی است که دور از وطن افتد
بشوی ز آب می امروز خرقة را "گلزار"
و گرنه روی تو فردا سیاه خواهد بود
عشق بلبل سبب شهرت گل شد "گلزار"
ورنه حرفی به جهان از گل و گلزار نبود
"گلزار" بُد همیشه به تحصیل نام نیک
فارغ به راه عشق تو از ننگ و نام شد
کنندیم چو "گلزار" ز دل خار هوس را
در گلشن عشق تو چو ما را گذر افتاد
ز بی نیازی "گلزار" از جهان نه عجب
رود هر آن که به میخانه بی نیاز آمد
گر رسد مزده وصل تو به "گلزار" ای گل
از تماشای گلستان جنان در گذرد
همیشه خرم و سبز است حاصل "گلزار"
که دیده ای ز غم عشق، رشک یم دارد
وقت آن خوش که چو "گلزار" در این دیر کهن
وقت او صرف، سراسر به می و مینا شد
"گلزار" چون می از خم وحدت کنی به جام
بر دوش جبرئیل سبوی تو می کشد

نه عجب گر کنم اعجاز مسیحا "گلزار"

تا مرا ذکر لب یار به لب می گذرد

همچو "گلزار" ز خود بیخبرانند به عشق

که ز حسن تو به عالم خبر انداخته اند

ما فارغیم از ماسوی، زیرا که در روز جزا

نبود به غیر از مرتضی چشم امید ما به کس

ای خسرو دنیا و دین، ای مصطفی را جانشین

"گلزار" را بین بی معین، فریاد رس، فریاد رس

"گلزار" آن چنان به جهان زی که همچو گل

باشی همیشه جلوه گر از رنگ و بوی خویش

ز آفتاب قیامت چه غم مرا "گلزار"

که هست بر سر من سایه شه لولاک

بی سر و پا شو به راه عشق چو "گلزار"

تا کنی از بهر خویش کسب فضائل

اگر چه گلشن عیش مراست فصل خزان

مرا به چشم کم ای گل مبین که گلزارم

تا شنیدیم به ویرانه بود مسکن گنج

همچو "گلزار" به یک مرتبه ویرانه شدیم

"گلزار" دل کشید به عشق و جنون مرا

چون شکر دل کنم که فزود اعتبار من

بود افتخار "گلزار" به عشقت این بس ای گل

که بماند از تو و من، به زمانه داستانی

تصوير

□

ص: ۵۲

تصوير

□

ص: ۵۳

نویسنده شهیر محمد علی جمالزاده در ماهنامه یغما (بهمن ۱۳۴۲ش) خاطره دیدار خود با مرحوم "گلزار" را بدین شرح نگاهشته است:

در یکی از مسافرت هایم به اصفهان جنت بنیان، چنان که عادت داشتم با لذت تمام، ساعت ها در بازارها به سیاحت مشغول شدم. در نزدیکی میدان شاه و در مجاورت سرای گلشن... در دکان محقری استاد و شاگرد با صورت های محبوبی که خاکستر و غبار بر آن نشسته بود سرگرم کار خود بودند و صدای چکش گوش را کر می کرد. سلام دادم و پرسیدم: برای شما ممکن است برای من یک لامپادر بسازید؟

استاد که ریش کوتاهی داشت و عمامه مانند مختصری بر سر داشت پرسید مقصودتان چیست؟ بیان کردم: چنانکه می دانید لامپادر عبارت است از میله ای از چوب یا فلز به طول تقریباً یک متر و نیم که پایه عریض تری دارد و بر بالای آن آمپول های برق را نصب می کنند و جابجایی از پارچه یا جنس دیگری بر روی آن استوار می سازند به طوری که نور برق چشم را آزار ندهد و در تالار پذیرایی می گذارند.

بالاخره شکسته بسته با مداد، نقش خام و ناقصی به روی کاغذ کشیدم و به دست استاد دادم. گفت: تا ببینم چه از آب درخواهد آمد.

خدا نگهدار گفتم و به تهران برگشتم. دو هفته بیشتر نگذشته بود که دو صندوق به اسمم رسید. معلوم شد لامپادر معهود است که از برنج قلم زده ساخته اند.

صورت حساب بسیار مختصر بود و در مقابل آن همه کار و صنعت و قلمزنی به

راستی ناچیز به نظر رسید.

لامپادر را با خود به ژنو آوردم وزینت منزل خود قرار دادم.

هرکس دید، از مهارت و ذوق سازنده تعجب کرد. در قسمت بالای آن که فراخ تر بود با خط نستعلیق بسیار ممتاز اشعاری قلمزنی شده بود.

خواندنش کار آسانی بود و برای دوستان و آشنایان فرنگی ترجمه کردم و همه بر ذوق استاد گمنام اصفهانی آفرین خواندند. دو رباعی از این قرار است:

رباعی اول:

خواهی که شوی به مردمی افسانه

یار دگران باش و ز خود بیگانه

چون شمع به نفع دگران سوز که خلق

گردند فدائی تو چون پروانه

رباعی دوم:

با خلق جهان ز پادشه تا درویش

آن کن که نباشی به مکافات پریش

تا نام تو دیگران به زشتی نبرند

نیکی کن و نیک گوی و نیکو اندیش

چند سالی گذشت و باز گذارم به اصفهان افتاد. به سراغ استاد رفتم. پیدا کردن دکانش آسان بود چون در بالای لوحه ای بود به اسم "گلزار".

دیدم دکان کوچک تر شده و تنها شاگرد استاد به جای استاد نشسته و با همان سر و صورت غبارآلود مشغول کار است.

ص: ۵۶

سلام دادم و پرسیدم استاد کجاست؟ و آشنایی دادم. بسیار مسرور شد. تعارف کرد و چای سفارش داد و با یک دنیا افسوس و حسرت خبر وفات استاد را داد. پرسیدم اشعاری که روی جاب آن چراغ نوشته شده بود از آن کیست؟

گفت: خود استاد شعر هم می گفت و دیوانی دارد. (۱)

وفات و مرثی

اشاره

ندیدم چون وفاداری ز کس، "گلزار" در عالم

خیال دوری از نوع بشر دارم، خدا حافظ!

"گلزار" این شاعر با فضیلت سرانجام در ۱۹ رجب سال ۱۳۶۶ ق وفات یافت.

سنگ نوشته مزار او چنین است:

آرامگاه مرحوم رجبعلی گلزار، ولد مرحوم حاج ملا حسین، به تاریخ دوشنبه

ص: ۵۷

۱- مجله یغما سال ۱۶ ش ۱۱ ص ۴۹۵ - ۴۹۴. با تشکر از دوست گرامی جناب آقای اعرابی.

نوزدهم رجب ۱۳۶۶.

چو بلبل این همه افغان و آه از آن دارم
که مرغ قدسم و در خاک آشیان دارم
فرشته ملکوتم، به دیو نفس دچار
ستاره فلکم، جا به خاکدان دارم
در این سراچه فانی دلم بسی بگرفت
هوای زندگی ملک جاودان دارم
کجایی ای اجل ای مایه حیات ابد
که انتظار قدوم تو را به جان دارم
همین بس است شرافت مرا ز بخت جوان
که پیر میکده را سر بر آستان دارم
مرا چه باک بود از گنه که روز جزا
به دست، دامن سلطان انس و جان دارم
علی شهنشه دنیا و دین که چون "گلزار"
به دل محبت او را چه جان نهران دارم

ص: ۵۸

خزانه گلزار

۵۶ سال پیش (یعنی در ۱۳۰۲ قمری) در گلستان شعروادب شور و نشاطی برپا شد.
 گلها بهم بکنند نمیزند. بلبلان روی شاخهای درخت نوائی سر داده شکفتن غنچه زیبا را که نسیم صبحگاهی
 پرده از روی اسرارش بر میافکند بیکدیگر تنهت میگفتند. هوا ملایم بود، نسیم میوزید، آبها
 بالا میآمد و این همه لحظه دیده بدنیای تازه بازتر میکرد. این غنچه نو شکفته ضامن سرسبزی بوستان ذوق
 و صفا بود و کاروان عشاق را با آهنگ ملایم خود راه میبرد گلها بهم میگفتند. خرم روزگاری که این غنچه باز
 و چون ستاره درخشان در آسمان عشق و وفا بگردد. این لاله سرخ قام مایه آفتاب چمن شعروادب خورشید
 و شکفتنی افق در محبت خداوند زیبا و جمال امانت خواهد نمود. غنچه از هم شکفته تر میشد بدون آنکه پروا
 از چیزی بلبغان انگشت گلشن داشته باشد رشد میکرد هر چه از عمر او میگذشت بیغداد شیفتگان او افزود
 میشد تا آنجا که چشم و چراغ گلستان. بشی که در حرم خانه او ملائکه سرود تولد او را میخواند و فرشتگان ذوق
 و لطافت او را در میان گرفته و گلزارش نام گذارند از آن بعد پویا چه پیش نشاط انگیز بود و پروانه های خوش
 اطراف او اگر خدا هم باقیه آسمان خود درین آنها مقصود میبازداری میکرد. گلزار از ابتدای تولد شاعر بنام
 چه آنکه بقیه شعر تمام معنی بود. از شاعر خیر لطافت طبع - رقت مصابین - تلفیق عبارت - تجسم مناظر و سایر افرات
 جوانی شعر نظارت دیگری هست که همه در سیاهی ملکه گلزار جمع شده بود. حکم سخن از بزرگ معدی
 دین و پیرامون علم عشق تو شاعری آمیخت) با آنکه گلزار در خانواده حاج ملازم و حانی و عالم عصر خویش
 از او کوکی شاعر بود کم شعر میگفت و با این قیافه برای این آن میخواند با بلاغه شاعری نام و شکل که توانا شد
 گلزار در نظر سواد عشق بی داشت. در انواع مختلفه شعر، قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع بند، ترکیب دوبیتی
 پنج داده است. محسن بهایه او در و نوز و و ملح حضرت علی بن ابی طالب معرفت در توحید شعر گفته و پیامبر اسلام و
 هدی را در آثار خویش ستوده و ملح کرده است. در این بخش از اشعار است مآثرم آقای عباس شیدا عضو هیئت
 و مورد علاقه عموم شعرای صفتان بوده است. مقدار اشعارش پانزده هزار میرسد ولی آنچه که
 برای طبع آماده شده است. پیش از نشرش هزار بیت نیست که در انواع مختلفه شعر معنی و لطافت

(۱)

ز من گوئید مرغان چمن را
که برچینند دیگر انجمن را
اگر آهنگ مرغان خوش الحان
به گوشم خوش نیاید در گلستان
مبادا پیش من گوید کسی: گل
که من بیچاره تر هستم ز بلبل
که بلبل را بود با گل سر و کار
ولی باشد مرا الفت به گلزار
خزان، بلبل به زیر پر کند سر
ولیکن تا بهار سال دیگر
چو گل را می کشد از نو در آغوش
کند درد و غم دیرین فراموش
دل من زین مصیبت بی قرار است
که گلزارم خزان فصل بهار است
دگر زین پس مرا شادی نباشد
ز قید غصه آزادی نباشد
که می دانند یاران سخندان
جهان بی دوست زندان است زندان

ص: ۶۰

بدون صحبت یاران جانی
محبان را چه سود از زندگانی
به یاد روح آن یار گرامی
بیارم چند بیتی از نظامی
"شنیدستم که افلاطون شب و روز
به گریه داشتی چشمی جهانسوز
پرسیدند از او کاین گریه از چیست؟
بگفتا: چشم کس بیهوده نگریست
از آن گریم که جسم و جان دمساز
به هم خو کرده اند از دیرگه باز
جدا خواهند شد از آشنایی
همی گریم من از روز جدایی"
"نوا" را جان شیرین بود "گلزار"
تن بی جان ندارد هیچ مقدار

۲. ماده تاریخ مرحوم سید رضا بهشتی "دریا":

(۱)

از رحلت "گلزار" گل گلشن جان
گلزار ادب گشت به یک باره خزان
"دریا" پی تاریخ وفاتش بسرود:
"گلزار جهان رفت به گلزار جنان"

ص: ۶۱

(۱)

جان سخت برون آید از قالب جسمانی
"گلزار" از این مشکل، خوش رست به آسانی
آن کس که زند سرخوش یک جرعه می وحدت
در پا فکند از کف، پیمانۀ امکانی
از شوق رخ جانان هر کس نسپارد جان
در کیش سبک سیران باشد ز گران جانی
دنیا به ره عقبی در پایه پلی باشد
کز آن گذرد آخر، هر عالی و هر دانی
این منزل ویرانه آباد نمی پاید
کامی نبود در آن جز حسرت و حیرانی
گلزار معانی شد در ماه رجب پژمان
شد بلبل طبع وی خامش ز غزل خوانی
تاریخ وفات او بنوشت "شکیب" از جان
در دفتر دانایی از راه سخن دانی
از باغ جنان بلبل سر کرد برون گفتا:
"گلزار می گلگون، زد از خم روحانی"

ص: ۶۲

(۱)

ای دل، ز عمر، کس به جهان لذتی نبرد
تا لقمه ای ز خوان کمال و ادب نخورد
کن همّتی چو دست رسد، پس پی کمال
زان پیش تر که بانگ برآید فلان بمرد
چون این فقید راد که با بردنش اجل
گفتی گلوی دانش و فضل و ادب فشرده
گلزار فنّ و شعر و ادب را خزان نمود
"گلزار" تا روان به روان آفرین سپرد
افسوس رفت و داغ غمش را به جا نهاد
وز قلب خویش رنگ فراق جنان سترده
روز دوشنبه هجده خرداد و از رجب
بُد روز نوزده که از این ورطه رخت برد
بنوشت کلک "هور" به تاریخ فوت او:
"گلزار فنّ و شعر و دُها از اجل فسرد"

۵. مرثیه مرشد رمضان صابر اصفهانی

گلی ز گلشن اهل ادب خزان گردید
ز تند باد اجل ناگهان به فصل بهار

ص: ۶۳

غلام شاه ولایت، رجبعلی که به عمر
نداشت کار دگر غیر مدحت ده و چار
به عصر خویشتن آن اوستاد کامل بود
چو شیخ و خواجه مسلط؟ این اشعار
هزار حیف از آن شمع بزم اهل ادب
که روز روشن ما را نمود چون شب تار
خطاب ارجعی اش چون رسید از سر شوق
بیست رخت سفر زین جهان بی مقدار بگفت
از پی تاریخ رحلتش "صابر":
"بگلستان جنان... از جهان گلزار"

(۱۳۶۶)

ص: ۶۴

اشاره

فقیه زاهد متقی، از علما و ائمه جماعت اصفهان.

خاندان

اشاره

وی از سادات حسینی بود و نسبش به میر سید علی بن میر عماد الدین محمد، مدفون در گورت (جد سادات خاتون آبادی) می رسید.

پدرش: عالم عامل و عابد کامل حجه الاسلام آقا سید محمد حسین حسینی از علمای محله برزان از روستاهای کنار اصفهان بود. از زندگانی و خصوصیات وی اطلاعی نداریم.

فقیه و عارف کامل آیه الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی در اجازه به آیه الله برزانی، از پدرش با عنوان: "السید الجلیل والمولی النبیل، العالم العامل العابد الکامل السید محمّد حسین وقاه الله من کلّ شین" یاد کرده است.

آیه الله سید محمدرضا رضوی خوانساری نیز در اجازه خود به آیه الله برزانی پدر او را: "سید العلماء الصالحین والفضلاء المّتّقین" خوانده است.

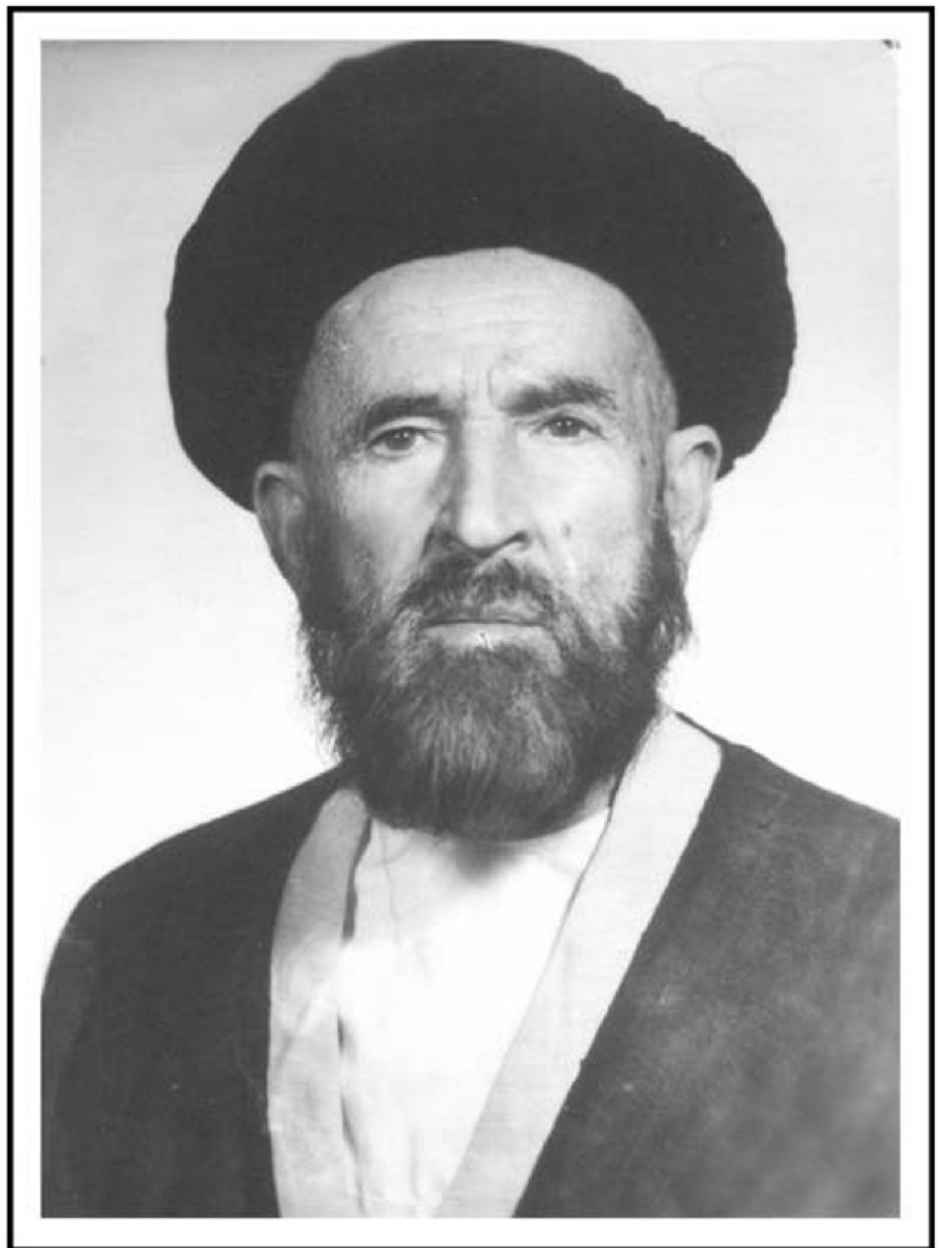
سید محمد حسین در حدود سال ۱۳۵۹ق وفات کرد و در تخت فولاد حوالی تکیه صاحب روضات مدفون شد.

از او پنج فرزند پسر باقی ماند که همگی از علما و صلحا بودند و به جز آیه الله میر سید علی عبارتند از:

۱. آیه الله سید علی اصغر برزانی

عالم فاضل زاهد، از مدرّسین عالی مقام اصفهان که در تدریس کتاب "فوائین الاصول" استادی منحصر به فرد و بی نظیر بود.

وی در سال ۱۳۰۳ق متولد شد. مدت دوازده سال در اصفهان به درس آیه الله العظمی سید محمد باقر درچه ای حاضر شده، و پس از فوت ایشان در سال ۱۳۴۲ق به نجف اشرف مهاجرت نموده و سال ها از محضر درس آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی و میرزا محمد حسین نائینی بهره برد و پس از نیل به مقام عالی اجتهاد به اصفهان مراجعت نمود. (۱)



ص: ۶۶

مرحوم استاد محمد ابراهیم جواهری درباره ایشان می نویسد:

بیش از ۴۰ سال "فوانین" و "مکاسب" و "کفایه" و سایر کتب ادبی و دینی را در مدرسه صدر تدریس کرد. عالمی پرهیزکار و نظیف و مرتب و منظم بود. بیان خوبی داشت. طلبّ زیادی از او "فوانین" را فرا گرفتند. (۱)

روزها در مدرسه بود و شب ها به برزان می رفت.

از املاک موروثی اعاشه می کرد و خمس و سهم امام از کسی نمی گرفت.

غالباً فردی نماز می خواند. در اصفهان غیر از خواص کسی او را نمی شناخت؛ زیرا در مجالس و محافل عمومی حاضر نمی شد. تا سال های آخر عمر به مدرسه می آمد. (۲)

آیه الله برزانی عالمی متواضع و مهربان و دائم الذکر و در نظافت و نظم ضرب المثل بود. با این که از نظر حافظه ضعیف بود ولی کوشش و پشتکار ایشان سبب شد که به مراتب بلند علمی برسد و از آیات عظام: فشارکی، اصفهانی، نائینی، عراقی و حاج شیخ عبدالکریم حائری مجاز گردد. وی در سنین پیری هم سالیانی شنبه به مدرسه صدر می رفت و چهارشنبه از مدرسه به خانه باز می گشت تا تمام

ص: ۶۷

۱- برخی از شاگردان ایشان عبارتند از حضرات آیات: ۱. شهید سید ابوالحسن شمس آبادی ۲. سید محمد علی صادقی ۳. میرزا محمد تقی مجلسی ۴. ابراهیم امینی ۵. شیخ رمضانعلی املاتی ۶. حاج آقا فخرالدین کلباسی ۷. شیخ محمد باقر صدیقین ۸. حاج آقا حسن فقیه امامی ۹. سید علی اکبر واعظ.

۲- دست نوشته های مرحوم جواهری، مخطوط.

مجلس را دگرگون و شرکت کنندگان را شدیداً گریان می نمود. در روز عاشورا روی منبر عمامه از سر برمی داشت و کاه بر سر خود می ریخت.

در اواخر عمر می فرمود: من شب جمعه از دنیا می روم. و هنگامی که شب جمعه می گذشت می گفت: معلوم می شود که تا شب جمعه آینده زنده هستم.

وی عاقبت در شب جمعه ۱۲ رجب سال ۱۳۶۲ق از دنیا رفت و در پایین پای پدر بزرگوار خود مدفون شد. (۱)

۳. آیه الله سید محمد نجفی هرسینی

از علمای اعلام، مقیم شهرستان هرسین.

وی در حدود ۱۳۲۵ق در اصفهان متولد شد. پس از فراگیری مقدمات و قسمتی از سطوح در اصفهان به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام: سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمد حسین نائینی و دیگران بهره برد.

آنگاه به تشویق مرحوم آیه الله شیخ فرج الله کاظمی هرسینی به هرسین عزیمت کرده و رحل اقامت افکند و به اقامه جماعت و تبلیغ دین و ترویج مذهب اشتغال ورزید. (۲)

وی در همان شهر رحلت نمود. مدفنش زیارتگاه مردم است.

۴. حجه الاسلام سید محمد صادق واعظ

از ذاکرین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که ارادت خاصی به آن حضرت

ص: ۶۹

۱- نوری از مصباح واعظ ص ۱۶۰.

۲- گنجینه دانشمندان ج ۶ ص ۳۷۸.

داشت. از ویژگی های او اهتمام به صلّه ارحام بود. وی با وجود تنگدستی اهل بذل و بخشش و دارای صفت سخاوت بود.

او در سال ۱۳۵۰ ش وفات کرد و در تکیه صاحب روضات مدفون شد. (۱)

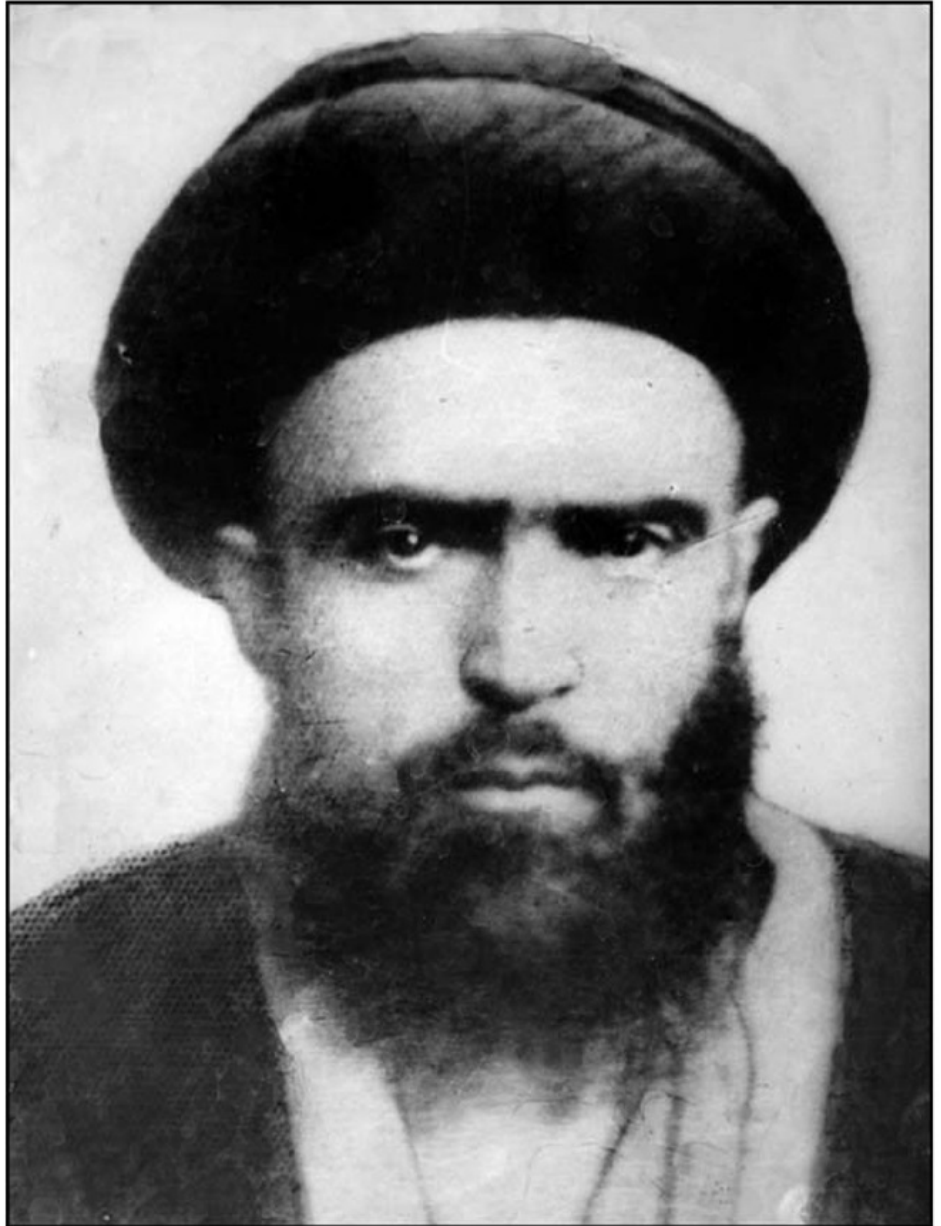


از راست: سید علی اصغر برزانی؛ سید محمد علی فقیهی؛ سید محمد نجفی هرسینی

ص: ۷۰

۱- نوری از مصباح واعظ ص ۱۶۰.

آیه الله سید علی در حوزه علمیه اصفهان و نجف اشرف تحصیل نمود و به درجه اجتهاد رسید.



برخی از اساتید ایشان عبارتند از آیات عظام: (۱)

۱. شیخ مرتضی ریزی ۲. آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۳. سید محمد باقر درچه ای

ص: ۷۱

۴. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب "کفایه الاصول"

آیه الله برزانی در چند موضع از رساله فقهی "حکم الفرار من الحقوق" از آخوند خراسانی با عنوان استاد نقل قول کرده است.

اجازات

اشاره

آیه الله برزانی از علمای زیر به دریافت اجازه اجتهاد و روایت نایل گردید: (۱)

۱. آیه الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی

۲. آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۳. آیه الله سید محمد رضا رضوی خوانساری

۴. آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی

۵. آیه الله العظمی سید صدرالدین صدر

ص: ۷۲

۱- با تشکر از جناب آقای سید مهدی فاتحی برزانی که اجازات فوق را در اختیار نگارنده نهاد.

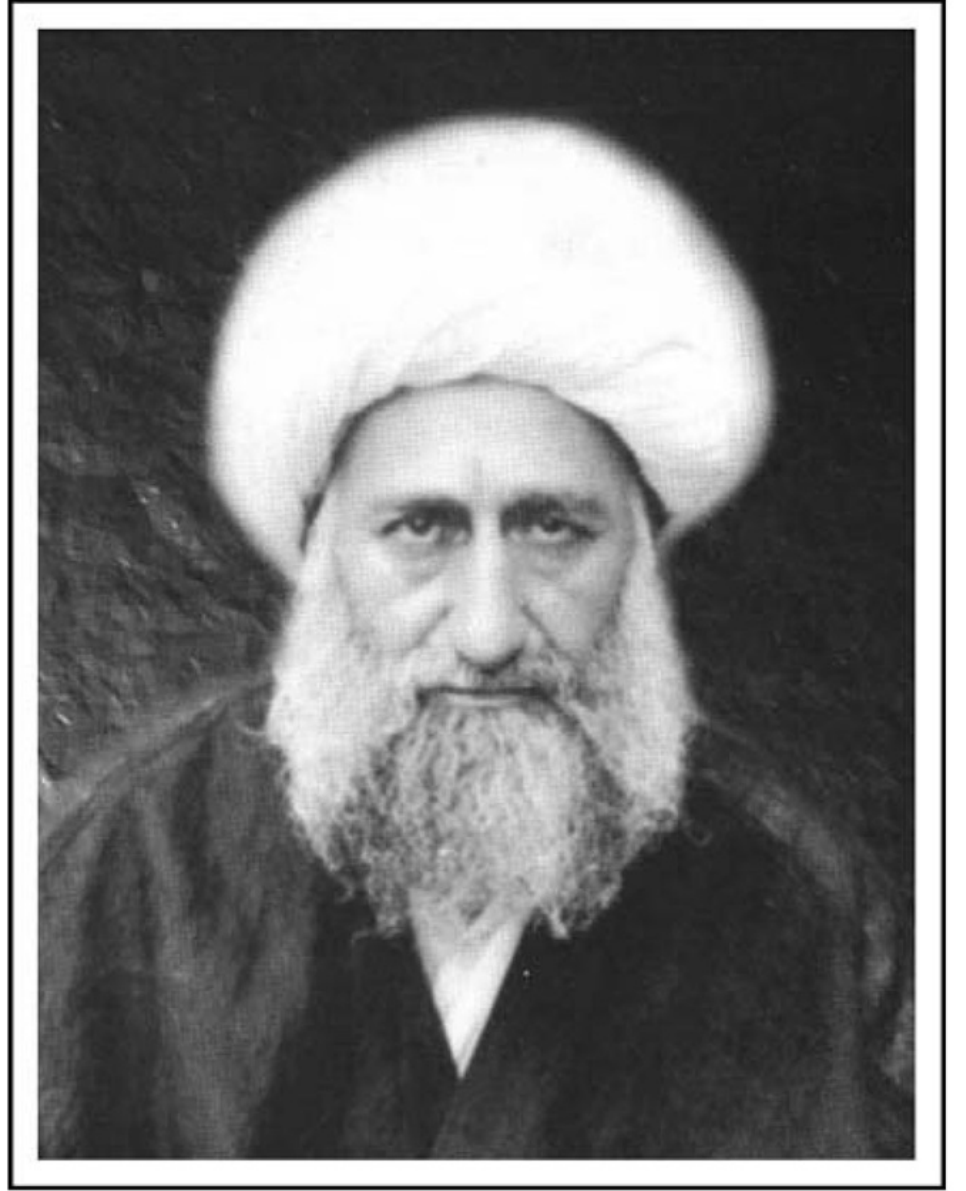
"بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الملك الحكيم، المالك الحليم، الجواد الكريم، العزيز الرحيم، الذي فطر السموات والارض بقدرته ودبر الامور بحكمته..."

ثم إنه قد جرى دأب السلف وديدن الخلف من أكابر من مضى وتخلّف على تحصيل هذا المقام الرضى والمرام المرضى بطلب أنحاء التحمل للروايات الواردة عن

ص: ۷۳

۱- علامه مدرّس تب ریزی در "ریحانه الادب" ج ۳ ص ۱۶۷ می نویسد: "میرزا محمد علی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علم ای امامیه عصر حاضر به شمار می رود. جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول می باشد. در تهران در هردو رشته تدریس می فرماید و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه است... نخست از والد خود که از اکابر تلامذه صاحب "جواهر" و مسلّم الاجتهاد بوده به تحصیلات علمیه پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ تر خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف به حسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن، مصدّق بوده و هم در حوزه آقای میرزا محمد هاشم چارسوقی حاضر و تکمیل مراتب علمیه نمود. پس در تهران به حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نموده و سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی آخوند خراسانی، حاج میرزا حسین خلی لی، میرزا محمد تقی شیرازی بود تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبطه بودن وی محل تصدیق اکابر وقت گردید. عل ممعقول را نیز از شیخ الم تألهین میرزا هاشم رش تی خوانده و از تألیفات اوس ت: ۱. الانسان والفطره ۲. الايمان والرجعه ۳. حاشیه کفایه آخ وند خراسانی فوق ۴. القرآن والعتره ۵. مرام الاسلام ۶. منازل السالکین در عرفان. و غیر اینها که در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر تألیفات طریفه دارد و چنانچه از اسامی آنها بر می آید در همه آنها مبتکر و چهار فقره (غیر از سیم و ششم) از شش فقره مذکور در تهران چاپ شده اند." این عارف کامل و به تعبیر حضرت امام خمین ی: "لطیفه ربان ی" پس از ۷۷ سال زندگی پر برکت، در روز ۱۳۲۸ بدرود حیات گفت و در زای ه مرقد مطهر حضرت /۹/ پنج شنبه ۳ صفر ۱۳۶۹ قم ری مطابق با ۳ عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

الساده الاجله والهداه المهديه، من الوجوه الستة أو السبعة، والجامع لها اجازته الشيخ الحامل للراوى المتحمل.



وقد استجاز من العبد، جناب السيد السند والركن المعتمد، العالم العامل والفاضل الكامل، التقى النقى والبحر الملى، البالغ بجدّه الى درجه الاستنباط والاجتهاد والواصل بجهده الى مرتبه استفراغ الوسع لتحصيل المراد من أحاديث أجداده الأمجاد، عليهم صلوات الله الى يوم الميعاد؛ أعنى السيد على البرزاني، بلغه الله غايه الآمال والأمانى، ابن السيد الجليل والمولى النبيل، العالم العامل العابد الكامل السيد محمد حسين وقاه الله من كل شين؛ فإنه بعد ما رأيت بعض مؤلفاته فى المسائل الفقيهيه وباحثته فى جملة

من المطالب العلميه، أراد اتصال سلسله سنده إلى روايات الأئمه الإطهار بإجازات مشايخي وأساتيدي الكبار، فاستخرت الله وأجزت له أن يروى عني... عن مشايخي الأجله؛

أحدهم وأوحدهم: والدي العلامه، شيخ العلماء والمجتهدين - أفاض الله عليه شآبيب الغفران - عن شيخه واستاده، العبد المؤمن، شيخ الأواخر، الشيخ محمد حسن صاحب "الجواهر" قدس سره.

ومنهم: السيد السند العماد والركن المعتمد في الاستناد، سيد العلماء وسند الفقهاء، وحيد عصره في التأليف بل كل عصر، وفريد دهره في الترصيف، ذخر الاوائل وفخر الاواخر، الامير محمد باقر الموسوي الخوانساري - قدس سره - صاحب "روضات الجنات"، عن أفقه الفقهاء في زمانه واقدم العلماء في اوانه، قدوه الاكابر والاصاغر، الآقا والحاج السيد محمدباقر حجه الاسلام، أسكنه الله بحبوحه جنانه.

ومنهم: سيد الاوائل والاواخر، علامه عصره وزمانه وفهامه دهره واوانه، الحبر العلام والبحر المواجه القمقام، جامع المعقول والمنقول، حاوي الفروع والاصول، استادنا الاستناد، الامير محمد هاشم الموسوي - قدس الله تربته الزكيه - عن شيخه الاجل الافخم واستاده الأكمل الأقدم، وحيد عصره في التحقيق وفريد دهره في التدقيق، الشيخ مرتضى الانصاري... وقد وقع الفراغ في يوم الخميس سابع شوال من شهر الف وثلاثمائه وثمانيه وثلثين من الهجره النبويه على هاجرها ألف سلام وتحيه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ
 الْحَكِيمِ الْمَلِكِ الْحَكِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ
 الْغَرِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي نَظَرَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ بِعَدْرَتِهِ وَدَبَّرَ الْأُمُورَ
 بِحِكْمَتِهِ وَبَخَلَّ بِرَحْمَتِهِ وَالْإِنْسَانَ
 الْإِلْعَادِيَّةَ وَهَدَاهُمْ إِلَى طَرِيقِ
 مَعْرِفَتِهِ وَأَمْرَهُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ
 مِنْ فَحْمَةٍ وَالْقَوْمِ إِلَى مَرْضَاتِهِ
 وَحَبِيبِهِ لِتَكْمِيلِ حُجَّتِهِ وَتَمِيمِ
 دَلِيلِهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى أَصْفِيَا
 الْأَنْبِيَاءِ مِنْ بَرَّتِهِ وَأَنْبِيَاءِ
 الْأَصْفِيَاءِ مِنْ خَلْقَتِهِ وَرَحْمَتِهِ
 مِنْ فِي الْأَرْضِ الْحَمْدُ

حفاظ شريخ سيد الانام عليه وعليهم افضل
 الصلوة والسلام ثم انه قد جرى ذاب الخلف
 وديد من الخلف من الكا برت مضى و الخلف
 على تحصيل هذا المقام الرضى والكرام الرضى
 بطلب انحاء التجر للروايات الواردة
 السادة الاجلة والهداه لمهدية من الرضوه
 السمة او النبعة والجامع لها اجازة مع
 الحامل للراوى المتجر وقد استجازت
 جانب كيد كند والركن المعتمد
 العالم العامل والفاضل الكامل النقي
 النقي واحمر الملى البالغ مجده الى درجة
 الاستنباط والاحتشاد والواصل
 اجوده الى مرتبة استقراغ الواسع
 لتحصيل المراد من احكامه اده
 الاحقاد عليهم صلوات الله الى
 يوم الميعاد اعنى كند على

عدلت عن بيدها الى دعاء دوام
 لوقوع مستحزركم وليس ذلك على الله
 لعزركم وتوسيته على زمة الاحكام
 ولما اوجه على الطاعات والاشغال
 بالتحصيل والمباحات وان
 من الدعاء في مظان الاجابات
 ما ان الاحكام لا اوصاني بها
 واسأيد فراهم عن الامور
 وان كعدوان لم يكن اهلا لذلك
 الا ان حسن ظن مستحزركم على
 ما قدرتمت وفقا لله ملايك
 ورضى وحصل مستقبل امرنا حيرا
 ما صهي وتوعد النزاع في يوم الخميس
 من شهر الف وثلثمائة وثلثمائة
 من الهجرة النبوية آخرة التي تليها



"بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله خالق الاشياء وواهب النعم والآلاء باعث الرسل والانبياء جاعل الشرايع والاديان وشارع الاحكام، محلل الحلال ومحرم الحرام..."



ومن جمله من جاهد وسعى لدرك هذه الفضيله العظمى والدخول فى هذه الفرقة الكبرى السيد السند السديد المعتمد، الفاضل العالم الكامل الناسك السالك الباذل الساعى المجاهد، الشاغل ايامه ولياليه فى تحصيل العلوم الشرعيه واستنباط الامور الدينيه، الخائض فى الادله التفصيليه التى منها يستنبط الاحكام الشرعيه، الخارج من ذلّ التابعيه الى عزّ الاستقلال والبالغ بجده الاكيد الى درجه الاجتهاد والمترقى عن حضيض التقليد الى اوج الاجتهاد؛

ذاك على بن الحسين الحسينى البرزاني - طال عمره الشريف ولا زال توفيقه الذى هو احسن التوفيق - فإنّ هذا العبد الصالح اشتغل بالتعليم وصرّف أيامه ولياليه فى

تحصيل العلوم الشرعيه غايه الاشتغال، وعكف على درسه وتحصيله وتدوينه عكوف المتعطش على الزلال، وكتب فيما رجعت اليه من المسائل المشكله شطراً وافياً كاشفاً دالاً - على أنه - بحمد الله تعالى شأنه وحسن توفيقه وعنايته ولطفه - بلغ رتبه الاجتهاد، فليشكر الله تعالى بما أعطاه ومنحه وأولاه.

فأسأل الله تعالى شأنه ان يبلغه آماله ويعطيه خير الدين والدنيا.

وبعد، فقد استجازني لحسن ظنّه، فاستخرت الله عزّوجل وأجزته أن يروى عنّي كلما روّيته عن مشايخي بطرقى المضبوطة في محالها ولا مجال لى فعلا لشرحها وكتبتها؛

فمنها: ما اجازني شيخى واخى، العالم الناسك السالك السديد، الفقيه الوحيد فى أوانه ومن اليه انتهت الرياسه العامه فى الاجتهاد، والتقليد منه شاع بين الخواص والعوام، واستقام لكلّ من استفاد منه وحضر درسه فى ايام وبلغ الاجتهاد واستجاز منه العلماء، ولم نر مثله فى ترويج الاحكام وهدايه الناس، فأنه بين العلماء كالبدر فى النجوم فى هذه الفضيله، ومن ميامن انفاسه وبركات تعليماته بلغ جمع كثير وجتمّ غفير رتبه الاجتهاد واهتدى كافه اهالى اصفهان الى احكام شرع سيّد الانام - صلوات الله عليه وآله - والآن قبره الشريف مزار عامه اهل اصفهان فى بقعه تخت فولاد؛ مولانا ومن عليه اعتمادنا الآخوند ملا محمد باقر الفشاركى؛

عن شيخه واستاده، السيد السند المعتمد، السالك مسالك التحقيق والتدقيق، مهذب القوانين المحكمه ومشيد الاصول الشرعيه، الماشى على طريق السلامه والاستقامه، سيّد العلماء والمجتهدين ورئيس الفقهاء والمحققين، الشيخ المؤتمن والسيد السند

عن شیخه واستاده، وحید الزمان و فرید الدوران، النافذ امره فی الامصار، المطاع حکمه فی الاقطار، الباسط یده کالسحاب الماطر فی الشتاء، حجه الاسلام والمسلمین، ظهر الایمان والمؤمنین، الحاج السید محمد باقر الرشتی الاصفهانی... کتبه الاحقر الفشارکی، فی غایه اختلال البال وعله المزاج وضعف الحال، ۲۶ ج الاول ۱۳۲۸".

۳. اجازہ آیہ اللہ سید محمد رضا رضوی خوانساری:

(۱)

"بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الهادي إلى صوب الصواب، والصلاه والسلام على سيدنا محمد وآله أفضل من اوتى الحكمة وفصل الخطاب.


ص: ۸۱

۱- عالم فاضل کامل، از فقہا و مدرّسین اصفہان. در سال ۱۳۰۰ق متولّد شد. پس از انجام تحصیلات در نجف اشرف و مراجعت به اصفہان در مدرسه صدر ساکن و به تدریس فقہ و اصول مشغول شدہ و در تنگی معیشت با قناعت می گذرانید. از آثار او تصحیح "وافی" و "مستند الشیعہ" و "متاجر" شیخ انصاری است. او در سال ۱۳۳۹ق وفات کرد و در جوار جهانگیرخان قشقائی مدفون شد. مرحوم جابری در تاریخ اصفہان (ص ۳۴۱) می نویسد: تاریخ رحلت مرحومین آقا جمال الدین مجتہد چهارسوقی، حاج میرزا رضا مجتہد خوانساری و حاج ملا جواد مجتہد آدینہ ای کہ ہر سہ در رجب ۱۳۳۹ بود گفتم: فرمود امام بین جمادی و در رجب زاید بس اتفاق کہ آید تو را عجب ہم گفت عالمی چو ز دنیا بشد بشد رخنہ بہ دین کہ نور ہدی گشت محتجب آن ہا کہ قدرشان شدہ بالای آسمان زیر زمین گرفتہ بہ مقدار یک وجب شد اصفہان ز فوت جمال و رضا، جواد همچون نجف مزار فقیہان محتجب تاریخ گفت "جابری" از نصّ دو خبر: "اینک عجب سہ ثلمہ بہ اسلام در رجب"

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِسْمِ سَيِّدِنَا

أَحْمَدُ لِلَّهِ الْمَهْدِيِّ لَصَوَابِ الصَّوَابِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ
 سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَالْمِ افْتِرَاقِ أَوْلَادِهِ الْحَكِيمِ وَالصَّوَابِ
 وَبَعْدَ فَا نَسَبُ السُّنَدِ الْأَوْجَدِ شَرَفِ الْأَوْجَدِ
 شَرَفِ أَوْلَادِ الرَّسُولِ غُلَامَةِ سُلْدَةِ الزُّهْرِ أَوْ ابْتَدَأَ افْتِرَاقِ
 السُّلْدَةِ الطَّاهِرِينَ ذِي السُّلْبِ الطَّاهِرِ وَكَيْفَ افْتِرَاقِ
 الْكَلِمَاتِ الْأَنْشِدَةِ وَالنَّفْسِ الْقَدِيسَةِ وَالرُّوحِ
 الْمَلِكِيِّتِهِ الْعَالَمِ الْكَلِمَةِ الْعَامِرِ وَالْبَحْرِ الْأَخْرَاقِ
 عَلَيَّ وَامْتِ بِرَكَاتِهِ وَكَثُرَتْ أَفَاضَاتِهِ وَأَفَارَاتِهِ
 وَفِي الْعِلْمِ امْتِنَانُهُ وَأَفْرَانُهُ ابْنِ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ
 وَالْفَضْلِ الْمَقْدِسِينَ زَيْدِ زَيْفَاتِهِ وَبِاسْمِهِ الْأَقْبَابِ
 سَيِّدِ خَيْرِ سُلْمَةِ الْقَائِمِ كَرِيمِ طَرِيقِ شَيْخِ الْبُرْزَانِ

الان ان ليدوم شخص في الاصل روعن ابي جعفر الباقر
 عليهما السلام الصلوة كان امر المؤمن من صلوات الله
 وسلامه عليه يقول لا يقدر عمل مع تقوى وليفت يقدر
 ، بتقير وعن امر المؤمن عليه السلام لو ان السموات
 والارض كانتا تقاعا على سبيل تقاضى النفس الله
 ليجرله منها محزبا بعد ذلك انسى من الدنيا في
 عقيب الصلوات خروصا في الاكرا كسنة في اليوم
 منتهى خمس التامة ١٣٢٩ وابتدأ الحمد
 المنقرا الى امر محرم ما الرضوي ان شاء الله



وبعد، فإن السيد السند الأوحى، شرف أولاد الرسول، خلاصه سلاله الزهراء البتول، انموزج اسلافه الطاهرين، ذى النسب الطاهر والحسب الفاخر،
 جامع الكمالات الانسيه والنفس القدسيه والروح الملكوتيه، العالم الكامل العامل والبحر الزاخر، الآقا سيد على - دامت بركاته وكثرت افاضاته
 وإفاداته وفي العلماء أمثاله وأقرانه - ابن سيد العلماء الصالحين والفضلاء المتقين - زيد توفيقاته و تأييداته - الآقا سيد حسين - سلمه الله تعالى
 من كل شين - البرزاني، بعد صرف ريعان شبابه وبرهه من زمانه فى تكميل

العلوم التي هي مقدّمه الاجتهاد واجتهد فيها كمال الاجتهاد وترقى من حضيض التقليد الى اوج الاجتهاد وصار صاحب الملكة التي يقتدر على الاستنباط في الشرعيات، فالتمس منّي اجازته يعمّ بها النفع ويتصل طريقه بأهل الحلّ والعقد، وكنت جديرا أن اسأل منه ما سئل وأطلب منه ما طلب، لعلّ شأنه وظهور برهانه؛ لكن الحديث النبوي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - منعني من الاعتذار وان كان فيه بالنسبة اليه الاعتذار، وقصدت بذلك وجه العزيز الجبار، ولولا بعد العلماء ما دعى

مثلي، ولولا فقد الفقهاء ما اشير الي من كان شكلي... فأجزت له - مدّ الله ظله وكثر في العلماء مثله - إجازته شامله لجميع كتب أصحابنا المصنّفين... كتبه في اليوم السادس من شهر جميدى الثانيه من ١٣٣٩ وأنا الأقل المحتاج المفتقر إلى الله محمد رضا الرضوى الخوانسارى".

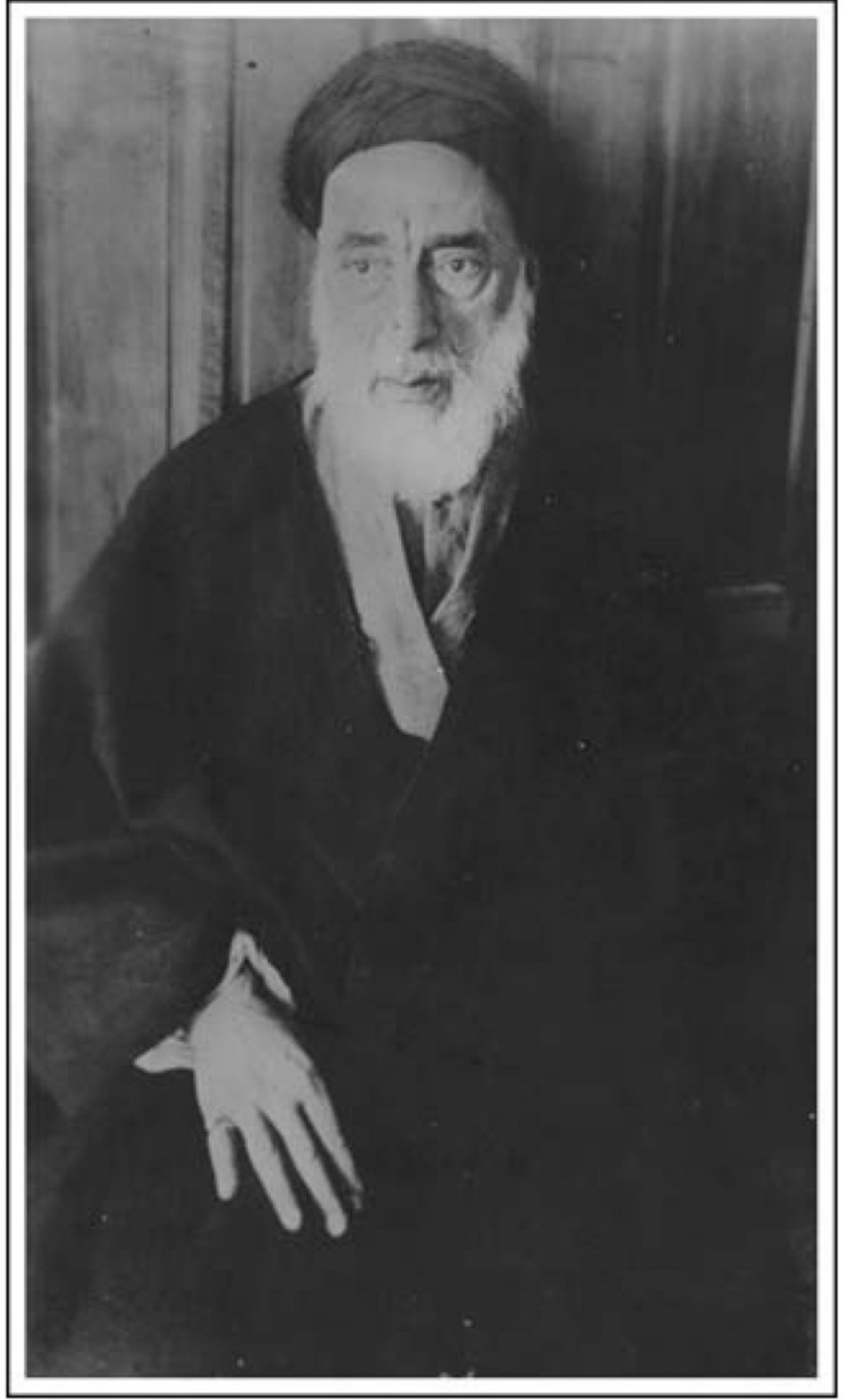
٤. اجازة آية الله العظمى سيّد صدرالدين صدر

(١)

"بسمه تعالى. الحمد لله على منّه وافضاله، والشكر لله على جميل نعمه وجزيل نواله، والصلاه والسلام على سيدنا ونبينا ومولانا محمد وآله الناصجين على منواله، التابعين له في اقواله وافعاله.

ص: ٨٤

١- عالم رباني و فقيه صمداني، فرزند آية الله العظمى سيّد اسماعيل صدر. در ماه رجب ١٢٩٩ق در كاظمين متولد شد. نزد پدر بزرگوار و آخوند خراساني و سيّد محمد كاظم يزدي تحصيل كرد و به اجازات ايشان نايل گرديد. وي محققي عميق النظر و دقيق الفكر، فقيه اصولي محدث رجالي اديب و شاعر بود و در تمامی علوم عربيه و فنون شعريه و ادبيه دستي توانا داشت. در مكارم اخلاق طاق و داراي كمالات نفسانيه و معنويه بود و گوي سبقت از ديگران ربيوده بود. سال ها در مشهد مقدس مجاور بود و پس از تأسيس حوزه علميه قم به آنجا مهاجرت نمود و پس از رحلت آيه الله مؤسس، يكي از زعمای ثلاثه قم بود. وي در شب شنبه ١٩ ربيع الثاني ١٣٧٣ق وفات كرد و در جوار حضرت معصومه سلام الله عليها مدفون گرديد.



وبعد، فإنَّ السيد السند والاخ المعتمد، الحسين النسيب الفاضل الارب و العالم اللبيب، مروج الأحكام، ثقة الأسلام، السيد على البرزوني الاصفهاني - أدام الله بقاءه ورزقه ما يتمناه - ممن صرف عمره واشغل دهره في تحصيل العلوم الدينيه وتكميل الفضائل الاخلاقيه حتى فاز بالقدح المعلى فصرف همته وأشغل ليله ويومه في هدايه الأنام إلى دارالسلام ونشر الاحكام؛ فيا كثر الله أمثاله بين المسلمين واخذ بعضه في ترويج الدين المبين.


وقد استجاز منى فى الامور الحسينيه وفى الروايه عن المشايخ العظام، فأجزت له فى التصدى فى الامور الحسينيه كليه وجزئيه، اذناً عاماً فيما يجوز للمجتهد أن يأذن لغيره...

ص: ٨٥

بسمه تعالى

اکرمه علی ستمه فضله و شکره علی جمیل نعمه و جزیل ثوابه و اعلمه و اسلمه
 و نبیته و مولانا مکر و اوله ابن بکین علی ستمه و تائبین له فی قومه و اوله
 و بعد فان سید السند و الاخ المعتمد بحیب النیب الفاضل الاربیب
 و العالم للیب روح الاحکام ثقة الاسلام سید عالم برزوه و اوله
 اوله لقاہ و رزقہ بایمانہ عنہ صرف عمره و اشغل دبره فی تحصیل العلوم
 البرغیہ و تکمیل الفضائل الاغلاقیہ حمر فایز بالقدح المعلى صرف عمره
 اشغل لیلہ و یومہ فی ہر لیلۃ لانام الی دار السلام و نشر الاحکام فی کل
 بین المسلمین و خذ بفضده فی ترویج الدین البین و قد استجازہ فی کل
 حکمیہ و فی البردایہ عن المشایخ اعظام فاجزت له فی تصدی فی کل
 حکمیہ کلیہ و جزئیہ لذلک ما عا فیما یجوز للمجتہد ان یأذن لغيره سیم
 لانام علیہ افضل الصلوٰۃ و السلام من صرفہ فیما یتیح الیه لادبصارہ
 الی اہل العلم و الفقره من البرزویۃ بطاہرۃ طلب ما یزودہ سالکا

وأجزت له - دام بقاءه - أيضا ما صحّت لی روايته سیمّا عن سیدی ومولای، حجه الاسلام والمسلمین: آیه الله فی الارضین، سیاده السید الخال
 الاعظم، أبی محمد السید حسن الصدر - طاب ثراه وجعل الجنة مثواه - عن شیخه فی الروایه، شیخ المجتهدین والمحدثین، ثقة الاسلام
 والمسلمین، الحاج میرزا محمد حسین النوری الطبرسی - قدّس سرّه الشریف - بطرقه المذكوره فی خاتمه کتابه "مستدرک الوسائل ومستنبط

في جميع ذلك نبح الاحتياط فانه نبح اسودد اسئل له له وله ابو من
و اجرت له ولم بقاء ايضا ما صحت له روايته سيما عن سيدي دمدلای حجة الله
و المسلمين لية له في الاضمين سيادة سيدي اسئل له عظم له مكر اسئل
طاب ثراه و جعل بخته ثراه عن نسخة في الرواية شيخ المجتهدين و المحدثين لعدا له
و المسلمين بحاج يرزا مكر عين انوري الطبرسي قد سره اشرف بطرقه
المذكورة في فاعلة كتبه ستر ك اسئل و سنبط المسائل و لدره منه سلمه
تعالى ان لا ينساني من اذها كما اني لارجو ان لا انساه سيدي صدر الدين


اوصاف

آيه الله مير سيد علي برزاني عالمي عامل و فقيهي كامل بود.

وي ساليان زيادي در شب هاي جمعه در تكيه بابا ركن الدين در تخت فولاد شب هاي جمعه مراسم احياء برپا مي كرد و مردم از انفاس قدسي ايشان بهره مند مي شدند.

وي به زهد و تقوا و كرامت متصف بود.

در زمان رضا خان كه عمامه از سر روحانيون برمي داشتند ايشان به طور عادي از وسط خيابان هاي شهر حركت مي كرد و هيچ مأموري جرأت مزاحمت ايشان را نداشت. (۱)

ص: ۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الحمد لله الذي جعل لنا جميع خلقنا
والاعمال الفرائض حكمة وذهلت عقول الملكت عن بلوغ كنهه وهو القه
في سلطانه المبرور المنان في شرعه ودينه و اجلاسه الي عدلنا و طريق
الفرائض نعمة و البر التزود في علوه و عيا في درزه و كين ^{بنيته}
و عرفنا نفسه بربريته و جعل لنا وسيلة و اسبابا الي معرفته
و رزقا الحجة و الامارة بطلته و رتبة استغراغ في تحصيل الاصل و فخره
اياك نعبده و اياك نستعين في هذا الكائن بدائته ^{الصلوة}
و السلام كي امرنا به على افضل خلقه و ارفق ريسه محمد المنتجب ^{مبنيته}
و ارسله بدائته و على اله و الاصفيا عن ذريته اصول ^{و شذراء} كرم لهم
على خلقه و مجال معرفته و محله كن ^{محبة} بلمسهم في امره و التامين
و المخلصين في رعيده و المظهرين ^{من عباده} في امره و نبيه المكرمين
الذي لا يبغونه بالقول و يعملون به و اللعنة الملائمة
على لضم و اعدائهم اعداءه المبرور ^{الفقيه} اما بعد فيقول
بسم الله تعالى عن ابن الحسين الحنف البرزاني هذه رسالة

الجائزة لا يستلزم الفرار أو اللجوء فصح المعاملة - واداء الحق تلت العقد حتى
 حيث هو مع عدم الفسخ. ملازم للفرار والنسب للرجوع من الحكم التكليف على الفرض
 الروجوب الفسخ واداء الحق فصح المخالفة والعصيان يبرر العقد بحاله الا ان
 للفرار فمذكورة من الادلة في الصلح جارية في غيره لا كما في الملاك والادب
 نعم النزاع الما جمع اقسام الحقوق في الجمل فان الحق قد يضاف للمالك كما
 في راديه توصيه وبيع ربه كما نبه عليها في الجزر الصريح عن البيعة صحت في العبد
 ان يعبده ولا يشبهه شيئا وقد يضاف للمالك وهو في كثرة اقسامه
 وشماته لا يخلو اما ان يكون ماليا ملكيا او غيره وفي كل التقديرين ان يكون
 منجزا او معلقا ومزوطا كاله بين المردولة فان الحق السلطنة الفعلية ثابت
 قبل الاجل والاجل زمان اداءه فصل فيه توضيح تحقيق ذكر شتم العلامة
 في تاجره في اول كتاب البيع مقام بيان سر عدم صحة جعل مال القبل
 من الحقوق الانتقار عرضا في البيع ما هذا الفظة والسر ان الحق سلطنة
 فعلية لا يقهر في طرفينها شخصي واحد بخلاف المكف فان نسبة المالك
 والمملوك واليكناه لامي عليك عليه انتهى كلامه في معناه وانت ضمير بان
 لوصح ما افاده لا يقتضي عدم صحة النقل في الحق مطلقا لا بالبيع ولا بغيره مع
 انه من الحقوق ما يقبل النقل وتقابل المال بل انما هو الحق الحقيقي بالقبول
 بمعنى الحق ما افاده الاستاء والمردود راجح لردسه الا فرقة الخلاس ما

این عالم ربّانی در سال ۱۳۶۹ق (۱۳۲۹ش) وفات کرد و در تکیه گلزار مدفون شد. مرحوم سید علی بدیع زادگان "هور" در وفات او گوید:

باز برآمد ز کین دیو اجل از کمین

گران بها خاتمی ربود از دست دین

گوهر یک دانه ای شکست و هر گوهری

هزار چندان نمود بهای درّ ثمین

مهر بلند اختری گشت از او منکسف

که هست از او پر ز نور هنوز صدها جبین

کنز تقی کان زهد، بحر ورع یمّ سلم

علمش بحری عمیق، حلمش کوهی وزین

محقق و معتمد، مدرّس و مجتهد

مروّج دین حق، حامی شرع مبین

آیت عظامای ما، سرور و سید علی

قائد دین فاتحی، مقتدی راستین

در مه ذی حجّه بست رخت ز دار فنا

به بزم رضوان و قرب شد به علی همنشین

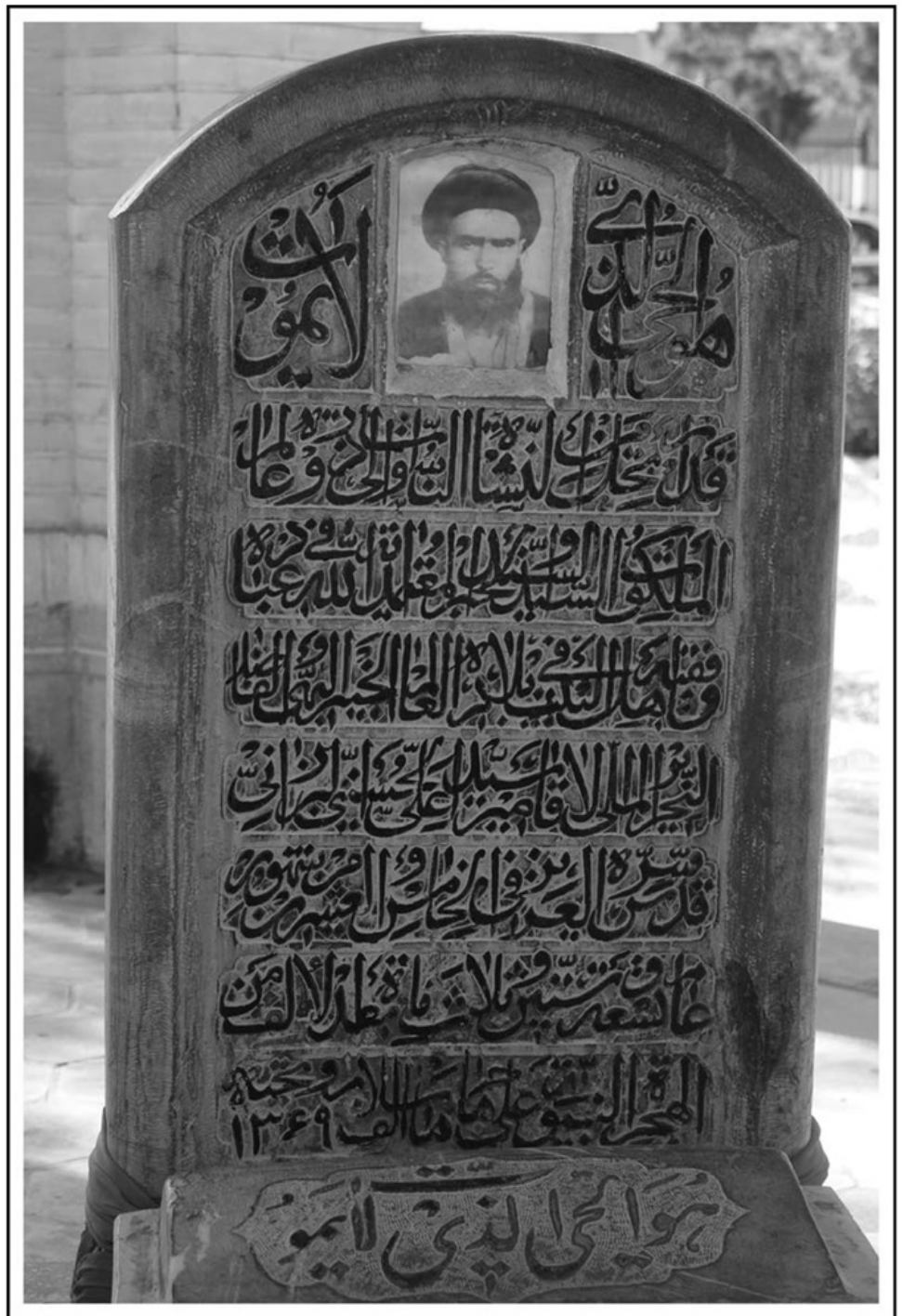
"هور" وفاتش نوشت ز خامه اشک و آه:

"نوحه سرا بر علی هست محمّد یقین"

استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا" نیز در وفاتش گوید:

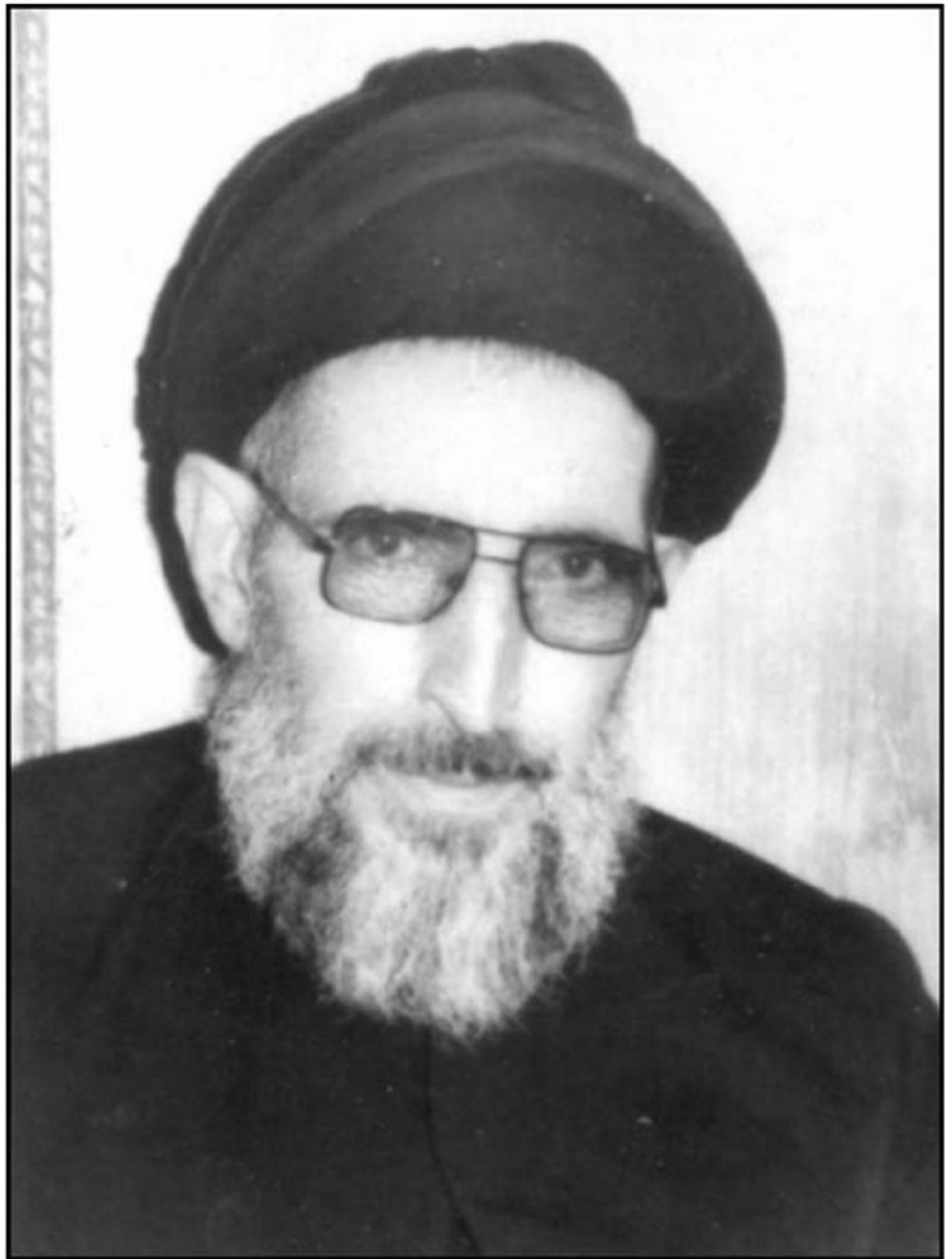
سال فوتش را به شمسی خامه "برنا" نوشت:

"حامی شرع پیمبر بود میر سید علی"



سید محمد فاتحی برزانی فرزند آیه الله سید علی نیز مردی فاضل و وارسته بود
که در مدرسه میرزا حسین حجره داشت و گاهی بر حسب اقتضای حال اشعاری
می سرود.

وی در سال ۱۲۹۳ ش متولد شد. در حوزه علمیه اصفهان تحصیل کرد و سپس به
وعظ و خطابه روی آورد و پس از سال ها ارشاد و هدایت مردم از طریق منبر، در
سال/ وفات یافت و در مقبره جدّ اعلایش میر عماد مدفون گشت.



عالم فاضل کامل و از مروّجین دین مبین.

وی در سال ۱۳۰۸ق متولد شد.

پدرش: فقیه زاهد آیه الله میرزا هدایه الله چهارسوقی فرزند علامه میرزا محمد باقر خوانساری صاحب "روضات الجنات" بود.

میرزا هدایه الله در سال ۱۲۷۱ق به دنیا آمد. نزد پدر و عمّ خود میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و حاج شیخ محمّد باقر نجفی و میرزا محمّد جواد حسین آبادی تحصیل کرد تا به درجه اجتهاد رسیده و از اساتید خود مجاز گردید. (۱)

صاحب روضات در سال ۱۳۰۸ق در آخر نسخه بسیار نفیس "من لا یحضره الفقیه" (۲) برای این فرزندش اجازه اجتهاد و روایت نگاشته است. (۳)

آیه الله سید محمد مهدی موسوی کاظمینی می نویسد: "کان رحمه الله من العلماء المحققین والفضلاء المدققین، وکان یقیم الجماعه

ص: ۹۳

۱- مقدمه مناہج المعارف ص ۲۸۵.

۲- نسخه فوق در سال ۹۸۱ق نوشته شده و خطّ و مهر و تصحیح و تعلیقات صاحب معالم و نیز تصحیحات علمای دیگر و از جمله حواشی مفید صاحب روضات را دارد.

۳- ر.ک: علماء الاسره ص ۱۱۷.



به نوشته مرحوم معلّم حبیب آبادی: وی حدود یک سال به امراض عدیده مبتلا بود و سرانجام در روز سه شنبه ۲ شوال ۱۳۴۵ق (۱۵ فروردین ۱۳۰۶) در اصفهان وفات کرد. آخر سخن او سه مرتبه "یا صاحب الزمان" بود.

پس از وفات، آیه الله حاج میر محمد صادق خاتون آبادی بر او نماز خواند و در پائین پای پدر والا گهر خود دفن شد. (۲)

ص: ۹۴

۱- احسن الودیعه ج ۱ ص ۱۴۰.

۲- زندگانی آیه الله چهارسوقی ص ۱۷۷.

از این عالم فاضل حواشی بر کتاب "رسائل" و "ریاض المسائل" برجای مانده است. (۱) ماده تاریخ وفاتش چنین است: (۲)
"شد هدایت واصل قصر جنان"

مرحوم میرزا عبدالکریم سودائی دستگردی نیز در وفات او گوید: (۳)

سراج الهدی بدر الهدایه سید

جلیل نبیل صادق فی الروایه

فقیه نبیه فاضل متبحر

لقد کان بدرأ فی ظلام الغوایه

بترویج دین الله افنی حیاته

هدی الخلق طول العمر نحو الولایه

دعا الناس ازماناً إلى شرع أحمد

من البدؤ حتی صار عند النهایه

لواء الهدی فی کفه طول عمره

معید ضعف الخلق فی ظلّ رایه

دعاه إلى الرضوان والخلد ربّه

أجاب بطیب القلب فوق الرضایه

ص: ۹۵

۱- مقدمه مناهج المعارف ص ۲۸۶.

۲- یادداشت های خطی مرحوم سید محمد باقر فقیهی پاقلعه ای.

۳- زندگانی آیه الله چهارسوقی ص ۱۷۷.

فلنبي مجيباً داعي الله راغباً

فقال: إلهي في المنى أنت غايتي

رضاك معاذي وأتكالي وملجأ

إليك رجائي انت تعفو جنائتي

فطار الى الجنات طائر روحه

نشطاً رضى ماله من شكايه

مضى شهر شوال إذا تم صومه

قضى نجه والشهر عند البدايه

فسألت عن عبدالكريم وفاته

أجاب بمصراع لطيف كآيه

أزال ثلاثاً صار تاريخ فوته:

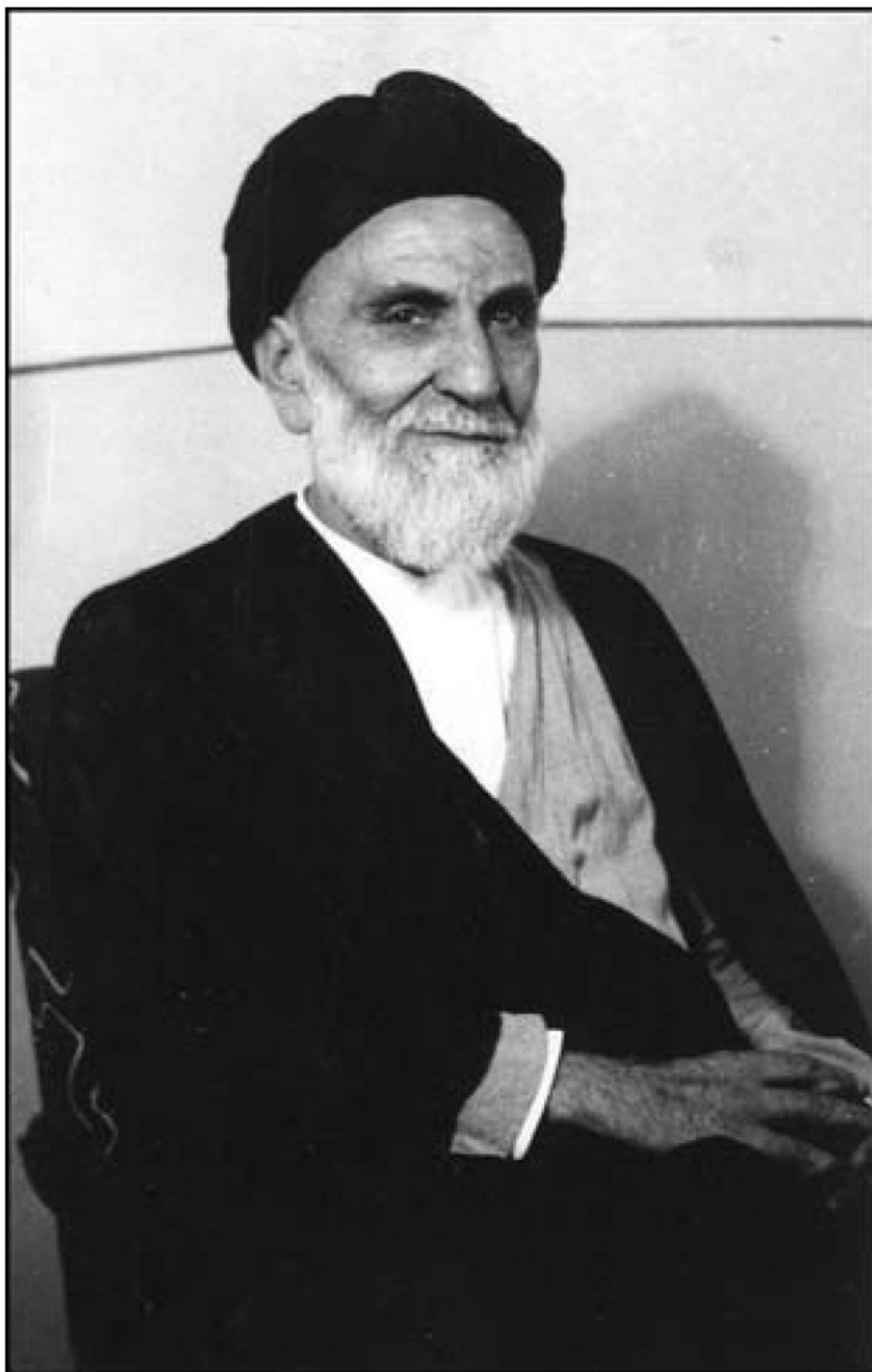
"لقد أفجع الاسلام موت الهدايه"

آيه الله ميرزا هدايهالله داراي سه فرزند عالم بود كه عبارتند از:

۱. حجه الاسلام والمسلمين سيد اسدالله روضاتي

عالم فاضل كامل، در سال ۱۳۱۸ق در اصفهان متولد شد.

پس از اتمام تحصيلات مقدماتي، از محضر بزرگاني چون حضرات آيات: سيد ابوالقاسم دهكردى، سيد محمّد نجف آبادى و مير محمّد صادق خاتون آبادى بهره برد. چند سالى نيز در قم درس آيه الله العظمى حاج شيخ عبدالكريم حائرى را درك نمود. سپس به اصفهان بازگشت و به تدريس و اقامه جماعت و انجام وظائف دينى



از آثار او تلخیص "جامع السعادات" ملا مهدی نراقی در علم اخلاق است. (۲)

وی در سال ۱۴۱۰ق وفات یافت و در قبرستان باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

۲. آیه الله میرزا محمود روضاتی

عالم کامل، در سال ۱۳۱۵ق به دنیا آمد.

دروس مقدماتی و سطح را نزد مرحوم پدرش و شیخ علی مدرّس یزدی و دیگران فراگرفت و از محضر آیات عظام: آقا سید ابوالقاسم
دهکردی، آخوند ملا

ص: ۹۷

۱- مدرس شهید مجاهدی شکست ناپذیر نوشته آقای عبدالعلی باقی ص ۱۷۰.

۲- مقدمه مناهج المعارف ص ۲۹۰.

محمد حسین فشارکی و آقا سید محمد باقر درچه ای بهره برد. وی از آخوند فشارکی، آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آقا شیخ محمد رضا زنجانی کاظمینی اجازه داشت.
رساله در تیمم، رساله در حرمت تشریح و دو اربعین حدیث از آثار اوست.



وی عالمی با استعداد و دارای حافظه قوی بود. رؤس و فروع مسائل فقهی را مستحضر بود و قصص و تواریخ و حکایات بسیاری در حفظ داشت که سبب مجلس آرای بود. (۱)

١- مقدمه مناهج المعارف ص ٢٨٩.

وی در سال ۱۳۹۶ ق وفات کرد و در بقعه جدش صاحب روضات مدفون شد. استاد فضل الله اعتمادی متخلص به "برنا" در وفاتش گوید:

چند با حبّ علایق فکنی خود به قیود
یا بکوشی که به عمرت بتوانی افزود
تا به کی ظلم کنی در پی ترفیع مقام
بین چه مانده به جزازلعن برای نمرود
عاقبت پیک اجل بر تو ظفر خواهد یافت
گر که سازی همه اهل جهان جیش و جنود
بود این مهر همان توده که سعدی گفته است
خوش بسی تافت بر آرامگه عاد و ثمود
کوش از دانش و تقوا به کف آری گوهر
ورنه بیهوده تلف می کنی اوقات و عهود
توشه ای ساز ره آورد ره آخرت
تا نگردی تو ز درگاه جلالت مردود
از ثری گر که نهی پا به ثریا آخر
نیست جز شش جهت گور برایت محدود
بین چگونه ز جهان جانب جنت رو کرد
آیه الله مهین آقای میرزا محمود
ناصر و حامی دین، ناشر احکام خدا
سمی و سبط نبی، بنده خاص معبود
آنکه بد رای منیرش همه خالی زخل
آنکه بد سینه پاکش همه عاری ز حقوق
آنکه جز کسب فضائل همه بی ارزش بود

رفت از صاحب روضات حفیدی عالم
که بُد از عارض او آیت دانش مشهود
اجل از باغ هدایت گل بی خاری چید
که چو او مادر ایام کم آرد مولود
مرگ افکند زپا کاخ فضیلت را رکن
اجل از خیمه ارشاد نگون کرد عمود
مستند قول نبی می کنم و می گویم
بود آن عالم دین افضل بر صالح و هود
یک نفس درک حضورش فضلا را بودی
به ز دربار سلیمان و نوای داود
رفت و در وقت سخن منبر از او شد خالی
رفت و بی او شده محراب به هنگام سجود
رفت و گردید نهان زیر لحد آن رخسار
که بدی رویتش از پرتو تقوا مسعود
چون شنید ارجعی از حق سوی جانان بشتافت
شد ز ماتمکده دهر به جنات خلود
پنجم شهر صفر کرد به فردوس سفر
هفده بهمن از این دار بشد نزد ودود
گفت "برنا" پی تاریخ وفاتش: "بجنان
یافت محمود هدایت بمقام محمود"

مرحوم آقامیرزا حبیب الله نزد علمای اصفهان تحصیل کرد و به درجه اجتهاد نایل گردید. برخی از اساتید او عبارتند از: (۱)

۱. شیخ علی مدرّس یزدی

۲. سید محمود کلشادی

۳. آقا سید مهدی درچه ای

۴. آقا سید ابوالقاسم دهکردی

۵. آقا سید محمّد باقر درچه ای

۶. حاج آقا منیرالدین بروجردی

اجازات

اشاره

میرزا حبیب الله از چندین نفر از علمای بزرگ زمان اجازه اجتهاد و روایت داشت که عبارتند از آیات عظام: (۲)

۱. آخوند ملا محمد حسین فشارکی (اجازه اجتهاد)

۲. میرزا محمد حسین نائینی (اجازه روایت)

۳. حاج شیخ عبدالکریم حائری (اجازه روایت)

۴. سید محمد حجّت کوه کمری (اجازه اجتهاد)

ص: ۱۰۱

۱- مقدمه مناہج المعارف ص ۲۸۶.

۲- با تشکر از حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی که اجازات فوق را در اختیار قرار داد.

٥. حاج آقا حسين بروجردى (اجازه امور حسبيه)

٦. سيد صدر الدين صدر (اجازه اجتهاد)

٧. شيخ محمد حسين كاشف الغطاء (اجازه اجتهاد)

٨. آيه الله حاج شيخ على اكبر نهاوندى (اجازه اجتهاد و روايت)

٩. آيه الله سيد حسين حسيني اصفهاني (اجازه اجتهاد)

اجازه آخوند ملا محمد حسين فشاركي

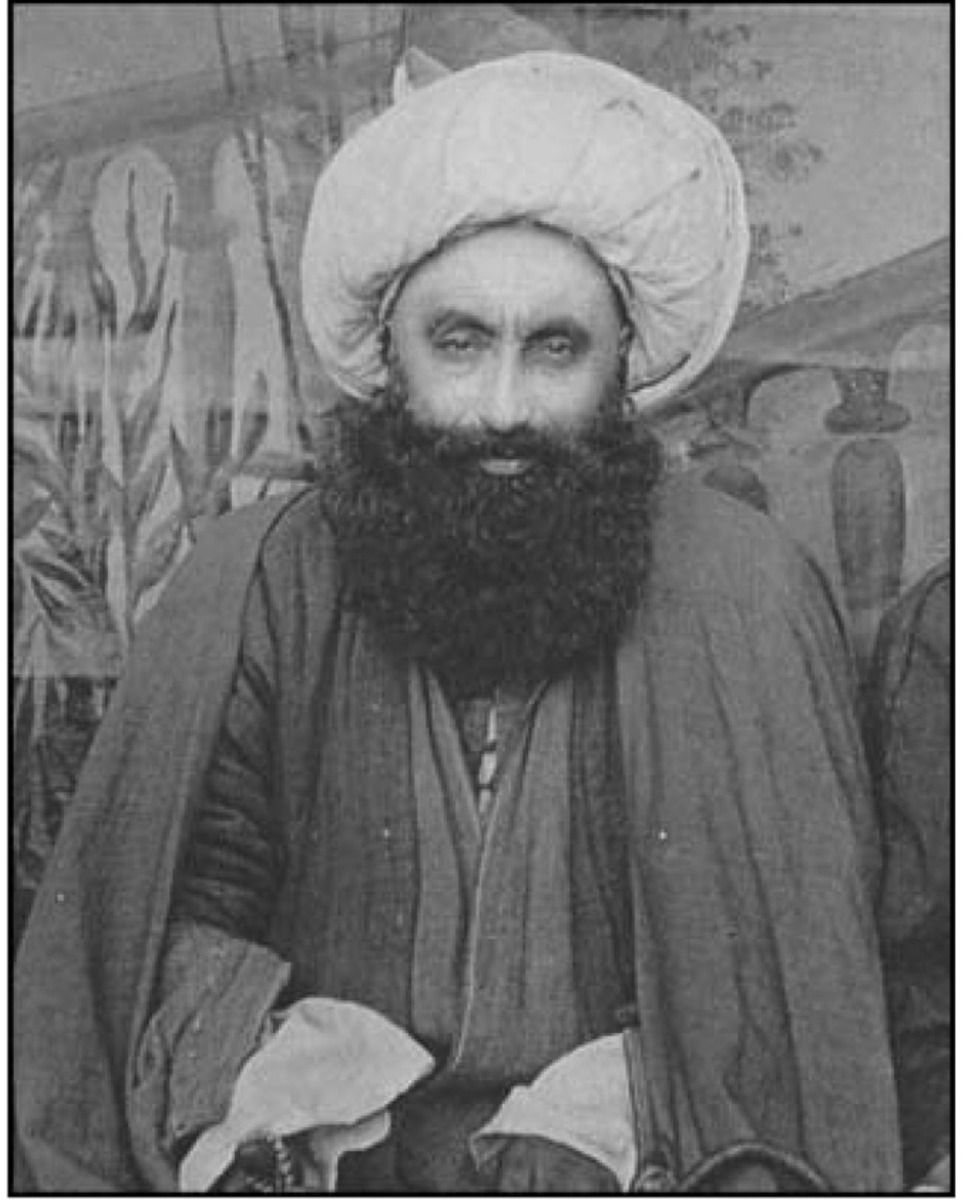
وى در اجازه مورخه ١٣٤٣ق مى نويسد:

"ومَن جَدَّ واجدًا وكَدَّ وَاكَدَّ فى تحصيل المطلب وتكميل المطلب حتى فاز من مراتب العلم أعلاها وحاز فى درجات العمل أرفعها وازكيها: نتيجة العلماء الأعلام والفقهاء البرره الكرام والجهابذه الأعلام وأركان العلم والاجتهاد و أبواب الهدايه والإرشاد، العالم الفاضل الباذل الكامل الناسك، الناهج مناهج الفضل والرشاد، والدارج مدارج الرشد والإرشاد، السالك مسالك التحقيق والتدقيق، المهذب الصفى والمولى الوفى، ذوالفهم العالى والفكر الصافى، البالغ بجده الأكيد وسعيه البليغ إلى منتهى الرشاد، والفائز الواصل إلى درجه الاجتهاد والقدره على الاستنباط..."

فإنه - زيد فضله - بالغ فيما هو المراد من العلم والاجتهاد، حتى تجلّى و تحلّى وتعزّز وبلغ رتبه الاجتهاد، وساق لى أن أقول فى حقّه: إنّه من المجتهدين العظام والذين خصّهم الله تعالى بالإكرام... فإنه العالم الذى رفعه الله بالعلم درجات، وهو الذى يجب إجلاله والافتداء به واتباع آثار علمه ودلالته، ويحرم عليه التقليد..."

ذاك المولى الوفى والاخ السديد: الآقا ميرزا حبيب الله الموسوى،

ص: ١٠٢



ابن العالم العامل الفاضل الناسك، فخر العلماء العاملين، ابوالفضائل والمكارم، زين المساجد والمنابر، قدوه الصالحين، مروّج المله والدين، المسمّى بأقا ميرزا هدايه الله، الذى هدى الله به المؤمنين، أطال الله بقائه...

ابن السيد السند، الركن المعتمد، البحر الداخر، أبوالمناقب والمفاخر، شيخ المشايخ، وحيد عصره وأوانه فى جميع الفضائل من أنواع المعارف، من الكلام والتفسير والفقه والاصول، وخصّ بين العلماء بالبيان الذى مدح الله تعالى به الإنسان إذ قال: "خلق الإنسان علمه البيان" فارجع إلى أحد مصنفاته المشتهر فى الآفاق المسمّى بروضات الجنات، فإنّه البرهان لعجز قلم التحرير عن وصفه بالبيان...

وبعد، فقد استجاز المولى الحبيب الجليل لحسن ظنّ بى، تيمناً وتبركاً؛ فأجزته للانتظام والاندراج فى سلك الرواه الاعلام ودعاه الاحكام وحمله الاخبار والآثار أن يروى عنى كلّما صحّت لى روايته... عن مشايخى العظام...

ص ٥

عرفت العرف في محصيل العلم والمعرفة وتكتمل اصول الحق
واللتبع في الدخيار والآثار والترقي في فهم
الاحبار فان خبرا وحدا ثانيا تزويد خبر من الفقيه
ثم اوصيه بالسعي في استنباط المباني من اخبار
الائمة الطاهرين على وجه الاستقامه النامه
وليس له حد السبيل الا باحسان الله جل جلاله
وعنايته فليس العلم يكثره التعلم والتعليم وانما هو نور
يضع الله في قلب من يشاء واوصيه بتكرار الله
في كل حال وان لا ينساه حتى لا ينساه واوصيه
بالسعي في تزويج الدين واهداه والجاهلين فان
اهدى نفسا عزله ما نطلع عليه الشمس ^{اصبه}
بما اوصى به الله عز اسمه وانما تزويد له في كل
في الدرر ومن اعظم السعي في قضاء حوائجهم
في امور دينهم وديارهم باختلاف من انهم ^{اصبه}
بان لا ينساني امن الدخوات في الحيوة وبعد
امان عقبة الصلوات وفي مطان الاجابا
لا انساه الله وقد كتبت ما كتبت في غاية شدة
المحاسن وغلبيه الواع ما يعرف به المحاسن مع
الضعف والابتداء ولا اهل ولا فقه الا بالله العلي اعلم
وانا الجاني الضعيف حسين بن جعفر انفساني

٢٤٣ ١٤٤٣ هـ

مكتبة
المجلس
الثقافي
القمي



منهم: الشيخ الجليل والعالم النبيل الكامل النبيه المحقق المدقق الفقيه الوحيد الفريد، شيخ العلماء العاملين والفقهاء البارعين، مرجع العلماء والمتعلمين في الاعصار والامصار ومن عليه الاعتماد في الإجازات والتصديقات، البحر القمقام، علم الأعلام، ركن الإسلام، الناسك العابد العارف السديد، الشيخ زين العابدين المازندراني...".

این اجازه را آیه الله سید حسین حسینی اصفهانی نیز تأیید کرده است.

اجازه آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی

(۱)

وی در اجازه مورخه ۱۳۵۴ق می نویسد:

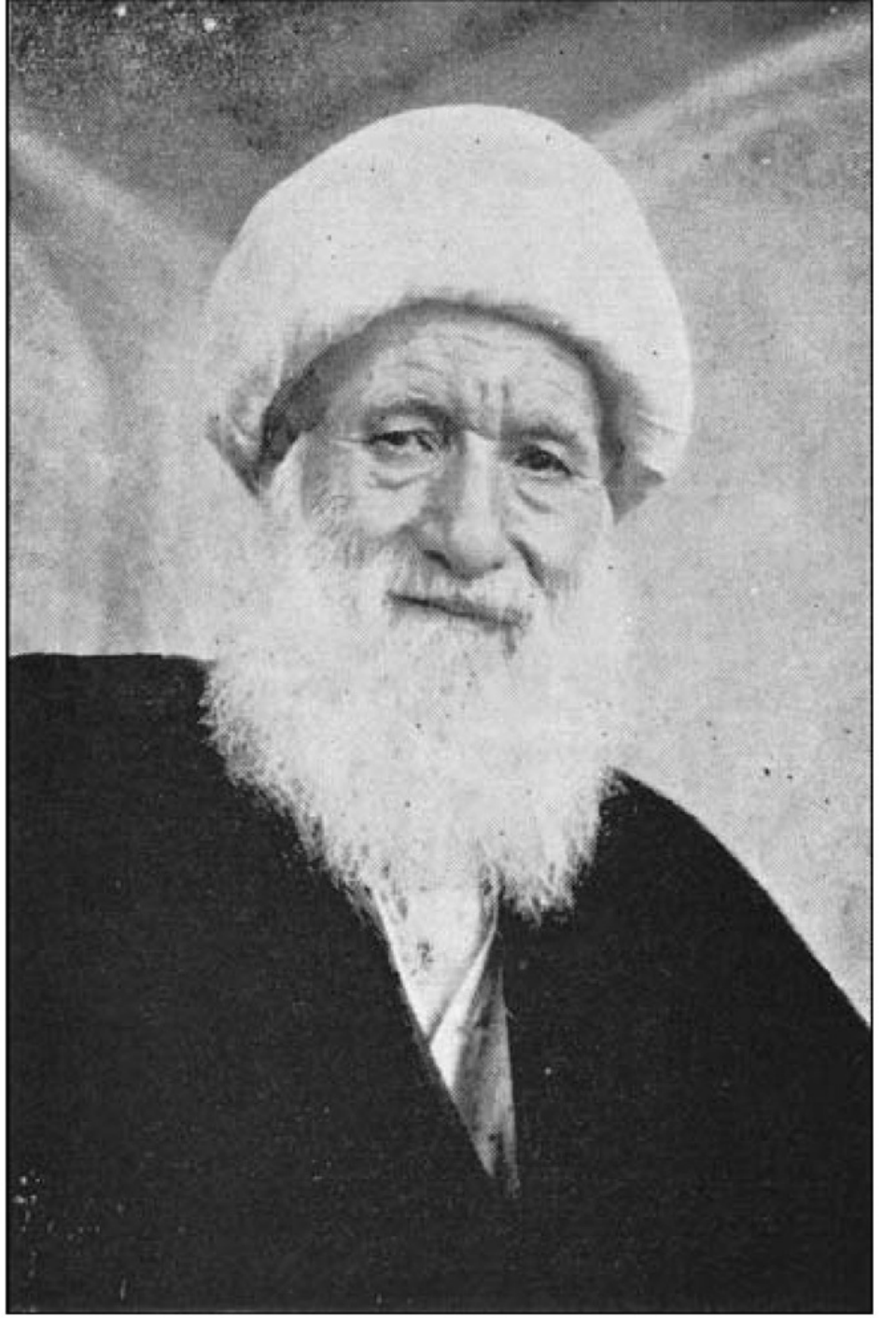
"وكان قد أشار إلى العبد الأقل السيد الأجلّ الأفضّل الأكمل، المؤيد بالنفس القدسيه والرياسه الانسيه، الموقّف للجمع بين مكارم الأخلاق وطيب الأعراق، نجل النبي وسليل الوصي، الذي تزدهى بوجوده الشريف باحات المحارِب، وتترنّخ بعنصره اللطيف صهوت المنابر، المنشعب من دوحه العلماء السادات والمنتخب من احفاد السيد الجليل صاحب "الروضات" الدائر مدائحه على الألسنه والأفواه، المسمّى بلقب حبيب اله العالمين...

وكان أمره موجّباً للإسعاف، وإن كان قدره ايتا عن مثل هذا عند الأنصاف؛ فطلباً

ص: ۱۰۵

۱- عالم کامل و فقیه محدث، از شاگردان میرزا محمد حسن آشتیانی در تهران و آیات عظام: میرزا حبیب الله رشتی و شریعت اصفهانی در نجف اشرف که از دو استاد اخیر و محدث نوری اجازه نقل حدیث داشت. او در سال ۱۳۲۸ق عازم مشهد مقدس شد و در آن ارض اقدس اقامت گزید. تالیفات زیادی از او برجای مانده است از جمله: گلزار اکبری، خزینه الجواهر، انوار المواهب، جنتان مدهامتان، البیان الرفیع، راحه الروح، العبقری الحسان، الجنه العالیه والجعبه الغالیه و شرح دعای سمات. وی در سال ۱۳۶۹ق در حدود نود سالگی در مشهد مقدس وفات نمود. ریحانه الادب ج ۶ ص ۲۶۹.

لموافقه مطلوبه... أجزت له - دام ظله وجرى بّله - أن يروى عنّي جميع ما يجوز لي روايته...



ثم إن لي طرقا كثيره إلى جميع ما ذكر، أسدّها وأعلاها وأخصرها وأغلاها ما أرويه اجازه عن آيه الله العظمى والعالم المتعبد الأواه الحاج الآفا الميرزا حبيب الله الرشتي الغروي...

وعن السيد السند والركن المعتمد، الحائز لجميع العلوم والفنون والطائر بجناح فكره الصائب على اشجار العلوم الشرعيه بتمام الغصون، السيد أبو القاسم الإشكوري الجيلاني، صاحب "جواهر العقول في شرح فرائد الاصول" و"بغية الطالب في حاشيه المكاسب"...

وبه بسم الله الرحمن الرحيم
 حمدًا لمن خص بالفضل العلماء ودجج مدادهم على رءوس الشهد
 والصلوة والسلام على علة الوجود وخيرة المعنويات التهامي المله
 المد الصناعات بالحق والناطق بالصدق وعلى آله اليامين امناء
 الله على الدين الذين جعل الله نعم مودتهم اجرًا للرسول الكريم
 واسطة للنجم من الغدا الليم وداطرة في الخلود في البيعيم وبعيد
 فانه قد توافق الملل والنخل وطابق النقل وعقل الكل على ان اول
 ما يتقرب به الى الله عز وجل واول ما يكمل به النفس العلم ثم العمل وان
 تحصيله نعمة بالفكر والشامل والنظر واخرى من افواه الرجال اولى
 البصيرة والبصر والاستفادة من كتب اهل العلم والكمال الناقدين للا
 والمخبر طورا بالدراية وطورا بالرواية والذي يتم الآن من الشأن
 ليس الا الاجازة التي بها عن الكذب الافتراء مخلص مفارقة
 وكان قد اشار الى العبد الاقل السيد الاجل الافضل الاكل
 المؤيد بالنفس القدسية والرياسة الانسية الموفق للجمع بين
 مكادم الاخلاق وطيب الاعراق مجل النبي وسليل الوصي الذي
 تزدهى بوجوه الشريف باحاطه الحارثيين تنمخ بعنصر اللطيف
 صهوا النابن المشعب من دوحه العلماء السادات والمنتخب من
 احفاد السيد الجليل صاحب الروضة الدان مدائح على الالسنه
 الافواه المسمى بلقب حبيب العالمين الاقا الميرزا حبيب الله جعل الله
 اخيه خيرا من اولاده وعصمه عن كل مكروه ووقاه بطلب حارة سقمته
 لما اجاز في الشايخ الاجلاء العلماء العظما حشرهم الله في زمرة الانبياء
 الاوصيا وكان امره من جبال الاسعاف وان كان قدره ابياعن مثل هذا

عند الاضنا فطلبنا الواقعة مطلقا بالذي فيه ووافقنا من ضاها
 بها انتم اجرت له دام ظلّه وجرى بلبه وطله ان يروى عنى جميع ما يجوز
 روايته من الكتب السبعة بل الثمانية للمجد الستة بل السبعة وهي
 الكافي والفقية والتهذيب والاصول والروايات والوسائل والمستدرک
 والبحار وشمس الارضية من كتب العقول والمنقول والاشايع والتفاهير
 للمؤلف والمخالف وكتب القرائن والدعوى والعريضة فليز ذلك
 اراد وليؤدّه الى من شأ من صالحى القمار عيا فيها شرطها العبر
 عند اهل الاثر محترزا عن الوقوع فى الحذر وسالك سبيل ذوي
 ثم ان لى طرة الشرة الى جميع ما ذكر استدها واعلاها واخصها واعلاها
 ما رويته عن الآيات العظيمة والعالم المتعبد الاواه الجامع الا انما البرزخ
 حيث انزل الرضى الغزوى حشر الامم الحضرة النبوية والعلوية لفظا
 وعن السيد السند والركن المعتمد الحائز لجمع العلوم والعرف والطا
 ببحار فكله الصّب على اسما العلوم لشرعية تمام العشق السيد الوفا
 الامكرونى الجميلا صاحب جواهر العقول فى شرحه فى الاصول ويغير الطا
 فى حاشية الكاشف عن شيخه وانه واجازته الاية الله المراد والمذكور عن
 الشيخ الاكرم الاعظم المحقق الثالث والعلامة الثامن الشيخ رفيع بن محمد
 الانصافى عن السيد صدر الدين محمد العائلى الاصفهاني النجفي عن ابيه
 السيد صالح عن ابيه السيد محمد بن السيد زين العابدين عن الشيخ محمد
 بن الحسن الحائلى صاحبك مسائل عن العلامة محمد باقر الحلي
 عن شايخه المودعة اسماعيل الشرفية فى اجازات بحا الانوار وبها يتصل
 السند الى كتب الشايخ الثلثة اعزيم وفقه الرواية لطاعته وورقنا
 تحصيل مرصاة السيد الرضى على الكرى صبيح النهى ويكفى السيد الرضى فى
 الاضنا

مرحوم آية الله نهاوندی در سال ۱۳۶۰ق پس از مشاهده تألیفات مرحوم روضاتی، اجتهاد وی را نیز در حاشیه اجازه فوق تأیید فرموده است.

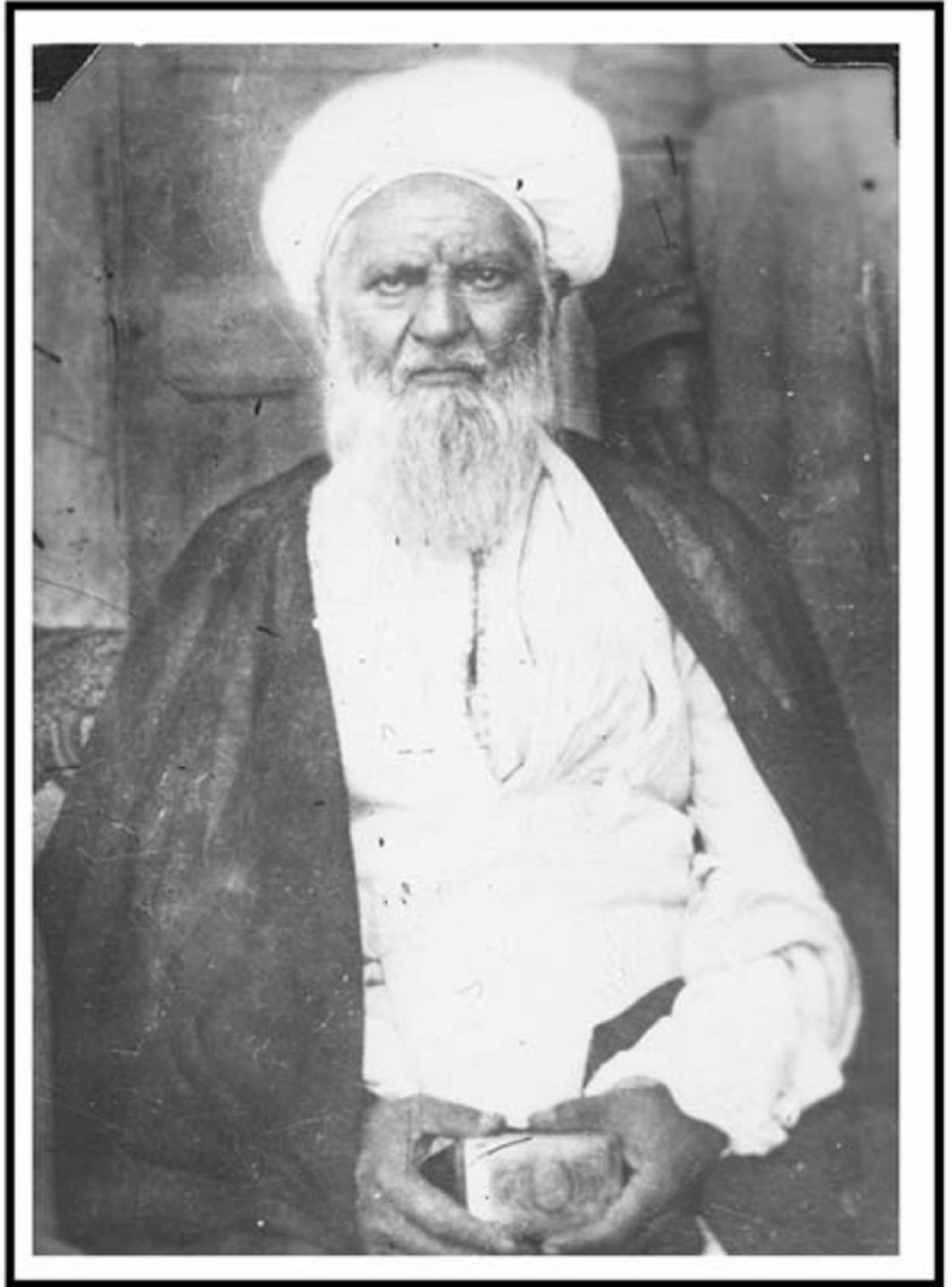
وممن وفقه الله تعالى للطلب والعمل به هو جناب السيد العالم العلامة والفاضل المؤيد الهمام عماد العلماء الاعلام وصفوه الأفاضل العظام ذو الفكره القويمه والسليقه المستقيمه ذو الفكر الثاقب والنظر الصائب المجتهد المؤيد المسدد الأواه جناب السيد الميرزا حبيب الله أدام الله تعالى تأييده وإفضاله وكثر فى أهل العلم أمثاله حفيد المرحوم علم الأعلام وحجه الإسلام الميرزا محمد باقر الاصبهاني الخوانسارى صاحب الروضات أعلى الله تعالى مقامه فلقد صرف فى هذا السبيل برهه من عمره وجدّ جدّه وأشغل به شطرا من دهره وبذل جهده حتى نال الدرجات العلى وفاز بالقدح المعلى ولقد أرانا مما صنفه فى بعض المسائل المهمه المعضله ما يكشف عن طول باعه و وفور اطلاعه وجوده فكره ودقه نظره فله تعالى درّه وعليه سبحانه أجره ولقد استجازنى سلمه الله تعالى فأجزت له أن يروى عني جميع ما صحت لى روايته من كتب التفسير والأدعيه والحديث والفقّه وغير ذلك

من مصنفات أصحابنا وما رووه عن غيرنا بحق اجازتى عن الشيخين العالمين العلمين الأورعين الأطهرين وحيدى دهرهما وقيهي عصرهما الحاج الميرزا حسين الميرزا خليل الطهرانى النجفى والشيخ محمد طه نجف قدس سرهما بأسانيدهما الكثيره المنتهيه إلى استاد الكل حضره الآغا الوحيد البهبهاني نور ضريحه والمحدث البحرانى قدس سره ومنهما إلى أرباب المصنفات...

وكتبه بيمنه الدائر أقر البريه إلى رحمه ربه وعفوه وفضله وكرمه محمد حسين الغروى النائينى ١٤ شهر ربيع الثانى ١٣٤٤.

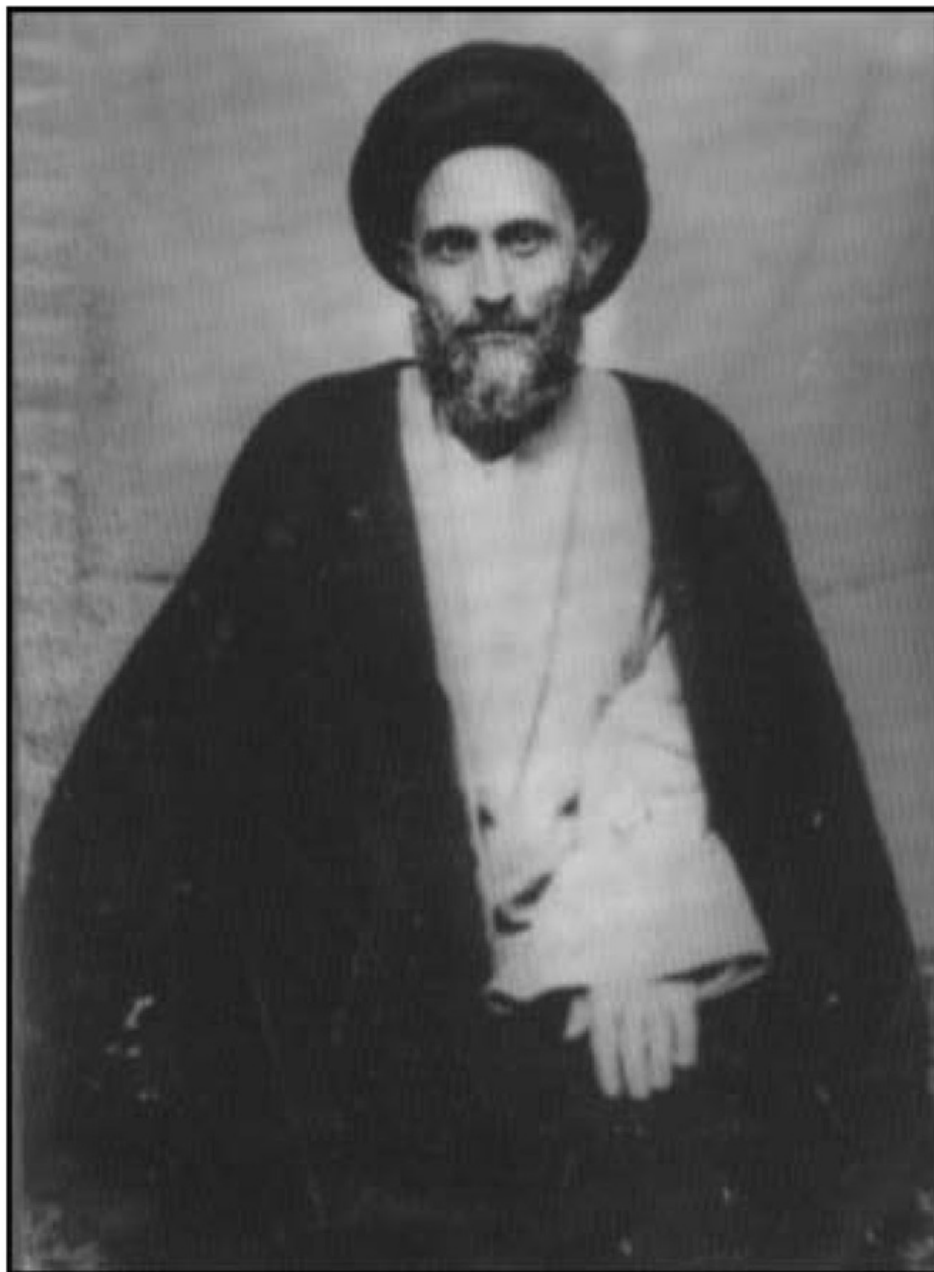
آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نیز این اجازه را تأیید کرده:

بسم الله الرحمن الرحيم ما رقم في هذه الورقة صدر من أهله ووقع في محله والله درّه وكثر في العلماء أمثاله وقد أجزته بعد الاستجازه أن يروى عنى كلما صحّ لى روايته عن المشايخ العظام أنار الله رهانهم واوصيه بملازمه التقوى واجتناب الهوى وأسئل الله لى ولجنابه التوفيق بما يحب ويرضى. حرره الأحقر عبدالكريم الحائرى.



"بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لوليه والصلاه على أشرف بريته محمد وآله

الغز الميامين الأطياب.



۱- سید حسین بن علی بن ابوالقاسم حسینی بختیاری، از فقها و مدرّسین نجف اشرف، در سال ۱۳۰۴ق در بروجن متولد شد. در سال ۱۳۲۵ق به عتبات عالیات مهاجرت نمود و نزد آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شریعت اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی و بالاخص میرزا محمد تقی شیرازی تحصیل نموده و به مصاهرت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رسید. وی در ۲۶ محرم ۱۳۶۸ق که برای معالجه به

ایران آمده بود وفات کرد و در نجف اشرف مدفون شد. از او یک دوره اصول، حواشی بر کفایه و مکاسب و وسیله النجاه و رساله ای در قاعده لاضرر برجای مانده است. نقباء البشر ص ۶۰۴، گنجینه دانشمندان ج ۳ ص ۳۷۵. فرزندش سید محمد رضا آیه الله زاده در سال ۱۳۳۱ش به ایران آمده و در تهران ساکن گردید و ضمن استفاده از دروس آیه الله العظمی سید احمد خوانساری به تدریس سطوح عالی فقه و اصول و تفسیر و اقامه جماعت پرداخت. وی در سال ۱۳۸۲ش در تهران وفات نمود و در حرم حضرت معصومه دفن شد.

وبعد، فإنّ جناب العالم الفاضل، قدوه الانام وحجه الاسلام، المولى الجليل السيد حبيب الله الاصفهاني - أيده الله وسدّده - قد صرف جلّ عمره الشريف في تحصيل العلوم الشرعيه وتنقيح مبانيها النظرية، باحثاً فاحصاً مجدداً، وحضر عند جملة من الأساطين العظام - قدس الله أسرارهم - حتى نال بحمد الله ومَنّه مرتبه ساميه من العلم، وارتقى درجه عاليه من التحقيق.

فأسأل الله أن يؤيّدده ويسدّده ويجعله من هداه المسلمين ويروّج بيانه وقلمه شريعته جدّه سيد المرسلين، وبلغ مرتبه الاجتهاد الذي لا يجوز لبالغه أن يرجع إلى غيره في أعمال نفسه، بل يجوز لغيره أن يرجع إليه فيما استنبطه من الأحكام الشرعيه على الطريق المتداول بين الأعلام، ولا يجوز ردّ حكمه فيما حكم، بل لغيره اتباعه.

وله السلطه التامه الكامله في التصدي لما هو من وظائف المجتهدين الكرام أو المأذونين من قبلهم، وله أن يتصرف في الحقوق الشرعيه وعلى الأخص حقّ الامام - أرواحنا فداه - على حسب ما يؤدي إليه نظره الثاقب.

وأجزت له أن يروى عنّي كلّما صحّت لي روايته من الكتب المعتمده المتداوله التي عليها المدار من المتقدمه والمتأخره، على حسب إجازتي من العلمين الآيتين: المولى الميرزا محمد تقى الشيرازي وشيخ الشريعه الاصفهاني، قدس الله روحهما.

واوصيه بملازمه التقوى ونهي النفس عن الهوى وسلوك طريق الاحتياط الذي سالكه ليس بناكبٍ عن الصراط، والسلام عليه وعلى إخواني المؤمنين. حرّر في غره ربيع الاول ١٣٦٥. حسين الحسيني الاصفهاني".

بسم الله الرحمن الرحيم

المجدلية والصدقة مع رثف برية محمد راد الزلي من الاطياب محمد
 فان حساب ايامها صمدية لانها م دمة الاسلام المولى محمد سيد صاحب الله
 الاضحية ربه ورسوله قد عرفه عبرة برثفت في كصير نبيهم برعمه تنفتح
 بانها انظر به باعنا فاحصا قد عرفه عن جدهم ذلالا طين ليطم ح قدس الله روحهم
 حتى قال جبرائيل دمه برية تاسيه من ليدم وادق روجه حاليه من لتحقق سيرته
 ان يراد ربه ورسوله وليه من برة المسكين بروح جيا ذوقه برقه حده سيد
 دمع برية واجتها والذى ليدجز لها انه ان يرحم الى غيره في دخال نفسه بل يجوز
 لغيره ان يرحم فيها سبطه من الا حها م الرعية مع لظرف الهزل من الا عدم
 ولا يجوز دوحكمه فيما حكم بل لغيره انما عه دله سبطه لانه لقا عه في كصير
 لما يوسن وظ كلف لمجهن الكرم رد الما دونين من قلم ربه ان تعرف في كحون
 المرجية دعي انجس من الامام لودلخ نذره مع حب ما كورى اليه نظره الثابت
 ربه ربه ان يردى عنر كلاما حتمه في رواده من اللب لمعيره لمبذره له لعلها
 المدارس المنقصة والمخافة مع حب ابي زرع من ليلين الاتس المولى المبرز
 محمد لقي لمراد والبع البرية وان صفها في نفس الله ووجهها ووجهه نذره ليعرى ربه
 النفس مع الهوى وكونه طين الا حها ط الذي س كنه لمرنا كسح لمراد الله سلمه دعي

وهذا في مجرى من رزق حقا ربح الدول
 حسين
 الاضحية ١٢٤٦



مرحوم میرزا حبیب الله چند رساله فقهی شامل مباحث قرعه، جبهه، منجزات مریض و غیره تدوین نموده و به نظر علمای اعلام رسانده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَبَانًا بِمَجُودِهِ اشْرَفَ اَرْيَانَ
وَهْدَانًا عِنْدَهُ اِلَى اِيْمَانِ الْمُهْتَدِينَ وَوَفَّقَنَا لِتَعْلِيمِ اَرْضِ الْمُسْلِمِينَ وَارْحَمَ
الْمُهْتَمِينَ اَجْرَ الْجَهْدِ بِمُضَلِّمِ عَلَى الْقَاعِدِينَ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ الَّذِي هُوَ
حَقُّ الْيَقِينِ وَمَبْنَى السَّهَامِ بِاَوْضَحِ التَّبْيِينِ وَالنَّازِلِ عَلَى قَلْبِهِ رُوحُ الْاَمِينِ وَعَلِيٍّ
وَخَلِيفَتِهِ وَارْتَهَ الَّذِي نَضَبَهُ لِامَارَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَنْزِلِ فِي حَقِّهِ وَكُلِّ شَيْءٍ
اِحْصِيَاهُ فِي اِمَامِ مَبِينٍ وَعَلِيٍّ اَوْلَادِهَا الظَّاهِرِينَ الْمُحْصَوِينَ الْعَالَمِينَ بِمُورِثِ
الْمَخْلُوقِ اَجْمَعِينَ سَيِّمًا خَاتَمِ الْاَوْسِيَاءِ الْمُرْتَضِينَ الَّذِي جَعَلَ نُوْرَهُ الْعَالَمِينَ
وَلَعَنَهُ اللهُ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَبَدًا اَبَدًا مِنْ اِيْنِ اِلَى يَوْمِ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
وَبَعْدَ فَوَيْدِهِ رِسَالَهُ شَرِيفَةً فِي الْجَبْوَةِ وَهِيَ نَوْعٌ مِنَ الْمِبْرَاثِ يَمْنَعُ مَهْرًا
مَنْهَ كَالْقَتْلِ وَالْكَفْرِ وَالرِّقِّ اِلَّا اِنْ هَذَا اِذَا تِي مِنْ غَيْرِ مَلَوْحَطَةِ الْعَوَارِضِ
غَيْرِ فَاِنَّهُ مِنَ الْعَوَارِضِ وَلِذَلِكَ اَعَدَّ الشَّهِيدُ فِي الدَّرُوسِ مِنَ الْمَوَارِثِ وَمَا كَانَ
شُبُوْحَهَا فِي الْجَمَلَةِ مَا اَنْفَقَتْ عَلَيْهِ الْكَلِمَةَ وَتَعَوَّذَتْ بِهِ طَائِفَتُنَا الْحَقَّةَ كَمَا قَالَ
السَّيِّدُ الْمُرْتَضَى رَهْ فِي الْاَنْصَارِ بِلِ قَالَ بَعْضُ فُقَهَائِنَا الرَّاشِدِينَ اِنَّهَا مِنْ
ضُرُوبِ اِيْتِ اَمْ هِيَ اِلَّا اَنْتُمْ اَخْتَلَفُوا فِي بَعْضِ خُصُوصِيَّاتِ الرَّاجِعَةِ اِلَى
كَيْفِيَّتِهَا اَوْ كَيْفِيَّتِهَا اَوْ الْجَبْوَةِ اَوْ الْجَبْوَةِ فَصَوَّبَتْ فِي تَقْوِيَّهَا بَيَانًا لَمْ يَسْبِقْنِي اِلَيْهِ
اَحَدٌ

عنده السيف والتمام والمصنف والكتاب
السيد المرتضى ربه في الانصار بل قال بعض فقهاءنا الراشدين انها من
ضرويات مذهبننا الا انتم اختلفوا في بعض خصوصيات الرجعة اى
كيفيتها او كيتها او الجبوة او الجبوة فصوبت في تقويتها بيان لم يسبقني اليه
احد

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جباناً بمجوده اشرف ارياناً
وهدينا عنده الى ايمان المهتدين ووفقنا لتعليم ارض المسلمين وارحم
المهتمين اجر الجهد بمضلم على القاعدتين والصلوة والسلام على
نبينا محمد الذي هو حق اليقين ومبنى السهام باوضح التبيين
والنازل على قلبه روح الامين وعلي خليفته وارثه الذي
نضبه لامارة المؤمنين والمنزل في حقه وكل شيء احصياه في
امام مبين وعلي اولادها الظاهرين المحصونين العالمين بمورث
المخلوق اجمعين سيما خاتم الاوصياء المرصين الذي جعل نوره
العالمين ولعنه الله على اعدائهم ابد ابد من الان الى يوم يقوم
الناس لرب العالمين وبعد فويده رساله شريفة في الجبوة وهي نوع
من الميراث يمنع مهوراً منه كالقتل والكفر والرق الا ان هذا اذا
تت من غير ملوخطه العوارض لا غير فانه من العوارض ولذا
اعد الشهد في الدروس من الموارث وما كان شوبها في الجملة
ما انفقت عليه الكلمة وتعدت به طائفتنا الحقه كما قال السيد
المرتضى ربه في الانصار بل قال بعض فقهاءنا الراشدين انها من
ضرويات مذهبننا الا انتم اختلفوا في بعض خصوصيات الرجعة
الى كيفيتها او كيتها او الجبوة او الجبوة فصوبت في تقويتها
بيان لم يسبقني اليه احد

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد
 و آله الطاهرين المعصومين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين اما بعد فيقول العبد المنذوب
 المحتاج الى رحمة ربه ابن العالم الجليل و العاقل المتبحر البئيل الاعمى ميرزا هداية
 اودام الله وجوده هيبب الله الموسوي عني عنه اختلف الاصحاب في منجزات المريض
 وهي من عويصات المسائل و امهات المعاضل لذا اخطرت ببيا لي الفاتران الكتب
 بفهمي لقاصر شيئا في حل هذه المسئلة ما تشاؤه الطباع التسليمه و الافهام
 المستعينة فنقول مستعينا بالله و متمسكا بجل و ليه عجل الله فرجه اتفق الفقهاء
 على لزوم الوصية ان كانت بعد الثلث او و نه بغيره ان الورثة و في الزائد
 بامضائهم سواء كانت في حال الصحة او المرض و ايضا لا خلوف و لا اشكال ^{في} ظاهر
 في ان المريض ان كان عن حق و اوجب عليه قبل المرض كالزكوة و الخمس و الحج و النذر او
 فيه مع التسيببات القهرية كالاختلاف و نحوه انه ينفذ من الاصل و اما التسيببات
 الاختيارية كالضمان تبرعا عن الغير و الكفالة البرعية الموجبة لغرامة ما على المكفول
 عند تعذر احضاره و النذر المطلق ففيها وجهان بل قولان كاسيا في في فروع
 المسئلة و كذا الاختلاف و لا اشكال في عطايا المريض المبررة كالعتق و الهبة مع الا
 و الابراء و المعاملات الحايثية و نحو ذلك ما يوجب تقويت المال على الورثة من غير ^{تباين}
 و كذلك البيع باقل من ثمن المثل في مرضه الذي لم يمت فيه و انما الخوف و الخوفات فيه
 وذلك على قولين الاول انها من الثلث و هو مذ هب ابن زهرة في عتق الغنية و
 ظاهره الاجماع عليه لكن في هبة خلوف ذلك و ظاهر المعنى في المقنع في المديون
 الذي اعتق عبده او عبده عند الموت ما نزل ان كان قيمة العبيد ضعفا للدين كما
 للغير ماء النصف منهم و للورثة الثلث منهم و عتق منهم السدس لان لصاحبهم الثلث
 من تركته يصنع به ما شاء فوصيته نافذة حتى يثلث ما ملكه و هو السدس بهذا
 جاء الاثر عن ال محمد عليهم السلام و هو يحمل الوصية الا انه خلوف الظاهر لان قوله

فوصيته اه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ
 لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَمَّا جَدُّ فَهَذِهِ رِسَالَةٌ فِي الْقِرْعَةِ وَالْوَيْثُ مِنْهَا يَقَعُ فِي مَقَامَاتِ
 حَمْسَةِ الْأَوَّلِ فِي بَيَانِ مَشْرِوعَيْهَا الثَّانِي فِي بَيَانِ مَوْرَدِهَا وَمَحَلِّهَا وَالضَّابِطَةُ فِيهَا وَ
 التَّلَاثُ فِي بَيَانِ أَهْلِهَا وَاحْتِكَاظِهَا مِنْ حَيْثُ أَتَى مِنْ عَمَّةٍ أَوْ رَحَضَةٍ وَهَذَا الْعَمَلُ بِأَعْلَى سَبِيلِ التَّلَزُّمِ
 أَوْ الْجَوَازِ وَأَهْلُهَا وَطَيْفَةُ الْأَصْحَامِ أَوْ هُوَ وَبِأَيِّهِ أَوْ تَعْمُ كُلُّ أَحَدٍ الْخَامِسُ فِي بَيَانِ مَوَارِدِ
 أَتَى عَلَى الْأَصْحَابِ كَلِمَاتٍ وَبَعْضُهُمْ فِي الْمَسَائِلِ بِهَا وَمَا يَتَّبَعُ فِي نَظَرِي مِنَ الصُّورِ وَالْبَطْرُونِ فِي كُلِّ
 مَوْرَدٍ مَوْرَدِهَا أَمَّا الْحَقَامُ الْأَوَّلُ فَتَعَوَّلَ قَدْ ثَبَتَ مَشْرُوعَيْهَا فِي الْجُمْلَةِ بِالْأَدَلَّةِ الْأَرْبَعَةِ
 أَمَّا الْكُتَابُ فَتَعَوَّلَ عَنْ اسْمِهِ فِي سُورَةِ الْإِسْرَاءِ وَمَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ أَنْ يَلْقَوْنَ أَتْلُوهُمْ أَنْهُمْ يَكْفُرُونَ
 وَمَا كُنْتُ لَدَيْهِمْ أَنْ يَكْفُرُوا قَالَ الطَّرِيسِيُّ رَدِّهِ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ بَعْدَ ذِكْرِ الْمَعْنَى وَفِيهِ الْآيَةُ دَلِيلًا عَلَى
 أَنَّ الْقِرْعَةَ مِنْ خَلْقِ فِي قَمَرِ الْعُقُوقِ ثُمَّ ذَكَرَ بَعْضَ الْأَخْبَارِ الْآيَةَ وَابْتِغَاءَ سَبْحَانَ فِي سُورَةِ النَّصَا
 فِي أَحْوَالِ يُونُسَ النَّبِيِّ عَلَى بَنِيَاءِ اللَّهِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُمْ فَكَانَ مِنَ الْمُدَّعِيَيْنِ وَالْمُرَادُ
 بِالْمَسْأَلَةِ الْإِقْرَاعُ مَا خُوِّذَ مِنَ الْقَاءِ وَالسَّهَامِ وَالْمُرَادُ بِكَوْنِهِ مِنَ الْمُدَّعِيَيْنِ صِدْقُهُ وَتَعْلُومًا
 بِالْقِرْعَةِ مِمَّا نَزَلَ عَنْ غَيْرِهِ قَالَ الطَّرِيسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَرِينِ قَوْلُهُ تَعْرِفُ مَسْأَلَهُمْ أَيْ قَارِعٌ وَاسْمُ بَنِيهِمْ أَيْ اقْرَعُ
 وَاسْتَهْوَى أَيْ اقْتَرَعُوا وَتَسَاهَوْا وَمِنْهُ الْحَدِيثُ سَأَلَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ قَرِيشًا فِي بِنَاءِ الْبَيْتِ
 وَفِيهِ أَوَّلُ مَنْ سَوَّجَ عَلَيْهِ مِنْ مِمَّ بَنَتْ جَمْرًا ثُمَّ يُونُسَ ثُمَّ عَيْفَ الْمَطْلَبِ قَالَ الطَّرِيسِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ
 وَرَحَضَتْ عَجْمَةً أَيْ سَقَطَتْ وَأَرَحَضَهَا اللَّهُ مَا خُوِّذَ مِنَ الدَّحْضِ وَهُوَ الرُّقُوعُ لِأَنَّهُ يَسْقُطُ الْمَطْرُ
 فِيهِ قَالَ الشَّاعِرُ وَحَدَّثَ كَمَا حَدَّثَ الْبَعِيرُ عَنِ الدَّحْضِ أَنْهِيَ فَالْمَعْنَى صَارَ مِنَ الْمَقْرُوعِينَ وَالْمَخْلُوعِينَ
 الْمَقْرُوعِينَ وَاخْتَلَفَ فِي سَبَبِ ذَلِكَ فَقِيلَ أَنَّهُمْ شَرَفُوا عَلَى الْغُرُقِ فَرَادُوا أَنَّهُمْ أَنْ طَرَحُوا وَجَدَّ
 مِنْهُمْ فِي الْبَحْرِ لَمْ يَغْرُقِ الْبَاقُونَ وَقِيلَ أَنَّ السَّغِينَةَ احْتَسَبَتْ فَعَالَ الْمَلْأُونِ أَنْ هُوَ يُعْبَدُ
 أَبْقَانًا مِنْ عَادَةَ السَّغِينَةَ إِذْ كَانَ فِيهَا أَبَقُ لَا تَجْرِي فَلِذَلِكَ اقْتَرَعُوا وَوَقَعَتِ الْقِرْعَةُ عَلَى يُونُسَ
 ثَبَّتْ مَادَّةً وَعَلِمُوا أَنَّهُ الْمَطْلُوبُ فَالْقَوْلُ نَفْسُهُ فِي الْبَرِّ وَقِيلَ أَنَّهُ لَمَّا وَقَعَتِ الْقِرْعَةُ عَلَيْهِ الْقَوَّةُ فِي الْبَرِّ وَالْقَمَّةُ
 الْحَوْتُ وَهُوَ مَلِيمٌ وَقَدْ وَرَدَ فِي الْأَخْبَارِ الْأَحْقَابِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَطْفَارِ عَلَى شَرَعِيَّةِ الْقِرْعَةِ بِهَا بَيْنَ
 الْإِيَّتِينَ كَمَا سَيَأْتِي فِي مَجَالِ الْمُنَاقَشَةِ فِيهَا وَأَمَّا السَّنَةُ فَكثيرةٌ جِدًّا مذكورةٌ فِي أَبْوَابِ صَفْوَةِ
 قَرِيبَةٍ مِنَ التَّوَارِيخِ عَلَى حِدِّ التَّوَارِيخِ مَعْنَى مِنْهَا مَا وَرَدَ الْكَلْبِيُّ رَدِّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ
 عَنْ مَعْلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَسَّاعِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ السَّمْعِيِّ الْجَعْفِيِّ قَالَ فَلَيْتَ لَأَبِي حَضْرَةَ
 الْحَمِيرَةَ بْنِ شُعْبَةَ رَوَى عَنْكَ أَنْتَ فَكَلِمَتُ لَهَا أَنْ الْخَائِضُ تَقْضِي الصَّلَاةَ فَعَالَ مَا لَهُ الْأُ
 وَفَوَاتِهِ

بعض الحوادث فيها أنها هي قول علي بن الحسين القتيبي أو القتيبي الرابع

حضرات آيات: علامه شيخ محمد حسين كاشف الغطاء و حاج شيخ علي اكبر نهاوندي، با توجه به رسائل مزبور، وی را مجتهد دانسته و به او اجازه اجتهاد داده اند.

"بسم الله الرحمن الرحيم. وله الحمد، وسلام على عباده الذين اصطفى.

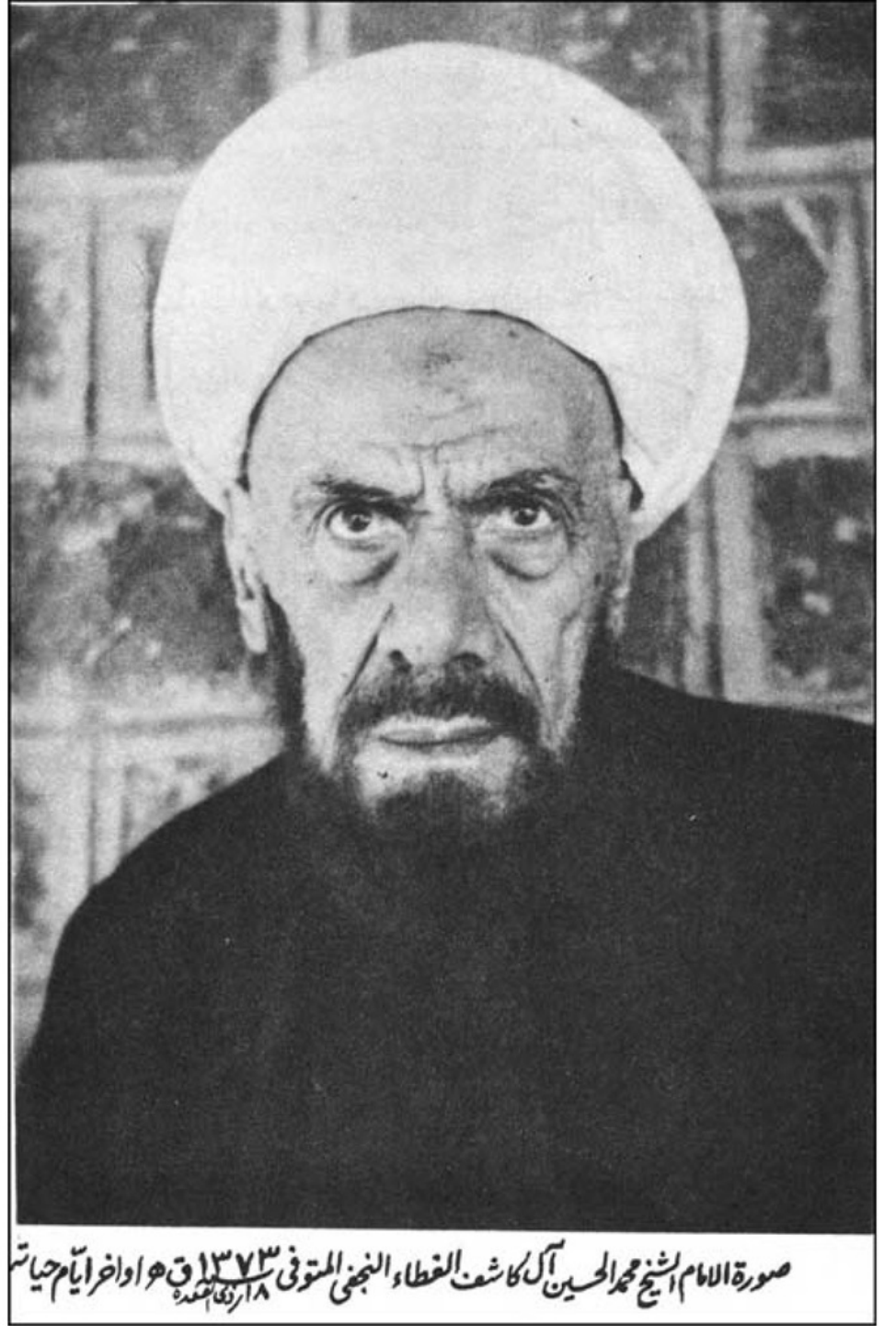
وبعد، فقد سرّحت نظری فی أكثر مباحث هذه الجميله والموسوعه الجليله، وقد شهدت لى شهاده صادقه على غزاره علم مؤلفها العالم الربانى والعلامه الثانى، ثمره شجره المباركه الأحمدیه وزيت أنوار الدوحه التى لا شرقیه هی ولا غربیه، العلم الهمام والعيلم القمقام، سید الأشراف والعلماء وقوده الأساطین الفقهاء، السید الأجلّ، السید حبیب الله الموسوی، دامت برکاته.

فإنّه - أئیده الله - من المجاهدين فى الدين والمجددين لفروع شریعه جده سید المرسلین، ويلزمه العمل برأیه والرجوع من الغير إليه والاعتماد علیه والاستضاءه بأنواره والاستفاده من درر بحاره.

واللائم على جميع اخواننا المؤمنین تعزیز مقامه والتقرّب إلى الله - جلّ شأنه - بإكرامه واحترامه ودفع الحقوق اليه، خصوصاً الخمس وسهم الإمام، أرواحنا فداءه وعجل الله فرجه.

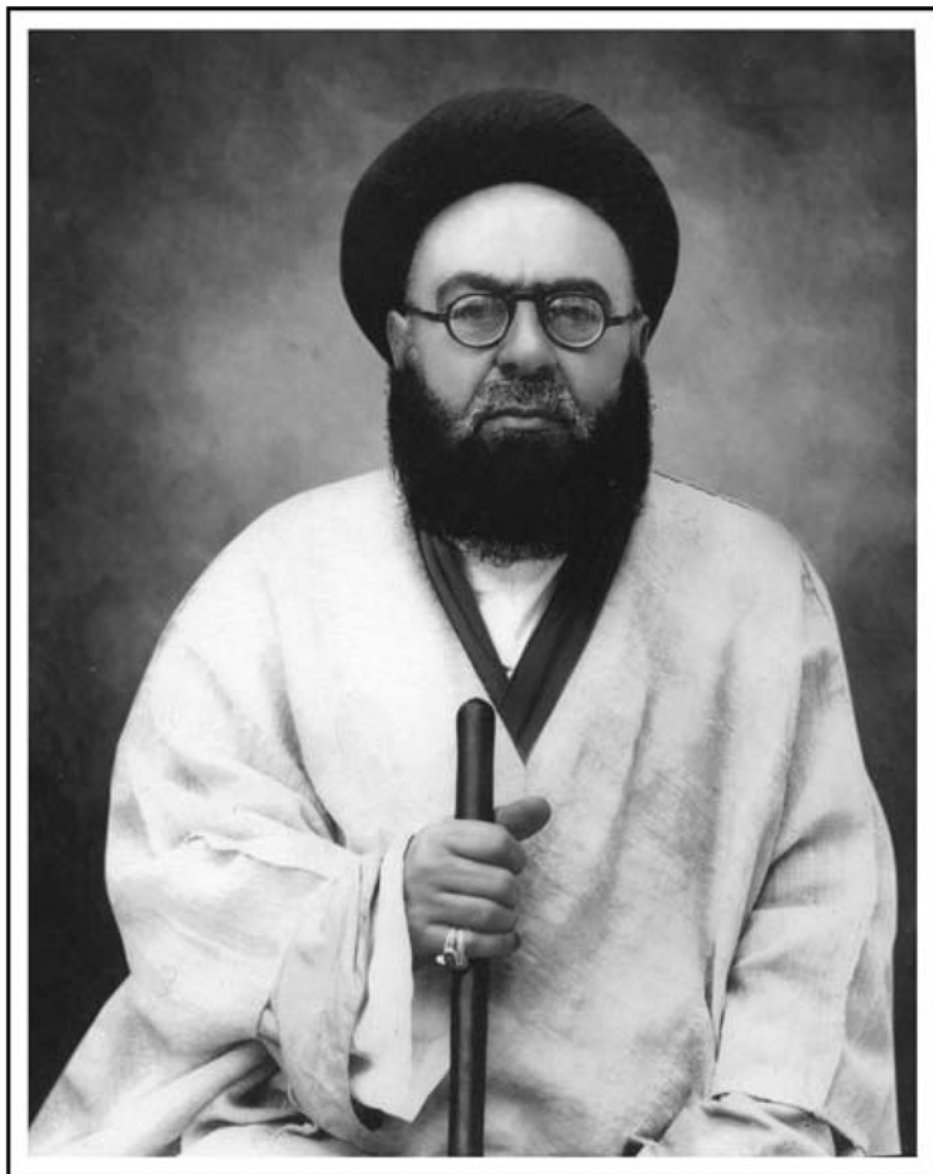
ص: ۱۱۸

۱- شیخ محمد حسین بن شیخ علی بن رضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء، از فحول و متبحرین علمای امامیه که در کثرت تتبعات متنوعه، وحید عصر و فرید دهر، و تبّخر او در فقه و اصول و کلام و حدیث و رجال و درایه و تفسیر و دیگر علوم، مسلّم همگان بود. وی از اکابر حماه دین مبین و مدافعین شرع سید المرسلین و یگانه مبارز هجوم معاندین بود. عمر شریف او در اعلای لوا و حفظ حدود و ثغور دین مقدس اسلام مصروف گشته و مصدر خدمات بزرگ دینی و مایه افتخار شیعه بود. با هر یک از تألیفات طریفه و متنوعه و مبتکره خود عموم مسلمین را رهین قلم خود کرده و مصداق حقیقی "مداد العلماء افضل من دماء الشهداء" بود. ریحانه الادب ج ۵ ص ۲۷.



وقد أجزت له أن يروى عني ما صحت لي روايته من مشايخي العظام وأساتيدي الأعلام - عطر الله مراقدهم - ورجائي منه - اطال الله بقاه - أن لا ينساني من صالح دعواته، كما لا أنساه، وأن يرعاني بلطفه كما أرعاه، ونفع الله المؤمنين بوجوده المبارك بدعاء مخلصه محمد الحسين آل كاشف الغطاء. حرره في النجف الاشرف في مدرسته العلميه، غره ربيع المولود المبارك، سنه ١٣٦٥".

بسم الله الرحمن الرحيم
 وله الحمد وسلام على عباده الذين اصطفى
 وبعد فقد سرحت نظرياً في الكرم باحث هذه الجميلة والوسعة الجليله
 وقد شهدتني شهادة صادقة على غزارة علم مؤلفها العالم الرباني و
 العلامة فخر الشجر المباركة الاحديه وزيت النوار اللوحه التي لا
 شرقية هي ولا غربية العلم الهام والعهد القمام سيد الاشراف
 والعلماء وقد في الاساطير الفقيه والسيد الاجل السيد
 الموسوي دامت بركاته فانه ايم الله من المجاهدين في الدين
 والمجددين لفروع شريعتهم سيد المرسلين
 ويلزمه العلم برأيه والرجوع اليه والاعتناء عليه والاستطاعة
 بانواره والاستفادة من دره سجاج واللازم على جميع
 اخواننا المؤمنين تفرغ نقاسه والتقرب اليه جل جلاله
 بكرامه واحترامه وده فرع الحقوق اليه خصوصاً الخدم
 الاعام ارواحنا نداء ومجلد اسم فرجه وقد اجرت ان
 يرويا عيني ما صحت عليه روايتي ممن مشايخي العظام والفقهاء
 الاعلام عظم الله مراقدهم ورجائي منه اطار الله القبا
 ان لا يناني من صلاح وعونه كالا اناه وان يرعاني
 بلطفه كما رعاها ونفع اسم المؤمنين برحمه ابارك
 بدعاء مخلصه محمد بن
 عزة في الجهة الاشراف كما اشرف
 في مدرسته العلية في ربيع الاول المبارك سنة ١٢٦٥



اوصاف

مرحوم آقا میرزا حبیب الله عمر خود را به فعالیت و تلاش خستگی ناپذیر در ترویج دین پسری نمود. تا آخرین شب وفاتش از اقامه جماعت و بیان احکام و وعظ و خطابه و ارشاد مردم دست برنداشت و از همین رو محبوبیت اجتماعی داشت.

در مسجد خیابان خوش (طالقانی فعلی) و مسجد ستاری واقع در خیابان فردوسی اقامه جماعت می کرد. احیاء شب های جمعه و مراسم قرائت دعای کمیل در تکیه کازرونی در تخت

فولاد و جلسات دعا و موعظه ایشان مورد توجه و اعتقاد مومنین بود. مواعظ منبری او که پس از ادای نماز انجام می گرفت نیز از هر حیث قابل

اهمیت بود.

وی عالمی متواضع، خوش اخلاق و پیش سلام و در عین حال سریع الغضب و سریع الرضا بود. در شب های جمعه مراسم احیاء و دعای کمیل برپا می نمود که جمع کثیری از مؤمنین از دور و نزدیک در پای منبر او در تکیه کازرونی حاضر شده و تا صبح به مراسم احیا و دعا مشغول بودند. (۱)

حکایت

جناب حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی به نقل از پدر بزرگوار خود آقا میرزا حبیب الله می گوید:

در زمان رضا شاه که روحانیت در مضیقه شدید قرار داشت، استاندار به دنبال من فرستاد و پیشنهاد قبول دفتر اسناد رسمی را به من داد.

من با این عذر که از قوانین مطلع نیستم از قبول آن خودداری کردم، اما فقر و مشکلات زندگی مرا در تنگنای شدیدی قرار داده بود.

شب جمعه در مراسم احیاء و دعای کمیل که در تکیه حاج آقا مجلس برگزار می شد، در وسط دعا به حضرت بقیه الله الاعظم - ارواحنا فداه - متوسل شدم. در آن وقت هرکسی با حضرت زمزمه ای داشت. من نیز حضرت را مخاطب قرار دادم و عرض کردم: یا بقیه الله! شما که خبر از مشکلات ما دارید. آیا نوکر می خواهید یا نه؟ اگر نوکر می خواهید مواجبش را هم بدهید و اگر نمی خواهید راه کسب حلالی را نشان دهید که بتوانم امرار معاش کنم.

ص: ۱۲۲

در این هنگام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در برابر خود دیدم که می فرمود: حبیب الله! نوکر می خواهیم و مواجبش را هم می دهیم.

و از آن تاریخ گشایشی در زندگی حاصل شد.

جلسات دعای کمیل نیز در تخت فولاد برپا بود تا این که در اثر فشار حکومت تعطیل شد و به دعوت مردم حسین آباد به مسجد اعظم آنجا منتقل گردید و زمانی که رضاخان از کشور رفت و آزادی نسبی حاصل شد، جلسه دعای کمیل دوباره در تخت فولاد برگزار شد. (۱)

وفات

این عالم مروج پرتلاش سرانجام در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۷۹ق در اثر عارضه سکتته وفات کرد و در تکیه ای مخصوص مدفون گردید.

استاد فضل الله اعتمادی "برنا" ماده تاریخ زیبای زیر را در وفات او سروده است:

سال فوتش رقم بزد "برنا"

شد: "حبیب خدا ز دنیا رفت"

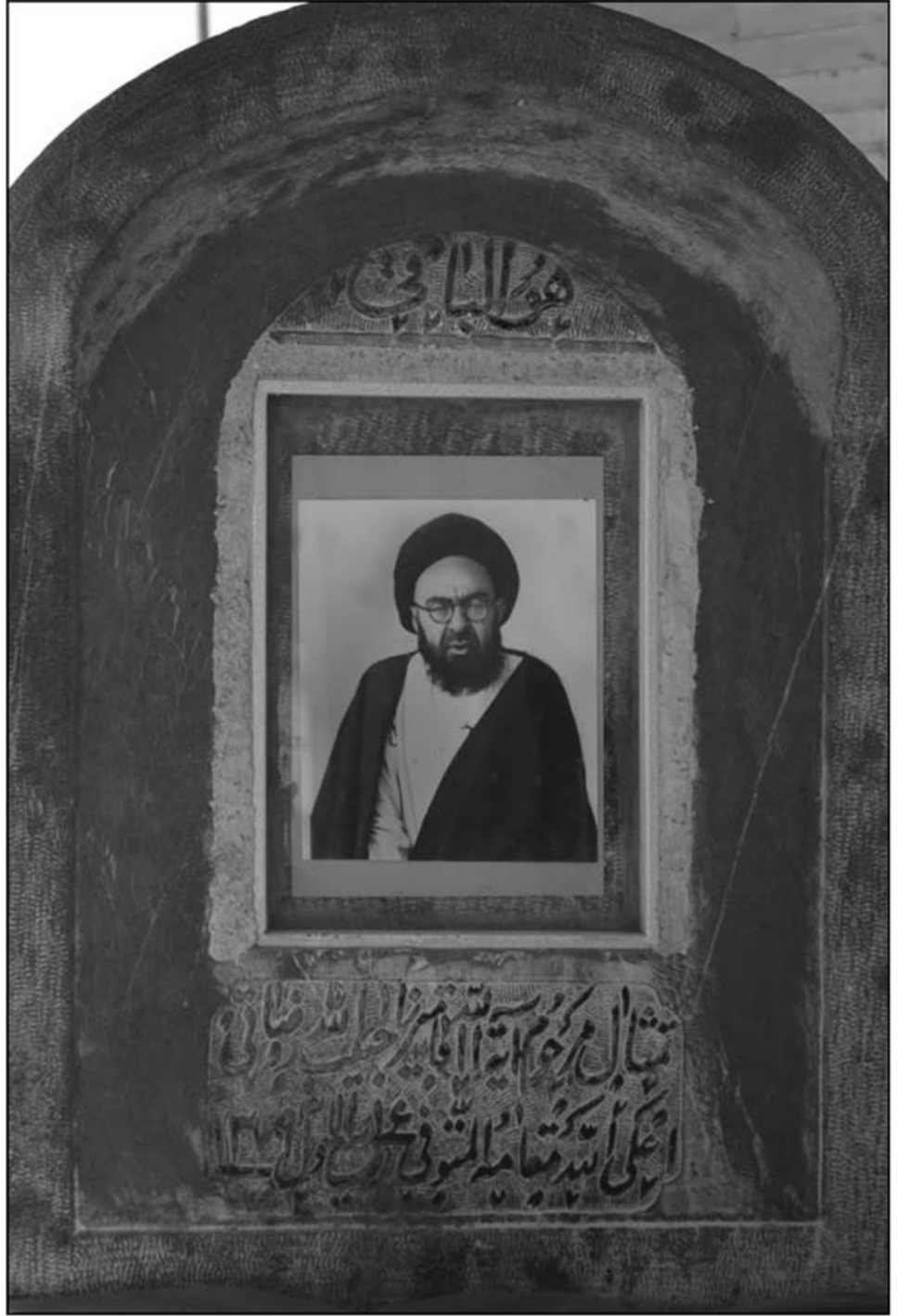
عالم جلیل و خطیب شهیر شیخ محمد رضا حسام الواعظین از دوستان صمیمی وی اشعاری به زبان عربی در وفات او سروده که این دو بیت از آن بر روی سنگ مزار آمده است:

تذکر محنه الدنیا و ذرها

فلیس لمؤمن فیها نصیب

ص: ۱۲۳

۱- مصاحبه نگارنده با حجه الاسلام والمسلمین روضاتی حفظه الله.



إلى أن قال:

لعام وفاته نادى "الحسام":

"برضوان العلى وصل الحبيب"

(١٣٧٩)

ص: ١٢٤

۱. سید ابوالحسن روضاتی

وی در غزه محرم سال ۱۳۷۲ق در سن ۳۲ سالگی وفات کرده و در داخل بقعه پدرش مدفون است. بر سنگ مزارش اشعاری از حبیب الله نیر نگاشته شده است:

صد حیف روزگار جفا کیش پرفتن

ناکام بلبلی چه بردی ازین چمن

ارشد پسر زعالم روحانی انتساب

آقا حبیب حجه الاسلام مؤتمن

زین عاریت سرای به روضات قدس

روضاتی آن جوان و بهشتش شده وطن

"نیر" نوشت و با ادبا سال آن بگفت:

"فردوس گشته ماوی سید ابوالحسن"

۲. حجه الاسلام سید عبدالعلی روضاتی

از شاگردان آیه الله شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی و دیگران و سردفتر اسناد.

وی در سال ۱۳۸۷ش در اصفهان وفات نمود.

۳. حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی

عالم جلیل. در سال ۱۳۰۵ش متولد شد.

ادبیات را نزد اساتیدی چون: ملا محمد علی عالم حبیب آبادی، سید رضا

ابوالبركات، شيخ محمد حسين فاضل كوهاني و شيخ محمد جواد فریدني فراگرفت.

"مغنی اللیب" را نزد سید احمد آقا مقدس، "معالم" را نزد سید مجتبی میر محمدصادقی، "شرح لمعه" را نزد حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی و "کفایه الاصول" را نزد عموی دانشمندش مرحوم سید اسد الله روضاتی آموخت و از درس خارج حضرات آیات: سید محمد رضا خراسانی، سید حسین خادمی و سید مصطفی مهدوی استفاده کرد.

وی پس از پدر بزرگوار خود به برپایی مراسم احیاء و قرائت کمیل در تکیه کازرونی اشتغال دارد.

دامادهای مرحوم آقا میرزا حبیب الله نیز عبارتند از:

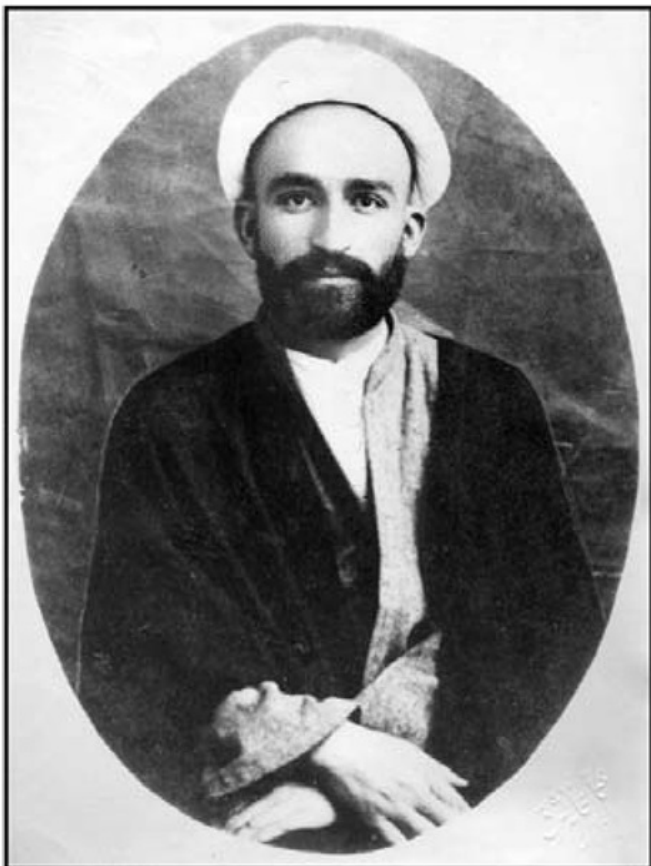
۱. آیه الله میرزا اسماعیل بروجردی

۲. آیه الله سید محمد علی صادقی (م: ۱۳۷۵ش)

۳. آیه الله سید جلال الدین طاهری

۴. مرحوم حاج میرزا محمد مروی (از اساتید قرائت قرآن، م: ۱۳۲۸ش)

ص: ۱۲۶



آیه الله میرزا اسماعیل بروجردی

فرزند آیه الله العظمی حاج آقا منیرالدین بروجردی. (۱)

ص: ۱۲۷

۱- از بزرگان فقها و مجتهدین اصفهان. در ۲۲ رجب ۱۲۶۹ق در بروجرد متولد شد. جدش آخوند ملا علی بروجردی داماد میرزای قمی بود. او پس از کسب مقدمات علوم به اصفهان مهاجرت نموده و به درس حاج شیخ محمد باقر نجفی حاضر شد. آنگاه در نجف و سامراء درس شیخ حسن کاشف الغطاء و میرزا محمد حسن شیرازی را درک نمود. وی دارای حافظه ای عجیب و هوشی سرشار بود و در سن ۱۸ سالگی به درجه اجتهاد نایل گردید. پس از مراجعت به اصفهان، با کمال عزت و احترام و قدرت و نفوذ به انجام وظایف شرعی خود پرداخت. وی در مسجد ایلچی اقامه جماعت و در منزل تدریس می نمود. در ادبیات عرب و علم رجال و درایه احاطه کامل داشت و در نزد میرزا نصرالله قمشه ای درس معقول خوانده بود. از تألیفات او "الفرق بین الفریضه والنافله" به چاپ رسیده که در آن ۲۷۰ فرق بین فریضه و نافله ذکر شده است. وی در روز دوشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲ق وفات یافت و در تکیه ملک مدفون شد.

عالم فاضل کامل، از شاگردان پدر خود و آخوند ملا حسین کرمانی (۱) و آیه‌الله سید محمد نجف آبادی. شیخ اسماعیل عالمی محقق و دارای استعدادی درخشان و کم نظیر بوده و در سال ۱۳۴۷ق از استادش آیه الله نجف آبادی اجازه اجتهاد دریافت نموده است.

در اجازه مزبور چنین آمده است: "وكان ممن جدّ في الطلب وبذل الجهد في تحصيل هذا المطلب وفاز بسعادتي العلم والعمل وحاز منهما الحظّ الأوفر الأكمل، العالم العامل والمحقق الفاضل والمدقق الكامل، الحائز للفضائل والجامع للفواضل، الفائق على الأقران والأمثال، قدوه الأزكيا وسوه الفضلاء، ذو الفكر النقاد والطبع الوقاد والفضل الوافي الجليل والذهن الصافي الجميل، مولانا مير محمد اسماعيل، ابن المرحوم المغفور فخر الفقهاء الراشدين وعلامه العلماء العاملين وحجه الاسلام والمسلمين مولانا الحاج آقا منير الدين، طاب الله ثراه. فإنه - أطال الله بقاءه - قد تلمذ عندي، واستفدت منه واستفاد منّي، برهه من الأيام والأزمان، ومدّه من الشهور والأحيان، جمله من المسائل الأصوليه والفقهيّه، قرائه تحقيق وتدقيق ونظر وتعميق، إلى أن حصل له القوه القدسيه القدوسيه، وحصل له رتبه الاجتهاد، ونظم نفسه في سلك أهل السداد؛ فله عند ذلك العمل بما يستنبطه من الأحكام، على النهج المعروف بين الأعلام، وأرجو أن ينتفع بوجوده الشريف الخواص والعوام". (۲)

ص: ۱۲۸

۱- رساله در شرح حال آخوند ملا حسین کرمانی از سید مصلح الدین مهدوی، مخطوط.

۲- مجموعه نامه ها و اجازات آیه الله نجف آبادی، مخطوط. با تشکر از جناب آقای سید محمد مدرّس نجف آبادی که مجموعه فوق را در اختیار نویسنده قرار داد.

میرزا اسماعیل در چهارشنبه ۳ شعبان ۱۳۵۲ ق به سنّ جوانی وفات یافت و در تکیه ملک در کنار پدر بزرگوار خود مدفون گردید. (۱)

جناب حجه الاسلام والمسلمین سید عبدالحسین روضاتی به نقل از پدر خود میرزا حبیب الله می گوید: اگر شیخ اسماعیل زنده مانده و عمرش کفاف داده بود به مقام مرجعیت می رسید. شیخ اسماعیل از دختر آقا میرزا حبیب الله پنج فرزند دختر داشت که پس از وفات نابهنگامش تحت تکفل پدر بزرگشان آقا میرزا حبیب الله درآمدند. یکی از دامادهای او واعظ کامل حاج آقا رضا مظاهری کرونی بود.



نفر دوم به بعد: حضرات آیات: سید اسدالله، سید محمود، میرزا حبیب الله و میرزا مجتبی روضاتی

ص: ۱۲۹

۱- مکارم الآثار ص ۱۹۲۲.

عالم فاضل کامل، از وعظ معروف اصفهان.

تولد و خاندان

وی در سال ۱۲۷۱ ش در اصفهان، محله چهارسوق علی قلی آقا متولد گردید.

نسب نامه پدری او چنین است:

"سید مرتضی ظهیر الاسلام، ابن سید علی بن سید محمد بن سید حسن بن هاشم بن سید میرزا بن محمد بن حسن بن نصرالله بن حسن بن حسین بن عیسی بن حمیس بن هاشم بن احمد بن ناصر بن سلیمان بن موسی بن صالح بن علی بن محمد بن کمال بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن طاهر بن ابراهیم بن علی بن عیسی بن حسن بن موسی بن جعفر علیهما السلام".

وی از طرف مادر، از اعقاب حکیم عارف نامدار آقا محمد بید آبادی (۱) است. (۲)

ص: ۱۳۰

۱- آقا محمد بید آبادی به نوشته استاد همایی: از جمله نوادر دانشمندان و رجال ممتاز فخر عالم بشریت است که نظیرش در قرون متوالیه کمتر وجود گرفته و مادر ایام را آوردن فرزندی ارجمند چون او دیر به دیر اتفاق افتاده است. وی در انواع علوم عقلی و نقلی از فقه و حدیث و حدیث و فلسفه و کلام و عرفان و ریاضیات و ادبیات چندان دست داشته که در هر یک از شعب علوم، یگانه عالم متخصص ذی فن شمرده می شده اما عمده شهرت و تدریس او در فنون فلسفه و عرفان بوده و بالجمله انواع علوم و معارف بشری را در روح خود هضم کرده، انسانی کامل شده بود. علامه زنوزی در "ریاض الجنه" می نویسد: "کان اعجوبه الزمان ونادره الدوران ومن وجوه علماء العصر وثقات اعیان الدهر. اصل آن جناب از مازندران است چون در محله بیدآباد اصفهان متوطن بود به بیدآبادی اشتهار یافته در همه فنون حکمت سیما فن الهی کمال وقوف و استادی داشت و در طریقه تصوف و اشراق طاق و بی نظیر آفاق بود و در تهذیب اخلاق و تزکیه و تطهیر باطن کوشش بی اندازه نمود خود را از تیه ظلمانی ناسوتی به عالم نورانی لاهوتی اختصاص داده بود. وقوف ایشان در عمل اکسیر بین الخواص والاخیار کمال اشتهار دارد، والعلم عندالله". وی در سال ۱۱۹۷ق وفات یافت و در سرزمین مقدس تخت فولاد مدفون گشت.

۲- زندگی نامه خود نوشت مرحوم ظهیر، نسخه خطی.

پدرش: أقرأ القراء سيد علي زنجيره فروش از جمله زهاد و عبّاد و اساتيد فنّ تجويد و قرائت در اصفهان بود و عدّه زيادى شاگرد آشنا به فنون قرائت قرآن تربيت نمود.^(۱)

حاج مير سيد علي در حدود سال ۱۲۷۵ق متولد شد. نزد عاصم كاشانى^(۲) قرائت هاى ده گانه را آموخت و سال ها به تدريس كتاب "شرح شاطبى" پرداخت و تدريس اين كتاب در اصفهان منحصر به او بود.

وى در سال ۱۳۵۱ق وفات يافت و در تكيه شيخ مرتضى ريزى مدفون شد و سپس به اعتاب مقدسه منتقل گرديد.^(۳)

ص: ۱۳۱

۱- برخى از شاگردان او عبارتند از: سيد محمد علي عريضى، حاج لطف الله سينائى، حاج مهدى شكوهنده، حاج ميرزا محمد مروى، ميرزا محمد معنوى (پسر خواهر سيد علي) عبدالحسين مرتضوى زيلوباف.

۲- محمد بن محمد باقر شريف كاشانى از اساتيد فنّ تجويد و قرائت و قريب به چهل سال در اصفهان استاد قرّاء بود و شاگردان زيادى تربيت نمود. از آثارش كتاب "وجيزه التجويد" است كه به همت شاگردش ميرزا عبدالغفور شمس القراء چاپ شده است. وفات عاصم در حدود سال ۱۳۲۰ق روى داده است. دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۵۲.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۸۱۸.



مرحوم ظهیر درباره پدر خود می نویسد:

"سید السادات العظام، سلمان الزمان و ابوذر الدوران، الوجیه الفرید فی علم القرائه والتجوید، آقا سید علی در فنّ تدریس "شاطبی" و نقل قرائات سبعة بل عشره، افضل و اعلم دوره خویش بود و تلامذه او در عراق عرب و عجم مشهور بودند." (۱)

جدش: آقا سید محمد از شدت توغل در نحو و ادب، عبارت خوان درس فقیه بزرگ حاجی محمد ابراهیم کلباسی بوده ولی به پسرش سید علی فرموده بود:

مرا به تجربه معلوم شد در آخر کار

که قدر مرد به علم است و قدر علم به مال

۱- زندگی نامه خودنوشت مرحوم حاج ظهیر، مخطوط.





لذا حاج میر سید علی که در اثر تحصیلات مسلط در تدریس تجوید و شاطبی و در فن قرائت استادی بی نظیر و شهیر عرب و عجم بود، شغل و تجارت خرید طلا و نقره برای زنجیره فروشی را اختیار نمود.^(۱)

به نوشته مرحوم مهدوی: سید حسن موسوی - پدر سید محمد - نیز از علما و شاگردان آیات عظام: سید محمد باقر شفتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی بوده و پس از وفات در قبرستان آب بخشان مدفون گردید، از امتیازات او عمامه سبز بوده است.^(۲)

اساتید

حاج ظهیر در کودکی مشغول تحصیل در مکتب مرحوم ملا حسین گردید و تا دوازده سالگی از فارسی انشا و املاء فارغ شده و دو سه سال هم به شغل پدر مشغول بود، تا آن که به سبب پیش آمدی از کسب روی گردان شده و به تحصیل علوم دینی روی آورد. اساتید ایشان در اصفهان عبارتند از:

۱. حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای

۲. شیخ علی مدرّس یزدی

مرحوم حاج ظهیر درباره این استاد ارجمند خود می نویسد: "الحق استادی بود یگانه و ناطقی بود فرزانه که از اوّل آفتاب تا اوّل ظهر، دروس عدیده، بدون درنگ، با

ص: ۱۳۵

۱- همان.

۲- بیان المفاخر ج ۱ ص ۳۰۴.

لهجه شیوای شیرین، سیما "شرح لمعه" و "قوانین" را تدریس می کرد". (۱)

۳. شیخ علی مفید (۲)

۴. شیخ محمود مفید (۳)

۵. شیخ محمد حکیم خراسانی (درس شرح منظومه حکمت)

حاج ظهیر در شرح حال خود می نویسد: "مدتی مدید از محضر مبارک استاد کلّ فی الكلّ آقا شیخ محمود المعروف بمفید استفاده کرده ام". (۴)

۶. سید میرزا اردستانی

۷. سید علی اصغر برزانی (۵)

۸. سید مهدی درچه ای

۹. میر سید علی نجف آبادی

۱۰. سید محمد نجف آبادی

۱۱. شیخ محمدرضا مسجدشاهی

ص: ۱۳۶

۱- زندگی نامه خودنوشت مرحوم حاج ظهیر، مخطوط.

۲- خاطرات مبارکی نسخه خطی: حاج ظهیر "سیوطی" و "شرایع الاسلام" را نزد مبارکه ای خوانده است.

۳- عالم ریّانی و فاضل صمدانی، جامع معقول و منقول. از علما و مدرّسین اصفهان که عمری به قناعت و عزّت زندگی نمود و در جمادی الاولی ۱۳۴۵ ق وفات یافت و در تکیه آقا محمد بیدآبادی مدفون شد.

۴- زندگی نامه خودنوشت مرحوم حاج ظهیر، مخطوط.

۵- اساتید فوق را مرحوم سید مصلح الدین مهدوی ذکر کرده و اساتیدی که از این به بعد ذکر می شود در دست نوشته جناب آقای سید علی ظهیر الاسلام فرزند مرحوم حاج ظهیر آمده است.

اصفهان

(الحاج سید مرتضی و احوط)

ظهیر الاسلام

تاریخ ۵ کربلا ۱۲۸۰

۱۳

نشانی

مدارس صدر - شیش بند آباد

سلام صلوات

میرزا محمد ارادت - در محرم که فیض در ماه ۹/۱۶/۱۲۸۰ واحد مشرف بر امور و احوط نذریت مسکون و مجنون بودیم
 در میان محل در نهایت جوار اذعان تکلیف بود - بعد از وفات تربیت در زمین خور - در زیر باران هم عارف برادر است
 ۱۱ ابر فرموده که این حج از حج ابو عمرو ایمن میماند جمع آنچه نامیده شود در حج حجج ۱۰/۱۰/۱۲۸۰ باشد و این در وقت
 در دست است به تواتر از اهل علم از ادبیات و فقه و اصول و طب و در افکار کار در حج از آن است و فعلی در نور است
 عیادت خندان در کوی طیار و کوی پلیس و کوی ابراهیم به آن وقت میرزا به پیش سوره در او فرموده که از خود است و در حج به آن
 بر و دنبال کعبه به تورات قرآن و حج در آن وقت سقف در زیرین کعبه و کوی در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 شهر عریب و حج عکبری بر وجه خود بودیم آن اتم ارسال زد و در راجع به کعبه فرموده که در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 تا حوازم کعبه از حوازم فروع را در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 منزل و اتمو شستند مشغول و در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 بر اصفهان میرزا فتحعلی سلطه از خرم نایب میرزا احمد مرکی در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 خود نیز در مشغول فرستیم حج عریب و کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 که به حصار بیزاران منور در حج عریب میرزا محمد در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 و در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 با عکس نامی شتر مشغول منور و به نامش معنی و کعبه فرمودان را در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 خلفه در حج مشغول افکار و به سفینه مشغول و معقول و بحکم زنده تا از طرف اعظمی کعبه در آن وقت کعبه
 کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 فقط میں رہا کہ کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 مشغول کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 از کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 از کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 از کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه
 از کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه در آن وقت کعبه

زندگینامه خودنوشت مرحوم ظهیر الاسلام

۱۲. سید محمد رضا خراسانی

۱۳. سید عبدالله ثقه الاسلام (علم رجال)

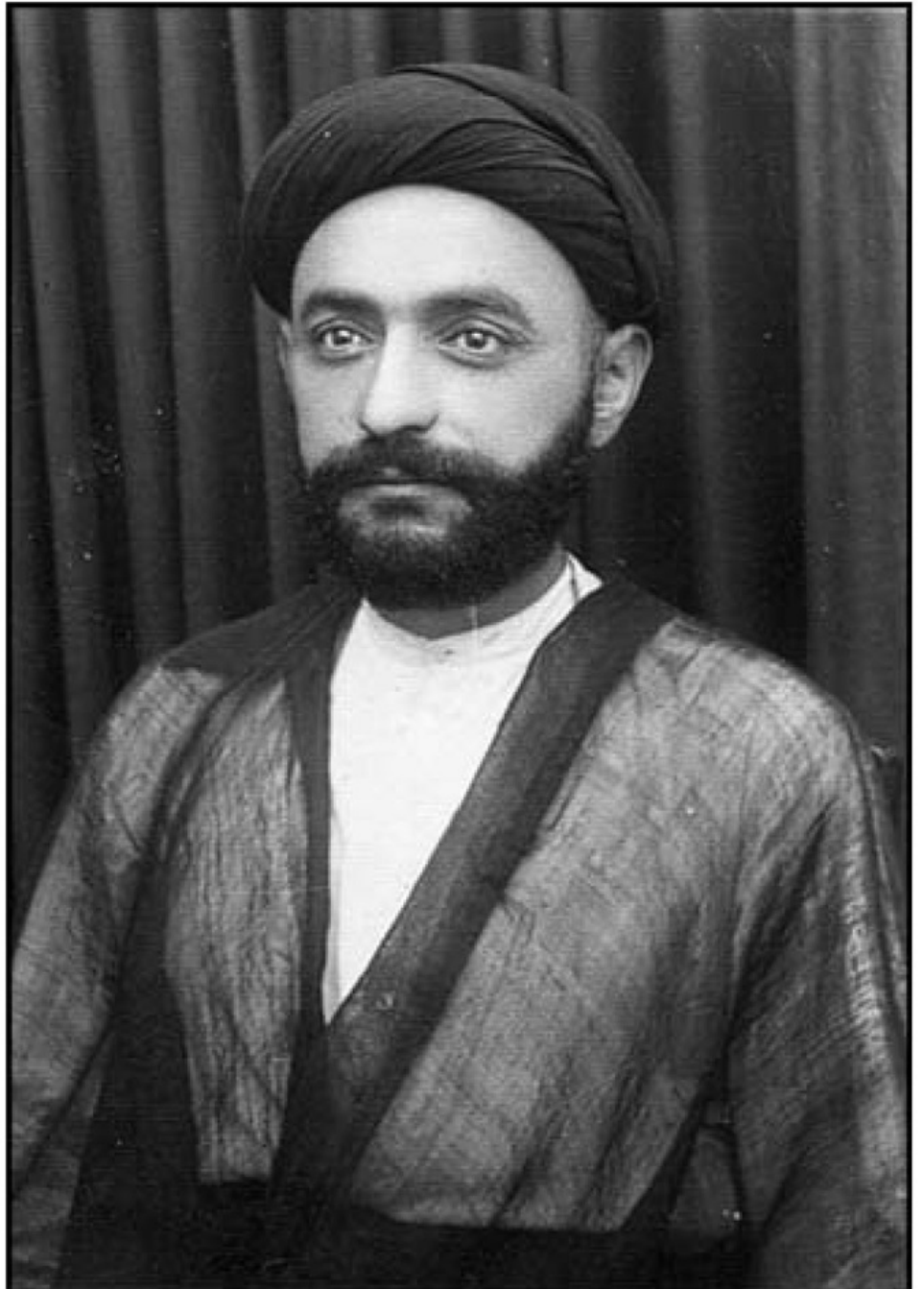
۱۴. میرزا علی آقا شیرازی

۱۵. سید صدرالدین کوپائی

۱۶. میرزا احمد مدرّس خراسانی

۱۷. سید عبدالحسین سیدالعراقین (۱)

۱۸. شیخ غلامرضا خوراسکانی (۲)



۱- نام دو استاد اخیر در دست نوشته مرحوم حاج ظهیر ذکر شده است.

۲- به نقل از دست نوشته مرحوم محمد ابراهیم جواهری.

به نوشته مرحوم مهدوی: حاج ظهیر مدّتی نزد مرحوم

حاج سید محمد صدرالواعظین طباطبائی که از رؤسای منبریان اصفهان بود، اصول و فنون وعظ و ارشاد و ذکر مواعظ و مصائب را به خوبی فرا گرفت و بعداً خود متجاوز از پنجاه سال مردم را با مواعظ شافیه و نصایح کافیه و نقل اخبار و آثار و بیان احادیث و تواریخ و حکایات مذهبی ارشاد و تبلیغ می نمود. (۱)

زندگینامه خودنوشت مرحوم ظهیرالاسلام

زندگینامه خودنوشت مرحوم ظهیرالاسلام

اجازات

به نوشته مرحوم حاج ظهیر وی از چندین نفر از علمای بزرگ عتبات و ایران اجازه روایی داشته است. متأسفانه هیچ یک از اجازات مزبور در دست نیست، اما در زندگی نامه خودنوشت حاج ظهیر (۲) به نام مشایخ او اشاره شده که عبارتند از:

۱. آیه الله آقا سید مهدی معروف به ابن الصدر کاظمینی (۳)

۲. آیه الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی که اجازه مرحوم صدر را امضاء نموده است.

ص: ۱۴۰

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۲ ص ۳۳۹.

۲- با تشکر از جناب آقای فروغی، داماد محترم مرحوم مهدوی، که اسناد فوق را در اختیار نویسنده نهاد.

۳- عالم فاضل و فقیه ماهر جلیل، فرزند آیه الله العظمی سید اسماعیل صدر، از علمای اعلام و افاضل اجلاء، و دارای کتابخانه ای ارزشمند حاوی کتب خطی بوده که در "الذریعه" به برخی از آنها اشاره شده است. وی در سال ۱۳۵۸ق پس از چندین سال ابتلاء به فلج وفات کرد. طبقات اعلام الشیعه ج ۵ ص ۴۲۸. گفتنی است که عالم ربانی آیه الله شیخ مرتضی مظاهری اصفهانی در سال ۱۳۴۵ق از او اجازه اجتهاد دریافت نموده که صورت آن در آغاز کتاب "قلع الغیبه" چاپ شده است.

حاج ظهیر می نویسد: "خط مشار الیه از خوشی، زبان آور اصحاب است."

۳. آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری که اجازه مرحوم صدر را امضاء و بعداً اجازه رسمی مفصلی مرقوم نموده است.

۴. آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالله مامقانی

۵. آیه الله العظمی سید محسن امین عاملی

۶. آیه الله آقا شیخ مرتضی آشتیانی

۷. آیه الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی

۸. آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی



مرحوم حاج ظهیر در اجازه به مرحوم شیخ مرتضی فصیح القراء (از شاگردان سید محمد علی عریضی در فن قرائت و تجوید) به سال ۱۳۶۷ ق

می نویسند:

ص: ۱۴۱

"چون بیان اخبار و احادیث مربوطه در شرعیات را وقتی در متن واقع اثر است که سند حدیث او متصل گردد به معصومین علیهم السلام؛ فلذا تیمناً و تبرکاً شخص مذکور کسب اجازه فرموده؛ فلذا از مشایخ خود که یکی از آن ها: فقیه مطلق مرحوم مامقانی، دوم: نائینی، سوم: عراقی، چهارم: حائری، پنجم: امین الصدر، ششم: فشارکی، هفتم: نجف آبادی، هشتم: شیخ محمد رضا، نهم: جزوی، دهم: درچه ای، یازدهم: سید عبدالله، دوازدهم: استاد اعظم سید خراسانی، که به حاج نوری و شیخ انصاری و بلغ ما بلغ به کلینی در عصر غیبت" (۱).

مرحوم حاج ظهیر می نویسد: "در عصر تاریک پهلوی به امتحانی و دادن مدارکی در کمسیون... موفق شده ام، و با آن که مشاغل دولتی فراوان مراجعه شده، با نداشتن هیچ سرمایه مادی و کثرت عیالمندی از خویشان، [قبول نکرده] فعلاً در مدرسه صدر مشغول افاده و استفاده منقول و معقول، و همیشه زندگی از طرف اعلی حضرت خامس آل عبا علیه السلام به عنوان منبر و تبلیغ می باشم" (۲).

اوصاف

فرزند آن مرحوم، جناب آقای سید علی ظهیر الاسلام می نویسد:

وی عالمی عامل و متقی و فاضلی گران قدر و عارفی پرهیزکار و وارسته و

ص: ۱۴۲

۱- با تشکر از حجه الاسلام والمسلمین سید محمد علی بهشتی نژاد که این اجازه را در اختیار نهاد.

۲- زندگی نامه خودنوشت مرحوم حاج ظهیر، مخطوط.

خطیبی توانا و واعظی شهیر و ادیبی گران مایه و شاعری توانا بود. در علم تعبیر خواب ماهر و در استخاره شهره خاص و عام بود و از علم طب قدیم نیز آگاه داشت. ذاکر با اخلاص اهل بیت خاصه آستان مقدس حضرت اباعبدالله علیه السلام بود. همواره از درگاه حضرت حق طلب یاری می کرد و از پیشگاه مولای متقیان حضرت امیر علیه السلام مدد می جست. عاشق و دلباخته حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و مرتباً برای فرج آن بزرگوار دعا می کرد.



ایشان انقلاب اسلامی را یکی از الطاف الهی می دانست و به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله علیه ارادتی خاص داشت.

دارای خلقی نیکو و سجایای اخلاقی و بسیار مورد احترام مردم بود.

مرحوم حاج میرزا حسین رام پناه، اشعاری در تهنیت عید غدیر و ستایش این واعظ گرانمایه سروده که بخشی از آن چنین است:

باز ز الطاف حیّ قادر سبحان

سر به سر آفاق گشته رشک گلستان

ساحت گیتی همان خلد برین شد

عرصه عالم مثالِ روضه رضوان

جشن عظیمی پدید گشته که یکسر

خلق به وجدند از این عطیه شایان

وان که بود دوستدار شاه ولایت

مظهر و مرآت ذات خالق یزدان

دست توسل زند به ذیل عطایش

همچو ظهیر آن گل حدیقه عرفان

عالم و فاضل، در محیط فتوت

کوه وقار و سکینه، سرور خوبان

بحر عطا، کنز فیض و کان کرامت

چرخ فلک را یگانه مهر درخشان

حامی شرع نبی و شمع هدایت

ناصر دین مبین و حافظ قرآن

زبده اخیار و برگزیده ابرار
نابغه روزگار و نادر دوران
صدق و صفا بندگان کوی وفایش
خود سبب افتخار اهل صفاهان
شهره آفاق در فتون کرامت
نابغه دهر در سوابق احسان
باد بر او این خجسته عید، مبارک
خاصه به حضار و عارفان سخندان
حاج ظهیرا! به علم و فضل شهیرا!
عرش سریرا! به عشق خسرو ذی شان
بس به تو می شاید این بساط دلارا
در همه عالم بویژه کشور ایران
وز دو جهان پایه این بساط فزوده
زان که مدیح علی در او شده عنوان
خسرو مالک رقاب و ساقی کوثر
شافع یوم الحساب و قاطع برهان

نمونه اشعار

اگر دگر نرسد دست من به دامانت
ز دست می روم، ای جان من به قربانت!
به قتل بنده خویش از چه رو دهی فرمان
که سال هاست نیچیده سر ز فرمانت

چه شد که در همه سیارگان ندیدم من

فروغ بخش تر از روی ماه تابانت

به شهر عشقِ دل، از پستخانه هستی

نخوانده نامه که بر آن نبوده عنوانت

بر آن سرم که زخم دستبرد نیمه شب

به حلقه های سر گیسوی پریشانیت

بگو به دلبر پیمان شکن بیا که "ظهير"

هنوز هم نشکسته است عهد و پیمانیت

وفات

حاج ظهير در شب شنبه ۶ جمادى الثانى سال ۱۴۰۳ق (فروردین ماه ۱۳۶۲ش) در سن ۸۴ سالگى پس از يك عمر خدمت به آستان مقدس حسينى سلام الله عليه بدرود حیات گفت و در تکیه گلزار مدفون گردید.

متن سنگ نوشته مزارش، به انشاء آیه الله سید حسن مدرس هاشمی و خط مرحوم شیخ حبيب الله فضائلی چنین است:

"هو الحى الذى لا- يموت. هذا مرقد العالم الفاضل الكامل، مروج احكام جده سيد المرسلين، جامع المعقول والمنقول، الاستاد فى الحكمة والاصول، الفقيه الاديب الرجالي، المرحوم حجه الاسلام والمسلمين الحاج السيد مرتضى ظهير الاسلام ابن المرحوم الحاج السيد على طاب ثراهما، فقد ارتحل من هذه الدار الفانيه يوم الاثنين سادس شهر جمادى الثانيه من سنه ثلاث واربعمائيه بعد الالف من الهجره النبويه".

اشعار زیر از جناب آقای مرتضى اشترى بر سنگ مزار او آمده است:

حجه الاسلام حاج آقا ظهير

در فنون علم منبر كم نظير

ناشر قرآن سليل مصطفى

نام نيكوى شريفش مرتضى

عالمى وارسته و روشن روان

فاضلى كامل عيار و نکته دان

ارجعى بشنيد چون از سوى او

سوى او از جان و دل بنهاد رو

سيصد و شصت و دو بعد از هزار

هست سال فوت آن والا تبار

ناگفته نماند كه مرحوم حاج ظهير داماد خطاط شهير مرحوم سيد محمد مهدى خلىقى پور

بود. فرزند ايشان: استاد هنرمند معاصر جناب آقاى مير سيد على ظهير الاسلام از شاگردان ممتاز مرحوم شيخ حبيب الله فضائلى است.

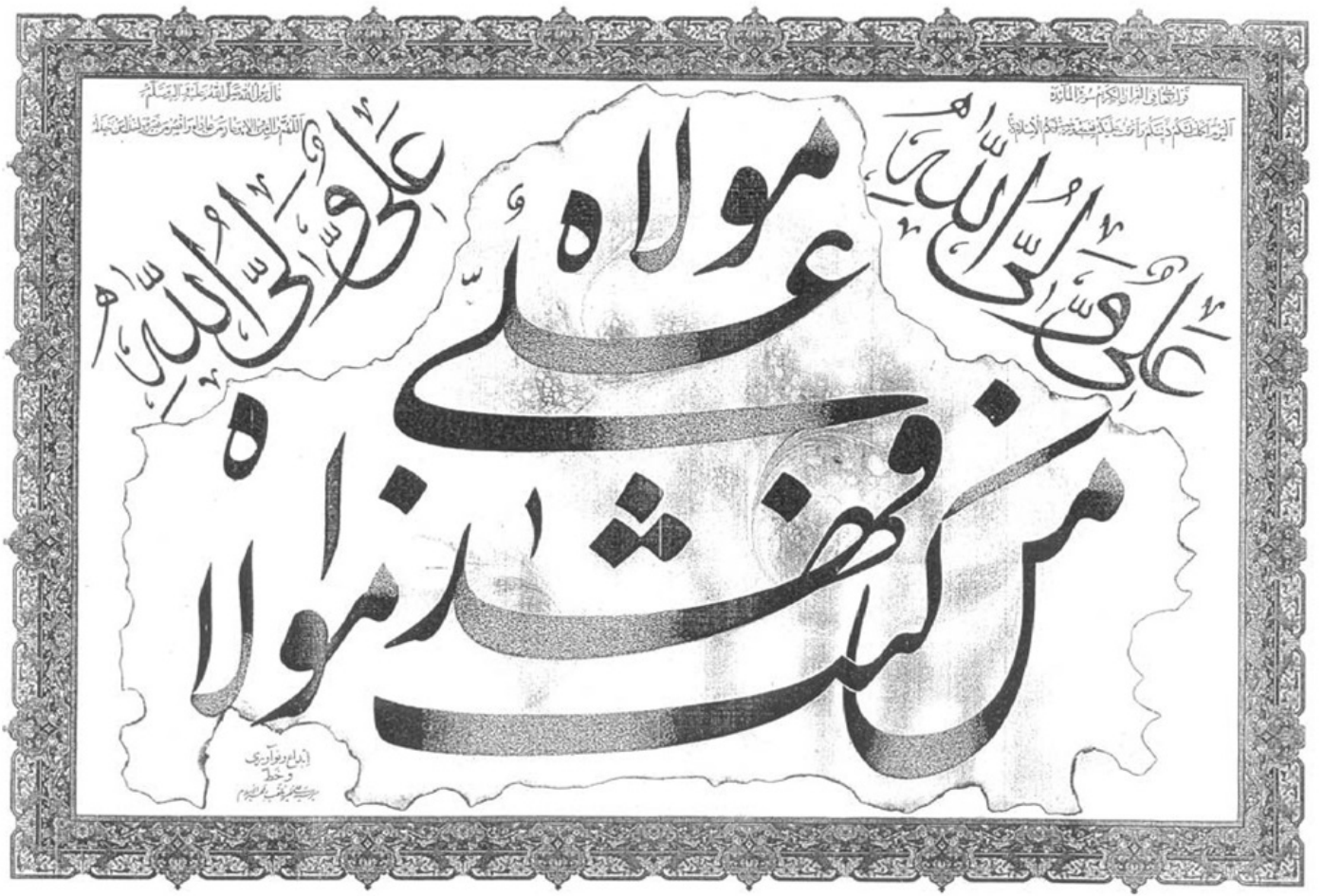
وى در سال ۱۳۲۱ش در محله بيدآباد اصفهان متولد شد. از دوران كودكى و نوجوانى در اثر تشويق جدّ بزرگوار و پدر ارجمندش به هنر خوشنويسى روى آورد و پس از پايان تحصيلات دبirstان، در مهر ماه ۱۳۴۳ش به عنوان دبير در سه رشته طراحي، نقاشى و خوشنويسى به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در مدارس به تدريس پرداخت.

ص: ۱۴۷



همزمان به تحصیل و طی دوره های تربیت مدرس هنر ادامه داد و به انجمن خوشنویسان اصفهان راه یافت و در سال ۱۳۸۶ش به اخذ مدرک فوق ممتاز از انجمن خوشنویسان ایران نایل گردید. جناب آقای ظهیر الاسلام از سال ۱۳۶۴ش تاکنون مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان می باشد.

از خدای متعال سلامتی و توفیقات روزافزون ایشان را خواستاریم.



عالم فاضل زاهد متقی.

تولد و تحصیلات

وی در روستای جزن آباد اردستان متولد شد.

در اصفهان و نجف اشرف نزد بزرگان زمان تحصیل نمود و به درجاتی از علم و کمال دست یافت. برخی از اساتید ایشان در اصفهان عبارتند از: (۱)

۱. آخوند ملا محمد کاشانی

۲. آیه الله العظمی آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۳. آیه الله العظمی سید محمد باقر درچه ای

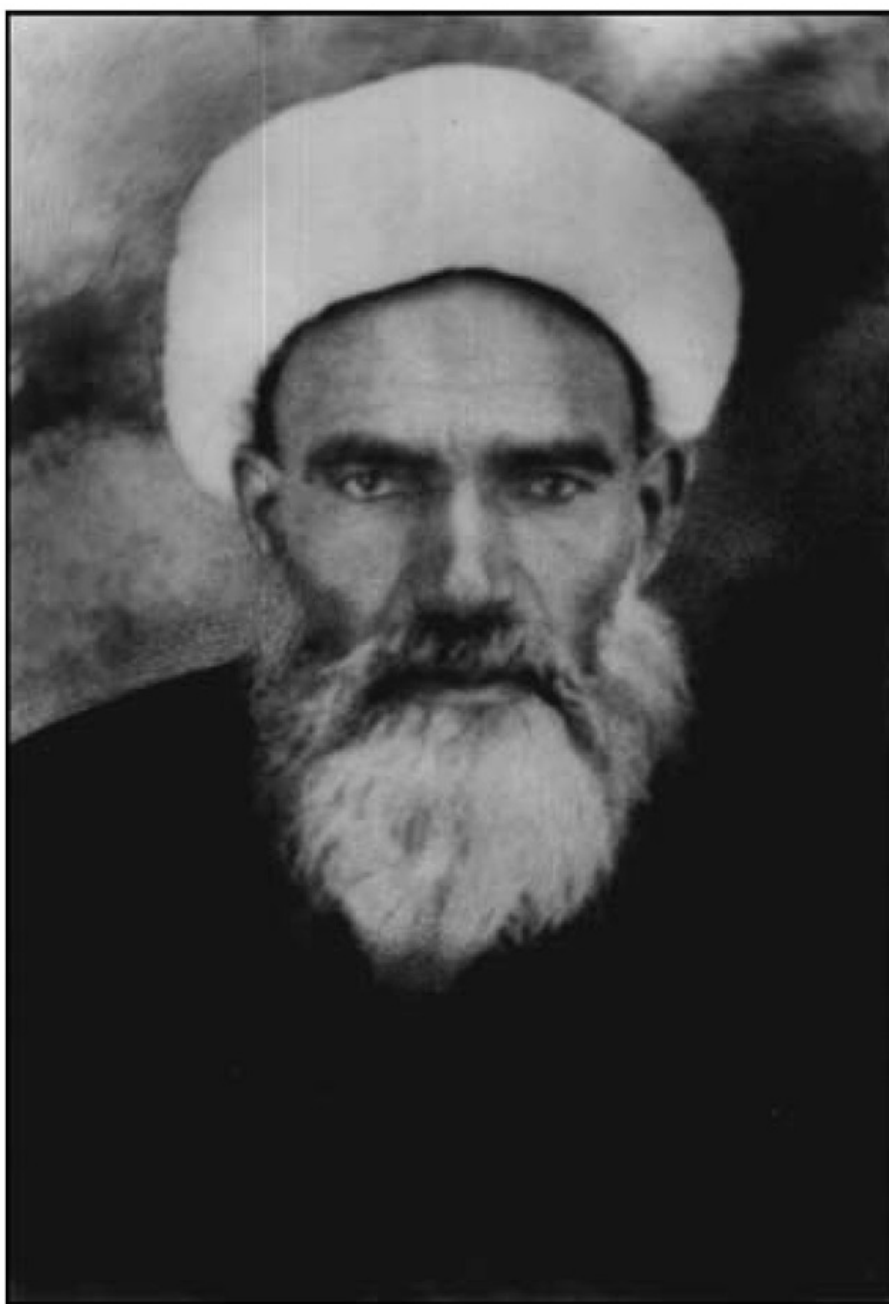
وی سال ها در عتبات عالیات از محضر فقهای بزرگی چون آیه الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی بهره برد و از طرف میرزای شیرازی به شیراز اعزام شده و سال ها در آن شهر به تبلیغ دین و ارشاد و هدایت مردم پرداخت.

او در شیراز ازدواج کرد و پس از چند سال سکونت در آنجا و اقامه نماز جماعت در مسجد وکیل، در اثر شیوع بیماری وبا مجبور به ترک شیراز شده و در اصفهان سکونت نمود.

ص: ۱۵۰

شیخ محمد رضا عالمی زاهد و قانع بود و در کمال و ارستگی زندگی می کرد.

مرحوم محمدابراهیم جواهری می نویسد: آقای شیخ محمدرضا نجفی که از روحانیون گمنام است مدتی در نجف تحصیل علوم دینی کرده و مدتی در اصفهان در حوزه درس مسجد شاهی ها حاضر می شده؛ متجاوز از سی سال است که انزوا اختیار کرده و در نهایت فقر و تنگدستی زندگی می کند. (۱)



فرزند ایشان مرحوم حاج میرزا عنایه الله نجفی داستان هایی از زهد و ورع و توکل پدر ذکر می کرد و می گفت: هر وقت پدرمان احتیاج مالی پیدا می کرد دست به دعا برمی داشت و می گفت: خدایا توسط یکی از بندگان خود حواله ای برای ما

بفرست. ساعتی بعد کسی درب خانه را می زد و مبلغی برای ایشان می آورد. هرگاه از او می پرسیدیم که او که بود؟ می گفت: شما کاری نداشته باشید. (۱)

حکایت

مرحوم میرزا عنایه الله نجفی داستان زیر را از قول پدر بزرگوار خود نقل کردند: در نجف اشرف از بس آب شور و نان جو خوردم مزاجم خراب شد. روزی به حرم مطهر رفتم و گفتم: یا علی! اگر میهمان می توانی نگه داری نگه دار و إلا مرا به اصفهان برگردان و زن علویّه ای نیز جهت ازدواج نصیبم فرما.

شب در خواب دیدم که از در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام عبور می کنم. در خانه باز بود. مردّد شدم که داخل شوم یا نه؟ حدیث "سلمان منا اهل البیت" به یادم آمد. داخل خانه شدم. حضرت فاطمه سلام الله علیها روی خود را از من نپوشاند و فرمود: شما به ما محرم هستید و داماد مایید، بروید حضور پدر و همسرم.

من با دیدن جمال دل آرا و نورانی پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین - صلوات الله علیهما و آلهما - از شدت خوشحالی از خواب پریدم.

پس از آن به حرم مطهر رفته و در رواق نشسته بودم که سیدی بزرگوار به نزد من آمد و کیسه پولی به من داد و فرمود: این پول را بگیر؛ اگر خواستی بمان و نخواستی برگرد.

من داخل حرم مطهر شده و عرض کردم: یا علی! می مانم. (۲)

ص: ۱۵۲

۱- مصاحبه نگارنده با مرحوم میرزا عنایه الله نجفی.

۲- مصاحبه نگارنده با مرحوم میرزا عنایه الله نجفی.

مرحوم شیخ محمد رضا پس از اقامت در شیراز ازدواج نمود و از همسر شیرازی خود دارای دو فرزند شد ولی همسر و دو فرزندش در اثر وبا از دنیا رفتند.

وی پس از بازگشت به اصفهان با دختری از خانواده سادات این شهر ازدواج نمود که ثمره آن دو فرزند پسر بود.

وفات

این عالم جلیل در ۲ ذی الحجه ۱۳۷۸ ق وفات یافت و در تکیه گلزار مدفون شد.

گفتنی است که برادر ایشان: شیخ محمد رضا نجفی و برادرش شیخ محمد حسین نجفی

برادر ایشان: شیخ محمد حسین نجفی نیز از علما و شاگردان آیه الله علامه شیخ محمد رضا نجفی مسجدشاهی بوده و در مدرسه جدّه کوچک تدریس می نموده است. (۱)

به گفته مرحوم محمد ابراهیم جواهری: ادیب فاضل سید علی اکبر ابرقویی نزد وی تحصیل کرده بود.

وی پس از وفات در تکیه ملک مدفون شد. (۲)

ص: ۱۵۳

۱- همان.

۲- مصاحبه نگارنده با مرحوم محمد ابراهیم جواهری.



شیخ محمد رضا نجفی و برادرش شیخ محمد حسین

فرزندان

اشاره

فرزندان مرحوم شیخ محمد رضا نجفی عبارتند از:

۱. حاج میرزا عنایه الله نجفی

در سال ۱۳۱۲ش در اصفهان به دنیا آمد.

تحصیلات مقدماتی را نزد حاج شیخ عباسعلی ادیب و شیخ محمد حسین فاضل کوهانی انجام داد. کتاب "مطول" را نزد آیه الله حاج آقا صدرالدین کوپایی، "شرح لمعه" و "معالم" را نزد آیه الله شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی، "قوانین الاصول" را نزد آیه الله سید حسن مدرّس هاشمی و آیه الله سید علی اصغر برزانی و "کفایه" و

ص: ۱۵۴

"فرائد" را نزد استاد اخیر آموخت و از درس اصول آیه الله شیخ احمد فیاض بهره برد. سپس به شهر مقدّس قم عزیمت نمود و در درس آیه الله العظمی سید حسین بروجردی و آیه الله سید محمّد محقق داماد شرکت کرد، ولی پس از مدّتی به خاطر بیماری پدر مجبور به بازگشت به اصفهان و پرستاری از او شد.



در اصفهان به ادامه تحصیلات خود نزد حضرات آیات: سید ابوالحسن شمس آبادی، سید محمد رضا خراسانی و آیه الله العظمی میر سید علی بهبهانی ادامه داد.

فلسفه را نیز در محضر حاج آقا صدرالدین کویابی و شیخ محمود مفید آموخت و سال ها از محضر پر بار آیه الله شیخ محمّد باقر زند کرمانی بهره برد. وی پس از وفات پدر، در سنّ حدود ۲۵ سالگی با حضور

علمای بزرگواری چون حضرات آیات: خادمی، زند کرمانی و امام جمعه به امامت مسجد پدرش (مسجد شیره پزها) منصوب گردید و تا پایان عمر به وعظ و خطابه و بیان معارف اسلامی پرداخت. (۱)

او در ۱۹ آذر ماه ۱۳۸۱ش چشم از جهان فانی فرو بست و درصحن امامزاده ابوالعباس خوراسکان به خاک سپرده شد.

۲. میرزا هدایه الله نجفی

از فضلالی کوشای حوزه که در اصفهان و تهران تحصیل کرده و سپس در آموزش و پرورش به خدمت پرداخت.

وی در ایام اقامت در تهران از درس آیه الله العظمی سید احمد خوانساری بهره می برد و با سختی و قناعت زندگی می کرد.

او از مدرسه سپهسالار جواز مدرّسی گرفت و معلم ادبیات شد و در ایران شهر و گلپایگان به تدریس پرداخت.

میرزا هدایه الله دارای بیان و خط عالی و معلومات قابل ستایش بود و با قناعت زندگی مجردانه خود را می گذراند.

برادرش مرحوم میرزا عنایه الله نجفی می گفت: وی در شب جمعه آخر ماه رمضان با سرعت به منزل آمد و وصیت نامه اش را به من داد و افطار کرده و نماز و دعای افتتاح را خواند و به خواب رفت و از دنیا رفت. (۲)

ص: ۱۵۶

۱- مصاحبه نگارنده با مرحوم میرزا عنایه الله نجفی.

۲- مصاحبه نگارنده با مرحوم میرزا عنایه الله نجفی.

اشاره

عالم فاضل زاهد.

تولد و خاندان

اشاره

وی در حدود سال ۱۳۰۰ ق متولد شد.

پدرش: آقا جلال الدین فرزند آیه الله ملا محمد حسین بن ملا علی اکبر بن میرزا محمد ابراهیم خوانساری بود.

آیه الله ملا علی اکبر خوانساری

اشاره

از علمای بزرگ اصفهان و شاگردان آیات عظام: سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی، سید صدرالدین عاملی و سید محمد قصیر.

وی از خواص اصحاب سید شفتی و مورد اعتماد و وثوق او بوده، به طوری که آن بزرگوار پس از ساختن مسجد سید و انتقال به آن، وی را به جای خود به امامت مسجد میرزا باقر منصوب نموده است. (۱)

میرزا محمد علی وفا زواره ای در تذکره "مآثر الباقریه" از او چنین نام برده است:

"جناب سعادت نساب، منبع الفضل والفقاهه، معدن العلم والنباهه، أكمل المحدثین، أقرب

المجتهدین مولانا علی اکبر خوانساری". (۲)

ص: ۱۵۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۵۴۸.

۲- تذکره مآثر الباقریه ص ۲۵۳.

آیه الله سید حسن امام جمعه در اجازه به استاذزاده خود آیه الله شیخ محمد حسین خوانساری، از استادش ملا علی اکبر چنین یاد کرده است:

"شیخنا الأعظم واستادنا الأفخم، أفضه الفقهاء الكرام وأعلم العلماء العظام، اسوه أرباب التحقيق وقدوه أهالی التدقيق، لسان المتقدمين وبيان المتأخرين، المولى العليّ العالی، علی أكبر خوانساری، أطال الله تعالی بقائه وإيام افاداته ومتمعنا الله بادرآك سعاده خدمته وحضور مجلسه بمنته وجوده". (۱)

آیه الله سید شفیع جابلقی که از ملا علی اکبر اجازه داشته است در "الروضه البهیه" می نویسد: "من المشایخ المعاصرين الذين استجزت منهم وأجازني: العالم العامل الزاهد المحقق المدقق، الأخ المسدد والرفیق الشفیق الممجّد الأكبر آخوند ملا علی اکبر خوانساری أصلاً والاصفهانى موطناً، عن السيد السند العالم المسدد والفاضل الممجّد والفقیه الكامل السيد محمد بن السيد معصوم الخراسانی...". (۲)

آیه الله ملا علی اکبر در سال ۱۲۶۳ق به شاگردش عالم عامل آیه الله میرزا سید حسن امام جمعه گلپایگان (۳) اجازه داده است. (۴)

ص: ۱۵۸

۱- دانشمندان گلپایگان ج ۳ ص ۹۴.

۲- الروضه البهیه چاپ سنگی ص ۵۳.

۳- وی در سال ۱۲۶۲ از سید اسدالله شفتی و در سال ۱۲۶۳ از علامه میر سید حسن مدرس اجازه اجتهاد دریافت کرده است. علامه مدرس در این اجازه از او با عنوان "السید السند العالم الفاضل الكامل المحقق المدقق التقی النقی الزکی الالمعی البهی الامیر سیدنا السید حسن بن السید محمد صادق" یاد کرده است این عالم عامل در روز سه شنبه ۲ شوال ۱۲۸۴ق وفات کرده و تاریخ وفاتش را چنین گفته اند: "دردا لوای شرع زبیداد شد نگون" فرزندش می نویسد: "تاریخ وفاه والدی العالم الفاضل العامل، مروّج شریعه سید المرسلین ومحبی ما درس من سنن الائمه الطاهرین، وحید زمانه وفرید اوانه، العابد البار التقی النقی الزکی الصفی السخی، ملاذ المخلوقین وكهف الملهوفین، الجلیل النبیل والسالك فی سواء السبیل، الحامل لانواع الامراض والبلايا والمحن، امام الجمعه والجماعه السید حسن...". دانشمندان گلپایگان ج ۳ ص ۱۴۳

۴- دانشمندان گلپایگان ج ۳ ص ۹۴.

وی همچنین در غزه ذی القعدة ۱۲۶۵ق به عالم کامل محمد بن عبدالرسول کاشانی اجازه اجتهاد و نقل روایت داده که نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس است.

در بخشی از این اجازه چنین آمده است:

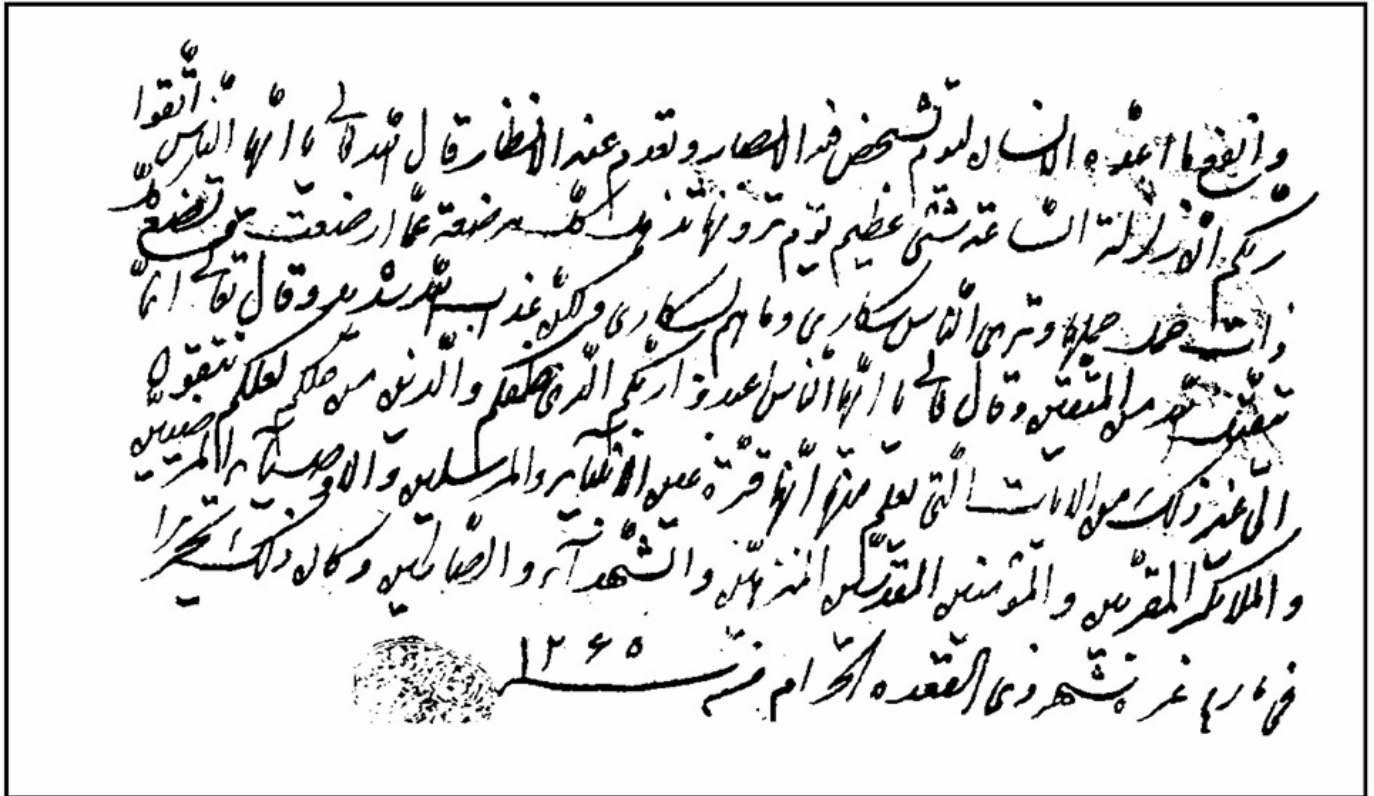
"فمن أعظم آلاء الله تعالى عليّ وأكمل نعمائه إليّ صعود ثلّه ممّن كثر اختلافه إليّ إلى أقصى مراتب العلم والعمل، وعروج جملة ممّن بالغ في تردّده عليّ، إلى أسنى مدارج النظر والنبيل؛

منهم: الصاعد من حضيض التقليد إلى أوج الاجتهاد، العالم العامل الفاضل الكامل الناقد النابل، ذو الفهم الزكي الأنيق، والمدرك العليّ الرشيق، المقتدر لاستنباط الأحكام الشرعيه من مداركها العاليه، والمقيت لاستخراج اللثالي عن أصداف ما ورد من النبي والوصي عليه وعليهم آلاف التحيه من الملك العزيز، الوفيّ المعظّم المكرّم محمد بن قطب دائره الفضل والكمال، قطر فلك العلم والإفضال، مولانا عبدالرسول الكاشاني...".

ص: ۱۵۹

كذا ما قاله في غير ما ذكره على قول في التوقيع بخط يده في نسخة من نسخة
 انا كذا في الاخرى في حواشي الروايات في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 لقوله في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 وخصوصا في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 وانطوت العالم الدقيقة واضطربت وظلت الملائكة المحررة وانحلت محرابهم شهدا عند
 جوار المحمدية في القربات ائمتهم في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 في اقصاء آثارهم في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 حمده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 الاطراف والمسلمين وكونه من احب مرضيات رب العالمين فقد روي في نسخة من نسخة
 اصول الاكافي في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 امانه واولاده الاثني عشر من الكرم الحافر عالم في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 في اعظم الالهة في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 مراتب العلم والهدى وروى عنه في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 منهم الضاعف من جنس التقليد الى اوج الاجتهاد العالم العالم العاصم الكاشف اليقظة
 العالم ذو الغم الزمان الاثني عشر من الكرم الحافر عالم في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 من مراتب العالم والمفتي استخراج اللزالي عن اصدافها ورد من نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 عليه وعلية آلاف القصة من الملك العزيز الوفي المظفر المكرم محرابه قطب دار الفضل
 والكمال قطب تلك البلاد والافعال بليلنا بعد الزوال الاكابر في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 يوم نصر المراء من امه وابنته في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 كذا من نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 والائمة الاطراف وعلية وعلية صلوات الله عليهم في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 والافعال في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة بخط يده في نسخة من نسخة
 الاخبار وجانبا الآثار التي حلت عن قلبه علما وانا الاخبار وما صدر مني في نسخة من نسخة

الشيخ



این عالم جلیل در سال ۱۲۷۱ق در اصفهان وفات کرد و پس از انتقال به نجف اشرف در وادی السلام مدفون گردید. (۱)

آثار

اشاره

برخی از آثار فقهی وی چنین است:

۱. شرح رساله "جعفریه"

از محقق کرکی، در فقه. نسخه خطی آن در ۱۹۸ برگ در کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است و ملا محمد تقی بن ابی طالب اردکانی تقریظی بر آن مرقوم نموده است. (۲)

۲. شرح "ارشاد الأذهان"

از علامه حلی، در فقه. نسخه خطی آن، شامل مباحث نکاح، تجارت، وصیت و

ص: ۱۶۱

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی ج ۱ ص ۹۲.

غسل و وضو، در کتابخانه مزبور موجود است. بخش تجارت و وصیت آن در سال ۱۲۵۵ ق تالیف شده است.

۳. رساله فی ادعاء المريض الطلاق فی حال الصحه

در سال ۱۲۴۷ ق به دستور سید حجه الاسلام نوشته شده و نسخه خطی آن با تقریظ ملا- محمد تقی اردکانی در کتابخانه مزبور موجود است. (۱)

آیه الله شیخ محمد حسین خوانساری

اشاره

از فقهای بزرگ اصفهان و محققین در فقه و اصول.

وی در اصفهان نزد پدر بزرگوار و سید محمد باقر حجه الاسلام، و در کربلای معلی نزد علامه نامدار شریف العلماء مازندرانی تحصیل کرده و به مقامات بلند علمی و عملی نایل گردید.

او از بزرگانی همچون شیخ علی در سال ۱۲۶۰ ق، علامه محقق سید حسن مدرّس در سال ۱۲۶۳ ق و سید حسن امام جمعه گلپایگان در سال ۱۲۶۳ ق اجازه اجتهاد دریافت کرده است. در اجازه امام جمعه چنین آمده است:

"فمّن ینبغی أداء حقّه بیان بعض فضائله و ذکر شیء من مناقبه وإن لم یکن ذلک عشرّاً من أعضائها و سفرّاً من أسفارها: الفاضل العالم الکامل، ذو الفهم العلی الرشیق، صاحب التّدقیق والتّحقیق، المجتهد فی الاحکام الشرعیه بحیث یحرم علیه التقلید، المولی الرشید والاخ السدید، مولانا محمد حسین...

فإنّ الأخ السدید المذکور والمولی الرشید المزبور، مع ما هو علیه من مرتبه

ص: ۱۶۲

الاجتهاد على الإطلاق، قد كان في مقام الورع والتقوى والزهد من هذه الدنيا وترك المعاشرة مع أبناء هذا الزمان من الأمثال والأقران وغايه الاختفاء عنهم، ولعمري إنَّ سلوكه بهذا المسلك هو المرغوب إليه ولا سيما في هذه الأوان.

قال في الفارسيه، ونعم ما قال:

چون شب قدر از همه مستور شد

لاجرم از پای تا سر نور شد

كثير الله أمثاله، ورزقنا التخلق بمحاسن أخلاقه والتحلّي بحليه آدابه وادراك صحبته، لما فيها من المنفعة علماً وعملاً".^(۱)

چنانچه از اجازه فوق برمی آید مرحوم خوانساری دارای مکارم اخلاق و زهد و تقوای فراوان بوده و در زندگی، عزلت و گوشه نشینی اختیار نموده و به تألیف و تحقیق می پرداخته است. برخی از آثار این فقیه محقق عبارتند از:

۱. "دروس الاصول"

اثری بسیار مفصّل در علم اصول فقه. نسخه ای از جلد اول آن که در سال ۱۲۴۸ ق تألیف و در سال ۱۲۵۴ ق به خط زیبای محمد ابراهیم بن کلبعلی خوانساری در ۶۸۵ صفحه کتابت شده، در کتابخانه مؤسسه کاشف الغطاء نجف اشرف و نسخه دیگری از آن در کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است.

۲. شرح "تبصره المتعلمین"

از علامه حلّی، در فقه. نسخه خطی آن شامل مباحث طهارت و صلوات و زکات که در سال های ۱۲۶۰ و ۱۲۵۹ تألیف شده در کتابخانه آیه الله العظمی گلپایگانی موجود است.

ص: ۱۶۳

مؤسسة كاشف الغطاء العامة

بين امرين مخالفين للاصل كالجواز والاصح سلكا وتعق في جزئي من جزئيات هذا الدوران مصير
 المعظم الى ترجيح احدهما عينه فيقول الشهر يصحح للترجيح هناك بالمخصوص على القول بعدم حجتها في نفسها
 لم لا يترتب شكال لان شهرهم اما يصلح للترجيح حينما يتعارض دليلان مستقلان متكافئان كعارض
 المحضين الصريحين مثلا ولا يصلح للترجيح احدا الاحتمالين واللازم ان يكون حجته كبر الواحد واللازم وط
 اما الملازمة فلا بد ان كل مسألة يتحقق فيه قولان يتحقق هناك احتمالين فاذا كان احدهما مشهورا قلنا
 بان الشهر يصحح للترجيح احدا الاحتمالين لان الاخذ بالقول المشهور وهذا هو معنى الحجية واما بطلان
 الملازم فله عرض ولان المشهور على ما يتل عدم حجته الشهر ولو كانت حجته لزم ان لا تكون حجته ولا الاكل
 عدم حجتها هي في مقام الترجيح بين الدليلين لان ذلك يخرج بالدليل منبقى الباقي على حكم الاصل
 صلى هذا لو ورد لفظ مشترك وعلما ان المراد احده معانينه وشك في تعيينه وكان المشهور اقله منقى
 كان اللازم التوقف وعدم جعل الشهر مرجح وقد يناقش في هذا بل ان الاصل المتقدم سبق على عدم حجته
 الظن وهو محل نظر بل الاصل حجته كل من لا يخرج بالدليل فاذا لا بد من الاخذ بالشهر ولو في مقام
 ترجيح احدا الاحتمالين مطرد لو حصل من اختلاف الاصحاب لان يختص به دليل والقدر الثابت ماحل
 عن المعظم عدم اعتبارها اذا كان الاحتمال ناشيا من الاختلاف واما اذا كان من اجال الخطاب فلم يتحقق
 شهرتهم في عدم اعتبار الشهر ثم يخرج فيه الى حكم الاصل ويعضد ذلك فهو مادل على اعتبار الغلبة
 وهوها في مقام الترجيح احدا الجوازين او الجواز والخصيص ان الظن الحاصل منها اضعف من الظن الحاصل
 من الشهر لان يقر ان الظن الحاصل من الغلبة من مخصوص اعتبر اهل اللسان في الالة الالفاظ واما ان
 ظن الشهر في المعلوم الاعتبارية انتهى وفي نظرم من وجوه تظهر بانتم فيما ذكرناه وما مر في المطلب الاول عند

نسخه خطي دروس الاصول محمد حسين خوانساري
 تاريخ نسخ ١٣٠٢ ق وفات کرد و در مقبره كوچک مسجد سيد مدفون گردید.

الحج عن شهرهم قد تم العمل الاول من دروس الاصول على يد مصنفه العبد المحقر الفقير الى الله
 محمد حسين بن علي ابي الاصماني مجاز الله عن سيئاتها وحشرها الله جمع وعلى والتماني
 دار السلطنة اصغفان في ربيع عشر سنة ١٣٠٢ هـ في شهر ربيع الثاني
 وما بين بعدا من الحج الميمون النبوية صلوات الله ولايته على
 اله الذين جزا بغيره وهما شاكه مستعينا الله
 على الله الصلوات على راجع من الله
 بوقفنا لانتامه



نسخه خطي دروس الاصول محمد حسين خوانساري

اين عالم رباني در ١٤ جمادى الثاني ١٣٠٢ ق وفات کرد و در مقبره كوچک مسجد سيد مدفون گردید.

فرزندانش: آقا کمال الدین و آقا جلال الدین از علما و فضیله‌ای اصفهان بودند.

آقا کمال الدین خوانساری

وی عالمی عادل و در زهد و تقوا مشهور بود.

در مسجد میرزا باقر با مأمومین زیاد امامت می نمود و دروس سطح از جمله "شرایع الاسلام" را در آن مسجد تدریس می کرد. (۱)

از آثارش: کتابی در ردّ بایبه، "مجالس الذکر" و ایرادات بر کتاب "هزار مسأله" در فقه است.

وی ادیب و شاعر نیز بوده و دیوانی در حدود سه هزار بیت شعر داشته است.

در وفات دامادش سید محمد باقر نحوی (۲) چنین سروده است: (۳)

آن سمی حضرت باقر که بود

نحوی عصرش، فصیح و هم بلیغ

سال فوتش را اگر پرسی ز من

گویمت: ای حیف از او با ای دریغ

ص: ۱۶۵

۱- یکی از شاگردان ایشان مرحوم حاج آقا رضا مظاهری بوده است. مزارات اصفهان ص ۱۲۷.

۲- فرزند حاج سید مهدی نحوی، عالم فاضل زاهد، از شاگردان حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، آخوند ملا محمد حسین فشارکی و علامه شیخ محمد رضا نجفی و مجاز از هر سه نفر، و همچنین از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای، آخوند کاشی، شیخ احمد بیدآبادی، شیخ علی مدرّس یزدی و سید محمد نجف آبادی. وی عمر خود را به زهد و قناعت گذرانید. در سال ۱۳۰۳ متولّد و در ظهر پنجشنبه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۵۰ به عارضه سکنه وفات یافت و در جنب آباء گرام خود در تخت فولاد مدفون شد.

۳- رجال اصفهان ص ۱۰۳.



آقا کمال الدین در روز چهارشنبه ۱۷ صفر ۱۳۶۱ ق وفات کرد و در زینیه اصفهان در جوار آیه الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی مدفون گردید. (۱)

تحصیلات

مرحوم آقا جمال الدین در اصفهان تحصیل نمود و به مراتب علمی درخور اعتنایی دست یافت. از اساتید ایشان تنها عالم ربانی آیه الله العظمی آخوند ملا عبدالکریم گزی را می شناسیم. (۲)

آیه الله شیخ احمد مجتهد بیدآبادی را نیز از اساتید ایشان شمرده اند. (۳)

۱- رجال اصفهان مهدوی ص ۱۴۱.

۲- رساله در احوال آخوند گزی نوشته مرحوم مهدوی، مخطوط.

۳- بوستان فضیلت ص ۷۰.

وی عالمی سلیم النفس، دین باور، اهل مطالعه و با سواد بود.

در مقابل افراد بیدین سخت می ایستاد و با اخلاق خوب و خلق خوش مردم را به دین جذب می کرد. عمری با تقوا و درستکاری به سر برد.

در تمام عمر به کسی ظلم و بدی نکرد و حق کسی را ضایع ننمود.

اهل انفاق و بخشش بود و هنگام رحلت، از مال دنیا چیزی جز خانه قدیمی پدری که در آن ساکن بود و مختصری پول از خود باقی نگذاشت.

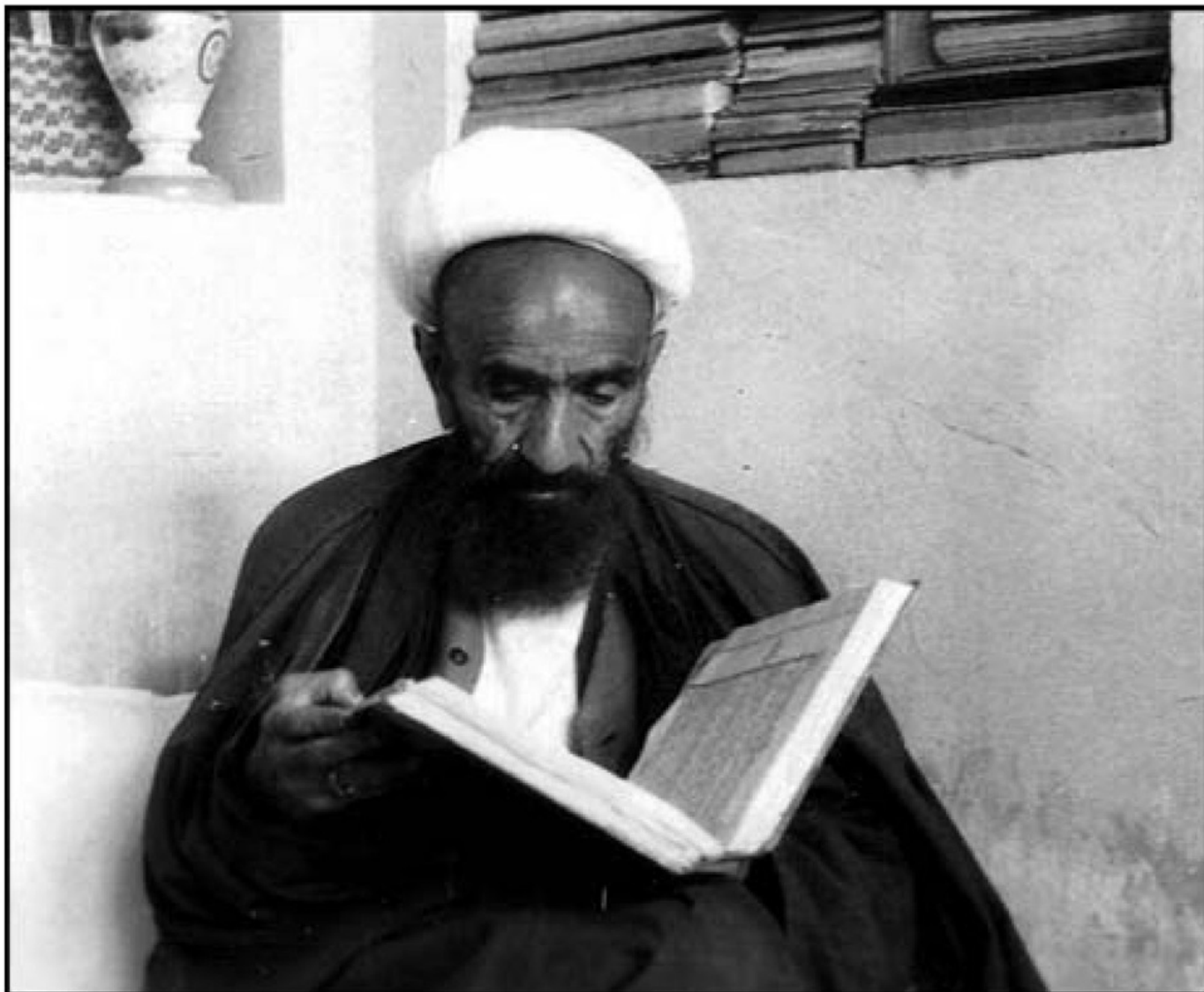
بسیار ساده زیست بود و در مسائل شرعی بسیار احتیاط می کرد و به گفته حضرت آیه الله سید مرتضی مستجابی: از کثرت احتیاط و حرکت در مسیر تقوا گویا بر روی مو راه می رفت.

از خصوصیات او این بود که جهت دوخت لباس های خود از پارچه خارجی استفاده نمی کرد.

هر ساله زمستان ها حواله زغال و در ماه رمضان و شب های عید حواله برنج و روغن بین فقرا و نیازمندان تقسیم می کرد.

وی به قدری عزت نفس داشت که به هیچ وجه حاضر به اظهار نیاز و درخواست از دیگران نبود. به گفته حجه الاسلام حاج شیخ حسین خطیبی:

وی یک پارچه اخلاص بود و سخن و قدم و حرکت و تلاش او فقط برای خدا و



آن بزرگوار آیه شریفه "لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه" را سرمشق و سرلوحه زندگی خود قرار داده بود و در راه تبلیغ دین و هدایت مردم با صبر و استقامت و اخلاق نیک و محبت و تواضع عمل می کرد.

با این که از موقعیت اجتماعی خوبی برخوردار بود بسیار متواضع و فروتن و در زهد و ورع زبان زد بود.

وی به ارحام خود توجه بسیار داشت و به نیازمندان فامیل کمک می کرد.

معمولاً عصرها در مسجد میرزا باقر حضور می یافت و به حل مشکلات مردم و پاسخ به سؤالات شرعی آنان می پرداخت.

به گفته آقای دکتر فروغی: حاج آقا جمال چند بار فرش های اهدایی دیگران را که برای استفاده شخصی به ایشان اهدا شده بود به افراد مستمند بخشیده بود.

معاشرت و هم نشینی با او انسان را بانشاط و شاد می کرد. همیشه خنده رو و

بشاش بود.

بسیار سخی الطبع بود. بیشتر مواقع در جیبشان نقل می گذاشت و به افرادی که در کوچه و خیابان به ایشان برخورد می کردند تعارف می نمود.



هیچ گاه بدون دلیل نماز جماعت در مسجد را ترک نمی کرد و مقتید به اقامه نماز جماعت هر سه وقت در مسجد بود.

در تعمیرات و ساخت مسجد میرزا باقر مثل یک کارگر به استاد بنا کمک می کرد.

به تهجد و نماز شب مقید بود و می فرمود: نماز شب مثل خورشید و قاتق عبادات و واجبات است. به شخصیت کودکان احترام می گذاشت و آنان را تشویق به خواندن نماز و قرآن می کرد. هیچ تشریفاتی در زندگی او نبود و زندگی ساده و بی آلایشی داشت.

در همان خانه قدیمی پدری سکنی داشت و هیچ تغییری به جز گچ کاری و انشعاب برق در آن

نداده بود و حتی دیواری های حیاط منزل ایشان به صورت قدیمی و کاه گلی بود.

خوراک ایشان معمولاً یک نوع غذا بود و حتی در شب عید نوروز که شام منزل ایشان چلو و خورشید ساده بود یک نوع از آن دو را میل می کرد و می فرمود: شاید امشب هم کسانی باشند که همین شام ما را نداشته باشند.

مرحوم حاج آقا جمال و آیه الله سید محمد مقدس بسیار به هم علاقه داشتند و مانند دو برادر بودند. (۱)

تدریس

حاج آقا جمال در مدرسه میرزا حسین واقع در بازارچه بیدآباد، مسجد سید و مسجد میرزا باقر به تدریس ادبیات عرب و سطوح فقه از جمله کتاب "سیوطی" و "شرح لمعه" می پرداخت.

درس او بسیار شیرین و مفید بود. وی با خوش رویی به اشکالات شاگردان پاسخ

ص: ۱۷۰

۱- اوصاف مذکور در متن از کتاب "جمال الزاهدین" نوشته جناب آقای حمید فروهان تلخیص شده است.

می داد و معمولاً قبل از درس با بیان داستان های آموزنده طلاب را برای فهم درس و یادگیری آماده می کرد.



ایستاده از راست به چپ: مرحوم جعفر خوانساری برادر حاج آقا جمال- آقای رعنائی- حجت الاسلام خطیبی- آقای محمد رضا خوانساری (برادرزاده حاج آقا) مرحوم صدرالدین خوانساری (برادر حاج آقا جمال) ردیف جلو: حمید فروهان (نگارنده کتاب)- مرحوم حاج آقا جمال الدین خوانساری- (کودک خردسال) فرزند آقای خطیبی

برخی از شاگردان ایشان عبارتند از:

۱. حضرت آیه الله حاج شیخ حسین مظاهری (۱)

۲. حجه الاسلام حاج شیخ مهدی مظاهری

۳. مرحوم شیخ حبیب الله فضائلی

۴. حجه الاسلام شیخ محمد حسین رشتی (۲)

ص: ۱۷۱

۱- مجله حوزه، ش ۶۹ - ۶۸، ص ۳۶.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۱۰۵۱ (پاورقی به نقل از آقای غلامرضا نصراللهی).

۵. حجه الاسلام حاج آقا رضا مظاهری (۱)

۶. دکتر محمد رضا امامی

۷. مرحوم حجه الاسلام سید جواد مقدّس (۲)

۸. حجه الاسلام شیخ حسین خطیبی

۹. حجه الاسلام سید محسن عظیمی

۱۰. حجه الاسلام حاج شیخ عباس مصباح دستگردی (۳)

۱۱. حجه الاسلام شیخ مهدی محمدی (درس شرح لمعه) (۴)

۱۲. میرزا حسین رام پناه (۵)

۱۳. استاد محمد فولادگر (۶)

ص: ۱۷۲

۱- مزارات اصفهان ص ۱۲۷.

۲- تذکره شعرای استان اصفهان ص ۶۸۳. مرحوم مقدّس فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان و دبیر آموزش و پرورش بود. نزد سید احمد مقدّس و حاج آقا نورالله اشنی تحصیل کرده بود و در لباس روحانیت به تدریس در دبیرستان ها می پرداخت. در شعر و نقاشی و خوشنویسی نیز مهارت داشت. وی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۶ ش پس از بازگشت از تدریس وفات کرد و در باغ رضوان مدفون شد.

۳- ارشاد الناس از مرحوم مهدوی، نسخه خطی.

۴- مصاحبه مؤلف با ایشان.

۵- مقدمه دیوان طالع (میرزا حسین رام پناه).

۶- همان.

۱۴. حاج آقا رضا ناطق اصفهانی(۱)

۱۵. سید حسن موسوی اصفهانی(۲)

وفات

این عالم ربانی در اوایل ذی الحجّه ۱۳۹۱ق بدون اولاد وفات

ص: ۱۷۳

۱- باقیات الصالحات یا زندگی نامه ناطق اصفهانی ص ۴۱. آقای ناطق در سال ۱۳۰۷ش در اصفهان متولد شد. از هفت سالگی در مکتب خانه سید نورالله قاضی عسکر به تحصیل پرداخت. ادبیات را نزد مرحوم خوانساری و ملا علی مارینی آموخت و در مدرسه دارالتبلیغ اصفهان نزد اساتیدی چون حضرات آیات: حاج آقا حسین خادمی، حاج میرزا علی هسته ای، شیخ مرتضی اردکانی، شیخ محمد حسن عالم، سید محمد باقر رجائی و سید عبدالحسین طیب تحصیل کرد. سپس به قم رفت و سطوح عالیّه را نزد حضرات آیات: مصطفی اعتمادی، ناصر مکارم، شیخ محمد فاضل لنکرانی و حاج آقا مصطفی خمینی آموخت و به تبلیغ دین در داخل و خارج کشور و مبارزه با رژیم طاغوت و خدمات اجتماعی فراوان در منطقه قشم پرداخت.

۲- گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۳۵۶. این عالم جلیل در سال ۱۳۵۲ق در آدریان خمینی شهر به دنیا آمد. در اصفهان نزد آیه الله سید مصطفی مهدوی و مرحوم خوانساری تحصیل کرد. سطوح عالیّه را در قم و کربلای معلی تکمیل کرد و در سال ۱۳۷۵ق راهی نجف اشرف شد و مدت ۱۶ سال در آن اقامت نمود. برخی از اساتید او در عتبات عبارتند از: سید اسدالله اصفهانی، شیخ محمد حسین شیرازی، شیخ محمد شاهرودی، شیخ کاظم تبریزی، میرزا علی فلسفی، شیخ صدرا بادکوبه ای، شیخ مسلم ملکوتی، سید علی سیستانی و آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی که ۱۴ سال در درس خارج او شرکت نمود. وی در سال ۱۳۹۱ق به ایران بازگشت و به خدمات دینی و تأسیس مدرسه علمیه باقرالعلوم علیه السلام در زادگاه خود و نیز تألیف و تحقیق پرداخت. از آثار او کتاب "ثقات الرواه" است که در سه جلد چاپ شده است. وی در ۷ محرم ۱۴۲۸ق (۱۳۸۵ش) وفات یافت و در مدرسه خود مدفون شد.

یافت و در اطاق جنوبی تکیه مدفون گردید.

اشعار زیر از محفوظ اصفهانی در وصف ایشان است:

دولتی در جهان زنگاری

نیست بهتر ز گنج دین داری

مال دنیاست جمله وزر و وبال

رتبه و جاه آن بود عاری

کس نیامد در این جهان که نرفت

یافت گر عزت و اگر خواری

خرم آن کس که قدر خویش شناخت

خواب او بود همچو بیداری

غافل از روزگار خویش نشد

سر نزد از کفش دل آزاری

عمر خود صرف راه ایمان کرد

کرد از طفل دین پرستاری

همچو مرحوم حجه الاسلام

حاج آقا جمال خوانساری

عالم با عمل که با اخلاق

کرد در راه دین فداکاری

مسجد و منبرش ز همت او

هم ز بنایی و ز معماری

ص: ۱۷۴

گشت تعمیر و هست تا به ابد
یادگار وی از نکوکاری
هر که در آن نماز می خواند
می کند یاد از او به غم خواری
در خراسان و در حسینه
اندر آن جایگاه زواری
نام نیکش بود به دفتر ثبت
با درستی و نیک پنداری
چون که مرد خدا در این دنیا
نشود راحت از گرفتاری
سال ها بود این فقدی سعید
با نقاقت دچار بیماری
تا چو آوای ارجعی بشنید
گفت لیبیک به حضرت باری
رفت و چندین هزار سوخته دل
بهر او کرد گریه و زاری (۱)

برادرش: عالم فاضل آقا میرزا هاشم خوانساری (م: ۲۵ ذی الحججه ۱۳۸۵ق) نیز در این تکیه مدفون است.

ص: ۱۷۵

عالم فاضل کامل، از مدرّسین مدرسه جدّه کوچک اصفهان.

تولد و تحصیلات:

وی در حدود سال ۱۲۹۸ق در فریدن متولد شد.

پدرش ملا محمد باقر بن محمد حسین تیرانی کرونی فریدنی بود. (۱)

شیخ علی ابتدا از محضر ملا صالح فریدنی (۲) استفاده کرد (۳) و سپس از درس مدرّسین بزرگ اصفهان در فقه و اصول و حکمت و کلام بهره برد.

برخی از اساتید او عبارتند از: (۴)

۱. آیه الله العظمی سید محمد باقر درچه ای

ص: ۱۷۶

۱- سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان ص ۱۸۲.

۲- آخوند ملا صالح بن ملا ابراهیم، در سال ۱۲۴۰ق در چادگان فریدن متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت و سپس در سبزوار از محضر حاج ملا- هادی سبزواری حکمت آموخت. وی به وسیله طاووس العرفاء در سلسله نعمه اللهی وارد شد و در موطن خود به عبادت و ریاضت پرداخت. در سال ۱۳۲۸ق در زادگاه خود وفات کرد و مدفون شد. دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۲۳.

۳- یادداشت های خطی مرحوم سید مصلح الدین مهدوی.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۸۷۶، علوم و عقائد ص ۱۰ و یادداشت های مرحوم جواهری.

۲. آیه الله سید محمد نجف آبادی

۳. آخوند ملا محمد کاشانی

۴. حکیم جهانگیرخان قشقائی

۵. شیخ اسد الله قمشه ای

۶. آیه الله شیخ محمد تقی آقاجانی (۱)

۷. آخوند ملا عبدالکریم گزی

اوصاف

به نوشته مرحوم محمد ابراهیم جواهری: شیخ علی در مدرسه جدّه کوچک ساکن بود و سطوح فقه و اصول و منطق و حکمت، از جمله کتاب های "شرح لمعه"، "قوانین الاصول"، "فرائد"، "متاجر"، "فصول"، "شرح تجرید" و "شرح منظومه" را تدریس می نمود.

وی ریاست دادگاه تحقیق اوقاف را برعهده داشت. صبح تا ظهر به اداره اوقاف می رفت و بعد از ظهرها در حجره مدرسه اقامت می نمود و شب ها به خانه اش واقع در آب بخشان (فلکه شهدا) می رفت.

وی مردی قانع بود. اهل مسجد و منبر نبود؛ مختصر ملک زراعتی در فریدن داشت که از آن

راه اعاشه می نمود. (۲)

ص: ۱۷۷

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۱ ص ۳۶۴.

۲- یادداشت های مرحوم جواهری، مخطوط.

۱. استاد محمد ابراهیم جواهری

۲. حجه الاسلام سید علی هدایتی خواجه‌ئی

۳. آیه الله شیخ محمد محزونیه (۱)

این هرسه در سال ۱۳۲۵ ش "شرح تجرید" و "شرح منظومه" سبزواری را نزد

مرحوم فقیه آموخته اند. (۲)

۴. سید محمد علی مبارکه ای

ایشان در کتاب "تاریخ ایران و اصفهان" ضمن بیان مدرّسین مدرسه جدّه کوچک

می نویسند:

"و دیگر شیخ علی فقیه فریدنی که "حاشیه ملا عبدالله" و قدری از "معالم" را

در خدمتش خواندم و وجود این شخص در نزد من اکنون از اشخاص ذی قیمت

است چه آن که از تظاهرات غیر واقعیه و دام های عوامانه منزّه است". (۳)

ص: ۱۷۸

۱- مرحوم آیه الله محزونیه از علم ای فاضل و مدرّسین اصفهان بود که در سال ۱۳۸۷ ش به رحمت ای زدی پیوست. وی مقدمات را نزد شیخ عباس ربّ انی مدرّس مدرسه نو ریه خوانده و از مرحوم سید مرت ضی مؤحد ابطحی فقه و اصول را فراگرفت. اساتید معقول آن مرحوم عبارت بودند از: حاج آقا صدر کوپ ای، ادیب بجنوردی، حاج شیخ عباسعلی ادیب، سید عبدالحسین طیب و فقیه فریدنی.

۲- یادداشت های مرحوم استاد جواهری، مخطوط

۳- تاریخ ایران و اصفهان جلد ۴، مخطوط

در سندی که ارائه میشود یکی از علمای چادگان بنام "میرزاهاشم چادگان" ^{رضی}

که دایمی پیر نگارنده میباشد چنین نگاشته است:

«خدمت سرکارش بجملة عمدة العلماء العظام آقای آقا شیخ علی دامت ^{الغضا}
العلی. عرض حقیر میرزاهاشم چادگان است که حقیر از اولاد مرحمت مآب میرزا نور ^{الذین}
محمد جابری انصاری واقف مدرسه نوریه میباشم و بنا بر جعل واقف ثلث عایدات

موقوفه باید به مصرف اولاد واقف برسد و اولاد واقف یصلد نفر بل زیاد

در فرین هستند و هجده ساله حقوق آنها میرسید از آنجمله دو مرتبه جناب مستطاب ^{علی}
بنابه فرموده مرحمت و غفران مآب خلد آشین حضرت حجة الاسلام آخوند ملا عبد ^{الکلام}

جری "انا لله برهانه حقوق ورثه اربعه صاحبان حقوق میرسانید و فعلا حقوق

آرحام واقف مدت هفت سال است رسیده است. لازم شد که در این باب از

جناب مستطاب عالی مسئلت بشود آیا حقیر از اولاد واقف هستم یا خیر؟

و اشخاصی که حقیر ابد و کالت معین نموده اند مطابق ورقه و کالت در فرین ^{حسند}

و خود سرکار هم حقوق آنها را میسایندید یا خیر؟

مقتنی آنکه نظریات خودتان را مرقوم فرمائید که مرقع لزوم اظهار بشود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ ﴿۱۰۷﴾

در جواب این سؤال امضاء مدققان از علماء را به جملة تأمید کامل بستگی و

انتساب آخوند میرزاهاشم چادگان: به "میرزا نورالدین محمدجباری انصاری" می‌نمیشد:

﴿۱۰۷﴾ "بسم الله الرحمن الرحيم . بلی بلیچونچه محال شبهه و تأمل نیست که

جناب مستطاب بعلی کما اینکه مطابق دو ورقه جلاگانه و کیل ارحام مرحوم میرزا

نورالدین محمدجباری انصاری غفرله واقف مدرسه مبارکه نوریه و موقوفات انبیا

که در محل چادگان فریاد و نوحی انبیا فعلاً موجودند میباشید، کذا که خود

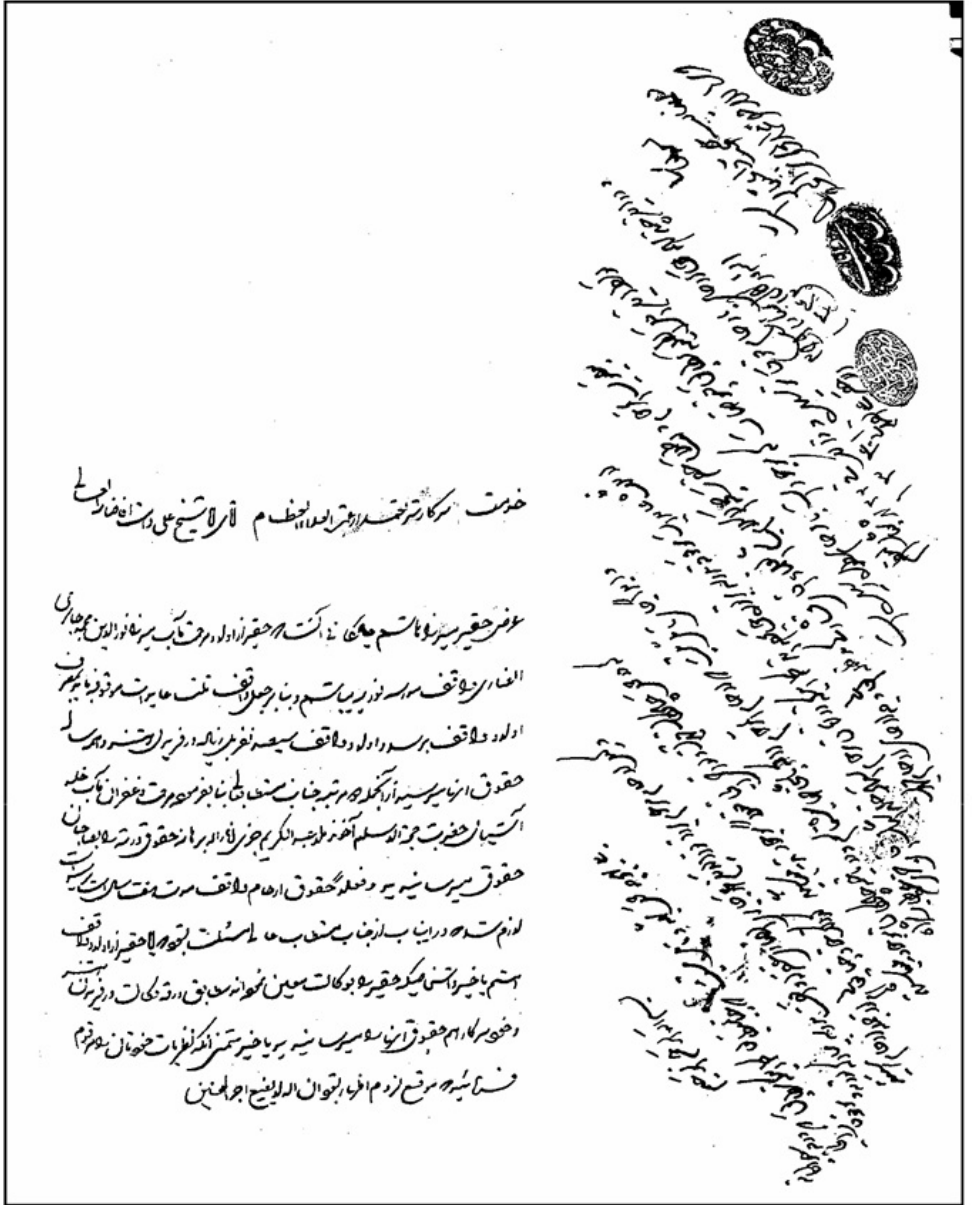
جناب بعلی هم این جمله ارحام هستید و ابداً جای تأمل نیست که ارحام آن مرحوم را

که با اشخاصهای شناسم و در ناحیه چادگان موجود میباشند از ثلث هایلات

موقوفه مدرسه نوریه حق برده اند کما اینکه در زبان مرحوم استاد خلد اشیا ^{ای} اتنا

جزی طاب ثراه به تصویب آن مرحوم و اطلاع حضرت حجة الاسلام ... العلماء ائمة
 فشاکی مدظلله العالی و جہ ارجای ارحام فریدین توسط این اقل الطلبة مطابق
 قبوضات کہ موجود است بہ ارحام منظوم رسیدہ است و در این چند سالہ
 حق ارجای بہ ارحام فوق زسیادہ و ذلک فی ۲۲ شہر شعبان الحظیم ۱۳۴۱
 محل مہر ایستان . " ۳

لازم بہ ذکر است کہ آقا شیخ علی اہل فریدین بودہ و در کتاب
 " دانشندان و بزرگان اصفہان " صفحہ ۶۶۸ چنین نوشتہ شدہ ؛
 " آقا شیخ علی فقیہ فریدین ادیب مدرس مدرسہ جہ انرشاگردان
 آقا سید محمد باقر در چہای و آخوند کاشی و جہانگیر خان و آقا سید
 محمد نجف آبادی و دیگران بودہ ، مدتی رئیس دادگاہ تحقیق اوقاف شد .
 فونش در سہ شنبہ ۳ ذی الحجہ ۱۳۷۳ روی داد . " ۴



خدمت سرکار محترم در حق سرکار محترم لایحه تسبیح علی بن ابی طالب

عاضد حقیر میرزا یاسم علی خان، آنکه در حق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد این عیال
 الفاضلین و قاضی سرکار در حق سرکار و بنا بر حقوق نفی عاریت در حق سرکار
 اولاد و لایحه سرکار اولاد و لایحه سرکار اولاد در حق سرکار اولاد
 حقوق اینها بر سرکار اولاد در حق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد
 استیاض حضرت جنتی که سلم آنکه در حق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد
 حقوق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد
 لازم است در این باره بنده مستجاب علی مسئلت آنجا که لایحه سرکار اولاد
 هستم با خیر و حسن میگردم که در کلمات معین نمودن در حق سرکار اولاد
 و خیر و کلام حقوق اینها بر سرکار اولاد در حق سرکار اولاد
 مستجاب سرکار اولاد در حق سرکار اولاد در حق سرکار اولاد

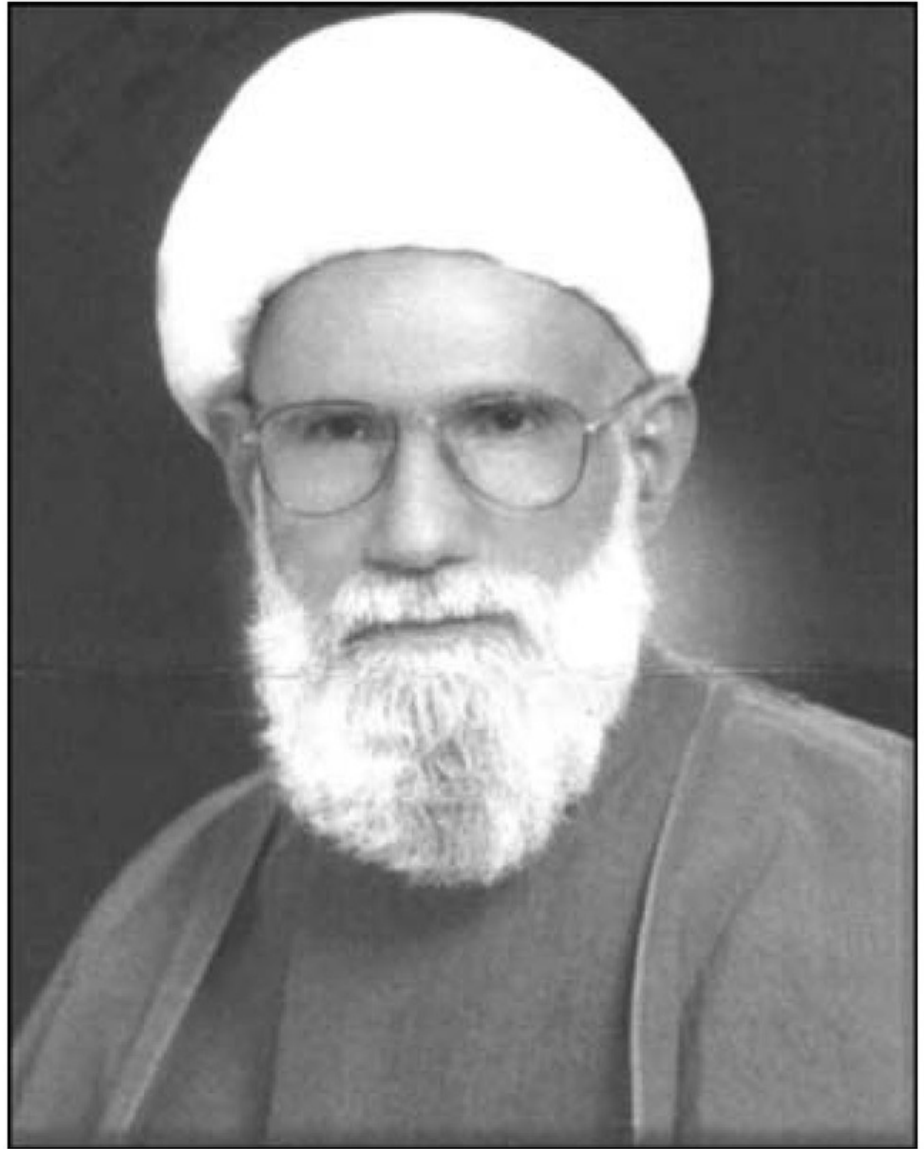
وفات

فقیه فریدنی در سه شنبه ۳ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۷۳ ق وفات کرد و در تکیه

گلزار مدفون گردید. سنگ نوشته مزارش چنین است:

"آرامگاه مرحوم شیخ علی فقیه فریدنی مرد دین و دانش، مدرّس علوم معقول و منقول که بر خلاف پاره ای هم کسوتانش اهل ریا و عوام فریبی نبود و هفتاد و پنج سال عمر خود را با شرافت گذرانید و در هشتم مرداد ۱۳۳۳ به رحمت ایزدی پیوست."

فرزند شیخ علی به نام حسین فرشید، روزنامه نگار بوده است. (۱)



آیه الله شیخ محمد محزونیه از شاگردان فقیه فریدنی

ص: ۱۸۳

۱- همان.

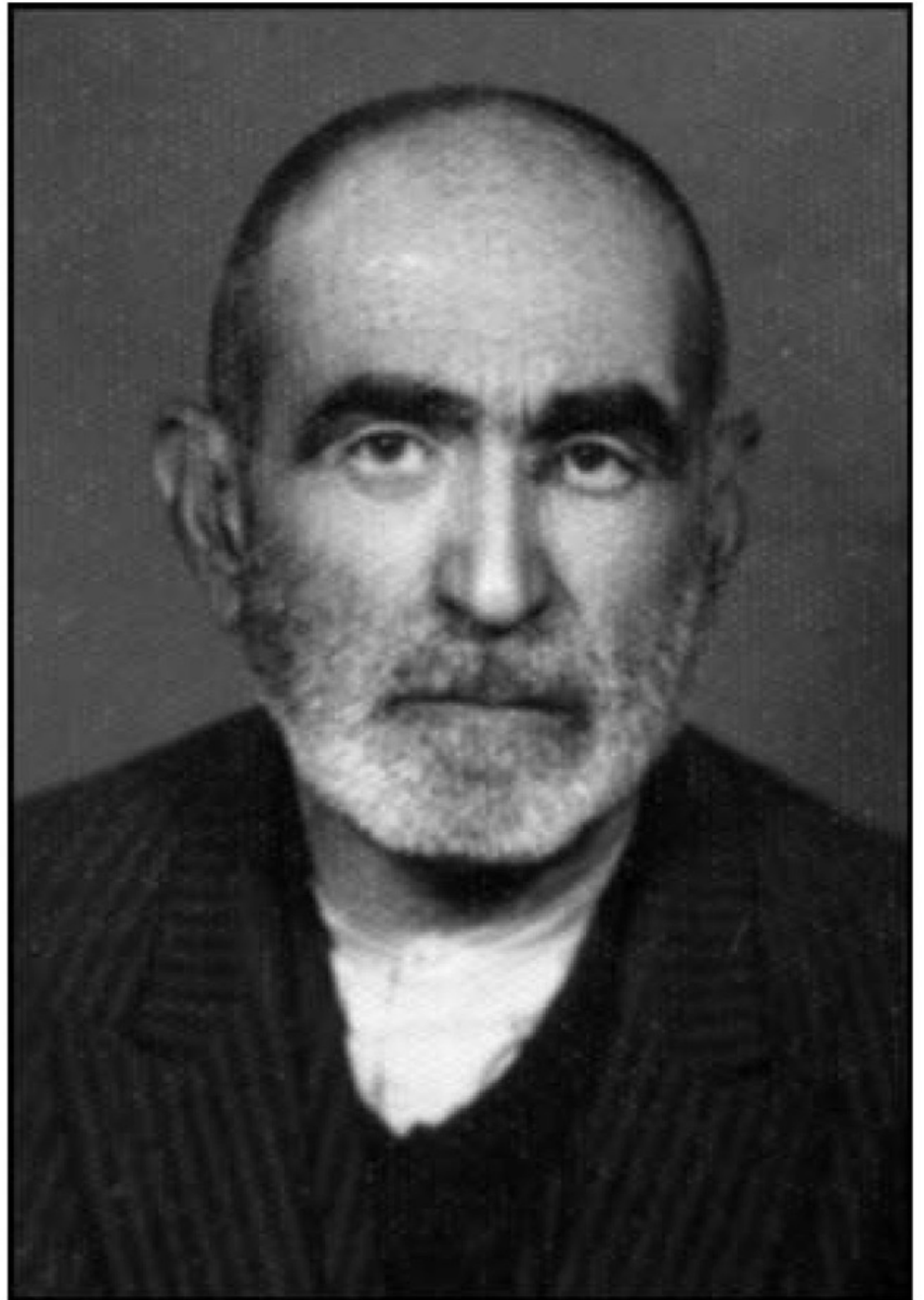
ادیب کامل و شاعر خطاط.

تولد و تحصیلات

وی در ماه رمضان سال ۱۲۷۹ش در محله مسجد حکیم اصفهان متولد شد.

او چهارمین فرزند خانواده و مورد توجه خاص پدر بود. در کودکی پدر خود را از دست داد و با تحمل ناملایمات فراوان به کسب علم و معرفت پرداخت.

وی رسماً طلبه نبود ولی با پشتکار و علاقه زیاد به فراگیری علوم گوناگون از جمله ادبیات عرب، فقه، حکمت، حساب، هیئت و نجوم و علوم غریبه پرداخت و در زمره ادبا و فضلاء مشهور قرار گرفت.



مدتی نیز در قم و مشهد مقدس سکونت نمود و پس از مدّت ها مطالعه و آشنایی با علمای اسلام به زادگاه خویش بازگشت و در حجره ای در مسجد حکیم ساکن شد.

اسانید

اشاره

۱. میرزا عبدالحسین مشفق

۲. میرزا نصرالله شهاب لاوی (۱)

۳. علامه میرزا یحیی مدرّس بیدآبادی (۲)

۴. میرزا عباس خان شیدا

۵. آیه الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب.

مرحوم مشفقی از محضر پربار ارباب بهره بسیار برده بود و آیه الله ارباب که به کمالات علمی او واقف بود وی را به معلّم اصفهانی ملقب نمود. (۳)

میرزا یحیی مدرّس اصفهانی

عالم فاضل کامل و حکیم ادیب شاعر، از نژاد ملّا محمّد باقر محقق سبزواری، که از طرف مادر به آقا محمّد بیدآبادی حکیم مشهور می پیوندد.

ص: ۱۸۵

۱- مصاحبه نگارنده با حاج آقا رضا مشکین رئیس هیئت مداحان اصفهان. گفتنی است که مرحوم عبدالحسین مشفق، برادر مرحوم مشفقی و شهاب لاوی نیز به گفته آقای مشکین دانی مادرش بوده است.

۲- شرح زندگانی آیه الله چهارسوقی ص ۱۶۷.

۳- روزنامه نوید اصفهان ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱.

وی در کربلای معلی متولد شد و همان جا علوم مقدماتی را فرا گرفت.

در شانزده سالگی به اصفهان آمد و نزد آیات عظام: حاج شیخ محمد باقر نجفی، میرزا محمد باقر خوانساری، میرزا محمد هاشم چهارسوقی، آخوند محمد کاشی و غیره به تحصیل پرداخت.

میرزا یحیی در علوم عقلیه و نقلیه ماهر بود و علوم غریبه را نزد حاج ملاهادی سدهی فرا گرفته بود. همواره در خانه مسکونی خود در محله بیدآباد تدریس می نمود و طلاب علوم

به درسش حاضر می شدند. (۱)

با این فضائل و کمالات، در سخن سرایی به مرتبه ای بلند نایل، و از معاریف شعرای عصر خود بوده، و اقسام اشعار خصوصاً قصیده و مخمس و مسمط و غیره را غالباً به سبک میرزا جیحون یزدی، به غایت زیبا و دلربا می سرود که غالباً ناسخ اشعار دیرین، و مجالس مداحی و مصیبت را موجب آذین و تزئین گردیده، هرچند که شعر گفتن دون مرتبه و مقام او می نمود.

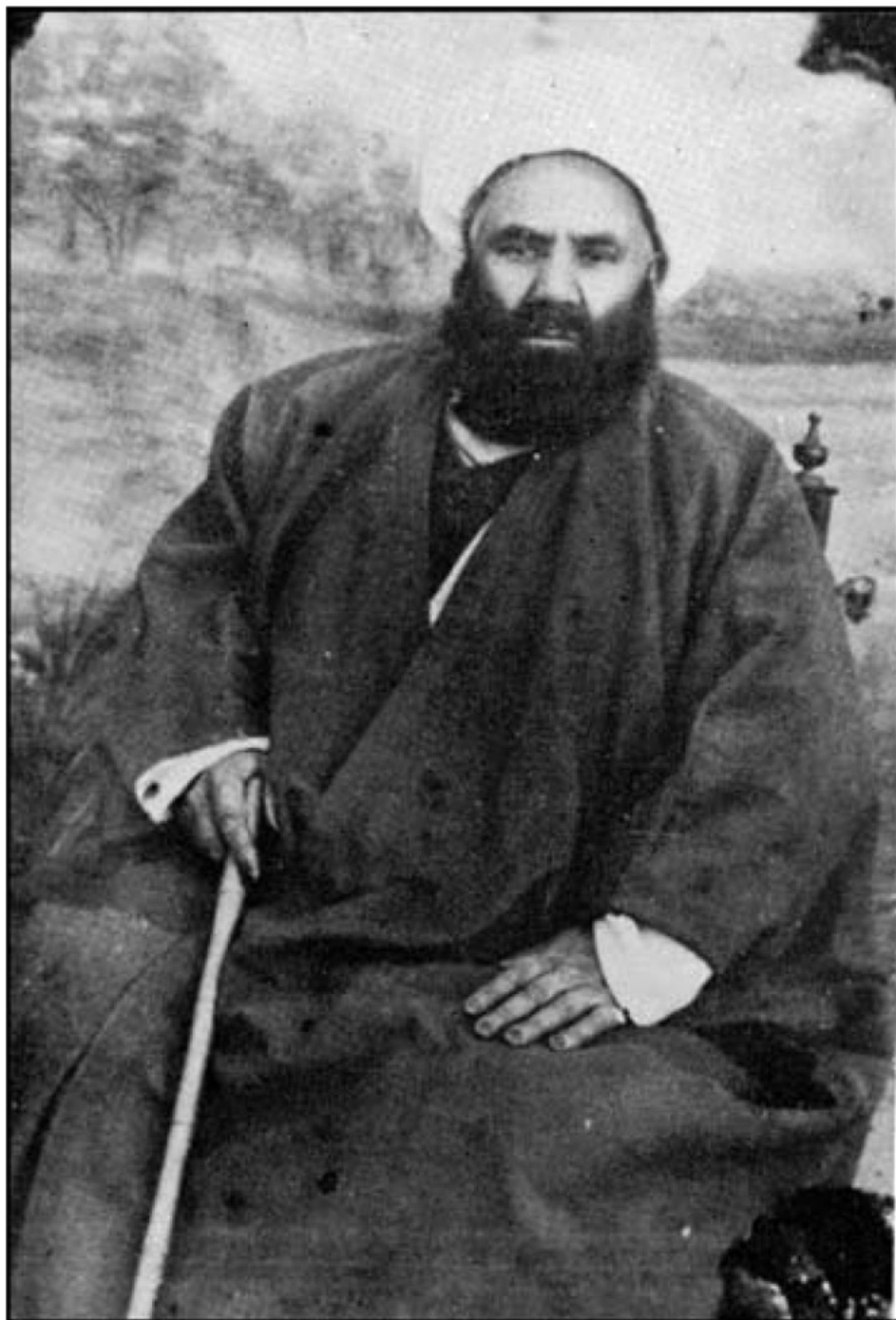
او برای تحصیل معاش همواره به تحریرات شرعیه اشتغال داشت، و در خانه مذکور خود بدان کار همت می گماشت. (۲)

وی در روز ۴ شنبه ۵ ذی القعدة ۱۳۴۹ ق (۴ فروردین ۱۳۱۰ ش) پس از ادای

ص: ۱۸۶

۱- برخی از شاگردانش عبارتند از: آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، آیه الله سید حسن چهارسوقی، آیه الله شیخ عباسعلی ادیب، سید محمد حسن روضاتی، سید محمد حسین ملاذ روضاتی، سید ابراهیم سزی و حسن وحید دستگردی.

۲- زندگانی آیه الله چهارسوقی ص ۱۶۵-۱۶۴.



معلم حبیب آبادی در تاریخ وفات او اشعاری گفته که اواخر آن چنین است: (۲)

به صبح پنجم ذی القعدة بنمود

به جنت جای اندر تخت موضون

ص: ۱۸۷

۱- دکتر سید ابوالقاسم سرّی در مقدمه دیوان پدرش سید ابراهیم سرّی (داماد میرزا یحیی) می نویسد: مرحوم میرزا یحیی به فرزندانش از جمله رباب آغا گفته بود که پس از مرگ من باید دورادور فاتحه بخوانید. این نکته را از زبان مادرم در تخت فولاد در حالی که گریان از

دور برای پدر فاتحه می خواند شنیدم. مزار ایشان که در تکیه میرزا رفیعاست محلّ استقرار نظامیان و فرودگاه شده است. مرحوم میرزا یحیی رویدادهای دیگری از جمله ساعت مرگ خود را نیز به درستی پیش بینی کرده بود.

۲- زندگانی آیه الله چهارسوقی ص ۱۶۶.

پی تاریخ سال او "معلم"

به جانی بُد ز اهل علم مشحون

که داخل شد یکی ناگاه و گفتا:

"حیوه از مرگ یحیی یافت اکنون"

میرزا یحیی از دیدگاه مشفق

مرحوم مشفق در مقدمه دیوان استاد خود میرزا یحیی چنین نوشته است:

"بسمه تعالی شأنه. یکی از نوابغ علم و ادب در قرن اخیر، فیلسوف بزرگ و

دانشمند سترگ، عالم ربّانی، میرزا یحیی مدرّس اصفهانی بود که زبان از تقریر و قلم

از تحریر شرح فضائل او عاجز است.

مرحوم مدرّس در کلیه علوم ادبیه و فقه و اصول استاد، و در انواع حکمت از

اشراقی و مشائی و ریاضی یگانه دوران، و مخصوصاً در علوم غریبه و فلکیات متبحّر

و متخصص بود و اطلاعات نجومی خود را گاه گاهی به طور کنایه و استعاره در

ضمن اشعار بیان می فرمود؛

چنانچه در یکی از مصیبت نامه های خود در ذکر شهادت حضرت علی اصغر

چنین سروده:

سست دینی کرد زه و سخت کشید

سعد ذابح (۱) به بدن طرفه (۲) صفت جامه درید

شد به تاراج سر کیوان (۳) تاج خورشید

ص: ۱۸۸

۱- سعد ذابح نام ستاره ای است در برج جدی و یکی از منازل قمر می باشد

۲- طرفه نهمین منزل قمر و دو ستاره است یکی در سرطان و دیگری در اسد

۳- کیوان ستاره زحل است

کف به خون کرد خضیب (۱) از غم و محنت ناهید (۲).

نه در آفاق در افلاک برین زلزله شد

قصه کوتاه ز تیر ستم حمله شد

مرحوم یحیی دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده بود، و با وجود این که علامه دهر و جامع فضل و کمال بود هیچ گاه در صدد شهرت و دکانداری نبود و همیشه با کمال زهد و ورع در گوشه انزوا به عبادت و ریاضت به سر می برد، و با خلوص عقیده، بیشتر هم خود را مصروف سرودن اشعار در مدح و مصیبت پیغمبر مختار (ص) و ائمه اطهار (ع) می نمود و در هفتم ذیقعده الحرام ۱۳۴۹ق به سن نود و پنج سالگی از سرای فانی به عالم باقی شتافت و این گنج گهر از او به یادگار ماند.

ص: ۱۸۹

۱- کنایه از کف الخضیب که ستاره ای است در صورت ذات الکرسی و یکی از صور فلکی است که متقدمین اهل نجوم به آسمان تخیل کرده اند و آن صورت زنی است که فرزند او را شخص ناشناسی کشته؛ آن زن روی منبر سه پله قرار گرفته و دست خود را که به خون فرزند آغشته به سوی عالم بالا دراز کرده، دادخواهی می کند. ستاره کف الخضیب بر کف دست آن زن است.

۲- ناهید ستاره زهره است.

مرحوم بیگی دارای اخلاق حمیده و صفات پسندیده بود و با وجود
اینکه علامه دهر و جامع فضل و کمال بود هیچگاه در صد شهرت و کاغذ
نمود و همیشه با کمال زهد و ورع در گوشه انزوا بعبادت و ریاضت مشغول
میرد و با خلوص عقیده بیشتر هم خود را مصرف سرودن اشعار در مدح
و مصیبت پیغمبر مختار صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام
مینمود و در هفتم ذی قعدة الحرام ۱۳۴۹ هجری قمری بسن بود و پنج
سالگی از سرای فانی بعالم باقی شتافت و این گنج گهر ازاد

بیا و کار ماند

از زمانیکه این استاد بزرگ بر رحمت ایزدی پیوسته تا کنون آمال و آرزوی
نگارنده طبع اشعار در بار ایشان بود الحال که آقای حاج میرزا ابوالقاسم
شغینی در صد و طبع آن بر آمده اند ترتیب اشعار مرحوم مدرس را با نیجانب
و گذار بنده نیز با کمال استنمان پذیرفته و بر حسب اداء و طیفه اشعار
استاد بزرگوار را مرتب نمودم امید است خدمت ناقابل کمترین
مقبول استانه ائمه طاهرین علیم اسلام واقع گردد
علی شغینی

امتان و تشکر

از دانشمند محترم آقای قاسم میرزا علی شغینی که بحق در ترتیب کتاب
جدیت کامل نموده و در طبع آن کمال مساعدت نمودند نهایت امتنان
و تشکر را دارم و از خداوند معال توفیق و سعادت ایشان را خواهم
ار القاسم شغینی

از زمانی که این استاد بزرگ به رحمت الهی پیوسته تاکنون آمال و آرزوی نگارنده طبع اشعار دربار ایشان بود.

الحال که آقای حاجی میرزا ابوالقاسم شفیعی در صدد طبع برآمده اند ترتیب اشعار مرحوم مدرس را به این جانب واگذار، بنده نیز با کمال امتنان پذیرفته و بر حسب اداء وظیفه اشعار استاد بزرگوار را مرتب نمودم. امید است خدمت ناقابل کم ترین مقبول آستانه ائمه طاهرین (ع) واقع گردد. علی مشفقى".

اوصاف

مرحوم مشفقى در یکی از حجرات مسجد حکیم اصفهان ساکن بود و منزلی نیز در جوار مسجد

حکیم داشت.

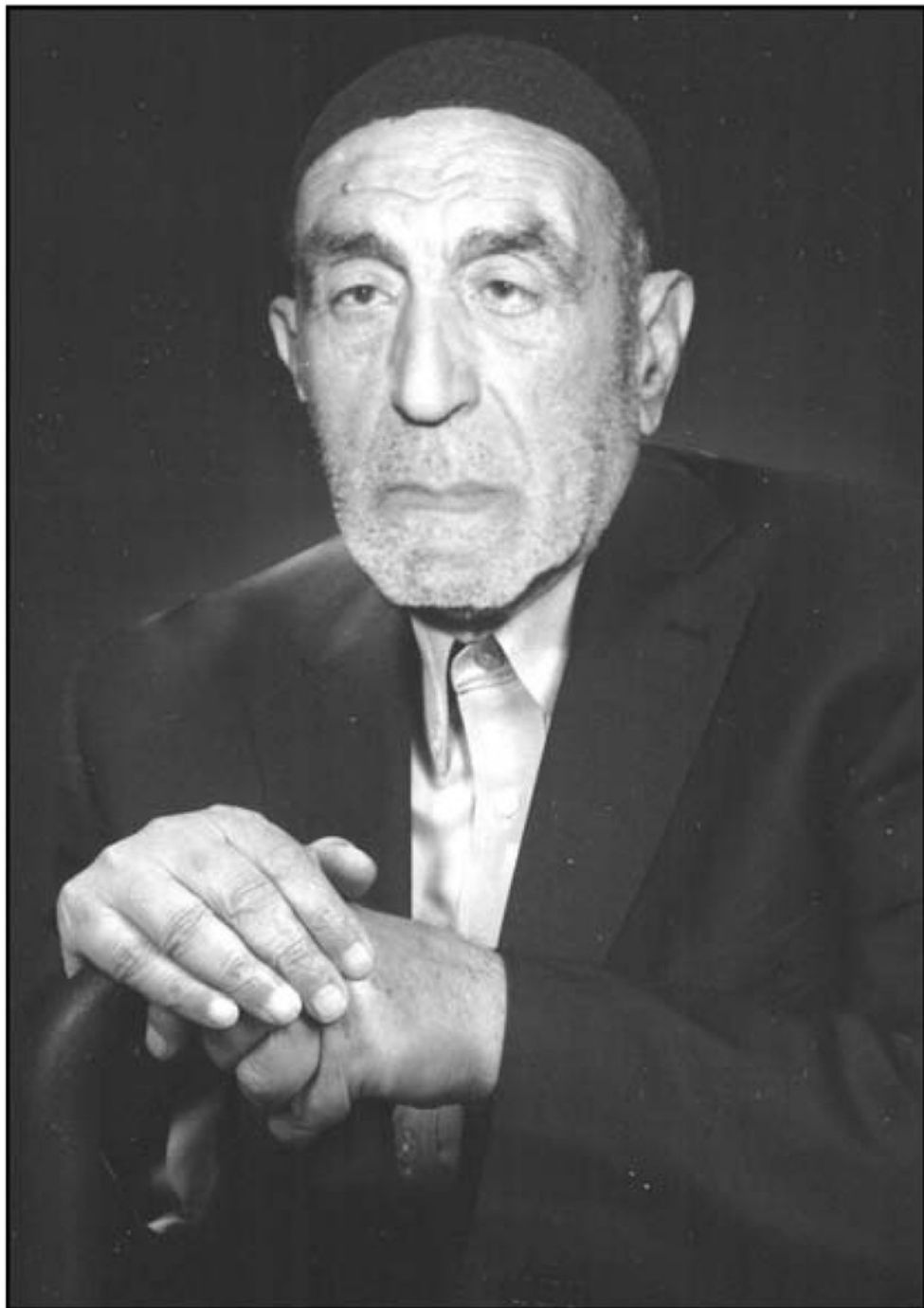
حجره او محل اجتماع فضلا و ادبا و شعرا و مداحان بود و شعری همچون مرحوم "صغیر" و "گلزار" در آن محفل شرکت می کردند.

نظم، تقوا، تواضع، سخاوت و سادگی و صفای روح از ویژگی های آن مرد وارسته بود. وی در علوم غریبه مهارت کامل داشت و از جمله پیش گویی های او این بود که پیروزی انقلاب اسلامی و بازگشت امام راحل به ایران را از مسلمات می دانست.

متأسفانه وی تنها ۲۹ روز از بهاران انقلاب را دید و در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۵۷ش در سن ۷۸ سالگی چشم از جهان فرو بست.

مشفقى از اساتید علوم هیئت و نجوم بود. به گفته جناب آقای حاج آقا رضا مشکین وی در مسجد نو بازار با حضور علمای بزرگی همچون آیه الله ادیب و زند کرمانی و

ص: ۱۹۱



آثار مشفق

۱. استخراج تقویم اوقات شرعی ایران

۲. رساله در احوال شعرا

مرحوم مشفق در این رساله ، نام و نمونه شعر سی نفر از شعرا را با خط زیبای خود برای مرحوم سید مصلح الدین مهدوی مرقوم نموده است.

قسمت عبدالحسین پنجا کو فروش بس ہفتاد و پنج لکے در سال ۱۳۱۸ قمری فروز شدہ

ای عزیزان باز در جو بارہ جنگ انداختم در میان خانہ پنہاس سنگ انداختم
کارگشتی بس زدم بر آن نگار پہلوان تاک لنگ انداخت من اورا بہ لنگ انداختم
خانہ مہر و وفا را ساختم آخر خراب تا بگودال تو چون رزاز دنگ انداختم
تا ایرزن نبودم کار و بارم خوب بود بیخودی خود را تو آ لنگ و دو لنگ انداختم
ہر کہ را دیدی قسمت زیر بار عشق رید من ترق کرده ام اینجا تلنگ انداختم

ط پنہاس یهودی و مشروب فروش و منزل او جمع ار اذل و او باش بودہ
اگر کسی در خانہ او سنگ پر تاب میکرده آن سنگ بہ یک اصابت میکرده و باعث نزاع می شدہ
دودی نامش حسین شغل او تریاک فروشی بہ سال عمر دشتہ در سال ۱۳۳۱ قمری فروز شدہ

زا ہد ابر ما مزن کا عینہ ذاتیم ما بر جمال بے مثال دوست مرا تیم ما
گر توئے از پاردم سائیدگان مدرسہ با چہ در ما لیدہ کوی خرا با تیم ما
گو اگر از معنی یکہ آہ ہستی با خبر معنی ہر آہ و مضمون آیا تیم ما
تا زجاج قلب ما شد روشن از اللد نور عالم ارض و سما را نور مشکو اتیم ما
بیدق ذوقیم و فرزین سلوک و بیل ورد شہوار عشق را بر رخ اگر ما تیم ما
حاجت ما و تمہم ما فراوانست لیک قاضی الحاجات و کافق المہا تیم ما
ای طبیعی بر حرارت قائلی و قوسفر می ندانے فسفر کل حرار اتیم ما
از حدوث و از قدم پائے برون نہ ای حکیم تا بد اخذات جو ہر جو ہر ذاتیم ما

این کتاب مستطاب

مجموعه اینست از قصایدی که در جشنهای

اعیاد منبریکه از طبع دُرِّ باریسیدالکین

قدوة العارفين زبدة المتألهين آقای

آقا سید مرتضیٰ نورالله مرقدہ تراوش نموده

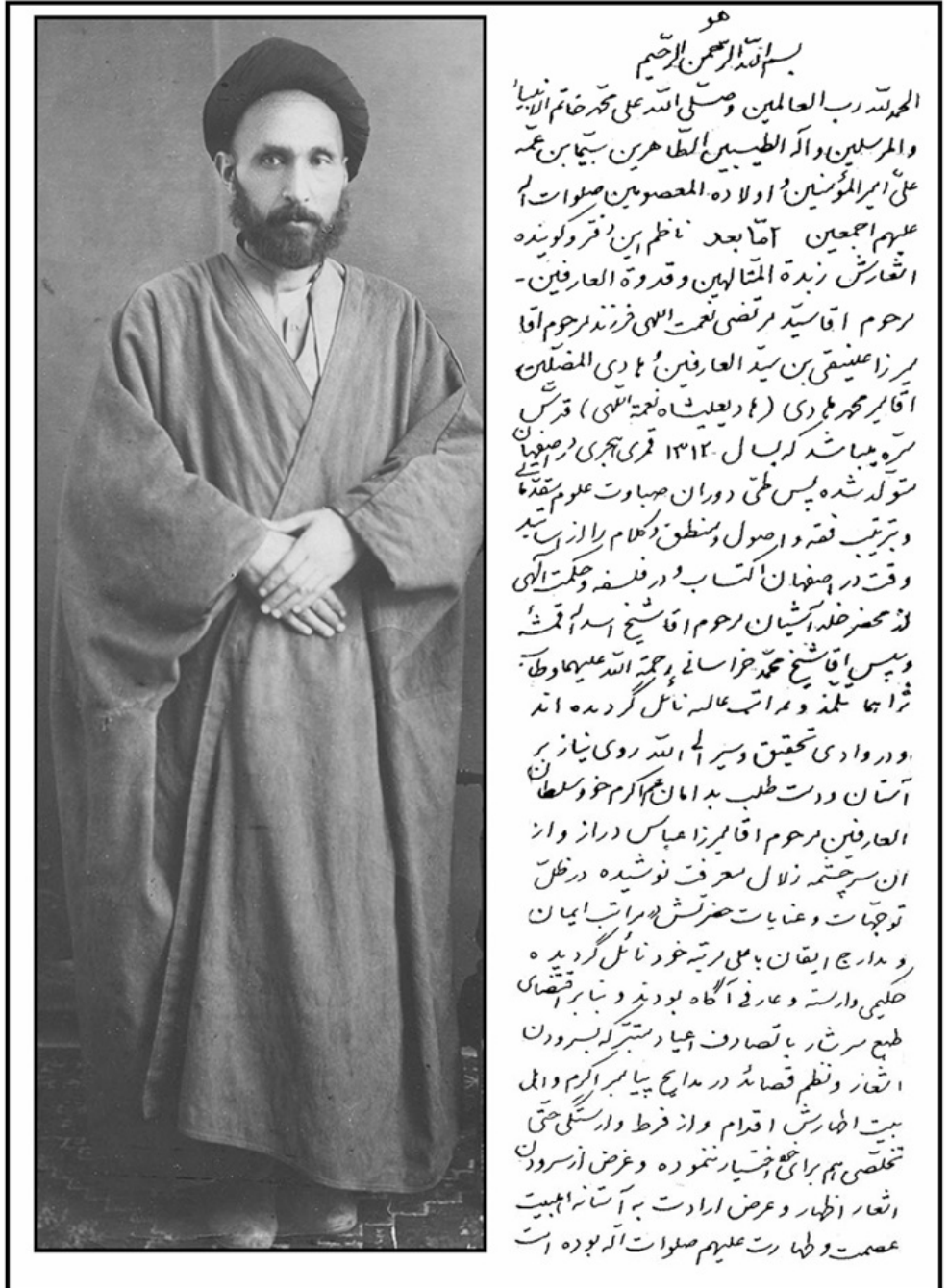
کتبہ علی مشفق

اسفندماه ۱۳۱۸

تصویر نسخه خطی این اثر در اختیار نویسنده است.

ص: ۱۹۴

۱- عالم فاضل عارف، از شاگردان شیخ اسدالله قمشه‌ای، که تا پایان عمر به تحصیل علوم متمایل، و مخصوصاً در حکمت و ریاضیات متبحر بود. بزرگی عالی مقدار، و در دوستی و محبت پایدار بود. بذل و بخششی وافر، و جود و سخاوتی متکاثراً داشت، و همیشه سایرین را بر خود رجحان، و در حق خویش و بیگانه بی‌ریا احسان فرمودی. طبعی روان و ذوقی بی‌پایان داشت. کلماتش با اندیشه و فکر و همیشه فرمایشاتش را با مضامین بکر، ادا می‌فرمود. در سال ۱۳۵۴ ق پس از گذشتن ۴۱ سال از عمر وفات نمود. اغصان طیبه، نسخه خطی. تاریخ وفات او چنین است: وهاتف نادى لتاریخه: "نجل النبى فاز بالرضوان"



بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد خاتم الانبياء
 والمرسلين وآله الطيبين الطاهرين سيما بن عمه
 علي أمير المؤمنين واولاده المعصومين صلوات الله
 عليهم اجمعين أما بعد ناظم بن زفر وكوننده
 اشعارش زبدة المشاهير و قدوة العارفين -
 مرحوم آقا سيد مرتضى نعمت الله فرزند مرحوم آقا
 ميرزا عيسى بن سيد العارفين مازنی المصطفى
 آقا مير محمد مازنی (مدرسه علمیه نعمت اللهی) مدرس
 سره میباشد که بابت ۱۳۱۲ قمری هجری در صفهان
 متولد شده پس طی دوران جوانی علوم متقدمه
 و ترتیب فقه و اصول و منطق و کلام را از دست
 وقت در صفهان آتوب در فلسفه و حکمت الهی
 نزد محضر خلدیشیان مرحوم آقا شیخ اسد الله
 و سپس آقا شیخ محمد خراسانی رحمه الله علیهما و طایفه
 ثراها علمیه و مراتب عالیه نائل گردیده اند
 و در وادی تحقیق و سیر الی الله روی نیاز بر
 آستان و دست طلب بدانان محترم خود و سلطان
 العارفين مرحوم آقا میرزا عباس دراز و از
 ان سرچشمه زلال معرفت نوشیده در نظر
 توجهات و عنایات حضرتش در اکتاب ایمان
 و مدارج ایقان باطنی مرتبه خود نائل گردیده
 حلیمی دارسته و عارف آگاه بودند و بنا بر قصاص
 طبع سرشار با تصادف عیادت تبرک بسروان
 اشعار و نظم قصائد در مدایح پیامبر اکرم و ائمه
 بیت الطهارت اقدام و از فرط دارستگی حتی
 تخلص هم براخی اختیار نموده و عرض از سرودن
 اشعار اظهار و عرض ارادت به آستانه اهمیت
 عصمت و طهارت علیم صلوات الله بوده است

۴۲

آنکه از جود او شده موجود
 آسمان و زمین علی است علی
 آنکه بر بندگیش خمر کند
 جبرئیل امین علی است علی
 آنکه اندر میان خلق و خدا
 هست جبل المتین علی است علی
 آنکه در هر کجا پیغمبر بود
 بود با او قرین علی است علی
 مصطفی دید در شب معراج
 کز یار و یمین علی است علی
 آنکه از جانب خدایت امیر
 بر همه مؤمنین علی است علی
 آنکه بر انبیاء بود یاور
 او لیاء را معین علی است علی
 آنکه گردیده پر تعظیمش

۴۳

غم سپهر برین علی است علی
 از ازل تا ابدشهی کور را
 هست زیر نگین علی است علی
 آنکه شاه و گداز خرمن او
 آمده خوشه چین علی است علی
 آنکه دریای آفرینش را
 هست دژ تنین علی است علی
 آنکه باشند جمله موجودات
 منتش را رهین علی است علی
 آنکه بر خاک در گشسایند
 پادشاهان حسین علی است علی
 آنکه در کاره کند بیرون
 دست حق راستین علی است علی
 آنکه روز نخت دستش کرد
 گل لآدم عجبین علی است علی

شانه تعالی
هو الله تعالی

دیوان یحیی

محتوی قصاید و مرثی در مدایح و مصائب
حضرت ختمی مرتبت و ائمه اطهار صلوات الله

علیم اجمعین
اثر طبع عالم ربانی و حکیم صمدانی مرحوم میرزا
مدرس اصفهانی طاب ثراه

ناشر

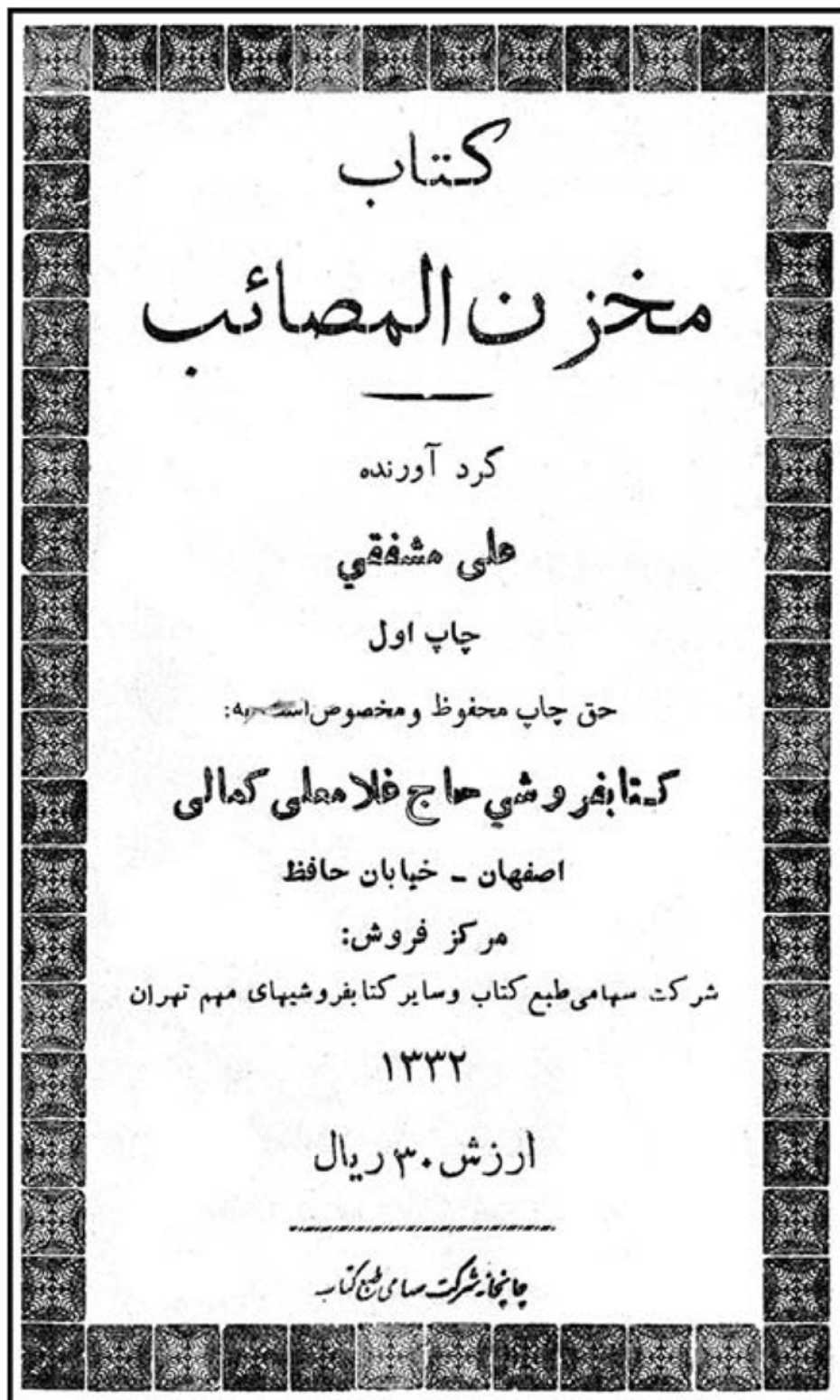
حاج میرزا ابوالقاسم و حاج میرزا محمود شفیعی
بغاونت و تصحیح آقای میرزا علی مشفق
حق طبع محفوظ و مخصوص بنیاد

۱۳۶۵

۵. تنظیم "مصیبت نامه" صغیر اصفهانی که قسمت هایی از آن قبلاً به نام های "ریاض الحسینی" و "ریاض الاثمه" به چاپ رسیده بود.

۶. مخزن المصائب یا "خزائن شکن".

منتخب آثار شعرای اصفهان در مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام.



این کتاب در سال ۱۳۳۲ش به وسیله کتابفروشی حاج غلامعلی کمالی (۱) در اصفهان چاپ و منتشر شده است.

به نوشته مرحوم مشفق: اشعار شعرایی که به رحمت ایزدی پیوسته اند از دیوان های خطی منحصر به فرد آنها که نزد ایشان موجود بوده استنساخ شده، و اشعار شعرایی که در قید حیات بوده اند، با اجازه آنها ضمیمه کتاب شده است.

برخی از شعرای مزبور عبارتند از:

۱. میرزا حسن کفّاش اصفهانی

۲. میرزا یحیی مدرّس

۳. ملا علی خطّاط اصفهانی "فنا"

۴. حاج میرزا بهاء الدین اصفهانی "بهاء"

۵. مرحوم استاد حسن خاکی اصفهانی

ص: ۱۹۹

۱- حاج غلامعلی کمالی فرزند حاج محمد در روز ۲۵ آذر ۱۳۳۹ش وفات کرد و در تکیه گلزار مدفون شد. ای دریغ از رحلت حاجی کمالی کز جهان بست رخت و شد به خاک تیره پنهان ناگهان طرفه مردی بود بی مانند از حسن صفات دلنواز و خیرخواه و بردبار و مهربان حیفاً از آن کانِ محبت کز جهان چون رخت بست آشنایان را ز فوتش زد شرر بر استخوان از پی تاریخ سال فوت او "صابر" نوشت: "شد بمولایش علی واصل کمالی در جان"

۶. مرشد رمضان صابر اصفهانی

۷. میرزا علی خلیلیان

اصفهانی "رجاء"

۸. مرحوم عبدالجواد اصفهانی "هشیار"

۹. میرزا محمد ابراهیم ساغر اصفهانی

۱۰. حاج عبدالحسین مشفق اصفهانی

۱۱. مرحوم میرزا حسینعلی گلشن اصفهانی

۱۲. میرزا حسین شاکر اصفهانی

آنکه از جود او شده موجود
 آسمان و زمین علی است علی
 آنکه بر بندگیش خمر کند
 جبرئیل امین علی است علی
 آنکه اندر میان خلق و خدا
 هست جبل المتین علی است علی
 آنکه در هر کجا پیمبر بود
 بود با او قرین علی است علی
 مصطفی دید در شب معراج
 کز یار و یمن علی است علی
 آنکه از جانب خدایت امیر
 بر همه مؤمنین علی است علی
 آنکه بر انبیاء بود یاور
 او لیاء را معین علی است علی
 آنکه گردیده بهر تعظیمش

غم سپهر برین علی است علی
 از ازل تا ابدشهی کو را
 هست زیر نگین علی است علی
 آنکه شاه و گداز خرمن او
 آمده خوشه چین علی است علی
 آنکه دریای آفرینش را
 هست ذرّ ثمن علی است علی
 آنکه باشند جمله موجودات
 منتش را رهین علی است علی
 آنکه بر خاک در گهش ساینند
 پادشاهن حسین علی است علی
 آنکه در کاره کند بیرون
 دست حق زاستین علی است علی
 آنکه روز نخت دستش کرد
 گل لآدم عجمین علی است علی

۱۳. مرشد فرج الله رؤاس اصفهانی

۱۴. شاعر شهیر محمد حسین صغیر اصفهانی

۱۵. مرحوم حاج میرزا علی اکبر تابش اصفهانی

۱۶. مرحوم حاج علیرضا انجم اصفهانی

۱۷. مرحوم ملا عبدالکریم سودائی اصفهانی

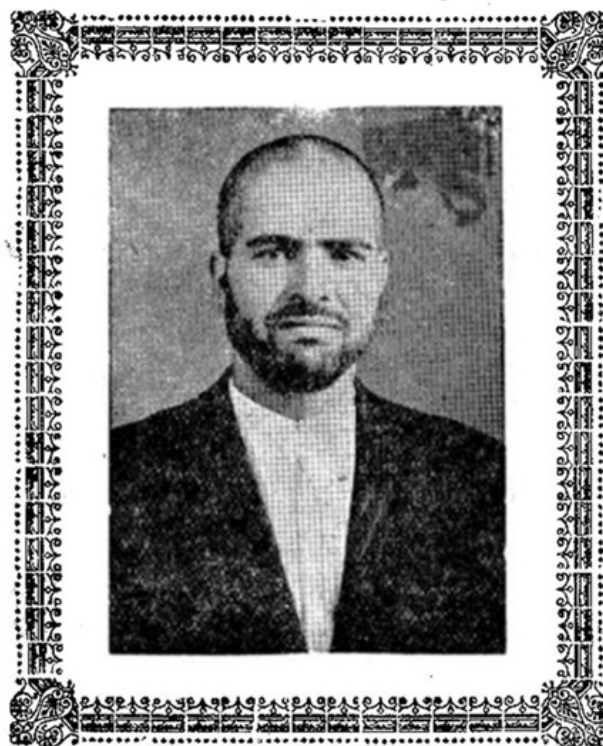
۱۸. مرحوم میرزا محمود پروانه اصفهانی

۱۹. میرزا حسین طالع اصفهانی

گفتنی است که مرحوم مشفقى برخی از دواوين خطى نایاب را در اختیار داشته است که از آن جمله: دیوان میرزا محمد کاظم چاووش اصفهانی و دیوان میرزا حسن کفّاش اصفهانی، از نفاست و ارزش خاصی برخوردار بوده است.

۶۱	۶۰
اهل حریمش نغان و آه کشیدند	مرثیه
پیرهن صبر خویشین بدریدند	دید چه در کربلا امام دو عالم
یکسره بیرون زخمیه گاه دویدند	نخل قد خویش را ز غصه و غم خم
بار در کتا جمال شاه بدیدند	العطس تشنگان بکفرخ معظم
اشک زدودند از دو دیده پر نم	در تب و در تاب اهلیت کرم
قد چو بر افراخت از برای شهادت	شاه ز سر پرده شد بر زخم مصمم
شمع ولایت در سپهر امامت	خواست کند تا دواع اهل حرم را
گشت بعالم پدید شور قیامت	پرده گین سرای شاه قدم را
خواست کند تا وفا بعهده امانت	خواهر و اطفال بی برادر و عم را
بر سر عهد ایستد ثابت و حکم	کرد خجل از دو دیده و جبه ویم را
شور قیامت چو دید شاه که بر پاست	شورش محشر پدید گشت در آندم
خاطر حق خواست آنچه خاطر او خواست	اهل حرم را ز غصه دل هم خون شد
دمدم از جلوه شاه جمال بیاراست	کس نتواند شنید گفت که چون شد
کرد پس از هر رزم قامت خود راست	خون دل از دیده جای اشک برون شد
شد بچو تعظیم او سپهر برین خم	بسکه روان بر طرف ز اشک عیون شد
	و جبه سر دجله ریخت بم بریم

بر حسب خواهش جناب آقای حاج غلامعلی کمالی مدیر کتابفروشی
 کمالی اصفهان این مجموعه را بنام مخزن المصائب که فقط از آثار
 شعرای اصفهان است و تاکنون بیچاپ نرسیده در دسترس خوانندگان
 گرامی میگذارم. اشعار شعرائی که برحمت ایزدی پیوسته اند از دیوانهای
 خطی منحصر بفرد آنها که در نزد نگارنده موجود است استنساخ شده
 و اشعار شعرائی که در قید حیات هستند با اجازه آنها ضمیمه این کتاب گردیده
 امید است این خدمت نا قابل مقبول آستانه حضرت اباعبدالله الحسین ع
 واقع گردد.
 علی مشفقی
 حق طبع و نقل و انتقال از این نسخه محفوظ و مخصوص است بکتابفروشی کمالی



از آقای میرزا علی مشفقی که در نشر ادبیات و آثار شعرا سعی وافیه
 مبذول میدارند بدین وسیله اظهار تشکر نموده و همواره موفقیت ایشان
 را از حضرت احدیت خواهانم
 حاج غلامعلی کمالی

مرحوم مشفق سرپرست هیئت مداحان اصفهان بود و بسیاری از مداحان و شعرای اصفهان از محضر پرفیض او علم و ادب آموخته اند که در اینجا نام چند تن از

آنان را ذکر می کنیم: (۱)



حاج عباس گیاهی، شاعر و مداح اهل بیت،

حاج عباس تولایی، مداح،

مرحوم شاطر عباس زمانی،

آقای عزیزالله مسعودی، شاعر،

آقای حاج اکبر عزلتی،

ص: ۲۰۳

آقای حاج مرشد حسن اشتری،

آقای حاج مرتضی اشتری، شاعر و مدّاح،

مرشد حسین عصارزادگان،

حاج آقا رضا مشکین،

حاج محمد علی هاشم زاده، شاعر،

مرحوم حاج احمد صفا، مدّاح،

مرحوم سید علی سقا، شاعر،

حاج اصغر سعیدمنش، مدّاح،

میرزا محمد چهارسوقی، مدّاح،

حاج احمد آبشاهی، شاعر.



جناب آقای منوچهر صدوقی سها در "تاریخ حکما و عرفا" برخی از افادات مرحوم مشفق را درج نموده که بسیار مغتنم است؛ از جمله:

در ذکر شاگردان آخوند کاشی می نویسد:

"میرزای ارسطو که مجذوب استاد می بود و گاه بر بام برآمدی و در دری که آن بزرگ از آن درآمدی در نگریستی و تا سرکار آخوند در نیامدی بدان مقام همی ماندی؛ و از پی ارتحال آخوند، به عزم شیراز از اصفهان برآمد و به راه از این سرای در گذشت. و هذا ممّا أفادنی به الآقا المیرزا علی المشفقی طاب ثراه من أفاضل أهل التنجیم یاصفهان".

آقای صدوقی در شرح حال آخوند ملا محمد حسن بن آخوند ملا محمد ابراهیم دهکردی (م: ۱۳۲۲) ملقب به "سکوت علی" می نویسد:

"بیان: الف. شنیدم مرحوم مبرور سید کمال الدین نوربخش دهکردی را طاب ثراه استاد فقید دانشگاه طهران به شب پنجشنبه ۲۳ / شهریور / ۱۳۵۱ خورشیدی که آن بزرگ (سکوت) از تلامذه حاجی سبزواری می بوده است.

ب. نیز شنیدم مرحوم مبرور میرزا علی مشفق اصفهانی المشتهر بالمعلم را - طاب ثراه - به عصر ۱۷ / اردی بهشت / ۱۳۵۱ خورشیدی که شنیدم مرحوم مبرور آقا شیخ یوسف دهکردی فرزند برومند آن بزرگ (سکوت) را که داماد آقا سید ابوالقاسم دهکردی صاحب "الوسیله" می بود که: جناب آخوند "سکوت" به بازگشت از سفر قبله به شیراز رسید و به محضر رحمت علی شاه شد، مباحثه را، ولکن به

همان ساعت ربوده گشت و اربعینی برآورد و به دهکرد بازآمد و مردمان طاق بیستند استقبال را و چون سر روزی برآمد به مسجد بردندش که امامت کند ولیکن او به همان رکعت نخستین از محراب بگریخت و به مغاره ای در کوه شد و بگفتند که دیوانه گشته است و شهرت دادندش به کوهی. اقول: وما عرفوا أنه إنما خالطهم أمر عظیم".

ج. او را است: (۱)

تا که از هستی خود بگذشته ایم

بر فراز لامکان پا هشته ایم

ما ز خود رسته به حق پیوسته ایم

زان که مهر از دو جهان بگسسته ایم

استاد صدوقی در بیان شاگردان حاج ملا هادی سبزواری می نویسد:

۱۳. آخوند ملا تقی اصفهانی، مدرّس مدرسه حکیم اصفهان.

افادت مرحوم میرزا علی مشفق منجم اصفهانی من بنده را به ۱۷ اردیبهشت پنجاه و دو. (۲)

"روایت کرد مرا مرحوم پناه اصفهانی الملقّب بلقب الطریقه "پناه علی" از زبده شعراء غزل سرای اصفهان که مع الاسف به روزگار شباب چهره در خاک تیره نهان کرد به لیل ۲۶/۲/۶۵ که:

روایت کرد مرا مرحوم میرزا علی مشفق منجم اصفهانی - طاب ثراه - که:

ص: ۲۰۶

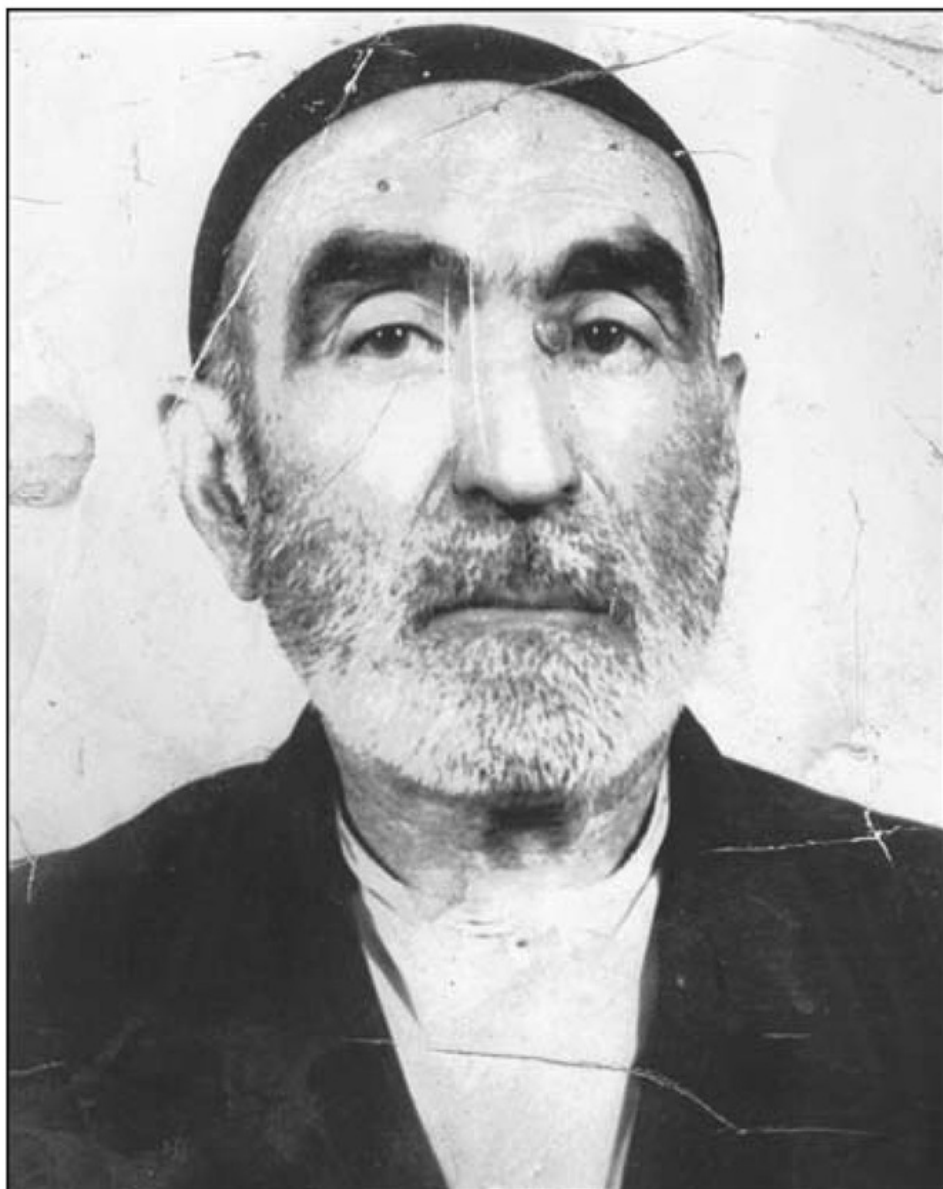
۱- تاریخ حکما و عرفاء ص ۱۹۱-۱۹۰.

۲- تاریخ حکما و عرفاء ص ۱۸۱.

روایت کرد مرا مرحوم میرزا عباس خان شیدای دهکردی - رئیس انجمن ادبی دانشکده اصفهان رحمه الله - که:

شنیدم حکیم اسدالله دیوانه قمشه ای را - طاب ثراه - که:

شبی از مدرسه چهارباغ برآمدم و دیدم که جمیع اشیاء نیست می شود و آن گاه هست می گردد و شگفت کردم و با خود گفتم که بروم به خدمت آخوند و بینم که آیا او نیز این حال در می یابد یا خیر؟ و چون به پشت حجره او رسیدم دیدم که سرکار آخوند نشسته است و تهلایل می گوید و "لا" که می گوید همه چیز نیست می شود و "إلا" که می گوید همه چیز هست می شود".^(۱)



ص: ۲۰۷

۱- همان ص ۴۱۵.

حکایت زیر را آقای محمد حسین غاضری از مرحوم مشفق نقل کرده است:

به "معراج السعاده" گر بخوانی

زیان عمر از غیبت بدانی

بدن که خون و لحم و استخوان است

گرفتاریش از دست زبان است

تمام صبح که خیزی تو از جا

زبان احوال می پرسد ز اعضا

ز چشم و گوش و سر، از دست و از پا

ز قلب و روح، از سفلا و علیا

همه گویند: ما شادیم و خرسند

گزندی تو به ما از خویش مپسند

اگر تو ساکت و راحت نشینی

به ما غیر از خوشی چیزی نبینی

به عصر ما یکی غسل (۱) می گفت:

که مردی مرده بود از اهل جیرفت

برای غسل آوردند او را

که من انجام سازم شست و شو را

ص: ۲۰۸

دو تن از هم‌رهانش در کناری
ازو غیبت همی کردند آری
زبان اعتراض خود گشودم
جلوگیری از آن غیبت نمودم
بگفتم: فعل او گر زشت و زیباست
کنون کوتاه دست او ز دنیااست
نشاید غیبت از اموات کردن
که دیر و زود وقت ماست مردن
چو بشنیدند از من این سخن را
فرو بستند از غیبت دهن را
شدم مشغول و گریان کودکانش
که انگشتم فرو شد در دهانش
به انگشتم گرفت او گاز محکم
که احوالم شد از آن گاز درهم
سپس بر او نماز و دفن کردند
مزارش ترک و سوی خانه رفتند
شبی آمد به خوابم با دوصد غم
ز من ناراضی و بگرفته ماتم
بگفتم: از چه انگشتم گزیدی؟
چه از من غیر کار نیک دیدی؟
بگفتا: تو به من کردی خیانت
که بگرفتی بر آن دو، راه غیبت

چه آن دو غیبت از من می نمودند

گنه از نامه من می زدودند

تو گشتی آن دم از آن دو عنان گیر

کمی در نامه ماندم جرم و تقصیر

اگر آن دو ادامه داده بودند

مرا پاک از گناهان می نمودند

بگفتم سرگذشت مرد غسل

نریزی تا که اعمالت به غربال

به نه مه بچه ای را بارداری

چه گردد سقط، برگو تا چه داری؟

بیندوزی ثواب اما چه حاصل

به یک غیبت کنی اعمال، باطل

تو گویی رفته ام حج یا خراسان

نمی دانی که از کف رفته آسان

چو عرض و خون مؤمن هست یکسان

ز غیبت سعی کن او را مرنجان

زبان چون کارد می ماند که با آن

توان خربوزه ای را کرد چندان

که تا از خوردنش لذت فریاد

کسی را از تناول بد نیاید

توان آن کارد را بر سینه ای زد

درون سینه بی کینه ای زد

چو ذکر حق کنی با آن چه نیکوست

تو را جا در بهشت عدن و مینوست

چو دشنامی دهی آتش خریدی

خریدی مار و مور و خود گزیدی

الهی! کن عنایت در قیامت

نینم از زبان غیر از سلامت

خدایا "غاضری" را ده پناهی

که ناید بر زبانش اشتباهی

نمونه اشعار

مرحوم مشفق ادیبی شعر شناس بود ولی رغبت چندانی به سرودن شعر نداشت.

اشعار زیر که برای تمثال شاعر عارف مرحوم صغیر اصفهانی سروده شده و در آغاز "مصیبت نامه صغیر" چاپ شده نمونه ای از ذوق ادبی اوست:

بین در این تمثال از چشم خرد روی صغیر

شاعری شیرین کلام و عارفی روشن ضمیر

عالم اکبر در او بنهفته بین از چشم دل

چون صغیر از اسم باشد لیک در معنی کبیر

در بیان، ملک سخن را خسروی مالک رقاب

در معانی، شهر دل را سروری صاحب سریر

در بلاغت، در فصاحت، در ملاحات، در کلام

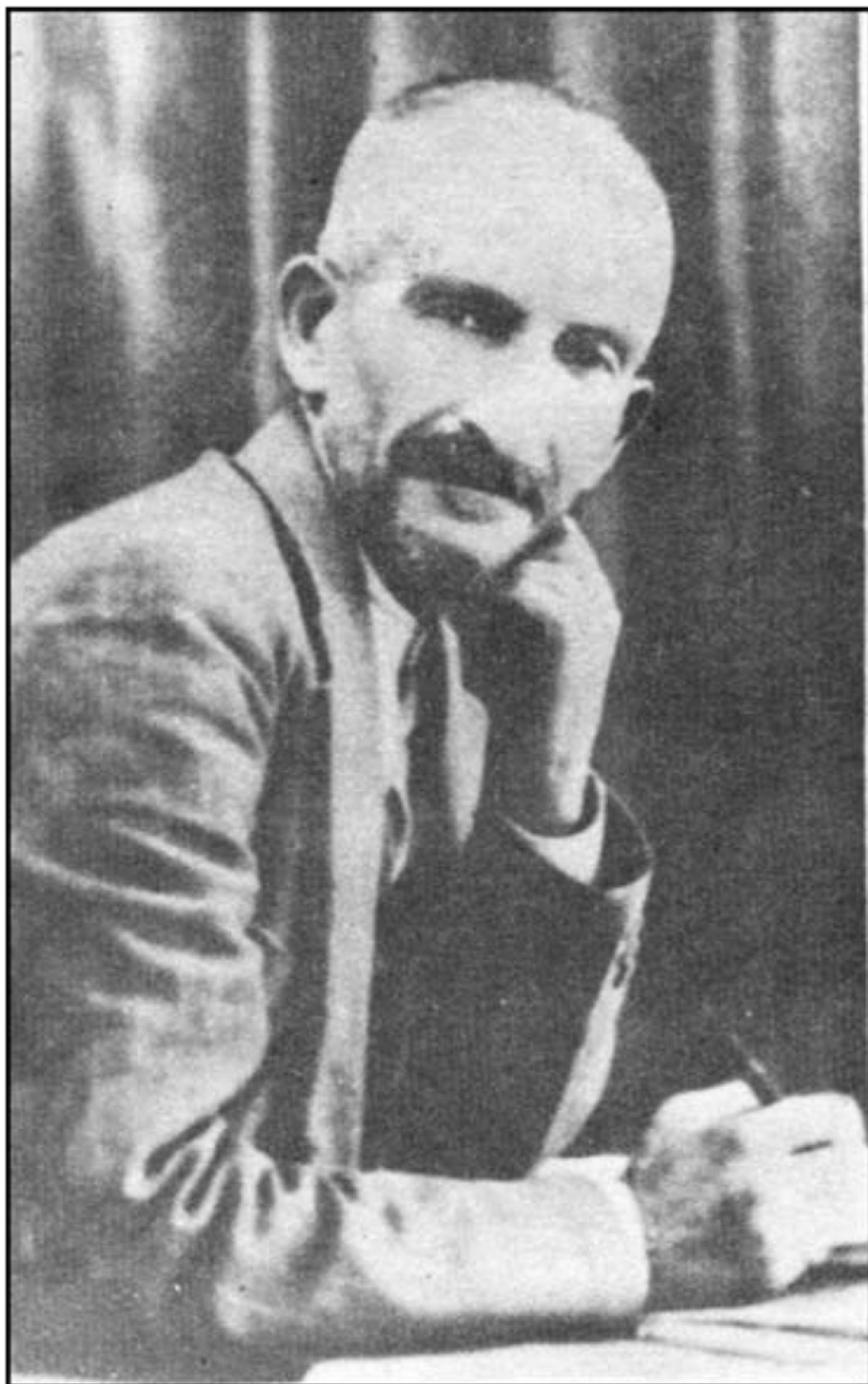
چاشنی بخش دل اهل نظر آن بی نظیر

گرچه او خود را جهانی خواند لیکن بر جهان

می سزد گر شهر اصفهان بنازد بر صغیر

"مشفق" عاجز بود از مدح و تعریفش بلی

ذره کی ره می توان بردن به خورشید منیر



شاعر عارف صغیر اصفهانی

اشعار زیر را نیز مرحوم مشفق در تقریظ بر دیوان قصاید و غزلیات مرحوم یدالله شوقی کهرانی "گلبن ولایت" سروده است که در آغاز

۱- با تشکر از جناب آقای حمید خلیلیان که اشعار فوق را به نگارنده ارائه نمود.

در این دفتر بین اشعار شوقی
که گردی باخبر ز اسرار شوقی
به دوران جوانی با ادب بود
از اول بُد نکو کردار شوقی
نکو تر گشت چون با نفس جنگید
که بس شایسته شد پیکار شوقی
"صغیر" آن شاعر محبوب آگاه
فزود از معرفت مقدار شوقی
تصرف کرد آسان در وجودش
که دیگر گونه شد رفتار شوقی
به کوی عشق، او را رهنما شد
از آن رو گرم شد بازار شوقی
بنازم جذبه آن پیر کامل
که از آن شد عوض افکار شوقی
کسانی کاشنا بودند با وی
همه حیران شدند از کار شوقی
صغیرش گشت رهبر بر حقیقت
که باشد این کلام اقرار شوقی
کنون باشد فقیری رسته از خویش
به منزلگه رسیده بار شوقی
ز فنّ شاعری هم بهره ور شد
بین در این کتاب آثار شوقی

هم از مدح علی مولای مردان

بود پُر، دفتر و طومار شوقی

سراسر شور و شوق و حال و جذبه

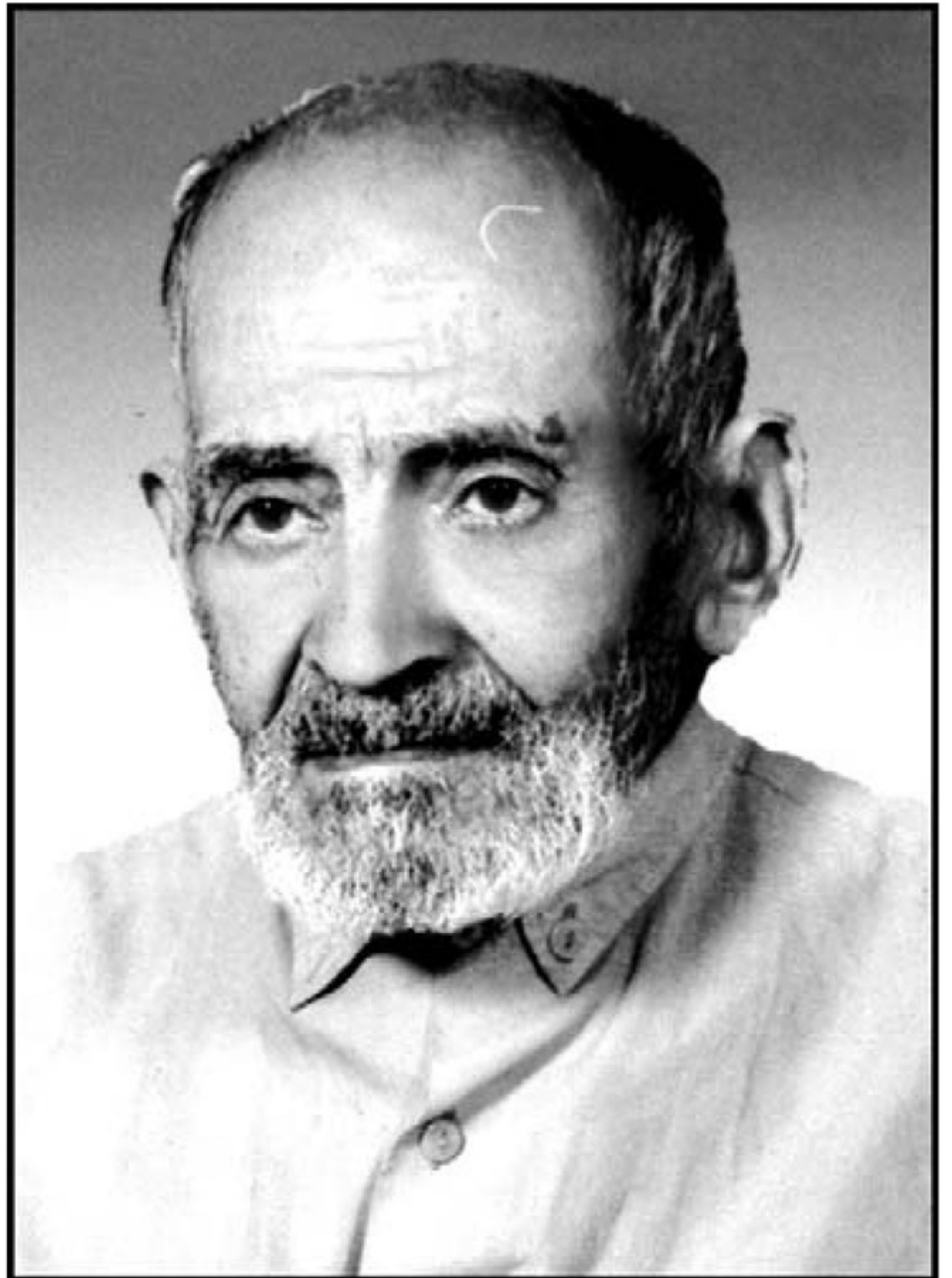
عیان بنگر تو در گفتار شوقی

به حال وجد آیی گر بخوانی

تو همچون "مشفقی" اشعار شوقی

اشعار مرشد عباس گیاهی در وصف مشفقی

(۱)



مرحبا بر منطق و نطق لسان مشفقی

آفرین بر علم و تدریس و بیان مشفقی

ص: ۲۱۴

۱- نغمه های ولا یا دیوان گیاهی ص ۳۱۲.

ای که می جویی کلام حق، بیا میدار گوش

بر کلام پرمعانی از لسان مشفق

آن که کرده تزکیه ارواح افراد جهول

زان به لب دارند آنها ذکرِ شانِ مشفقی

آن رؤوف و آن عطوف و مهربان کاندرا جهان

شهره از شفقت شده در دودمان مشفقی

آن که باشد نام او نام علی، شاه نجف

زین نکو نام آمده شاکر زبان مشفقی

آن که بودی یاور و یار نبی، سلطان دین

وان شه از رحمت بود از یاوران مشفقی

مهر اولاد گرامش کرده از جان چون قبول

پس چنین مهری است در محشر امان مشفقی

به به از مهری که الحق آن بدون شک و ریب

هست اندر عالمین خلد و جنان مشفقی

ای که جویی راه اندر آستان مرتضی

جو ز رأفت راه اندر آستان مشفقی

زان که از خدام شاه کربلا بودی یقین

آمدی در جنه المأوی مکان مشفقی

خدمت خلقان نمودی در نهان، هم در عیان

به به از سر و نهان و هم عیان مشفقی

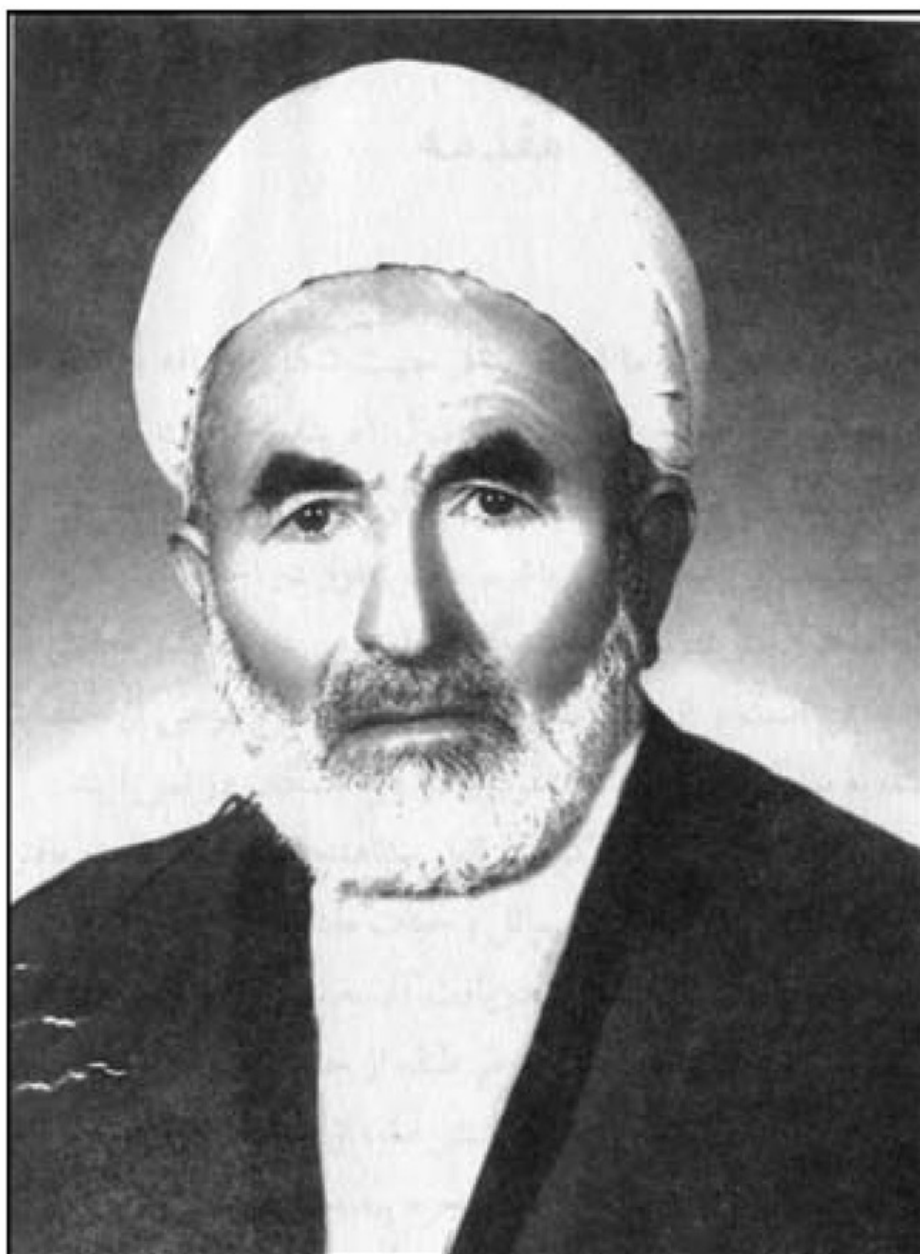
شاعران را کرد زنده در جهان، نام و نشان

زان بود جاوید پس نام و نشان مشفقی

گر که اولادی ورا نبود به عالم، پس نظر
کن به مداحان که گشته یار جان مشفقی
باشد از آنها یکی احقر "گیاهی" حزین
کو بود چاکر ورا حقّ روان مشفقی

اشعار طالع در وصف مشفقی

مرحوم حاج میرزا حسین رام پناه "طالع" اشعاری با عنوان "در ستایش صراف سخن به
استاد انجمن آقای میرزا علی مشفقی" سروده که بخشی از آن چنین است: (۱)



با چنان سیرت، خردمندا نگر با چشم دل
عقل ممکن، قاصر از جاه و جلال مشفقی
همچو بید، ار پای تا سر خود زبان گردم به دهر
شرح نتوانم دهم حسن خصال مشفقی
آنچه را تمجید و تحسین باشد و شکر و سپاس
لایق شایسته، ارزان و حلال مشفقی
رایت علم و ادب افراشت اندر روزگار
شد اساتیدی عیان پس از قبال مشفقی
بذل فضل و دانش و فرهنگ بر ابناء دهر
هست این کوچک ترین فعل از فعال مشفقی
اندر این عصر معارف جمله ارباب سخن
ناتوان زانشاد بی قرب وصال مشفقی
تا شرفیاب حضور حضرتش گردم مدام
بارالها وسعتی ده در مجال مشفقی
دست رد بر سینه نهادن مر این ناچیز را
باشد امری از امورات محال مشفقی

وفات

اشاره

این دانشمند فرزانه در ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ش در سن ۷۸ سالگی چشم از جهان فروبست و در تکیه گلزار مدفون شد.

شاعر گران قدر و مداح اهل بیت علیهم السلام، محمد حسن خزدوز

ص: ۲۱۷

متخلص به "مداح زاده"^(۱) اشعار زیر را از زبان آن مرحوم

سروده است:

رفتم از دنیا ولی اندر جنان گشته مکانم

بهر دیدار علی از کف بداده نقد جانم

شوق دیدارلقایش بود ز آغاز جوانی

راه او پیمودم و یک مشفق زان آستانم

زابتدا در دانش و فضل و کمالم بود کوشش

تا به آمالم رسیده، زین جهت من شادمانم

در علوم منطق و هیئت، نجوم و فقه بودم

سال ها در رنج و زحمت تا که افصح شد بیانم

در معانی و بیان، علم عروض و شعر و عرفان

عاقبت لطف خدا شامل شدی زین سازمانم

از شریعت راه شد طی، بر طریقت شد وصالم

بود از این هر دوره ارشادی در وضع زمانم

پرورش مداح دادم بهر هیئت های بی حد

تا که آثاری بماند بعد مرگ اندر جهانم

ص: ۲۱۸

۱- شاعر ارجمند، در سال ۱۳۰۰ش در اصفهان متولد شد. از پنج سالگی به همراه پدرش به مجالس و هیئت ها می رفت و مداحی می کرد. از ۱۵ سالگی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن ادبی شیدا شرکت کرده و تخلص "مداح زاده" را از مرحوم میرزا عباس خان شیدا دریافت کرد. پس از تحصیلات ابتدایی به حوزه علمیه رفت و نزد مرحوم حاج آقا عطاء الله امامی در مدرسه نیماورد به تحصیل علوم ادبی پرداخت. سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به تدریس پرداخت و در آغاز انقلاب بازنشست گردید.

بیستم از اسفند بشنیدم ندای ارجعی را

بهر لبیک خدا آزاد شد مرغ روانم

در هزار و سیصد و پنجاه و هفت از سال شمسی

سال پیروزی مواجه شد به فوت ناگهانم

گفته این تاریخ را از بهر من "مداح زاده"

چون که اندر اصفهان بودی یکی از دوستانم

مرثیه حاج مرتضی اشتری

(۱)

دریغ و درد زفقدان فاضلی خوش نام

که در طریق ادب می نهاد عمری گام

ادیب مشفق علامه، مشفقی که ز صدق

به راه نشر حقیقت نمود سعی مدام

چو او ز علم دگر روزگار کم بیند

که بود نادر دوران و نخبه ایام

چه دانشی که به او داد داور دادار

چه علم ها که به او داد قادر علام

به راه توسعه دین و رونق فرهنگ

ز جدّ و جهد، شب و روز می نمود اقدام

ز آستانه پروردگار بر دل داشت

امید فتح و ظفر بهر مذهب اسلام

ص: ۲۱۹

به علم او همه عالمان کنند اقرار
که شمه ای بود از آن نجوم و علم کلام
بسا محقق حق جو که در ره عرفان
گرفته اند از آن مردم نکته سنج الهام
شبانه روز به صد شوق و ذوق، هر مدح
نموده کسب ادب زان ادیب نیک مرام
ندای ارجعی از حق به گوش او چو رسید
به سوی ملک بقا رفت آن نکو فرجام
ز بس که شوق لقا داشت روز و شب بر دل
برفت نزد سمیّ اش علی، امام همام
هزار و سیصد و پنجاه و هفت شمسی رفت
به قرب حضرت پروردگار ذو الاکرام
چو "اشتری" جگر خون خسته، مداحان
ز مرگ او به غم و غصه توأمند تمام

در پایان شرح حال مختصری از برادر مرحوم مشفق می آوریم:

میرزا عبدالحسین مشفق

وی در سال ۱۳۱۰ق در اصفهان متولد شد.

ابتدا اندکی تحصیل کرد و سپس به شغل پدری خود (غسالی) اشتغال جست.

"مشفق" دارای طبعی روان و ذوقی سرشار بود. دیوان اشعاری بالغ بر چهار هزار

بیت شعر از قصیده و مرثیه و غزل داشت که هنوز به چاپ نرسیده است.^(۱)

بخشی از قصاید "مشفق" در چاپ سوم "مصیبت نامه" صغیر اصفهانی در سال ۱۳۲۱ش به چاپ رسیده است. مرحوم "صغیر" در مقدمه قصائد او می نویسد:

"شادروان سعید فقید حاج عبدالحسین المتخلص به "مشفق" که بنده را رفیق شفیق و شاعر معاصر بود و اغلب اوقات یکدیگر را جلیس و انیس بودیم، دارای اخلاق حمیده و روش پسندیده بود، و مخصوصاً به حدّ افراط به خانواده عصمت عقیده مند و همیشه در مناقب و مصائب اهل بیت به سرودن اشعار آبدار مشغول بود. دیوانی آراسته و به یادگار در جامعه گذارده؛ چند قصیده از زاده های طبع درر بار او در این کتاب به طبع رسیده، حقیر تاریخ وفات او را سروده ام. خدایش بیامرزد و اجر جزیل دهد." ^(۲)

"مشفق" در روز ۲۹ ربیع الاول ۱۳۶۲ق وفات یافت و در صحن تکیه سیدالعراقین دفن شد. صغیر اصفهانی در وفاتش گوید: ^(۳)

"مشفق" آن کو با ولای هشت و چار

از ازل آب و گلش بودی عجین

در مدیح و در مرثی ز اهل بیت

نظم او زد طعنه بر درّ ثمین

ص: ۲۲۱

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۴۵۲.

۲- مصیبت نامه صغیر، چاپ سوم ص ۲۲۱.

۳- دیوان صغیر اصفهانی: ۴۰۸.

مشفق حاج عبدالحسین فرزند مرحوم میرزا در سال ۱۳۱۰ قمری در اصفهان متولد شده و در روز
 ۲۹ ربیع الاول سال ۱۳۶۲ قمری فوت شد و در تکه سید العزیزین مدفون است
 اشعار او بالغ بر چهار هزار بیت از قصیده و مرثیه و غزل بیش از صد هجری از قصائد او
 در طبع سوم مصیبت نامه صغیر ضمیمه آن کتاب بطبع رسیده

همین مرانه بهجت دُچار کردی و رفتی چون دُچار غمت صد هزار کردی و رفتی
 ز فرقت گل رخسار و غنچه لب لعلت مرا قرین فغان چون هزار کردی و رفتی
 بر آب ناز گلخان کردی و شهبان جهان را تو مات از رفت ای شمسوار کردی و رفتی
 بلف چو تیر و لکان ز ابروان و مژه گرفتگی هزار دل ز هذنگی شکار کردی و رفتی
 بروی همچو قر زلف همچو مشک فکندی بد هر روز مرا شام تار کردی و رفتی
 اسیر چاه ز نخدان نشان ناوک مرگلان دو صد چو رستم و اسفندیار کردی و رفتی
 چو برق خنده زانان در لگدشتی از من بیدل چو ابر چشم مرا اشکیار کردی و رفتی

بمشفق اینهمه بیداد بس نبود نگارا
 چرا بر در فراقش دُچار کردی و رفتی

تا چو لیلی زلف آن شیرین شمایل شانه کرد همچو مجنون صد هزاران کویکن دیوانه کرد
 چون دل زارم پریشان کرد دلهای پریش آن پری رخسار تا زلف پریشان شانه کرد
 ساغر چشمان مستش چونکه در دور او فساد عالمی رامت عشق خود ز یک پیمان کرد
 از برای صید مرغان دل دلداده گلان زلف خود را ساخت دام و خال خود را دانه کرد
 آن هلال ابرو بمن نبود طاق ابروان فارغم یکبارگی از کعبه و بتخانه کرد
 پادشاه عشق بر اقلیم دل چون پانهاد کشور خود را بربست خویشین ویرانه کرد

گشت مشفق آشنا تا بر رخ آن ماه رو
 خویش را از خویشین یکبارگی بیگانه کرد

اشاره

شاعر و ادیب وارسته.

تولد

وی در ماه ذی الحجه ۱۳۲۱ق (سال ۱۲۸۳ش) در محله شیش بیدآباد اصفهان متولد شد. تعلیمات اولیه را در مکتب خانه های قدیمی آموخت. سپس به همراه پدر خود میرزا حسین غاضری به عتبات عالیات مشرف شد و مدت حدود بیست سال در آن جا ساکن گردید و ضمن کار نانوائی، به آموختن ادبیات فارسی و عربی پرداخت و از محضر علما و فضلا و ادبا کسب فیض نمود و در حدود ۲۵ سالگی به ایران بازگشت.

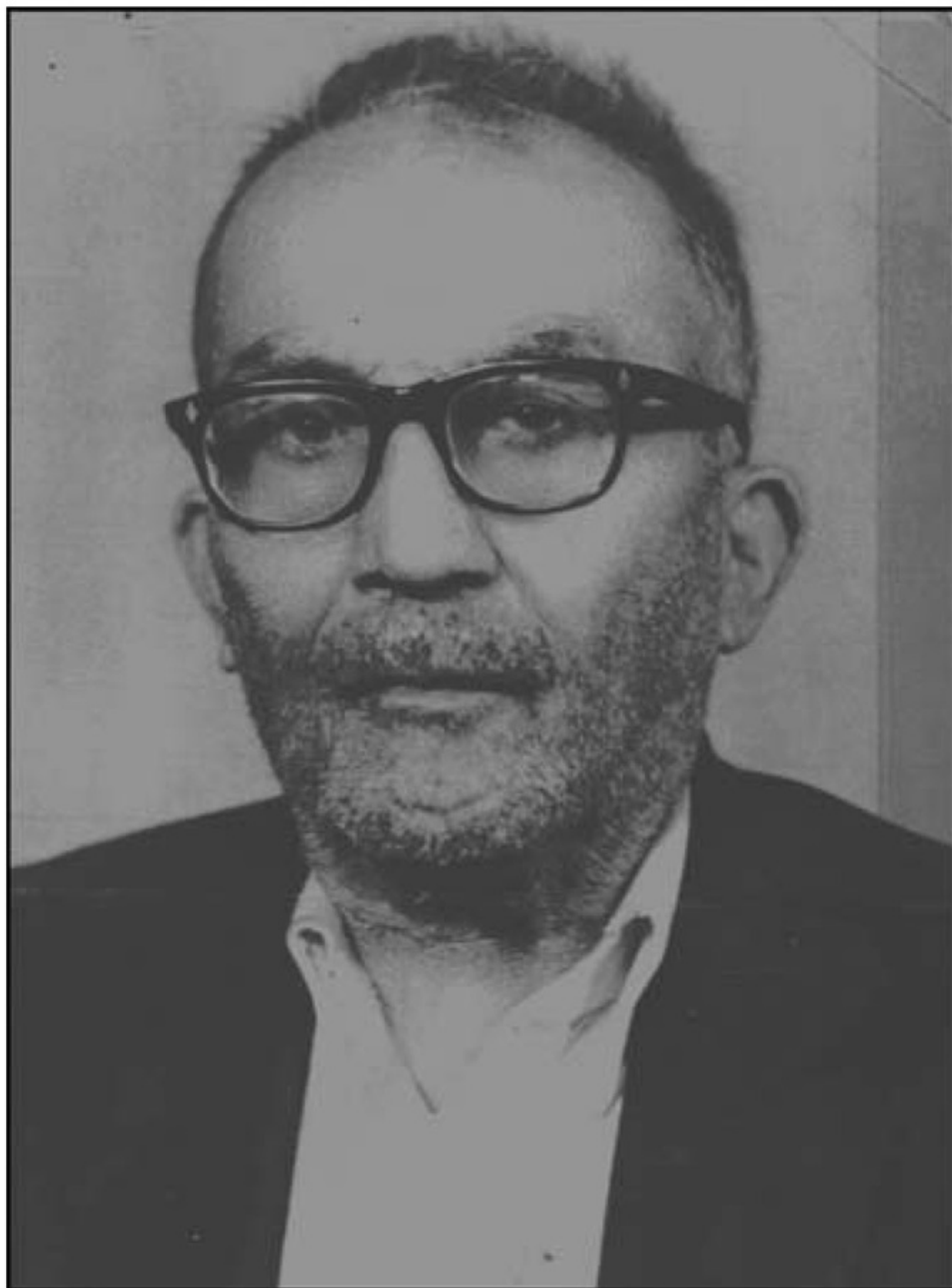
در آغاز جوانی در اثر مجالست با اهل فضل و کمال، ذوق ادبیات در او پیدا شده و به مطالعه آثار ادبا و شعرا و بزرگان پرداخته و در محفل اساتید و بزرگان اهل ادب شرکت نمود تا خود شاعری توانا گردید.

اوصاف

"محفوظ" عاشق و شیدای اهل بیت علیهم السلام بود و بیش از صد هزار بیت شعر از قصاید و مدایح و مناقب و مراثی اهل بیت علیهم السلام و غزلیات اخلاقی و اجتماعی و تضمین از غزلیات متقدمین و قطعات و حکایات و رباعیات و غیره سرود که بسیاری از آن ها به چاپ رسیده و در دسترس مداحان اهل بیت قرار گرفته و در

ص: ۲۲۳

مجالس جشن و سوگواری در اصفهان و شهرستان های مختلف قرائت شده و مورد تحسین شنوندگان قرار می گرفت.



وی مورد احترام عموم مردم بود و استادان شعر و ادب او را شاعری توانا می دانستند که اشعاری بسیار سلیس و روان می سراید و در اشعار خود از جملات پیچیده و دشوار احتراز می نماید.

"محفوظ" از لحاظ اخلاقی، فردی شایسته و بی آرایش و بی ریا و خوش مشرب و نیک محضر بود. در دیانت بسیار محکم و متصلب بود. با مبلغان مسیحی و برخی از فرق باطله مباحثاتی داشت و آنان را محکوم می کرد و به وعده های فریبده ای که برای جذب او می دادند بی اعتنا بود.

وی به شغل نانوائی اشتغال داشت و در برخی انجمن ها از جمله انجمن ادبی کمال شرکت می کرد. محفوظ به هنگام انتخاب نام خانوادگی، "غاضری" را که منسوب به "غاضریه" از دهات کربلا است برای خود برگزید. (۱)

اشعار محفوظ

اشاره

دیوان اشعار "محفوظ" به وسیله آقای سید علی اکبر شعفی (کتابفروشی دین و دانش اصفهان) در بیش از ۵۱۰ صفحه به چاپ رسیده است.

دیوان محفوظ

اصفہانی

ناشر:

سید علی اکبر شعیبی

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

مرکز بخش و انتشار

اصفہان - کتابفروشی دین و دانش

وی در وصف کتاب خویش چنین گوید:

این کتابی که یادگار من است

حاصل عمر و کشت و کار من است

۱- مقدمه دیوان محفوظ و مصاحبه نگارنده با فرزند آن مرحوم.

یاری از کس نخواستم همه عمر
چون خدای قدیر یار من است
مدح و نعت چهارده معصوم
رسم و راه پرافتخار من است
سگه دولت محمّد و آل
نقد صندوق اعتبار من است
از جنان و جحیم دم نزنم
چون علی صاحب اختیار من است
عکس هفتاد و پنج ساله من
آیتی ز آفریدگار من است
گرچه پیرم جوان بود عشقم
این خزان همچو نوبهار من است
پیرم و زنده دل از آن که هنوز
شاهد عشق در کنار من است
روز محشر که از گنه کاری
تیره، رخسار شرمسار من است
همچو "محفوظ" بر خدای کریم
باز چشم امیدوار من است

هست نامم میرزا حیدرعلی
کنیتیم "محفوظ" و شهرت: غاضری
مسکنم در کوچه درب امام
منزلم را نیست جز حق مخبری
یک هزار و دو صد و هشتاد و سه
مولدم در اصفهان شمس اختری
بوده مرحوم پدر میرزا حسین
شیعه خالص اثنی عشری
شغل من خبازی و خدمت به خلق
مورد بدینی هر مشتری
سربلند و مفتخر ز آنم که هست
دین من اسلام و مذهب جعفری
ابتدا تحصیل من در اصفهان
مکتبی و شیخی و دانش گری
بعد همراه پدر در کربلا
بُد مرا یک مادر و یک خواهری
شد پدر مرحوم و بر من کس نبود
جز خدا و جز حسینم یاوری
روزها در کسب و امرار معاش
شب پی تحصیل نزد رهبری

چون که بودم طالب شعر و ادب
می ستودم هر کجا بُد شاعری
گاه گاهی نوحه ای می ساختم
همدم من بُد مداد و رهبری
بعد چندی سوی ایران آمدم
بس سفر کردم به هر بحر و بری
بعد گردش آمدم در اصفهان
پس گرفتم طبق سنت همسری
روزها مشغول کسب و کار خود
لیک شب ها فکر روز بهتری
چون که بودم کنجکاو و راه جو
می زدم هر محفل و مجلس، سری
راه ادیان را بسی پیموده ام
جمله می باشد درخت بی بری
جز نبی و مرتضی و آل او
نیست در دنیا و عقبی سروری
مدح ایشان را نمودم اختیار
چون سگی بر لب گرفتم گوهری
شعرهای من ندیده تاکنون
نه ادیب و انجمن، نه محضری
چون که نبود جایز از فتوای شرع
خواب در مسجد ز بهر کافری

دارم اندر شعر خود امید عفو

گر خطایی بنگرد دانشوری

چون نخواهد صاحب علم و کمال

دلربایی از کریمه المنظری

"مشفق" ام فرمود: بر گو شرح حال

یادگاری تا بماند زاحقری

گفتمش: "محفوظ" گوید مختصر

شرح حال کهتری با مهتری

هدف عالی اعلاى على

هدف عالی اعلاى على

بُد رضای احد لم یزلی

سر چو از عمرو به خندق بر کند

یا که از قلعه خیبر در کند

یا که از حمله او در میدان

سر و تن ریخته چون برگ خزان

هدفش دین خدا بود و رسول

تیغ می زد پی ترویج اصول

نه به سر شور جهانگیری داشت

نه غم از واقعه پیری داشت

خواست مخلوق به خالق گروند

از خرافات به حقایق گروند

گرم طاعات و عبادت باشند

اهل توفیق و سعادت باشند

نپرستند دگر بت ها را

بشناسند ره یکتا را

خواست دنیا شود آسایشگاه

خلق در راه نیفتند به چاه

خواست مردم همه عادل باشند

همه خوش طینت و خوش دل باشند

بردگان خواست که آزاد شوند

همه با هم خوش و دلشاد شوند

کس نیفتد به لجن زار نفاق

همه باشند به وحدت مشتاق

نبود گرسنه یا عریانی

نبود مضطر و سرگردانی

بی پدر شد چو یکی طفل یتیم

نگذارند شود زار و الیم

هر کسی صاحب جاه است و جلال

نکند حقّ ضعیفی پامال

ظلم، ظالم نکند بر مظلوم

ز حقوقش نشود کس محروم

خواست، نیکو نشود مایل زشت

کس به دوزخ نرود جای بهشت

همه با هم چو برادر باشند
حامی خواهر و مادر باشند
آن که خود شاه همه شاهان بود
در کَفَش ما حصل امکان بود
یک شب آسوده به بستر نُغُود
غافل از مردم بیچاره نبود
جز غم مردم دلگیر نخورد
نان جو خورد ولی سیر نخورد
تا دهد درس به افراد غنی
که بپوید ره همچو منی
ای که خود را شمری شیعه او
گو چه داری به کف از شیوه او؟
گر تو را هست تولای علی
نه قدم جای قدم های علی
تا ز هر ظلم شود دافع تو
در صف حشر شود شافع تو
هر که "محفوظ" ! به تن سر دارد
گو در این راه قدم بردارد

کیست علی؟

کیست علی بنده خاص خدا

کیست علی قبله اهل صفا

کیست علی مهر رسول امین

کیست علی همسر خیر النساء

کیست علی باب حسین و حسن

کیست علی پادشه اولیا

کیست علی مرشد روح الامین

کیست علی خسرو ارض و سما

کیست علی آن که بود از شرف

بر ملک و جن و بشر مقتدا

کیست علی آن که بود تیغ او

عمر و کش و قلعه خیر گشا

کیست علی آن که بتان را شکست

در حرم کعبه به راه خدا

کیست علی میر همه مؤمنان

سرور و مولای همه اتقیا

کیست علی آیه اکملت دین

کیست علی سوره كهف الورا

کیست علی آن که به دوش نبی

از شرف و مرتبه بنهاد پا

کیست علی آن که از او بوالبشر

گشت ز هول غم عصیان رها

کیست علی ناجی نوح نبی

از غم طوفان نزول بلا

کیست علی آن که کند بر خلیل

آتش نمرود گلستان سرا

کیست علی آن که عصا را نمود

در کف موسای کلیم ازدها

کیست علی آن که از او شد مسیح

جانب افلاک ز دار فنا

کیست علی یاور ختم رسل

صفدر میدان به همه غزوه ها

کیست علی آن که به جای نبی

خفت به بستر که کند جان فدا

کیست علی آن که به وقت رکوع

خاتم خود کرد به سائل عطا

کیست علی آن که بود تا به حشر

دین خداوند ز تیغش به پا

کیست علی آن که به خم غدیر

گشت وصی و ولی مصطفی

کیست علی آن که به هر کیش و دین

کرد "سلونی" سر منبر ادا

کیست علی یاور هر بی معین

کیست علی مونس هر بی نوا

کیست علی باب یتیمان زار

یار ضعیفان به غم مبتلا

کیست علی آن که به هر نیمه شب

قوت و غذا داد چهل خانه را

کیست علی آن که به نان جوین

در همه عمر نمود اکتفا

کیست علی آن که به محراب شد

تارکش از تیغ مرادی دوتا

کیست علی آن که شود از کرم

شافع "محفوظ" به روز جزا

موعظه

دل بر این دنیای دون پرور میند

چون بمیرد دشمنت بر او مخند

بهر جمع مال دنیا روز و شب

خویش را بیجا میفکن در تعب

هرچه مال و جاه مغرورت کند

از حقیقت وز خدا دورت کند

کن مهیا بهر عقبی ساز و برگ

چون تو را نبود امان از چنگ مرگ

سعی کن از بعد خود در روزگار

نام نیکویی گذاری یادگار

کار ما آخر ز دنیا رفتن است

رفتنی باشد که بی برگشتن است

این جهان صحرا و دشت کشت ماست

در جهان دیگری برگشت ماست

کشت کن اینجا که چون آنجا روی

حاصل خود را در آنجا بدروی

بشنو از محفوظ این اندرز را

این سرا کن کشت بهر آن سرا

از علی آموز

گفت دانایی به شیر حق علی

کای پیمبر را وصی، حق را ولی!

کن مرا تعلیم چار اندرز و پند

کان بود در هر دو عالم سودمند

در جوابش گفت مولا: گوش دار

بهر سود هر دو عالم این چهار

آنچه محتاجی به حق در زندگی

کن به قدر احتیاجت بندگی

آنچه داری طاقت نار جحیم

معصیت کن در جهان، بی خوف و بیم

آنچه عمر از بهر خود داری گمان
جمع کن از مال دنیا بهر آن
آنچه خواهی بهر ملک جاودان
کن مهیا تا که هستی در جهان
چون تو را بعد از قیامت مرگ نیست
فرصت آن جا بهر ساز و برگ نیست
جان فدایت یا امیر مؤمنان!
کز سخن جان می دهی بر مردگان
جز تو کس نبود به قرآن کریم
خلق عالم را صراط المستقیم
حق برد "محفوظ" را پایان کار
با ولایت، ای ولی کردگار!

حکایت

شیر حق با سپاهی از اسلام
شد به جنگ معاویه سوی شام
در مسیرش بدید جمجمه ای
سر خاموش فارغ از همه ای
سر پوسیده را چو آن شه دید
حال و احوال او از او پرسید
به زبان آمد او به امر خدا
گفت: ای پادشاه ارض و سما!

بر تو بادا ز من درود و سلام
که تو هستی وصی خیر الانام
من سر هر مز بن پرویزم
که دهان کرده خاک لبریزم
من شهشاه این جهان بودم
پادشاه همه شهان بودم
بود آفاق زیر فرمانم
سروران جهان غلامانم
کار و رفتار من جهانگیری
کشتن و بستن و عنان گیری
می شدم چون سوار بر شبذیز
شیر با من نداشت تاب ستیز
هر امیر و وزیر بهر سخن
بود لرزان چو بید در بر من
سرکشان را ز پا درافکندم
بر زمین بس دلاور افکندم
با چنین قدرت و توانایی
مملکت گیری و صف آرای
شوکت و لشکر و سپاه و قشون
حشم و جاه و اقتدار فزون
تخت و تاج و خزانه و دربار
کاخ زرین و خیمه زرتار

اجل آمد گرفت دامانم

نشد از او رها گریبانم

جان گرفت از من و رهایم کرد

فارغ از عمر بی بهایم کرد

چشم من بود هر طرف نگران

تا گذارم به هم نداد امان

با وجودی که پادشاهم من

سال ها شد که خاک راهم من

دم به دم از فرشتگان عذاب

می کشم زجر در سؤال و جواب

نکنند از عذاب آزادم

ندهد گوش کس به فریادم

آن همه کاخ و گنج و مکت و مال

که نهادم برای اهل و عیال

همه سرگرم عیش و نوش شدند

با تفاخر حریر پوش شدند

لحظه ای کس نمی کند یادم

کس نداند کجا در افتادم

سخنانش چو جمله بشنیدند

وانچنان معجز از علی دیدند

شاه فرمود: دخمه چاک کنید

سر او را به زیر خاک کنید

چون که آخر تمام می میرید
عبرت از داستان او گیرید
چو غنی و فقیر و شاه و گدا
بازگشت همه بود به خدا
حیف و صد حیف گوش تنگ بشر
نکند آنچه بشنود باور
فکر خود نیست این بشر یک دم
تا کند زین وجود رو به عدم
همه "محفوظ" مست دنیائیم
غافل از مرگ و نشر و عقبائیم

چند غزل

هرجا نهد آن یار، کف پای در آن جا
عشاق پی سجده گذارند سر آن جا
دل را مگذارید رود بر سر کویش
ترسم که شود خون جگر و دربدر آن جا
در محضر شاهان صدف پوچ نزیبد
زیرا که فزون است به مخزن گهر آن جا
غیر از گهر اشک اگر یار پسندد
ما تحفه نداریم به بزمش دگر آن جا
از شعله آه دل عشاق بسوزد
مرغی که گشاید به هوا بال و پر آن جا

شد صحن سرا روشن از آن شمع شب افروز

آن سان که نبذ حاجت شمس و قمر آن جا

می گشت بسی سیل ز هر سوی روانه

می ریخت ز بس اشک ز هر چشم تر آن جا

"محفوظ" من و بلبل و پروانه ز هجران

گفتیم سخن از غم دل مختصر آن جا

* * *

دل بی تو چه کار آید و من چون کنمش

گر از تو شود دور دمی، خون کنمش

هر ماهرخی به چشم من پای نهد

چون دیده بود جای تو، بیرون کنمش

سودای تو گر از سر شوریده رود

در وادی عشق همچو مجنون کنمش

گر کم شود از دلم غم هجرانت

با حسرت صبح وصل، افزون کنمش

آن طفل که شد چشم منش گهواره

چون دایه به خواب ناز، زافسون کنمش

هرچند چو پرگار شدم سرگردان

کج رفته چو این دایره، موزون کنمش

آید به دل از لشکر غم جز غم او

زین ملک، برون به یک شبیخون کنمش

جان می دهمش بهای یک بوسه ولی
ترسم که خورد فریب و مغبون کنم
گر چشمه چشم من بخشکد "محفوظ"
با سوز جگر چو رود جیحون کنم

* * *

عمری است اسیر نفس کافر کیشم
جز کار خطا نمی رود از پیشم
گر مرد خداپرست درویش بود
ای وای به روز من که نادریشم
بهتر که ز عیب خلق لب بر بندم
تا باخبر از عیب درون خویشم
از بس که اسیر مال دنیا شده ام
یک لحظه به آخرت نمی اندیشم
دل مطمئن از ذکر خدا خواهد شد
از ذکر شدم غافل و در تشویشم
گویند که نوش و نیش با هم باشند
بی نوش به دل زنند هر دم نیشم
چون بیش و کم زمانه اندر گذر است
نه تنگ دل از کم و نه شاد از بیشم
دایم پی درمانم و پیدا نشود
از بس که ز فعل بد خود دل ریشم

وفات

اشاره

مرحوم محفوظ در سوم بهمن ماه ۱۳۵۸ش وفات یافت و در تکیه گلزار مدفون شد. فرزندش در وفاتش گوید:

شاعری با خلوص و صدق و صفا

دو صد افسوس رفت از کف ما

به مدیح چهارده معصوم

داشت او اشتغال صبح و مسا

رفت هفتاد و هشت از عمرش

زندگانش پر ز محنت ها

چشم پوشید فارغ از هر غم

کرد عزم سفر به ملک بقا

پور او گفت سال تاریخش:

"جای محفوظ در جنان بادا"

(۱۴۰۰)

شعر خداحافظی

دوستان کرده ام آهنگ سفر

سفری کان همه خوف است و خطر

همه آگاه شوید از سفرم

که نیاید از این پس خبرم

می روم با سر از این راه دراز

دل پر آرزو و حسرت و آرز

چه کنم چاره بجز رفتن نیست

رفتتم را ره برگشتن نیست

آنچه دادم به شما رنج و ملال

بکنیدم ز سر صدق، حلال

زان که دستم ز جهان کوتاه است

توشه ام ناله و زادم آه است

ص: ۲۴۲

تا در این غمگده حیران بودم
غافل و مست و هوسران بودم
شب و روز از پی امرار معاش
رنج می بردم و بودم به تلاش
حاصلم بود همه غصه و غم
شادیم بود همه دفع الم
یک دم از کار نمی آسودم
روز و شب در غم و محنت بودم
نه همین غم خور خود بودم و بس
بلکه غمخوار شدم بر همه کس
هر که را زار و پریشان دیدم
شرح احوال از او پرسیدم
چون که آگاه شدم از غم او
کاستم قدر خود از ماتم او
هشتم از مکنت و دارائی خود
به کفش قدر توانایی خود
خدمت خلق نمودم به جهان
چه ز اموال، چه از دست و زبان
گره از کار کسان واکردم
دفع رسوائی رسوا کردم
لیک آن کس که ز من دید وفا
آخر الامر به من کرد جفا

هر که با من در الفت وا کرد
راه خر کردن من پیدا کرد
شد سوار من و با شور و شتاب
خست پهلوی من از نیش رکاب
دوستی هر که فزون دید ز من
بیشتر گشت مرا دشمن تن
هر که می گفت تو را دارم دوست
کند با دوستی از جسمم پوست
تا ز اموال کفم خالی شد
موسم پیری و بی حالی شد
همه رفتند و زهم دور افتاد
حاجی اینجا و شتر در بغداد
آرزوها همه در قلبم ماند
تا که در خاک رهم رخت کشاند
غم چو آمد به دلم یابد راه
دیده بگشوده و دیدم زنگاه
آنچه می بود مرا یاور و یار
همه در خاک گرفتند قرار
نگرفتم من از ایشان همه پند
که بود ماندن من روزی چند
باید آخر پی ایشان بروم
زار و نالان و پریشان بروم

تا چو شد نوبت رفتن ناچار
دیده غفلت من شد بیدار
وقتی از دیده من خواب گذشت
که دگر از سر من آب گذشت
حالیا قصه من گوش کنید
گوش اندرز من از هوش کنید
این جهان همچو سرایی دو در است
منزل چارم هر رهگذر است
اندر آن غافله دار و ندار
بار اندازد و می بندد بار
مکننت آن همه رنج است و عذاب
بهر جمع آوری این سان مشتاب
گیرم از توست همه ملک جهان
چیست بهر تو بگو حاصل آن
غیر آن روزی مقسوم حلال
چه توان بهره بری زین همه مال
چقدر شرب توانی نوشید
غیر یک جامه چه خواهی پوشید
گر دو صد کاخ بود دلخواهت
چه بود وسعت خفتن گاهت
چند غافل ز حرام و زحلال
گرد آری به تعب، مکنت و مال

تا کند مال کر و کور تو را
مست و دیوانه و مغرور تو را
نه دگر ناله مسکین شنوی
نه دگر شمه ای از دین شنوی
نه بینی رخ افروخته ای
نکنی رحم به دلسوخته ای
غافل از حق و حقیقت گردی
متحیر به طریقت گردی
نکنی پیروی از امر کتاب
نکنی فکر غم روز حساب
چو من از یاد بری نوبت خود
دور اندیش کس غربت خود
تا که ناگه اجل آید ز درت
کند از نوبت رفتن خبرت
خوری افسوس و دگر بی سود است
آنچه بیرون کنی از سر دود است
مانده اند وخته بهر دگران
تو گرفتار و بر آنها نگران
زن و فرزندی، تو را گر خواهند
تالاب گور تو را همراهند
حاصل رنج تو را خاطر شاد
هر عروسی بخورد یا داماد

در لحد آنچه زنی بانگ و ندا

نیست فریادرسی غیر خدا

آن خدایی که در این دار جهان

هرچه او گفت نکردی تو همان

پس شوی باخبر از بندگیت

بینی آن دوزخ شرمندگیت

پس تو را تا نرسیده است آن روز

شو بر آن روز خود اینک دلسوز

دل ناشاد کسی را کن شاد

غمگساری بکن از غم آزاد

دست افتاده مسکینی گیر

باخبر شو دمی از حال فقیر

ورنه گردی تو چو "محفوظ" پریش

بوته آتش سوزنده خویش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هذه هي القبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیدر علی غاضری نرزدنوم
حسین غاضری متخلص
محمود اصغری
نوت سوم بمین
۱۳۵۸

شاعری باغلویش صدق و صفا دو ایوب سفت از کف ما
بدیج چچا رده مصوم داشت اشتغال بیج و مسا
رفت بهتاد و نیت از عمرش زندگانیش پر از محنت با
چشم پوشیده فارغ از هر غم کرده عمرم سفر به ملک بخت
او گفت سال تا بخش (جای محمود در جهان باد)
(۱۴۰۰)

گفتنی است که آقای محمّد حسین غاضری فرزند مرحوم "محفوظ" نیز از شعرای معاصر اصفهان است و "غاضری" تخلّص می نماید.

اشعارش اغلب پند و اندرز و حکایات اخلاقی است و در مدح و مرثیه چهارده معصوم علیهم السلام نیز اشعاری دارد.

ص: ۲۴۶

عالم فاضل کامل.

تولد و تحصیلات

وی در سال ۱۲۷۰ش روستای نعیم آباد (آبشاهی) در پنج کیلومتری یزد متولد شد. پدرش: ملا علی اکبر امام جماعت و مورد اعتماد مردم محل بود.

شیخ غلامحسین پس از فوت پدر در ۱۷ سالگی از یزد پیاده به اصفهان آمد و به تحصیل علم مشغول شد.

وی در مدرسه درب کوشک سکونت کرد و از درس اساتید برجسته اصفهان بهره برد و به مراتب قابل توجهی از علم و فضل دست یافت.

برخی از اساتید او عبارتند از حضرات آیات: (۱)

۱. میرزا یحیی مدرس بیدآبادی

۲. میر سید علی نجف آبادی

۳. شیخ محمد تقی آفانجفی (۲)

۴. آخوند ملا عبدالکریم گزی

ص: ۲۴۷

۱- مصاحبه نگارنده با آقای حاج احمد آبشاهی.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۱ ص ۳۶۵.

وی پس از آن به حوزه علمیه قم عزیمت و از محضر علمایی همچون آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود.

اوصاف

مرحوم آبشاهی عالمی عامل و باتقوا بود. نسبت به نیازمندان و ایتام عنایت خاصی داشت. همیشه خنده رو بود. به نماز شب و تهجد اهتمام بسیار داشت. دائم الذکر بود و از حرف بیهوده پرهیز می کرد.



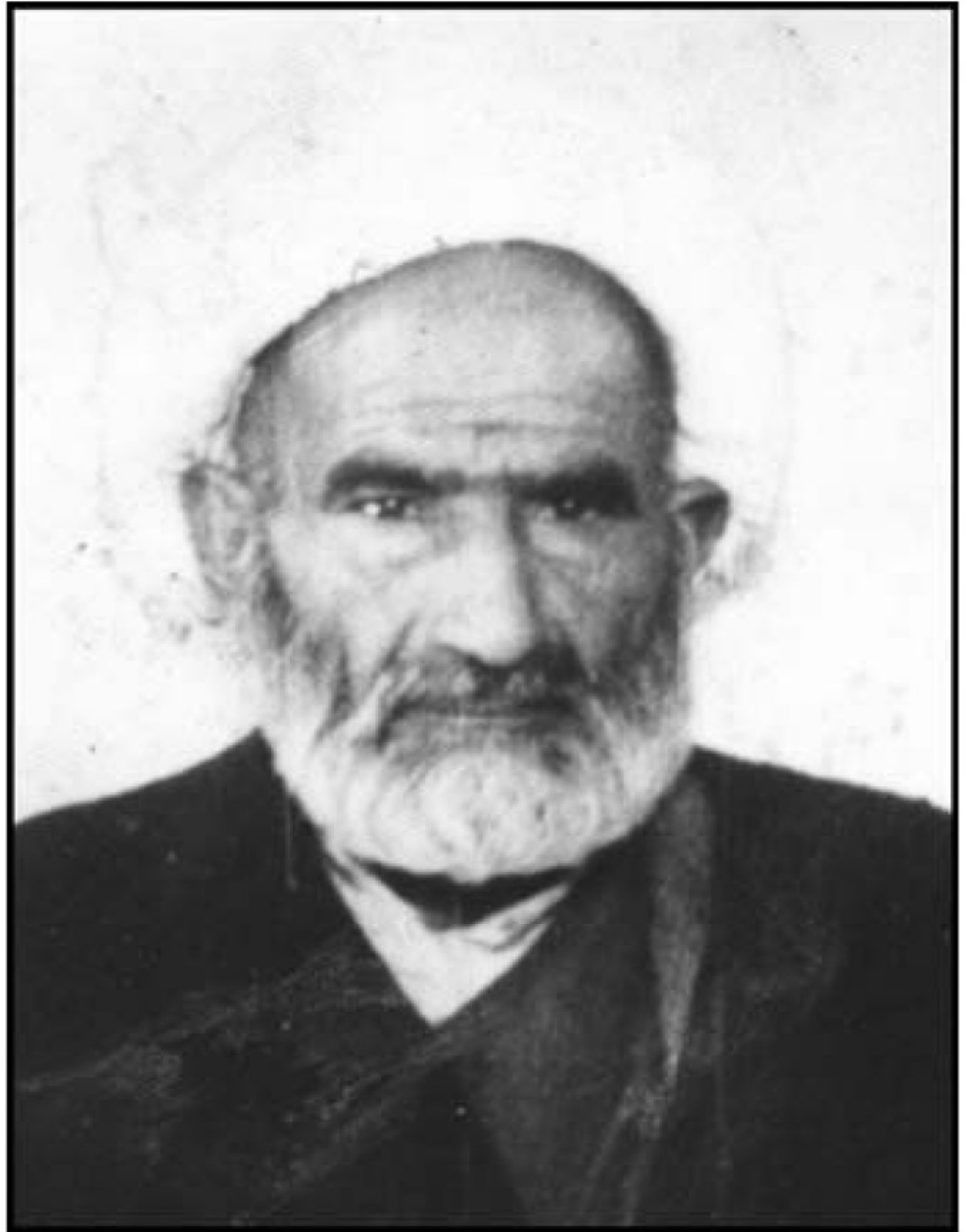
پس از آن که آیه الله سید محمد رضا خراسانی مدرسه چهارباغ را احیا کرد و جلسه درس مکاسب و خارج در آن تشکیل داد، مرحوم آبشاهی با این که خود دارای مقامات علمی بلندی بود، جهت احیاء حوزه علمیه اصفهان، به همراه عده ای از همدرسان سابق خود همچون: شیخ محمد یزدی، شیخ محمود شریعت ریزی، شیخ

غلامرضا خوراسکانی و شیخ حبیب الله شاهنده در درس آیهالله خراسانی شرکت کرد و حوزه درس ایشان را رونق بخشید.

وی در مسجد میرهندی تفسیر قرآن می گفت. برخی از دروس ادبیات را نیز تدریس می کرد. از جمله شاگردان ایشان مرحوم حاج آقا رضا هرندی بود که کتاب "مغنی اللیب" از کتب مهم علم نحو را نزد او فراگرفت. (۱)

حجه الاسلام آقای سید محمود میرهندی نیز از شاگردان مرحوم آبشاهی بوده است.

وی سال های طولانی با عالم زاهد شیخ محمد حسین فقیه نطنزی هم بحث بود.



از معاشران و دوستان ایشان، حضرات آیات: شیخ عباسعلی ادیب، شیخ حیدر

علی محقق، سید مرتضی موحد ابطحی، شیخ عباسعلی فیض و شیخ محمد باقر زند

کرمانی را می توان نام برد.

۱- مصاحبه نگارنده با آقای حاج احمد آبهاهی.

مرحوم آبشاهی در روز جمعه ۲۱ اسفند ۱۳۳۱ش (جمادی الثانی ۱۳۷۲ق) به عارضه سکتہ وفات کرد. مرحوم آیه الله خراسانی بر او نماز خواند و پیکرش را در تکیه گلزار دفن کردند. سنگ نوشته مزارش چنین است:

"هذا مرقد العالم العامل، بحر الفضائل والفواضل، كهف الأيتام والأرامل، مطيع الأوامر والنواهي، الشيخ غلامحسين اليزدي الآبشاهی، المشمول بغفران الله الغير المتناهي، وقد ارتحل عن دار الفناء إلى دار الباقي في جمادی الثانی سنه ۱۳۷۲".

اشاره

عالم جلیل، از ائمه جماعت اصفهان.

خاندان

وی از سلسله سادات خاتون آبادی بود.

جدش: میر محمد صالح حسینی خاتون آبادی ابن سید جعفر بن میر محمد صالح خاتون آبادی (امام جمعه، شیخ الاسلام اصفهان و داماد علامه مجلسی) عالمی فاضل بوده و در محله چهارسو علیقلی آقا سکونت داشته و به آقا تکمه دوز شهرت داشته است. (۱)

پدرش: آقا میرزا حسن (فرزند میرزا محمد بن میرزا محمد بن میر محمد صالح) از علمای پارسا و محترم اصفهان و سعه صدر، سخاوت، حسن سلوک و منش بزرگوارانه او زبانزد خاص و عام بوده است.

وی متکفل زندگی حدود هفتاد نفر بوده و در زمان حیات خود به کار قضا اشتغال داشته است. محل قضاوت او در باغ بزرگی در بیدآباد اصفهان، چهارسوق علی قلی آقا، کوچه سادات، روبه روی منزل بزرگ وی قرار داشته است. آن منزل به خاطر سقف نیمه گنبدی بلند و بزرگ آن تالار خوانده می شده و نام باغ که نهر علی قلی آقا از میان آن می گذشته دیوانخانه بوده است.

ص: ۲۵۱

دیوانخانه در واقع همان دادگستری امروز بوده و تالار دیوانخانه و خلوت نزدیک تالار محل زندگی و پذیرایی میهمانان و مراوده این خانواده بزرگ بوده است. مطابق سنت معمول، درهای ورودی دیوانخانه در تمام سال در طول شبانه روز باز بوده و هرکس می توانسته در هر موقع به این محل وارد شود.

آقا میرزا حسن زندگی را با مناعت طبع می گذرانده است.

ایشان و اجدادشان متولی موقوفات علی قلی آقا و رابط آرامنه و مسلمانان در

اصفهان بوده اند ولی از راه ساخت دگمه امرار معاش می کرده و از بابت قضاوت و یا

کارهای شرعی وجهی نمی گرفته اند و از همین رو به سادات دکمه چین شهرت

داشته اند. (۱)

این عالم زاهد در شب یک شنبه ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۴۰ ق وفات کرد و در بقعه

سرقبر آقا مدفون شد. (۲)

اوصاف

مرحوم حاج آقا رضا سادات در سه مسجد به اقامه نماز جماعت می پرداخت:

مسجد چهارسوق علی قلی آقا (صبح) مسجد حکیم (ظهر و عصر) و مسجد آب

بخشان (مغرب و عشا).

وی از راه کشاورزی (اداره دهی از دهات لنجان) امرار معاش می کرد.

ص: ۲۵۲

۱- یادنامه مهندس میر احمد سادات ص ۱۳

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۲۲

وی در روز چهارشنبه ۷ جمادی الاول سال ۱۳۷۸ ق (۲۸ آبان ۱۳۳۷ ش) وفات یافت و در تکیه گلزار مدفون شد. مرحوم میرزا حبیب الله نیر در وفاتش گوید:

ما أكثر الفقدان فی ذا الزمان

یا "نیر" اطلب من شجاک الأمان

قد راح أهلونا وساداتنا

غفلتنا ترداد فی کلّ آن

العالم الطائف للبيت مات

مثواه فی الخلد ونعم المكان

واحداً انقص واتل تاریخه:

"السید الرضا أوی فی الجنان"

۱- ۱۳۷۹ = ۱۳۷۸

فرزندش: مرحوم حاج سید مهدی سادات، از افراد بسیار نیک نام و متدیّن و

متخلّق به اخلاق اسلامی، (۱) پدر مرحوم مهندس میر احمد سادات، رئیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (م: ۱۳۷۷ ش) بود. حاج آقا مهدی که به نوشته

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی: فاضلی محترم و خلیق و مهربان و از دوستان قدیم

و خانوادگی او بود، در شب جمعه ۱۵ ماه صفر ۱۴۰۷ ق وفات کرد و در باغ رضوان

مدفون شد. (۲)

ص: ۲۵۳

۱- همان ص ۴۴، مقاله دکتر سید محمد باقر کتابی.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۲۲۸

اشاره

عالم فاضل کامل.

خاندان

اشاره

وی فرزند سید محمد جواد بن سید محمد صادق حسینی کتابفروش است.

سلسله جلیله سادات کتابی از جمله سادات صحیح النسب و بزرگوار اصفهان اند که عموماً به فضل و دانش و زهد و تقوا مشهور بوده و می باشند.

پدرش: عالم فاضل سید محمد جواد کتابی از شاگردان آیه الله العظمی حاج شیخ محمد باقر نجفی و داماد آیه الله حاج سید محمد باقر شفتی ثانی (فرزند سید اسدالله) عالمی زاهد و منزوی بوده و از ریاست و شهرت دوری می جسته و در سال ۱۳۳۸ ق وفات یافته است.

میر محمد صادق کتاب فروش

عالم ربّانی و فقیه وارسته، از شاگردان صاحب "جواهر" و داماد سید حجه الاسلام. به نوشته شاگردش آخوند ملا عبدالکریم گزی: وی مردی گوشه گیر و مشغول تحصیل و مطالعه و تدریس و اهل تهجد و عبادت و نزد علمای اصفهان به فقاہت معروف بوده و شاگردانش در

اصفهان بسیار بوده اند. (۱)

ص: ۲۵۴

۱- تذکره القبور ص ۴۳. از شاگردان او حاج میرزا بدیع درب امامی و میرزا محمد باقر حکیم باشی را نیز ذکر کرده اند. رجال اصفهان، کتابی، ص ۱۴۲.

معاشرت او از خواص اهل علم و شاگردان تجاوز نمی کرده و از معاشرت با توده های مردم و اشراف و بزرگان سیاسی گریزان بوده، از این رو مورد اقبال اهل دانش و فضیلت واقع گشته و بزرگانی از خدمتش کسب علم و اخلاق می کرده اند.

این صفت در اعقاب او نیز تا حدی رسوخ داشته و فرزندان و نوادگان او هم از ریاست ها و حتی محراب و منبر گریزان بوده اند. (۱)

میر سید علی جناب درباره او می نویسد: وی علاوه بر علمای اصفهان، نزد صاحب "جواهر" و سایر علمای نجف نیز تحصیل کرده بوده و فروع فقهیه را به خوبی مستحضر بوده است. درس "شرح لمعه" او را که صورتاً سطح و حقیقتاً خارجی پر تحقیق بود، بیشتر علما به میمنت درک می کردند.

حالت و ارستگی داشت که بستگان او که وضعیت اعیانیت داشتند او را مورد ملامت قرار می دادند ولی در او تأثیر نمی نمود و می گفت و می گریست که: امیر مؤمنان علیه السلام در بازارها با کلمه "طَرَفُوا أَمِيرَكُم" راه خود را باز می کرد، دیگر چه جای به خود بستن مقامی برای کسی باقی می ماند؟

مواظبت بر تهجد او نه تنها به بستگانش سرایت داشت بلکه همسایگان او هم در زمان حیات او شب بیدار شده بودند. (۲)

میر محمد صادق نوشتجات خوب متفرقه ای در فقه داشته است. (۳)

ص: ۲۵۵

۱- رجال اصفهان دکتر کتابی ص ۱۴۱.

۲- رجال و مشاهیر اصفهان ص ۴۴۳.

۳- تذکره القبور ص ۴۳.

این عالم ربّانی در روز پنجشنبه ۱۱ شعبان ۱۳۰۴ در اصفهان وفات کرد(۱) و در تخت فولاد نزد پدرش سید محمد کتابفروش مدفون گردید. پدرش نیز از علما و فضلاء اصفهان محسوب می شده و بسیار معمر بوده(۲) و کتاب های بسیاری که بیشتر خطی است به وسیله او وقف گردیده است.(۳)

اوصاف

سید ابوالحسن در اصفهان متولد شد.

در اصفهان و نجف اشرف تحصیل نمود و به مراتب قابل توجهی از علم و کمال دست یافت. وی در نجف اشرف از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره برد و در اصفهان از شاگردان میرزا مرحوم حاج آقا رحیم ارباب بود.

مرحوم کتابی محقق و دانشمندی بزرگوار بود.

عشق و علاقه به کتاب، او را صاحب کتابخانه آبرومندی ساخته بود که متأسفانه پس از وفاتش متلاشی گردید. حافظه قوی و عدم تکلف در زندگی و معاشرت، از ویژگی های برجسته او بود.

بزرگانی همچون عالم ربّانی حاج میرزا علی آقا شیرازی هفته ای یک روز در منزل او به دیدارش می شتافتند و به گفتگو در مسائل علمی می پرداختند.(۴)

ص: ۲۵۶

۱- رجال اصفهان دکتر کتابی ص ۱۴۲، به نقل از مرحوم سید ابوالحسن کتابی.

۲- تذکره القبور ص ۴۳.

۳- رجال اصفهان دکتر کتابی ص ۱۴۲.

۴- مصاحبه با جناب دکتر سید محمد باقر کتابی.

وفات

اشاره

وی در سال ۱۳۹۸ ق وفات کرد و در این تکیه مدفون شد.

استاد فضل الله اعتمادی متخلص به برنا در وفاتش گوید:

برای سال وفاتش نوشت خامه "برنا":

"شود شفیع کتابی ابوالحسن و آل"

برادرش: عالم فاضل حاج میرزا محمد حسین کتابی از شاگردان عالم ربّانی آیه

الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب بود. وی نیز در ۷ شوال ۱۳۸۰ ق (۱۳۴۰ ش) وفات

کرد و در این تکیه مدفون گردید. اشعار زیر بر سنگ مزارش آمده است:

از این جهان چو کتابی به سوی خلد روان شد

بهار گلشن آزادگی و فضل خزان شد

سرود "قدسی" تاریخ رحلتش که ز دنیا

سپیدنامه کتابی روان بکوی جنان شد

تذکره:

سادات کتابی در جنب تکیه میرزا رفیعی نایینی دارای بقعه ای بودند که متأسفانه

در موقع ایجاد فرودگاه خراب و قبور آن تسطیح شد. سپس چند نفر از آنان که در

طول سال ها وفات یافتند در تکیه گلزار مدفون شدند:

۱. حاج میرزا ابوالفضل کتابی (م: ۱۳۷۵ ق)

مرحوم میرزا حبیب الله تیر در وفاتش گوید:

قد خاب من فخره بالمال والأهل

کم أقبلت هذه الدنيا على الرذل

ص: ۲۵۷

طوبى لمن عاش والتقوى سجيته

وإنه قول فصل ليس بالهزل

تعطى كتابك من يملك منتشرًا

فز يا كتابي! بالبشرى وبالوصل

يا طائف البيت من فى المجد مشتهر

إننا فقدناك فقد القطع والفصل

لما سئلت عن التاريخ من سنته

يا "نير" اكتب لفوت السيد العدل

آل العباء أتوا جمعًا له قالوا:

"فى القدس جىء أيها السيد ابوالفضل"

١٣٧٥ = ٥ = ١٣٧٠

٢. آقا ميرزا محمود كتابي

٣. حاج ميرزا هلال الدين كتابي (م: ١٣٦٥ ق)

٤. سيد احمد كتابي (م: ١٤٠٣ ق)

ص: ٢٥٨

اشاره

عالم فاضل و واعظ ارجمند.

تحصیلات

وی در اصفهان نزد اساتید زیر تحصیل کرد و در زمره فضلاء قرار گرفت. (۱)

۱. حاج شیخ ابوالقاسم زفره ای

۲. شیخ علی مدرّس یزدی

۳. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی

۴. آیه الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی

اوصاف

سید نور الله واعظی باسواد و متتبع بود و سه جلد کتاب تحقیقی در مقتل حضرت اباعبدالله علیه السلام برای سهولت کار اهل منبر، با استفاده از منابع معتبر تدوین نموده بود.

وی سال ها به کار تعلیم و تربیت اطفال در مدرسه "نوریه" که خود تأسیس نموده بود اشتغال داشت.

یکی از شاگردان وی جناب حجه الاسلام حاج آقا رضا ناطق اصفهانی است.

ص: ۲۵۹

ایشان می گوید: از هفت سالگی در مکتب خانه، فارسی و قرآن خواندن را شروع کردیم. بعد از این که مقداری فارسی، قرآن، انشاء و املاء را فرا گرفتیم درس "جامع المقدمات" را شروع کردیم.

هر هفته پنجشنبه ها استاد می گفت ناهار درست کنیم تا بیرون شهر برویم و در آنجا غذا بخوریم، و غالباً سر مقبره علما و عرفا مثل علی بن سهل عالم عارف، زینبیه دختر موسی بن جعفر و تخت فولاد می رفتیم.

هدف استاد از این برنامه این بود که هم علما را بشناسیم و هم با محیط های جدید آشنا شویم.

استاد ما که در این ایام برای ما درس فارسی و قرآن و "جامع المقدمات" را می گفت آقای سید نورالله قاضی عسکر نام داشت.

تا حدود سن ۱۶ الی ۱۷ سالگی درس ایشان می رفتیم. (۱)

تالیفات

۱. مجالس الأربعین

فی مصائب رأس الحسین علیه السلام.

این کتاب در سال ۱۳۸۳ق در چاپخانه ربّانی در ۱۴۰ صفحه به چاپ رسیده و مرحوم حاج شیخ محمد رضا طاهری خورزوقی اشعار زیر را جهت آن سروده است:

ص: ۲۶۰

۱- باقیات الصالحات یا زندگی نامه ناطق اصفهانی ص ۴۱ - ۴۰.

خوشبخت مردمی که ز ابناء روزگار
قطع علاقه کرده، به حقّ اند امیدوار
پیوسته بذل جهد به علم و عمل کنند
در بندگی ز صدق و صفا گشته استوار
بهر رواج شرع نبی، ضابط علوم
زین رو موفقّ اند به توفیق کردگار
طوبی لهم ز حقّ و بر این قوم حَبْدا
زایشان رواست خلق نمایند افتخار
دانی تو کامیاب که باشد در این جهان؟
اوراق علم آن که گذارد به یادگار
نام نکو ز بعد کسی ماند ار به جای
بہتر ز بہر وی کہ بود قصر زرنگار
تقریظ مقتلی بودم مطرح بیان
کو را نوشته سید ذو العزّ و اقتدار
آن عالم جلیل کہ نور الله است نام
قاضی عسکرش شدہ معروف و اشتہار
سعی بلیغ کردہ ز تألیف و بودہ است
نفس نفیس او بہ تعب، لیل و ہم نہار
بنمودہ از مقاتل مرقومہ اقتباس
باشد مطالبش ہمہ چون درّ شاہوار
امید هست آن کہ شود مورد قبول
حجّت بود ز بہر عدوی ستم شعار

تاریخ طبع وی کسی از "طاهری" بخواست

گفتا چنین به پاسخ او دون اعتذار:

اتمام او به سلخ محرم بُد و ز سال

هشتاد و سه، ثلاث مأه، بعدِ یک هزار

۲. أنوار الحسینی در ۲ جلد

۳. تحفه الأئمه

جمعی از علماء و اهل منبر بر این سه جلد اخیر تقریظ نگاشته اند از جمله: (۱)

۱. آیه الله سید محمد مقدس

۲. آیه الله سید حسین خادمی

۳. حاج ملا حسینعلی صدیقین

۴. حاج آقا جمال الدین خوانساری

۵. میرزا علی اصغر شریف

۶. حاج ملا علی مارینی

۷. ملا احمد بیان الواعظین

۸. حاج سید جمال الدین صهری

وفات

سید نورالله در اردیبهشت ۱۳۴۷ش (صفر ۱۳۸۸ق) وفات کرد و در تکیه گلزار

ص: ۲۶۲

۱- مقدمه مجالس الاربعین.

مدفون گشت. اشعار زیر بالای عکس او نوشته شده بود: (۱)

این است عکس سید نور الله آن که بود

کوشا ز بهر حق، همه ترویج دین نمود

علم و عمل، حقیقت و عرفان مرام او

عمری عبادت از سر صدق و یقین نمود

آن سید عفیف که بُد ذاکر حسین

بنمود طبع مقتل و نام اربعین نمود

آخر ندای ارجعی آمد به گوش او

منزل ز جور چرخ به خاک زمین نمود

ص: ۲۶۳

۱- به نقل از دست نوشته مرحوم محمد ابراهیم جواهری.

اشاره

عالم فاضل زاهد.

خاندان

اشاره

وی از سادات حسینی بود و نسب او به سیدی جلیل القدر به نام سید بدرالدین می رسید که بنا بر نقل، برادر سید شمس الدین ساکن خورزوق و سید عماد الدین ساکن خوراسکان بوده است. (۱)

میرزا محمد علی سینی

اشاره

پدرش: سید محمد علی بن سید محمد رضا حسینی سینی بر خواری، از علمای زاهد زمان و شاگردان آیه الله العظمی حاج شیخ محمد باقر نجفی بوده است. (۲)

به گفته جناب حجه الاسلام سید ابوالحسن بدری: میرزا محمد علی سینی عالمی فاضل و در ادبیات عرب متبحر بوده و در منزل تدریس می نموده و از جمله شاگردانش خطیب شهیر آیه الله حاج میرزا علی هسته ای (۳) بوده است.

ص: ۲۶۴

۱- مصاحبه با جناب حاج سید ابوالحسن بدری.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۱ ص ۳۲۴.

۳- فقیه خطیب توانا، از اعقاب شیخ زین الدین خوانساری. در حدود سال ۱۲۹۵ق متولد شد. در اصفهان و نجف اشرف نزد بزرگانی همچون: جهانگیر خان قشقایی، سید محمد باقر درچه ای، آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی بهره برد و از صاحب عروه اجازه اجتهاد دریافت نمود. وی واعظی شیرین بیان و گوینده ای طلیق اللسان بود. در مجالس خوش محاوره و ظریف و حاضر جواب بود. مدتی در تهران ساکن بود و از خواص اصحاب شیخ شهید شیخ فضل الله نوری به شمار می رفت. پس از شهادت شیخ به اصفهان آمد و تا آخر عمر گاهی در اصفهان و زمانی در تهران ساکن بود و به وعظ و ارشاد مردم می پرداخت. در عصر آیه الله العظمی حائری در قم به منبر می رفت و عموم مراجع و علما برای استفاده از بیاناتش حاضر می شدند. وی در روز دو شنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۸۷ق در تهران وفات یافت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید. از او ترجمه و حواشی بر اعتقادات علامه مجلسی چاپ شده است.

وی عالمی بسیار زاهد و قانع بوده و در نهایت فقر زندگی می کرده و از پذیرفتن کمک های اعیان خودداری می نموده است.

در عبادت و تهجد نیز ممتاز بوده و نماز شب را با حال بسیار معنوی و اشک ریزان اقامه می کرده است.

میرزا محمد علی در سال ۱۳۳۲ق وفات کرده و در مقبره سرقبر آقا مدفون است.

به گفته جناب حجه الاسلام بدری: وی در زمان حیات گمنام و منزوی بوده ولی از آن جا که وفاتش در شب عاشورا اتفاق افتاده، تشییع جنازه بسیار مفصل و کم نظیری از وی به عمل آمده است.

برادر آن مرحوم به نام میرزا عبدالغنی که شاعر نیز بوده، پس از وفات برادر، او را در عالم خواب می بیند و می پرسد: چه خبر؟ ایشان در جواب این جمله ادیبانه و عمیق را بیان می فرماید: "حاسبوا و دققوا، ثم متوا واعتقوا".^(۱)

فرزندان

اشاره

میرزا محمد علی دارای چهار فرزند فاضل بوده که عبارتند از:

ص: ۲۶۵

۱- مصاحبه با جناب حاج سید ابوالحسن بدری.

۱. سید عبدالوہاب بدری

از فضلا و مشاہیر اہل منبر اصفہان کہ دارای چہرہ ای زیبا و صدای خوب و لحن عربی جذّاب بود. وی در ۹ ماہ رجب ۱۳۷۷ ق وفات یافت و در تکیہ گلزار مدفون شد. سنگ نوشتہ مزارش چنین است:

"وفات مرحوم مغفور جنت مکان، فردوس مقام، نخبہ الواعظین وثقہ المحدثین وزبدہ المتکلمین آقای سید عبدالوہاب بدری طاب اللہ ثراہ، ولد مرحوم حجہ الاسلام والمسلمین آقای میرزا محمد علی سینی نهم رجب ۱۳۷۷".

۲. سید ابوالقاسم بدری

فاضل ارجمند. از شاگردان آیہ اللہ العظمی سید محمد باقر درچہ ای و آخوند ملا محمد کاشانی کہ در زمان رضا شاہ بہ ناچار از لباس روحانیت خارج شدہ و در مدرسہ گلہار بہ تدریس پرداخت. (۱)

وی در سال ۱۴۰۲ ق وفات یافت و در قسمت شرقی تکیہ مدفون شد.

سنگ نوشتہ مزارش چنین است:

"آرامگاہ ابدی فردوس وسادہ، مرحوم مغفور السید السند والعالم المعتمد، فاضل عالی مقام، آقای سید ابوالقاسم بدری فرزند مرحوم حجہ الاسلام والمسلمین، جامع المعقول والمنقول، آقای میرزا محمد علی سینی طاب ثراہ، کہ در سال ۱۲۶۸ ہجری شمسی تولد، و در تاریخ ۲۰ بہمن ماہ ۱۳۶۰ مطابق با ۱۴ شہر ربیع الثانی ۱۴۰۲ قمری بہ رحمت ایزدی پیوست".

ص: ۲۶۶

وی دارای هشت فرزند بود که یکی از آنها به نام میرزا علی آقا بدری که مردی بسیار متدین و باتقوا و محتاط بود، در بمباران زمان جنگ به شهادت رسید.

۳. میرزا علی محمد بدری

فاضل ارجمند که در علم کلام و فلسفه تبحر داشت. وی داماد عالم حکیم ریاضی دان حاج ملا عبدالجواد آدینه ای بود.

میرزا علی محمد در ۱۴ ربیع الاول ۱۳۷۲ق وفات یافت و در تکیه خلیلیان مدفون شد. سنگ نوشته مزارش چنین است:

"هذا مرقد العالم العامل والواعظ المتبحر الكامل، قدوه المحققین ومجمع الاخلاق والمکارم، انسان العین وعین الانسان، المستغرق فی بحار رحمه الله، المیر سید علی محمد بدری طاب ثراه، وکان وفاته یوم ۱۴ ربیع الاول ۱۳۷۲".

فرزندش: مرحوم حاج آقا رضا بدری واعظی خوش بیان و خوش خلق و خوش صدا بود که در صبح جمعه ۲۸ ذیقعده ۱۴۱۵ق (۸ فروردین ۱۳۷۴ش) وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

۴. حاج سید مهدی سینی

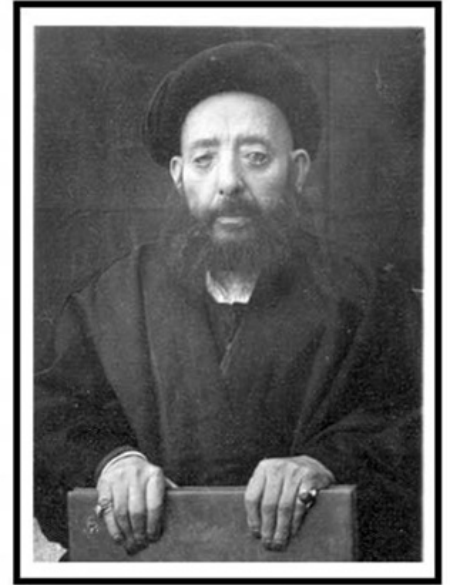
قبل از سال ۱۳۰۰ق متولد گردید. در اصفهان نزد علمای بزرگ از جمله آیات عظام: آقا

سید محمد باقر درچه ای و سید ابوالقاسم دهکردی تحصیل نموده و به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت مردم از طریق وعظ و خطابت اشتغال جست و مورد توجه و عنایت و اعتقاد متدینین قرار گرفت.

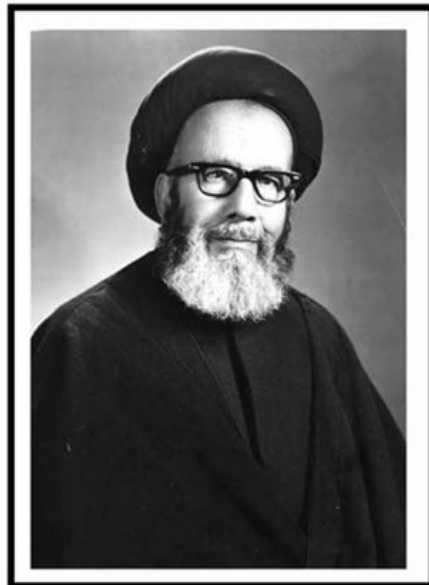
ص: ۲۶۷



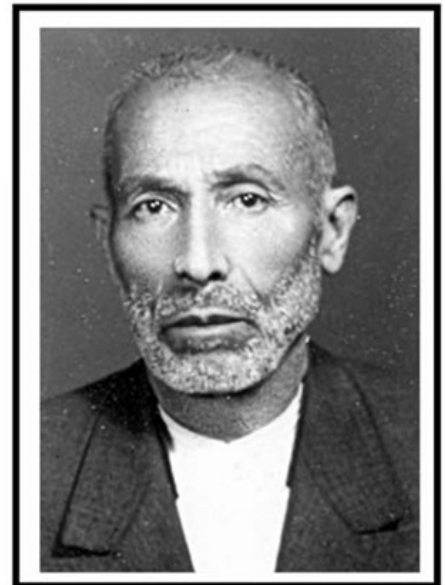
آقا سید عبدالوهاب بدری



آقا سید مهدی سینی



سید عبدالجواد بدری



سید ابوالقاسم بدری

وی عالمی عامل و خوش اخلاق و سخّی الطبع بود.

داماد ایشان جناب حجه الاسلام سید محمد فقیه احمدآبادی می گوید: گاهی ایشان بدون عبا و قبا به منزل باز می گشت و علت آن را این گونه بیان می کرد که در راه به فقیری برخوردیم که لباس مناسبی نداشت و من نتوانستم او را در آن وضعیت بینم، این بود که لباس خود را درآورده و به او بخشیدم.

وی حتی نسبت به حیوانات هم مهربان بود. (۱)



۱- مصاحبه مؤلف با جناب حجہ الاسلام سید محمد فقیہ احمد آبادی.

مرحوم سینی بعد از هر سه نماز به منبر می رفت. منبرش از اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام تجاوز نمی کرد و مردم را به انس با قرآن بسیار سفارش می نمود. (۱)

وی در صبح سه شنبه ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۳۷۷ ق وفات یافت و در اطاق شرقی تکیه مدفون گردید. سنگ نوشته مزارش چنین است:

"آرامگاه ابدی عالم جلیل زاهد وارسته متخلّق به اخلاق حسنه، حجه الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی بدری معروف به سینی که در تاریخ آبان ماه ۱۳۳۶ در سنّ ۹۲ سالگی وفات یافت."

فرزندش: سید عبدالجواد بدری حسینی از ائمه جماعت و محترمین اهل منبر اصفهان بود. وی در ذکر مصیبت ید طولایی داشت و برای اولین بار جلسه قرائت دعای سمات را در مسجد خود برگزار نمود.

سید عبدالجواد در شب پنج شنبه ۲۴ جمادی الثانیه ۱۳۹۸ ق وفات یافت و در این تکیه مدفون است. وی پدر حجه الاسلام سید ابوالحسن بدری از فضلالی معاصر است.

آقای بدری تحصیلات جدید را تا حدّ لیسانس ادبیات در اصفهان انجام داده و دروس حوزوی را نیز تا سطح "فرائد" و "متاجر" نزد اساتیدی همچون: ملا محمد علی حبیب آبادی، حاج آقا صدر کوپایی، سید محمد باقر ابطحی سدهی، حاج شیخ عباسعلی ادیب و حاج شیخ یحیی فاضل هرندی فراگرفت و در علم کلام از محضر حاج آقا صدر کوپایی و سید علی محمد بدری بهره برد.

ص: ۲۷۰

وی سال‌ها دبیر آموزش و پرورش و مدت ۹ سال رئیس دبیرستان احمدیه بود و پس از پیروزی انقلاب، مدرسه النفیسه را جهت تحصیلات حوزوی خواهران تأسیس نمود.



اشاره

خطاط معروف و پرکار اصفهان و از معلّمین مدارس این شهر.

خاندان

پدرش: عالم فاضل زاهد شیخ علی مدرّس یزدی، از مدرّسین معروف اصفهان بود که سطوح فقه و ادبیات عرب را در مدرسه صدر تدریس می نمود و عدّه ای کثیر از محضرش مستفید می شدند.

وی عمری را به قناعت و زهد و استغناء طبع گذرانیده و از راه تصحیح کتب اعاشه می نمود.

آیه الله سید جواد مدرسی یزدی در کتاب "النجوم السرد" می نویسد:

"آشیخ علی مدرّس، ابن آمحمد مسگر، در یزد خدمت آمیرزا سید علی مدرّس تحصیل کرده، و به اصفهان رفته، خدمت اساتید آنجا استفاده کرده، خیلی فاضل و خیلی مقدّس بوده، و سطوح را از حفظ تدریس می کرده، و به نماز استیجاری و روزه غالباً امرار معاش می کرده است." (۱)

وی عالمی عابد و شب زنده دار بود و اکثر شب ها را به عبادت می پرداخت. (۲)

آن گونه در ادبیات مسلط بود که به نحو رجز و با عبارات مسجع و مقفی درس

ص: ۲۷۲

۱- النجوم السرد، تصویر نسخه خطی.

۲- مقدمه طریق الرشاد حیدرعلی خان برومند.

می گفت. (۱) کلّ درس او با آهنگ بیان می شد، و صدای خوب و رسای او هنگام تدریس، در تمام صحن حیاط مدرسه صدر طنین انداز می شد.

وی استاد کاملی در "شرح لمعه" بود و بسیار خوب و متین درس می گفت. درعین کمال علمی، از نظر مالی بسیار فقیر و تهی دست بود. (۲)

مرحوم مدرّس یزدی پشتکار زیادی داشت و از صبح تا ظهر بدون استراحت و بدون استفاده از کتاب، چندین درس تدریس می کرد. (۳)

آیه الله سید مرتضی پسندیده می گوید: وی از اساتید بسیار بسیار عجیب بود، به قدری قدرت حافظه داشت که از حد خارج بود. (۴)

مدرّس یزدی در روز جمعه ۱۵ شعبان ۱۳۵۳ ق وفات یافت و در تکیه بروجردی مدفون شد. معلّم حبیب آبادی در تاریخ وفات او گوید: (۵)

پا از ادب نهاد "معلّم" درون و گفت:

"رفت از جهان مدرّس یزدی بسا فسوس"

ص: ۲۷۳

۱- مجله حوزه ش ۱۵ ص ۲۷ مصاحبه با آیه الله جیل عاملی.

۲- حوزه ش ۲۶ ص ۷-۲۶ مصاحبه با آیه الله شیخ عباسعلی ادیب.

۳- مجله حوزه ش ۵۸ ص ۲۱ مصاحبه با آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی.

۴- خاطرات آیه الله پسندیده ص ۵-۵۴.

۵- اغصان طیبه نسخه خطی.

مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرّس زاده از خطّاطین و خوشنویسان معروف اصفهان و معلّمین مدارس این شهر بود. (۱) کتاب های دینی زیادی به خط وی به چاپ رسیده است. برخی از آنان عبارتند از:

۱. "تسلیه الفقراء وتذکره الأغنیاء"

نوشته ملا عباسعلی بن ملا علی محمد گورتانی اصفهانی معروف به معین الواعظین.

این اثر در سال ۱۳۵۳ق در ۲۲۳ صفحه به قطع جیبی چاپ سنگی شده است.

وَلَمْ تَجْعَلِ الْقَطْرَ عِنَّا السَّمَاءَ ۲۲۳ وَلَمْ تَتَكَبَّرْ شَمْسًا وَالْقَمَرَ	
گفت با محبوب بگردان این چنین	
خون بنای تو مغم ای دل غمگین	
یا و الهام حق بعبودت حسین	
یاری ذاکر نماز و نشکاتین	
شکر الله شد تمام از لطف حق	
غزوه ذی الحجه این غرودن	
سال غشیم بگرد تا دیج زمان	
کردی تالین این دور کاران	
وَإِنَّا الْعَبْدُ لِمَلِكِنَا قَدْ نَحْنُ فِي الْقَدْحِ وَالْقَدْحُ فِي الْمَلِكِ	
<p style="text-align: center;">عَبَّاسُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ</p> <p style="text-align: center;">الاصفهانى</p> <p style="text-align: center;">تتمت الكتاب المستنطاب بمصر سنة ۱۳۱۳ هـ بداقل الكتاب والمحررين محمد علي مدرس والله</p>	
کتاب تاریخ سیر	سیری
۱۳۵۲	۱۳۱۳
وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَبَاطًا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَبَاطًا فَأَنْسَبُوا	
فَوَقَّرْنَا أَبْصَارَهُمْ	

جلد دوم "وقایع الظهور" معین الواعظین که در ۲۰۸ صفحه چاپ شده است.

از میرزا محمد باقر فقیه ایمانی که در سال ۱۳۶۳ق در ۲۵۸ صفحه وزیری چاپ شده است.

(۲۵۸)

و امر فرج و گنا پیش برای اهل ایمان و حق جلوه گریست مانند حال و شب
 که از وقت طلوع فجر صادق صبح ظاهر میشود که هوای عالم نه مانند شب
 ظلمانی تاریک است و نه مانند روز عالم روشن است هم چنین ظهور امر ایمان
 و فرج برای اهل حق نه مانند زمان بنی امیه و بنی عباس در نهایت خفاء
 و مخفی است و نه مانند موقعی است که نهار ایمان و حق ز نهار فرج برای اهل
 ان شود بطلوع شمس جمال امام قائم علیه السلام از ستر عیبیت در تمام عالم
 مانند روز روشن باشد که هیچ اشراقی پیدا نباشد تمام شد تا این
 مقام بحمد الله و ممتنه و طول و بهین مراحم مولای ما حضرت صاحب الامر
 صلوات الله و سلامه علیه باب اول از سه باب کتاب فوز اکبر
 بولایت حجت الله المنتظر بیا و تولد جانی بر حسب تقاضا و سعی بعضی از

احباب و خانی و اخوان صالحین ایمانی رفقه
 بدستور و سر مایه آقای حاج
 احمد عجمی گلشانی
 الله تعالی بمراضیه و سعده فی الدنیا
 و الاخرة بما فیها جمله اکثر کثیرا
 متوالیاً در روز مرد مسعود املاقی گلشانی
 پختند
 بیستم شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۶۳
 در سید الاحقر الجانی محمد علی در سنه
 قلمی و تحریرش
 کاتبان دفتر حضرت آقا میرزا باقر فقیه
 ایستادگان و قاریان عظیم بوقت جان طبع و

شیخ مرتضیٰ انصاری. در سال ۱۳۷۶ ق با مقدمه مرحوم حجه الاسلام سید احمد

روضاتی در ۴۹۳ صفحه چاپ شده است.



از آیه الله العظمیٰ شیخ محمد حسین غروی اصفهانی. جلد دوم این اثر در سال ۱۳۶۵ ق در ۳۲۷ صفحه کتابت شده و به چاپ رسیده است.

اثر مرحوم ابوالحسن صدرالاسلام نصیری.

اثر آیه الله میر محمد تقی مدرس که در سال ۱۳۶۲ ق در ۱۵۰ صفحه کتابت شده و به چاپ رسیده است.

درباره

أَبُو الْحَسَنِ نَصِيحٌ شَهِيحٌ مَجَاجِي حَكْدٌ وَالْإِسْلَامُ أَصْنَمُهُمَا إِذْ خَدَّمَ
 شَرِيحَتِ حَضْرَتِ خَيْرِ الْأَنَامِ دَرَامِي قَامِ بِرَامِدِ وَأَيْنِ مَجْمُوعَةٍ إِذْ دَعَاؤَاتِ مَهْمَةٍ وَتَقِيْبَاتِ وَارِدَةٍ تَوَسَّلَاتِ
 وَصَلَوَاتِ مَنْدُوبَةٍ مَا تَوْرَهُ وَادْكَارِ وَزِيَارَاتِ اعْتَابِ مَقْدَسِكِ وَبَطْرِيقِ اخْتِصَارِ دَرِيكِ مَقْدَمِهِ
 وَسَهْ فَصَلِّ وَبِكِ خَاتِمَةِ مُرْتَبِ سَاخْتِهِ وَبَطْبِيعِ رَسَانِيْدِهِ وَتَجَانُّاقِ تَقْدِيْمِ دُوسْتَانِ وَبِرَادِ زَانِ بِمَانِ
 خُودِ مِيْنَمَا يَدِ كِهْ اَزْ دَعَاءِ خَيْرِ دِحَالِ حَيُوهْ وَطَلْبِ مَغْفِرَتِ بَعْدِ الْمَمَاتِ فَرَامُوشَمِ نَمَانِيْدِ وَيَوْمِ لَا
 مَنَفَعِ مَالٌ وَلَا بَنُوْتُ نَفَعِ بِخَشْدِ انْشَاءِ اللّٰهِ وَالسَّلَامِ عَلٰى اِخْوَانِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَعَلٰى مَنِ اتَّبَعَ
 الْهُدٰى وَايْنِ مَجْمُوعَةٍ مُّوَسُومِ كَرْدِيْدِ بِمِفْتَاحِ السَّعَادَاتِ فِيْ الْاَدْعِيَةِ وَ
 الصَّلَوَاتِ وَالتَّوْبَاتِ اَقَا الْمَقْدَمَةِ دَرْ ذِكْرِ خَوَاصِّ بَعْضِيْ اَزْ سُورِ مَهْمَةٍ
 قَرَانِيَةِ تَهِيْنًا وَفَضِيْلَتِ دَعَا وَادَابِ شَرَايِطِ وَاَوْقَاتِ اسْتِجَابَتِ وَامُورِيْكِهْ مُنَاسِبِ اَنْتِقَامِ اسْتِ

(اَقَا الْفُصُوْلُ الثَّلَاثَةُ)

فَصَلِّ اَوَّلُ دَرِ بَعْضِ اَزْ اَدْعِيَةِ مَهْمَةٍ وَادْكَارِ وَتَقِيْبَاتِ وَتَوَسَّلَاتِ فَصَلِّ
 دَرِ بَعْضِ اَزْ اَعْمَالِ وَادْعِيَةِ شَهْرِ رَجَبِ وَشَعْبَانَ وَرَمَضَانَ وَشَهْرِ ذِي حِجَّةٍ وَمَحْرَمِ وَصَفَرِ وَبَعْضِ اَزْ
 صَلَوَاتِ مَا تَوْرَهُ مَنْدُوبَةٍ مَفْصَلَةٍ فَصَلِّ فِيْمِ دَرْ زِيَارَاتِ مَشَاهِدِ مَشْرُوفَةٍ
 وَاقَا الْحَاثِمَةِ دَرْ ذِكْرِ نَمَازِ شَبِّ وَكَيْفِيَّتِ وَادَابِ اِنْ بِجِوْ اِخْتِصَارِ نَمَازِ مِيْنِ عِيْرَةِ اسْتِ
 مَقْدَمَةِ خَوَاصِّ سُورِ وَفَضِيْلَتِ وَاَوْقَاتِ وَرِسْتِ وَاَدْعِيَةِ اَجْمَالًا
 (اَقَا خَوَاصِّ سُورَةٍ مَبَارَكَةٍ)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر کس سوره لیس را بخواند برای رضا
 الهی میبخشد خدای عزوجل او را میدهد با اجر کسی که تمام قرآن را خوانده باشد و دفع
 میکند از او بلاهای دنیا و هولهای آخرت را و دفع میکند هر شرّی را از او و ثواب این سوره مبارکه

لرجع الى وطنه اصفهان فلم ياذن اولاً بل نهاه صريحاً وقال الارضى
 لمثلك ان تكون حموداً باصبيهان بل اللامق لك ان تكون هنا أو في الجحف لا شئ
 مذكوراً لئلا يخفى قذرك ومزلك وقد الزمه بالآخرة بعوده مع الاهل الى
 العتبات ولكن لم يتيسر له ذلك بل لم يتيسر له المسافرة الى لشهدا المقدس الرضوية
 على ثاويها الاف صلواة وسلام وتحيية مع كونها غاية اماله ولما نزل باصبيهان
 وعرف فضلاء العصر منزلة العظمة في العلم اقبلوا اليه من كل جانب واحقوا به
 فصدى للمدربين وسائرا لوظائف الدينية الرخاثة ومن خصايصه القرحة
 العزيمية وجودة السليقة واستقامتها في التحول في كل مسألة فقهية او اصولية
 والخروج منها ومن خصايصه بيان المسئلة بحيث لم يوجد له نظير في المدترسين و
 ان من البيان لسحرا فربما يكون في اقوال المسئلة قول واضح البطلان في باوى النظر
 بينه بحيث يعتقد كل من سمعها الحق المحقق وليندائه تحقيق مع انه خلاف باهر
 واعتقاده ثم تبين وجوه بطلانه بما يوافق رايه ومن خصايصه تعظيم امامي العدا
 الكبار ومجالات سائرا المدترسين واذا اتفق في المسئلة قول من مثله العلامة الخليلي
 او المحقق او غيرهما ولو كان مخالفا للاجماع او المشتمك عليه مورد دقة النظر وتفحص
 وليله جزاه الله فم عن الاسلام والعلماء خيرا وبرز من مجالس دروسه اكثر من
 خمسين من المجتهدين وفهر من استجاز منه واهل انهم اكثر من عشرين ومضقاته
 في الفقه والاصول كثيرة ولكن لم يطبع منها الا هذه الرسائل التي تصدح
 لطبعها فعلا زينة العلماء المحترمين وبمخبة الفضلاء المعظمين السيد العالم الفاضل
 الكامل نقيب المجتهدين اعي الا قامير زاهد حسين مدرس زادة اصفهاني الساكن
 بطهران اذ امر الله اعزاهر ولما لم يوضع لهذه الرسائل المجموعة المدونة
 اسم وقد صدقت انا تصحيحها وسائرا مؤمها كان الاصح بنظري القاصر فسميتها
 بالرسائل القوتية في المسائل الفقهية وانا الاحقر ترايا قدام المجتهدين

ميرسيد حسن (مدترس مطلق) ابن المعمر
 (احقر ميرسيد حسن المدترس)

الرسائل القوتية في المسائل الفقهية
 تصحيح ميرسيد حسن المدترس

الرسائل القوتية في المسائل الفقهية
 تصحيح ميرسيد حسن المدترس

اثر معروف کلامی علامه حلی که در سال ۱۳۱۲ق با تصحیح مرحوم آیه الله سید محمد هاشم روضاتی در مطبعه گلپهار چاپ شده است.

وفات

مرحوم مدرّس زاده در ۱۹ آذر ۱۳۵۹ش (۲ صفر ۱۴۰۱ق) وفات کرد و در تکیه گلزار مدفون شد.

میرزا آقا فرزند دیگر شیخ علی مدرّس یزدی متوفای: ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۸۱، ۱۳۴۰ش نیز در این تکیه دفن است.

فرزند سوم مدرّس یزدی، محمدرضا مدرّس زاده از بنیان گذاران مؤسسه گلپهار در یزد به سال ۱۳۰۵ش است. وی به همراه مرحوم عبدالمولی مولوی اصفهانی که با مدرّس زاده نیز پیوند سببی داشت تجهیزات چاپخانه ای را خریداری کرد و روزنامه "گلپهار" را از سال ۱۳۱۲ش در یزد به چاپ رساند.

کتابفروشی گلپهار نخستین کتابفروشی امروزی یزد بود که در تاریخ فرهنگ و کتاب یزد نقش عمده ای داشت و این نقش چنان پررنگ بود که تا سالیان درازی نام گلپهار بر زبان مردم کوچه و بازار بود. (۱)

ص: ۲۷۹

اشاره

عالم زاهد و واعظ صالح.

خاندان

وی فرزند سید یحیی بن سید محمد جعفر بن سید محمد علی (معروف به میرزاجانی) ابن قوام الدین محمد (مشهور به میرزا کوچک) از اعقاب غیاث الدین محمد مشهور به میرمیران اصفهانی نواده هفتم شاه علاء الدین محمد معروف به شهبان (مقتول در ۱۳ ماه رمضان ۸۵۰ق) بود.^(۱)

سید علاء الدین محمد از اعظام و اکابر علمای اصفهان در قرن هشتم و مورد احترام و علاقه مردم اصفهان و به خصوص ابوالفتح محمد بایسنغر نواده امیر تیمور بوده است. هنگامی که سلطان محمد بر حکومت هرات و سلطنت جد خود میرزا شاهرخ بن تیمور قیام کرد، شاهرخ به قصد او به عراق لشکر کشی کرد و سلطان محمد را از اصفهان منهزم نمود.

او پس از ورود به اصفهان جمعی از بزرگان را به اتهام معاونت و یاری سلطان محمد توقیف و تبعید کرد. از جمله شاه علاء الدین محمد را دستگیر و به ساوه تبعید نموده و سرانجام به اغوا و تحریک همسر خود گوهرشاد بیگم، دستور داد که سید بزرگوار را در ساوه مصلوب نمایند.

ص: ۲۸۰

۱- نسب نامه سید محمد در "آینه دانشوران" مرحوم سید علیرضا ریحان یزدی ص ۶۲۹ درج شده است.

خود شاهرخ نیز هشتاد روز پس از این واقعه بر اثر نفرین سید درگذشت و سلطان محمد بهادر مجدداً به اصفهان مراجعت نموده و به پاس احترام سید امر نمود که نعش او را از ساوه با احترام به اصفهان منتقل نموده و در حسینیه و خانقاه سید دفن و برای او در همان محل بقعه ای بنا نمودند و قرای اصفهانک و درزیان واقع در بلوک کراج اصفهان، و لاسان واقع در فریدن را برای بقعه او وقف نموده و به امضای بزرگان و علمای وقت از جمله مولانا جلال الدین دوانی رساندند.

اولاد و اعقاب شاه علاء الدین محمد در اصفهان به سادات شهشانی و شاه علائی مشهور و عموماً اهل علم و فضل بوده اند، از جمله سید محمد صدرالواعظین.^(۱)

آقا میرزا یحیی پدر سید محمد، از علما و خاله زاده حجه الاسلام ثانی سید اسدالله شفتی بیدآبادی و مورد وثوق و احترام او بود و به همین مناسبت از محله شهشهان به بیدآباد منتقل شده و در جنب منازل سید در محله قبله دعا سکونت نمود.

جدّش: میرزا محمد جعفر از علمای اتقیاء و از شاگردان آیات عظام: سید محمد باقر شفتی و حاجی محمد ابراهیم کلباسی بوده و تولیت موقوفات شاه علاءالدین و قریه اصفهانک را بر عهده داشته و در کمال زهد و قناعت می زیسته است.^(۲)

ص: ۲۸۱

۱- رجال اصفهان مهدوی ص ۱۹۱ - ۱۸۹.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۴۴۱.

سید محمد صدرالواعظین از وعظ محترم اصفهان، و شاگردان آیات عظام: میرزا محمد هاشم چهارسوقی و آقا سید محمد باقر درچه ای و مورد وثوق و احترام کلیه طبقات بود. (۱)

وفات

این عالم صالح در جمادی الثانی سال ۱۳۶۴ ق (۱۳۲۴ ش) وفات یافت و در تکیه

گلزار مدفون گردید. (۲)

وی داماد مرحوم حجه الاسلام آقا میرزا محمد حسن سادات بود.

مرحوم عبدالحسین آیتی یزدی در ماده تاریخ وفات او گوید:

شهشهرانی زع الم فانی

رفت و شد غرق عفو سبحانی

بهر تاریخش "آیتی" بنوشت

رحلت از آن فقید ربّانی

سال شمسی ز فوت او گردید:

"شهشهرانی محمد ثانی"

از صدرالواعظین سه فرزند برومند باقی ماند که عبارتند از:

ص: ۲۸۲

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۴۴۱.

۲- همان ص ۴۴۱

وی در سال ۱۳۱۷ق متولد شد. تحصیلات خود را در اصفهان و نجف اشرف انجام داده و به مقامات بلند علمی نایل گشت، ولی به دعوت داور وزیر دادگستری به آن وزارت رفت و تا مستشاری دیوان عالی کشور ترقی نمود. مدتی نیز استاندار مازندران بود و زمانی ریاست اداره ثبت اسناد کل را داشت. وی در ۱۳ شوال ۱۳۸۱ق در ژنو وفات یافت و جنازه اش به اصفهان منتقل شد و در بقعه شهشهانی مدفون گردید.

مرحوم شهشهانی مردی دانشمند و خلیق و خوش محضر بود. از آثار او احیای قریه اصفهانک موقوفه بقعه شهشهانی و تجدید ساختمان بقعه نامبرده است. (۱)

۲. فاضل ارجمند سید مرتضی شهشهانی (۱۳۱۶ - ۱۴۱۰ق)

۳. مهندس سید مصطفی شاه علائی (۱۳۲۷ - ۱۴۱۰ق)

هر دو مدفون در باغ رضوان اصفهان. (۲)

ص: ۲۸۳

۱- همان ص ۴۴۲.

۲- مزارات اصفهان ص ۱۳۸.

فرزند علی محمد. عالم فاضل.

وی از شاگردان آیه الله شیخ محمد تقی آقانجفی (۱) بوده و در یکی از مساجد محله شهبهان جنب کوچه بناها که در موقع احداث خیابان ابن سینا خراب گردید امامت و در مکتب خانه نیز تدریس می کرده است.

او خطوط نسخ و نستعلیق را نیز به خوبی می نگاشته است. (۲)

میرزا محمد علی در ۲۱ ذی الحجه سال ۱۳۸۱ ق برابر با ۵ خرداد ۱۳۴۱ ش وفات یافت.

ص: ۲۸۴

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۱ ص ۳۶۵

۲- سیری در تاریخ تخت فولاد ص ۱۸

ادیب فاضل شاعر.

وی فرزند حاج میرزا قوام الدین بن میرزا عبدالرزاق بن محمد کاظم بن ملا محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی بود.

ملا محمد جعفر لنگرودی

محمد جعفر لاهیجی معروف به لنگرودی از حکمای بزرگ زمان محمد شاه قاجار و مدرّسان فلسفه در اصفهان بود.

وی نزد میرزا ابوالقاسم مدرّس، ملا محراب گیلانی و ملا علی نوری تحصیل نموده (۱) و بزرگانی همچون: آقا علی مدرس، آقا محمد رضا قمشه ای، آقا محمد مهدی کلباسی و میرزا محمد تنکابنی نزد او تحصیل کرده اند. (۲)

ملا محمد جعفر در ۹ ربیع الثانی ۱۲۶۰ق (روز هفتم وفات سید محمد باقر حجه الاسلام

ص: ۲۸۵

۱- مقدمه استاد جلال الدین همائی بر شرح المشاعر لاهیجی.

۲- آیه الله تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۹۲) می نویسد: "فضلاى تلامذه ملا علی بسیارند، از آن جمله: والد ماجدم، و آخوند ملا عبدالله زنوزی که مدرّس مدرسه خان مروزی است، و من درس او را ادراک کردم، و آخوند ملا آقای قزوینی و من نزد او تلمذ کردم، و حاجی ملا هادی سبزواری... و حاجی محمد جعفر لنگرودی و من "شواهد ربوبیه" را با آقا محمد مهدی ولد حاجی کلباسی در نزد او می دیدم، و آقا سید رضی مازندرانی، در نزد او نیز در معقول تلمذ کردم".

شفتی) وفات کرد و جنازه اش به نجف اشرف منتقل گردید. (۱)

برخی از آثار این حکیم الهی عبارتند از:

۱. "شرح المشاعر"

آن را در سال ۱۲۵۱ق به درخواست حاج میرزا آقاسی نگاشته است. (۲)

این کتاب با تصحیح علامه سید جلال الدین آشتیانی چاپ شده است.

۲. "مفتاح الخزان"

در تفسیر آیاتی از قرآن کریم که در آغاز صفحات قرآن آمده، جهت استخاره و تفأل، به روش عرفانی و تأویلی، که به درخواست محمد شاه قاجار، در سال های ۱۲۶۱ و ۱۲۶۳ق، در دو جلد نگاشته شده و چندین نسخه خطی از آن موجود است.

۳. حاشیه بر الهیات شرح تجرید قوشچی.

۴. شرح ابیات محمود دهمدار

فرزندش: حاج میرزا محمد کاظم داماد آقا محمد مهدی کلباسی بوده و طریق فقاقت می پیموده است. (۳)

فرزندش: حاج میرزا عبدالرزاق رشتی از شاگردان آیات عظام: سید محمد شهشهبانی و سید اسدالله شفتی، و داماد حاج سید جعفر شفتی بوده و در سال ۱۳۱۹ق

ص: ۲۸۶

۱- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۲۶۹.

۲- الذریعه ج ۱۴ ص ۶۵.

۳- جغرافیای تاریخی اصفهان ص ۶۸.

در مسافرت به عتبات عالیات وفات کرده و در وادی السلام مدفون گشته است. (۱)

فرزندان میرزا عبدالرزاق عبارت اند از:

۱. حاج آقا مرتضی رشتی

وی عالمی خلیق و زاهد و عابد و متقی و نزد عموم طبقات از علما و مؤمنین مورد احترام و محفل او مجمع فضلا و دانشمندان بود.

او داماد آیه الله حاج آقا جمال الدین نجفی بود و پس از وفات در داخل بقعه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون شد و سپس به نجف اشرف منتقل گردید. (۲)

۲. حاج میرزا قوام الدین رشتی

عالم زاهد متقی، در سال ۱۳۱۵ق متولد شد.

در اصفهان مقدمات علوم را آموخت و از بدو تأسیس حوزه علمیه قم بدان شهر مهاجرت نموده و در نزد علمای آن جا از جمله آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری تحصیل نمود.

وی داماد آقا سید محمد عماد الاسلام شفتی بود و در ۷ صفر ۱۳۶۵ق در تهران وفات کرده

و در شهر مقدس قم مدفون شد. (۳)

فرزندانش عبارت اند از:

۱. میرزا محمد مهدی رشتی

ص: ۲۸۷

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۷۶.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۲۶۹.

۳- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۱ ص ۵۵۷.

اوصاف

مرحوم میرزا محمد مهدی رشتی در ۱۵ شعبان ۱۳۳۳ق در اصفهان متولد شد.

تحصیلات قدیم و جدید را در این شهر انجام داد.

وی دارای قدرت حافظه و حدت ذهن و مردی حاضر جواب و دقیق بود. در سومین انجمن ادبی مرحوم میرزا عباس خان شیدا شرکت می کرد و سر دفتر اسناد رسمی بود. (۲)

مرحوم میرزا محمد مهدی رشتی داماد آیه الله میرزا احمد مدرّس خراسانی و از

ص: ۲۸۸

۱- عالم فاضل، از شاگردان حضرات آیات: شیخ هبهالله هرنندی، شیخ محمد حسن عالم، سید عباس صفی، سید محمد باقر ابطحی سدهی، سید علی اصغر برزانی، شیخ محمود مفید و سید ابوالحسن شمس آبادی و آیه الله العظمی میر سید علی بهبهانی. وی عالمی متواضع، خوش خلق، با گذشت، متدین و مورد احترام مردم بود. پس از وفات پدرش دفتر خانه اسناد رسمی او را در دست گرفت و در سال ۱۳۴۶ش با تأکید آیه الله شمس آبادی مسئولیت دادگاه شرع را از طرف دادگستری قبول نمود. وی تولیت مدرسه علمیه درب کوشک را به عهده داشت و از متولیان حسینی اصفهانی ها در مشهد مقدس بود و در روز شنبه سوم ربیع الاول ۱۴۱۴ق (مرداد ۱۳۷۲ش) وفات یافت و در مسجد سید مدفون شد.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۲۱۳.



وی گاهی اشعاری می سروده و مرحوم مهدوی در تذکره شعرا و آثار مخطوط خود چندین نمونه از اشعار او را نقل کرده است.

در "تذکره شعرای معاصر اصفهان" اشعار زیر را از او نقل کرده است: (۲)

ای عکس من ای چو من پریشان و نزار

ای همچو من دلشده آشفته و زار

ای سر به گریبان غم از جور سپهر

ای دست به زیر سر ز کید مه و مهر

ای عاشق بیقرار دلخون پریش

ای نقد حیات داده مفت از کف خویش

ص: ۲۸۹

۱- بیان المفاخر ج ۲ ص ۱۹۵.

۲- تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۲۱۳.

من برده ام از خطوط پیشانی تو
پی بر غم و رنج و درد پنهانی تو
یک لحظه ز قید محنت آزاد نشین
ای عکس به عکس من دمی شاد نشین
من می روم و تو در جهان باش ای عکس
درد هر چو خضر جاودان باش ای عکس
تا چونکه ز من کسی بپرسد احوال
وقتی که ز مرگ من گذشته صد سال
آن وقت که من به زیر صد من خاکم
دل خاک و جگر خاک و سر و تن خاکم
گو، عاشق زار مستمندی بوده است
بر آتش عشق چون سپندی بوده است
خون خوردن دل همیشه کارش بوده است
نا کامی و اندوه شعارش بوده است
یک دم نه بیدید در جهان روی مراد
نی یک نفس از زمانه بودی دلشاد
آخر غم و اندوه وی افزون گردید
از جور سپهر زار و دلخون گردید
القصه ز فرط رنج و غم با دل چاک
با حسرت و اندوه سفر کرد به خاک

مرحوم رشتی در روز یکشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۷۸ق وفات کرد و در این تکیه مدفون شد.

سید جعفر بن سید اسماعیل موسوی، شاعر هزل سرای محبوب و محجوب.

اوصاف

مرحوم منوچهر قدسی نحوه آشنایی خود با خاکشیر و خصوصیات او را چنین ذکر کرده:

یکی از محافل ادبی آن زمان اصفهان که بسیار دلپذیر و دل انگیز و جالب و جاذب بود، دکان خیاطی آقای جعفر نوابخش "نوی اصفهانی" بود.

"نوا" در آن دکان کمتر به کار خیاطی می پرداخت و بیشتر اوقات او به صحبت با اهل دل و دوستان فاضل می گذشت...

"نوا" به پشت میز خیاطی ایستاده قرار می گرفت و مهمانانش بر روی دو نیمکت که در مقابل میز قرار داشت می نشستند.

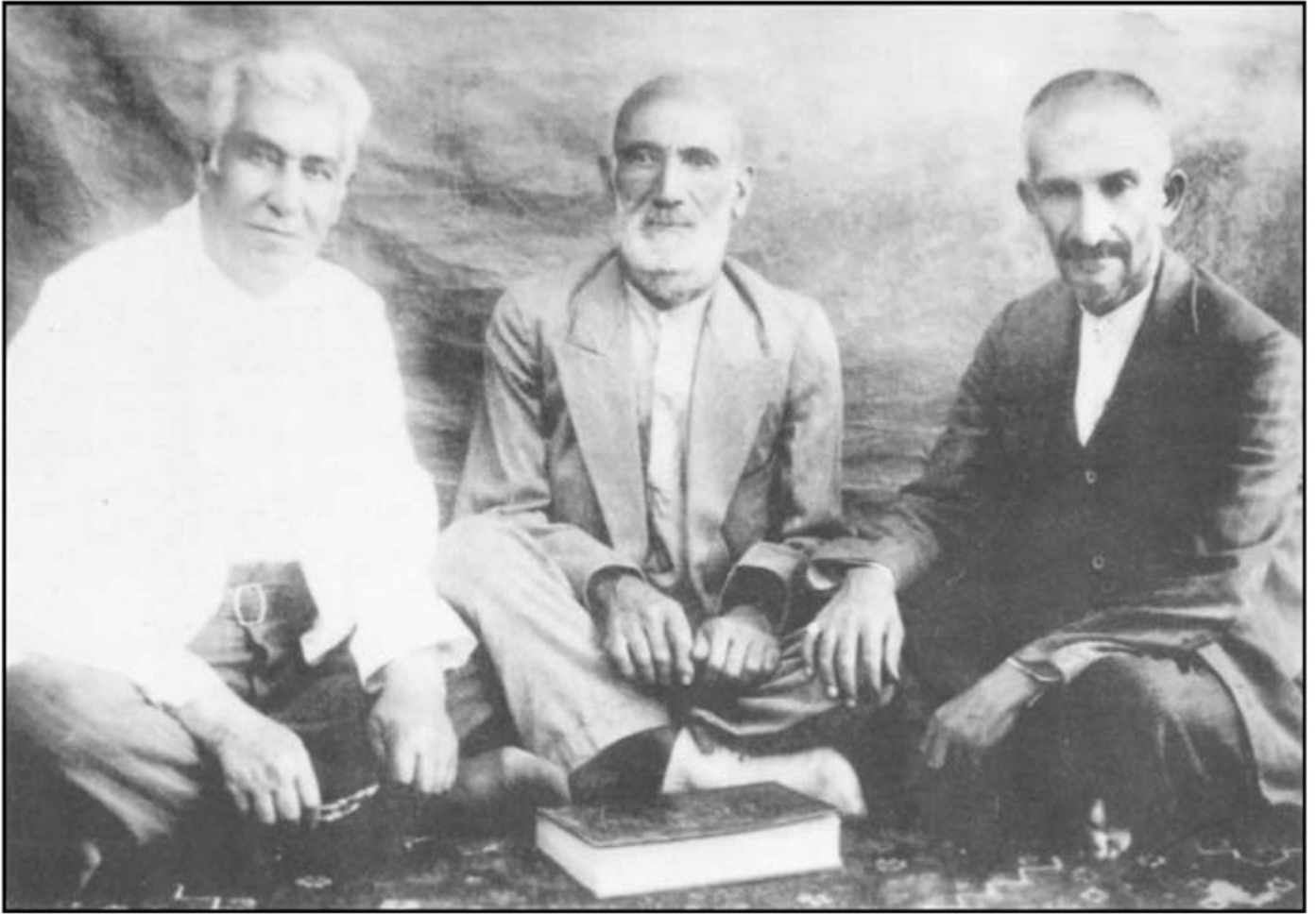
"خاکشیر" همیشه کلاه پوستی بر سر داشت و تا نزدیک ابروهایش تا جایی که ممکن بود آن را پایین می کشید. من هیچ گاه او را بی کلاه ندیدم.

علت، مبتلا شدن به کچلی در سنین کودکی بود که به لحاظ عدم مراقبت و بهداشت، از کودکی باز آثار آن همچنان ادامه یافت و هیچ گاه رنگ بهبود ندید.

چهره سید سبز تند یا بهتر بگویم قهوه ای رنگ بود... اندام بسیار لاغر او را پالتو و

شلواری از جنس دستباف اصفهان که رنگ خاکستری داشت می پوشاند.

سید در جمع شعرا و حضار بسیار مورد احترام بود، مثلا مرحوم "فصیح" او را "آقا" آقای مطلق خطاب می کرد.



خاکشیر صورت و ظاهری نازیبا و نادلپسند، امّا باطنی بس زیبا و سپید، به سپیدی برف های بهمنی داشت و همین زشتی ظاهر، از دوران کودکی باعث آمده بود که دست مهر و نگاه محبتی او را نتواند...

این تحقیرها عقده های تلنبار شده ای گردید در نهانخانه وجود او، و دیری نگذشت که به شکل آتشفشانی تند، در غالب اشعار آنچنانی از وی زبانه کشید و فی الجمله همه قوانین و مقررات را به باد تمسخر گرفت.

او هیچ گاه علقه پیوند زن و فرزند و زندگی خانوادگی را احساس نکرد که عیال

و اولادی نداشت. فکر می‌کنم حتی جرأت و جسارت این که سراغ دختری بروم در روح او کشته شده بود.

سید، ضمیری صاف و مانند آینه پاک داشت باطن او آینه ای بی غبار بود.

در مناعت طبع و بلند نظری و زیر بار کسان نرفتن آیتی و حکایتی بود.

دوستی می‌گفت: او سال‌ها سیل (پیپ ارانی) می‌کشید. روزی که در خیابان همراهش بودم متوجه شدم که دو سه بار متوجه سطح خیابان شد و ته سیگارها را که دم دستش آمد برداشت، توتون‌های آن را در سیل ریخت و کشید.

با نوعی تعرض به وی گفتم: آقا! اجازه می‌فرمودید مخلصان بسته ای توتون از هر نوع که دلتان می‌خواست خریده به حضور می‌آورد.

ناگهان در حالت طمأنینه ای که نظیرش را ندیده بودم این جمله به پاسخم گفتم: این، منت ندارد، اما لطف شما نمی‌تواند بی منتی باشد. (۱)

آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا" گوید: مرحوم خاکشیر با درآمد دسترنج کلاهدوزی و بعداً با دستمزد شانه زنی عبا و کیش بافی گذران می‌کرد و در محله شهیش (شیش) زندگی مجرد و بسیار ساده ای داشت.

وی اشعار زیادی غیر هزل داشت ولی پس از فوتش یکی از اقوام و ورّاث او، سروده هایش را به یک کتابفروش بهائی فروخت و او نیز بدون هیچ شرح و مقدمه ای درباره آثار و حالات سراینده، غیر هذلیات را جدا ساخت و به طور مخفیانه و قاچاق به طبع و نشر هذلیات پرداخت و سید "خاکشیر"، محروم در حیات و مظلوم

ص: ۲۹۳

در ممات واقع گردید.

آشنایان او معتقد بودند که سید اصلا عنین بوده و در حال نزع، برای طیب معالج خود سوگند خورده بود که هرچه گفته لفظی بوده و وی هیچ گونه کامرانی حلال یا حرام در زندگانی خود

نداشته است.

وی به ندرت در جلسات انجمن ادبی شرکت می کرد و سکوت می نمود و حتی با اصرار و ابرام زیاد نیز حاضر به قرائت اشعار هزل خود نمی شد.

شبی در انجمن کمال نوبت به او رسید.

از خواندن اثری امتناع ورزید، ولی به جهت این که از گوشه و کنار صحبت هایی شنید دال بر این که وی در غیر هزل فاقد استعداد است، با این که آشنایان او می دانستند که آثار غیر هزل او زیاد است، بداهه بیستی گفت که از نظر زیبایی و بلاغت بر بسیاری از سروده های عریض و طویل رجحان دارد:

مگذار دست زلفت به رخت دراز باشد

بگذار روز و شب را ز هم امتیاز باشد

نمونه اشعار غیر هزل

در زلف تو بویی است که در مشکِ خطا

گر ناز کند زلف تو بر مشک، خطا نیست

آمد دلم اندر سر زلف تو کند جای

از کثرت دل یک سر مو دید که جا نیست

ص: ۲۹۴

اگر تو حکم کنی جان به مقدمت ریزند

هزار عاشق از جان گذشته برخیزند

جناب آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا" نیز اشعار زیر را به نقل از مرحوم خاکشیر برای نگارنده نقل فرمودند:

هرجا عوض نوش بود نیش امروز

پامال شود فقیر درویش امروز

آرامی و صافی و درستی، هر سه

حق است ولی حق نرود پیش امروز

* * *

گاهی ز برای این و آن مسأله گو

گاهی سخن از صنایع و مشغله گو

خواهی که دو روزه عمرت آسان گذرد

هم باش چو خاکشیر و هم بل بله گو

* * *

گویند چرا شعر تو شیرین نبود

نزد شعرا قابل تحسین نبود

مرغی که خوراک آن هلندر باشد

آوازه آن خوب تر از این نبود

* * *

یگ چند از این خلق جدا خواهم بود

بی گفت و شنید و بی صدا خواهم بود

ص: ۲۹۵

بگذشت تمام عمر با خلق خدا

این آخر عمر با خدا خواهم بود

یارب! من اگر گناه کردم تو ببخش

گر نامه خود سیاه کردم تو ببخش

گفتند به من که از ره راست برو

کج رفتم و اشتباه کردم تو ببخش

وفات

اشاره

خاکشیر در ۲۶ ذی القعدة سال ۱۳۷۵ق (۱۴ تیر ۱۳۳۵ش) وفات یافت و در قسمت غربی تکیه گلزار مدفون شد.

گفتم به "خاکشیر" گذاری چه یادگار؟

گفت: این مزخرفات بود یادگار من [\(۱\)](#)

شعراى اصفهان ماده تاریخ هایى در وفات او سرودند از جمله:

مرحوم عبدالکریم "بصیر" این ماده تاریخ را:

"خاکشیر ادیب بی آزار"

و آقای سید رضا بهشتی "دریا" گفته بود:

"بدردها بود دوا خاکشیر"

ص: ۲۹۶

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا"

دست صیاد اجل افکند تیری در کمان
شد نشان تیر آن صیاد، مرغی نغمه خوان
شاعری عالی نسب از دودمان مصطفی
شاعری پاکیزه خو از مردمان اصفهان
شاعری افتاده لیک از دانش و همت بلند
شاعری رنجور اما در فن خود قهرمان
شاعری وارسته و آرام اما نکته سنج
شاعری محجوب لیکن نکته بین و نکته دان
شاعری روشن ضمیر و شاعری نازک خیال
شاعری اهل کمال و با وقار و مهربان
شاعری رفتار او از روی احکام خدا
لیک گفتارش پسند و لایق اهل زمان
در حجاب منزل افکند او عروس طبع را
تا نیفتد دست دامادی مدح این و آن
نام او جعفر، لقب سید، تخلص "خاکشیر"
روبه چرخش فکند از پای چون شیر زیان
رفت زین دار فنا و نام او جاوید ماند
مرد او اما نمیرد تا ابد از او نشان
پرسشی کردم ز سال فوت آن روشن ضمیر
گفت "برنا": "سید خاکشیر بجانان داد جان"

دو چشمی چو دو اختر تابناک

دو چشمی ز آرایش دهر، پاک

دو چشمی پر از مهر و لطف و صفا

نمودار آزر و شرم و حیا

دو چشمی پر از نور عشق و امید

دو چشمی که هرگز بد کس ندید

دو چشمی تهی از هوی و هوس

خریدار زیبایی خلق و بس

دو چشمی که پیوسته با هر نگاه

به دل های آگاه می جست راه

دو چشمی که می دید با یک نظر

در اعماق اندیشه ها خیر و شر

دو بیننده آفریننده بین

دو شمع فروزنده راه دین

دو جوینده، اما نه جویای ریب

دو بیننده، اما نه بینای عیب

دو چشمی که در طی هشتاد سال

ندید از جهان غیر رنج و ملال

ز دیدار این صحنه ها خسته شد

برای همیشه فر و بسته شد

دو چشم جهان بین، پر از خاک شد
دو گوهر، هم آغوش خاشاک شد
دریغا که گوینده بی نظیر
سخن پرور بذله گو "خاکشیر"
فرو بست لب ناگه از گفتگو
در اعماق خاک سیه شد فرو
به تاریخ شمسی "نوا" خوش سرود
سر جمع از جمع بیرون نمود
به نظم آمد این مصرع دلپذیر:
"بسازد بطبع همه خاکشیر"

(۱۳۳۵)

مرثیه سید علی بدیع زادگان "هور"

ای که آبی بر سر آرامگاه خاکشیر
هدیه کن حمدی برای زاد راه خاکشیر
سیدی والاتبار و اوستادی باهنر
بود یک شهری براین شهرت، گواه خاکشیر
نام جعفر، جعفری مذهب، به جعفر منتسب
روز محشر باد جعفر هم پناه خاکشیر
بود بحر برّ و ابر رحمت و کوه وقار
با همه طبعی ملایم چون گیاه خاکشیر
نیروی سرپنجه با هشتاد و پنجم سال عمر
با مناعت کرد تأمین رفاه خاکشیر

چون مسیحا فارغ البال از جهان بود و نداشت

از علائق یک سر سوزن کلاه خاکشیر

گر که اغلب شعر او هزل و مزاح و طبیت است

هزل در کیش سخن نبود گناه خاکشیر

در مقام جد، صُراحی بود و در هنگام هزل

می درخشید از سپهر شعر، ماه خاکشیر

باری امید آن که در عقبی حیا و عفتش

بیش تر از هرچه گردد عذر خواه خاکشیر

چون ندید از دهر، کامی "هور" تاریخش

"حجله گاه عدن بادا جایگاه خاکشیر"

(۱۳۷۵)

مرثیه احمد طلائی

به بوستان زندگی، چو گل فسرد خاکشیر

چو غنچه غیر خون دل، دگر نخورد خاکشیر

فغان که هیچ حاصلی، ز کشتزار آرزو

به غیر محنت و محن، دگر نبرد خاکشیر

ز شاعران بذله گو، نبود کس حریف او

ولی به نرد زندگی، نداشت برد خاکشیر

میان شاعران چو او، نداشت کس چنین هنر

به شعر و شاعری رهی، دگر سپرد خاکشیر

نگفت چون که مدح کس، نکرد چون که ذم کس

زهزلیات خویشتن نگشت خرد خاکشیر

ز شعر آبدار خود، ز لطف طبع بذله گو

ز چهر جان غبارغم، همی سترد خاکشیر

"طلائی" شکسته دل، چو جان سپرد خاکشیر

برای سال فوت او، نوشت: "مرد خاکشیر"

اسامی برخی دیگر از مدفونین در تکیه گلزار عبارتند از:

۱. شیخ محمد جواد شریعتی جاوانی، م: شب جمعه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۷۴ ق.

۲. شیخ مهدی شریعتی فرزند شیخ محمد جواد، م: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۲ ق (۲۴

دی ۱۳۶۰ ش)

۳. عباس خان مدّاح آل عصمت معروف به خزدوز، م: ۷ رمضان ۱۳۸۲ ق.

۴. عالم جلیل سید شمس الدین نوریخس، م: ۲۳ صفر ۱۳۷۲ ق.

۵. میرزا عبدالرحیم مؤتمن الملک، م: ۱۳۶۷ ق.

ص: ۳۰۱

اشاره

عالم عامل و فقیه کامل.

تولد و خاندان

اشاره

وی در حدود سال ۱۳۰۴ق در اصفهان متولد شد. (۱)

پدرش: آقا سید عبدالحسین بن سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی از ائمه جماعت محله بیدآبادی بود که در حدود سال ۱۳۵۰ق وفات یافت و در مقبره سرقبر آقا مدفون شد و سپس به عتبات نقل گردید.

جدّ اعلايش: حاج سید ابراهیم در سبزواری به دنیا آمد و پس از مدتی سکونت در شهر ساوه، به اصفهان مهاجرت نمود.

وی در اصفهان نزد سید محمدباقر شفتی حجه الاسلام مورد وثوق و احترام بود و سید مرحوم جهت او جنب منزل خود خانه ای تهیه نمود.

سید ابراهیم عمر خود را به زهد و عبادت سپری نمود و پس از وفات در قبرستان قبله دعای اصفهان مدفون شد.

قبرش تا سال ها مورد توجه و محل زیارت مردم محل بود.

وی خواهر مجتهد شهیر آقا سید محمد بن عبدالصمد شهنشاهی را به همسری گرفته و از او صاحب دو فرزند به نام های سید علی و سید حسن گشت.

ص: ۳۰۲

عالم کامل، از شاگردان آیات عظام: سید محمد باقر شفتی، آخوند ملا حسینعلی تویسرکانی، علامه سید حسن مدرّس و حاج سید اسدالله شفتی. (۱)

وی کتاب "نجاه العباد" صاحب جواهر را در زمان حیات او خلاصه کرده است. (۲)

آقا سید علی داماد فقیه بزرگ ملا محمد صالح جوئیاریه ای اصفهانی (۳) (از احفاد ملا محمد بن عبدالفتاح تنکابنی فاضل سراب) و دخترش مادر آیه الله سید محمد مقدس بوده است.

تقریظ سید علی مقدس بر کتاب "منورالعیون"

وی در مسجد محله لرها اقامه جماعت می نموده و در حدود سال ۱۳۰۰ ق وفات کرده و جنب پدر خود مدفون شد. (۴)

علی بن ابراهیم حسینی در ربیع الاول ۱۲۹۱ ق تقریظی بر کتاب "منور العیون" آیه الله میرزا عبدالجواد کلباسی در شرح "عیون الوصول" آقا محمد مهدی کلباسی

ص: ۳۰۳

۱- مزارات اصفهان ص ۳۲۷.

۲- فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی ج ۱۴ ص ۲۱۲، فهرست نسخه های خطی دانشگاه اصفهان ج ۱ ص ۱۹۹.

۳- جهت شرح حال وی به کتاب "گلشن اهل سلوک" نوشته این حقیر رجوع شود.

۴- فرزند سید علی به نام سید ابراهیم نیز مردی زاهد و عابد بوده و بعد از پدر به جای او در مسجد لرها اقامه جماعت می نموده است. مزارات اصفهان ص ۳۲۷. فرزندانش: عالم زاهد ادیب سید احمد مقدس، سید نورالدین مقدس و میر سید علی مقدس از علما و ائمه جماعت. میر سید علی در ذیحجه سال ۱۳۶۱ ق وفات کرده و در تکیه بروجردی مدفون است. خامه "آزاد" زد سال وفاتش رقم: "مقدس آرامگه جست بر قدسیان"

نگاشته که نسخه آن در کتابخانه مدرسه صدر اصفهان نگهداری می شود. (۱)

سید حسن مقدس

وی نیز از علمای زمان و از شاگردان آیات عظام: سید محمد باقر شفتی، سید محمد شهشهبانی و سید اسدالله شفتی بوده و پس از سال ۱۲۹۵ ق وفات کرده و جنب پدر مدفون گردیده است. (۲)

از آثار او: "تحقیق فی زیاره العاشوراء" است که در ۸ جمادی الاولی سال ۱۲۸۶ ق در ۴ مطلب و یک خاتمه نگاشته شده و نسخه خطی آن در ۶۶ برگ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است. (۳)

اساتید

آیه الله سید محمد مقدس در اصفهان و نجف اشرف تحصیل نمود و به مقامات بلند علمی نایل گردیده و از اساتید خود مجاز گردید.

نام برخی از اساتید ایشان چنین است: (۴)

۱. میرزا محمد حسن مجتهد نظنزی

۲. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (۵)

ص: ۳۰۴

۱- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر ج ۱ ص ۱۴۶.

۲- مزارات اصفهان ص ۳۲۷.

۳- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم ج ۱ ص ۸۹.

۴- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۹۱۰.

۵- نام این استاد در کتاب بوستان فضیلت ص ۷۰ ذکر شده است.

۳. جهانگیر خان قشقائی

۴. آخوند ملا محمد کاشانی

۵. آخوند ملا عبدالکریم گزی

۶. علامه شیخ محمد رضا نجفی (۱)

۷. آقا ضیاء الدین عراقی

۸. شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی)

۹. آقا سید ابوالحسن اصفهانی

۱۰. میرزا محمد حسین نائینی

اجازات

۱. اجازة آية الله العظمى حاج آقا ضياء الدين عراقى

بسمه تعالى شأنه

جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام وافتخار الفضلاء الفخام، فخر المحققين وزبده الأذكياء والمدققين، بحر الفضائل ومركز الدلائل، مصباح الدجى وعلم الهدى، محور رحى التحقيق ونقطه دائره التدقيق، السيد السند والركن المعتمد، حامى شريعته سيد المرسلين وحامل أحكام الدين المبين، ركن الإسلام والمسلمين، سمى جده خاتم النبيين - صلى الله عليه وآله أجمعين - المولى القمقام وقزه عين الأعلام، الجليل

ص: ۳۰۵

۱- نام این استاد در کتاب تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۲ ص ۳۳۴ ذکر شده است.



قد هاجر عن وطنه الشريف وسكن جوار مولى الموالى برهه من الزمان، وحضر لدى الأعلام والأعيان وكَدَّ جَدًّا الى أن بلغ مراحلَه وفاق أقرانه
فحصاً.

فصار بحمده ومَنِّه من المجتهدين العظام والفقهاء الكرام. فليحمد الله على هذه النعمة ويتعرف قدر هذه العطية. ووصيه أن لا ينساني من الدعاء
في مظانَّ استجابته.

حَزْر في ٢٩ شوال سنة ١٣٦٥ من الأحقر ضياء الدين العراقي".

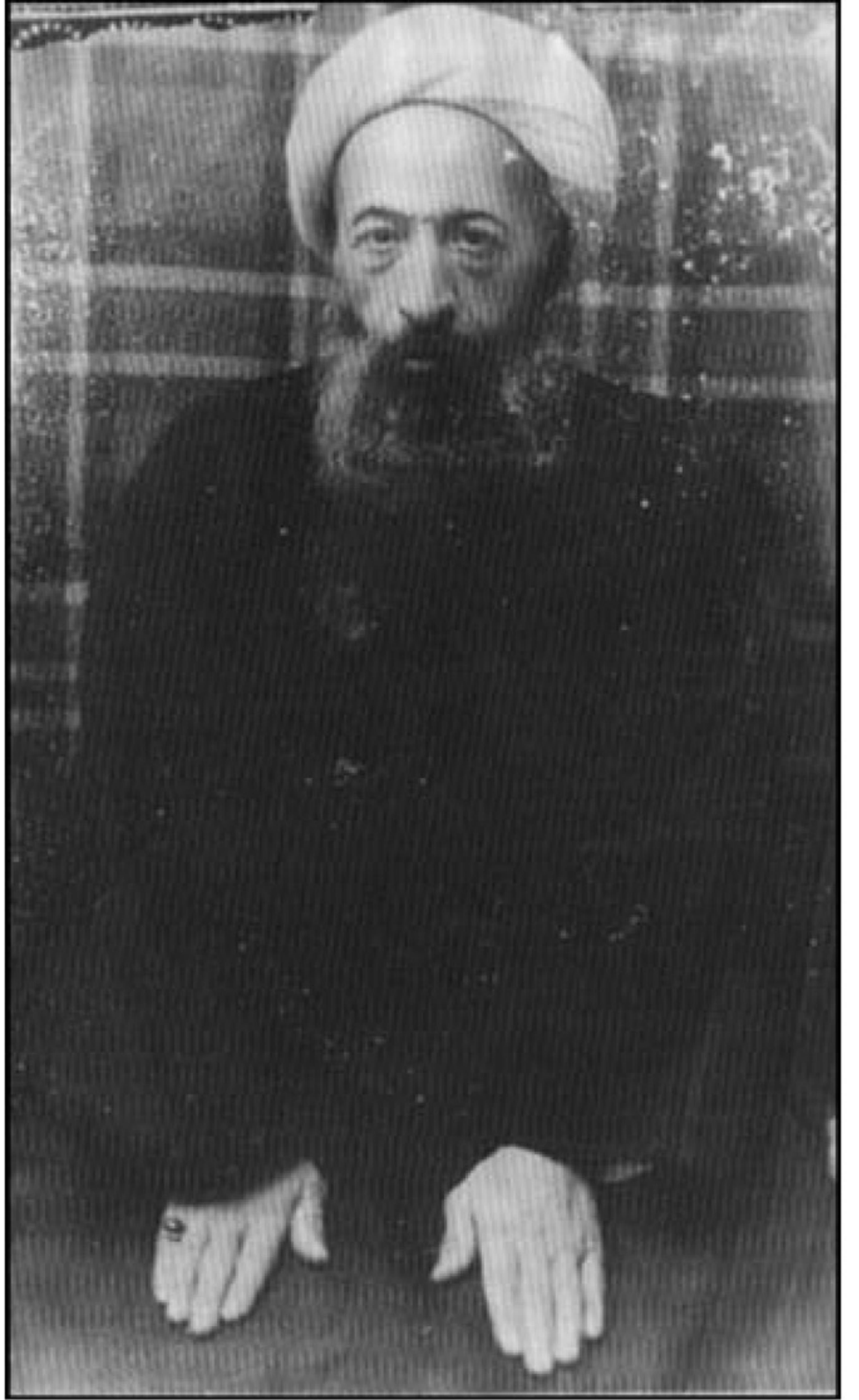
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي رفع أقدار العلماء وجعلهم ورثة الانبياء وفضل مدادهم على دماء الشهداء، والصلاه والسلام على سيد الرسل وخاتم الانبياء وعلى آله الاثمه الامناء واللعنه الدائمه على أعدائهم الى يوم اللقاء.

وبعد، فإنَّ سيّد العلماء الأعلام وسند الفقهاء العظام وملاذ الأنام وثقه الإسلام، السيد السند والمولى المعتمد، الورع التقى والصفى النقى، جناب الحاج سيّد محمد المقدّس الاصفهاني - لازال مؤيداً بالتأييد الربّاني ومسدّداً بالتسدّد السبحاني - ممّن أتعب نفسه الزكيه في تحصيل القوه القدسيه، وقد حضر على مده مديده، مباحث عديده، من المسائل الاصوليه والفقهيّه، مراعيّاً للأداب الدينيه ومتخلّقاً بالإخلاق الالهيه، إلى أن فاز

ص: ۳۰۷

۱- شيخ محمد حسين بن محمد حسن نجفي اصفهاني معروف به كمپاني، از فحول و متبحرين علمای اماميه، و در هريك از فقه و اصول و حديث و تفسير و كلام و حكمت و تاريخ و اخلاق و عرفان و ديگر علوم عقليه و نقليه، بحري مّواج وبی پایان بود. در فنون شعر هم قريحه و قّاد و طبعی نقّاد داشت. به هر دو زبان عربي و فارسي اشعار طريفه مشتمله بر معاني لطيفه، در كمال سلاست می سرود. اشعارش مشحون از لآلی فلسفه و عرفان و حكمت و لطائف معاني بوده و مصداق "انّ من الشعر لحكمه" می باشد. وی فنون فلسفه را از حاج ميرزا محمد باقر اصطهباناتی اخذ کرده و مراتب فقه و اصول را از سيّد محمد فشاركي و آخوند ملا محمد كاظم خراساني و حاج آقا رضا همداني و ديگر اكابر وقت تكميل نموده و مرجع تقليد جمعی وافر از شيعه شد. علاوه بر مراتب عالی علمي، دارای ملكات فاضله و اخلاق كماليه بود و علاوه بر مجالس معمولی درسی، در ديگر مجالس و محاورات عرفيه اش نیز مرجع استفاده افاضل بوده و در تمامی اوقات خوشه چين خرمن كمالات وی بوده اند. "هو البحر من ای النواحي اتيته". وی در ۵ ذی الحجه ۱۳۶۱ق در نجف اشرف وفات یافت. ريحانه الادب ج ۵ ص ۹۱.



فله، دامت إفاضاته، التصدي لاستنباط الأحكام الشرعية عن مداركها، فإنه الخبير بمسالكها.

كما أنه له التصدي لمناصب الفقيه، فإنه لذلك وجيه.

وعليه - دامت تأييداته - مراقبة الاحتياط، فإنه طريق النجاه وسبيل الإصابه. وأسأله أن لا ينساني من الدعاء في مظان الاجابه، وأرجو من الله تعالى شأنه أن يؤيد به الشرع الشريف وأن يشيد به قواعد الدين الحنيف.

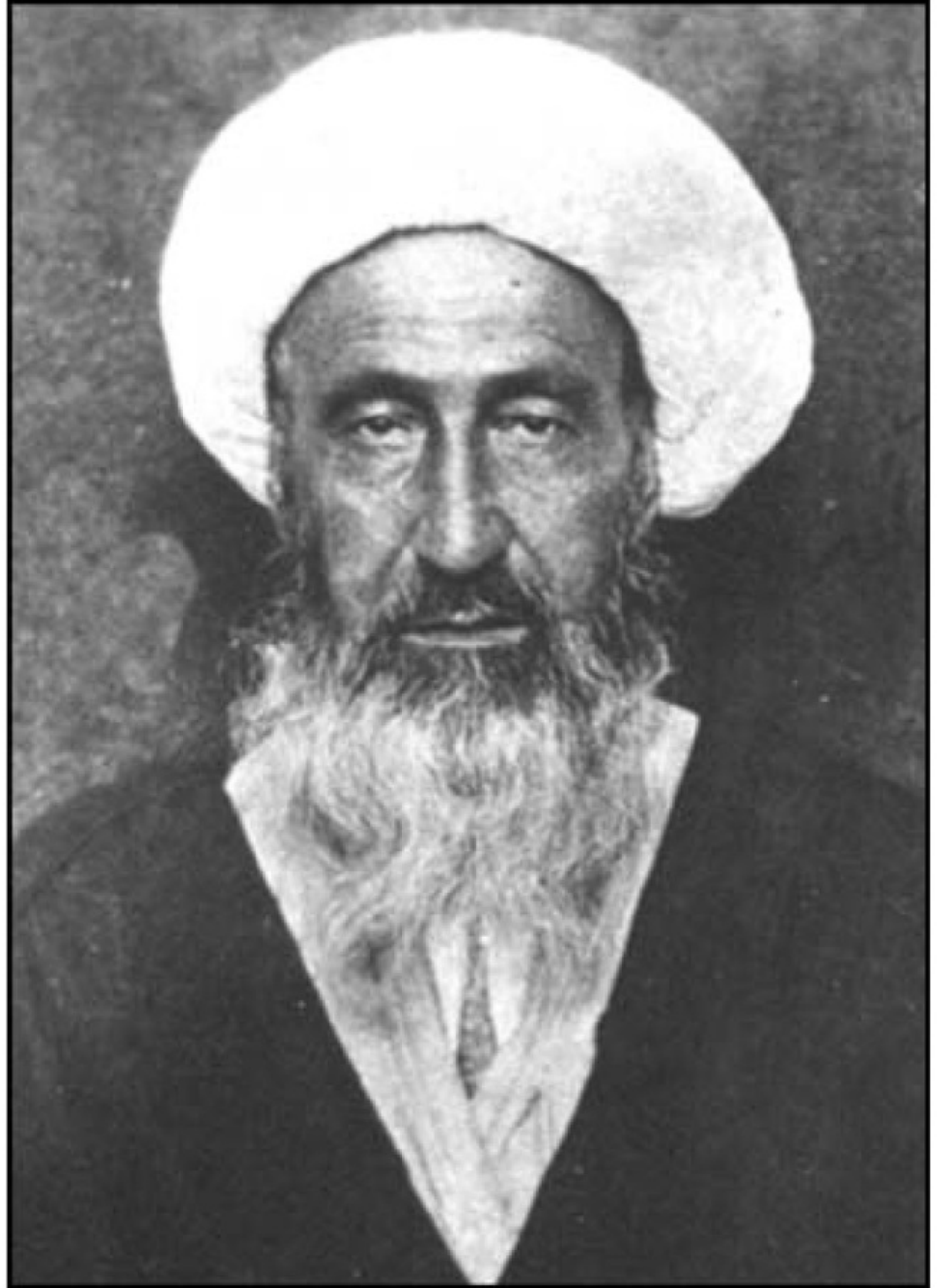
نَمَّقَه بِيَدِهِ الْجَانِيَةِ الدَّائِرَةُ الْمُفْتَقِرَةُ إِلَى عَفْوِ رَبِّهِ فِي الْآخِرَةِ، الْجَانِيُ مُحَمَّدُ حُسَيْنِ الْأَصْفَهَانِيِّ، عَفِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فِي ١٢ شَهْرٍ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ سَنَةِ
١٣٤٥هـ."

ص: ٣٠٨

٣. اجازة آية الله العظمى ميرزا محمد حسين نائيني

"... وبعد، فإن شرف العلم لا يخفى وفضله لا تحصى، قد ورثه أهله عن الانبياء ونالوا به النيابة لخاتم الانبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ مَا دَامَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

وممن تصدى للطلب والعمل به هو جناب العالم العامل والحبر المهذب الكامل، ذو القريحة القويمه والسليقة المستقيمة، عماد العلماء وصفوه الاتقياء الاذكياء، الصفيّ التقىّ الزكيّ، جناب الآغا السيد محمد المقدّس الاصبهانيّ، أدام الله تعالى إفضاله وكثّر في العلماء العاملين أمثاله.



فلقد بذل في هذا السبيل برهه من عمره، واشتغل به شطراً من دهره، معتكفاً بجوار أمير المؤمنين - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطاهرين - ومستمداً من الجهابذه الأساطين، حتّى نال الدرجات العلى وفاز بالقدح المعلىّ.

ولقد حضر عليّ أبحاثي الفقيهيه والاصوليه مدّه مدیده، حضور تفهّم وتعمّق وتدقيق، قد أدى من الاستفادة حقّه، ووعى ما استفاد، وأراني جملة ممّا كتبه، فأحسن وأجاد. ولقد أجزت له أن يعمل بما يستنبطه من الأحكام على النهج الذي يسلكه الأعلام، وأن يتصدّى ما لا يجوز في عصر الغيبه لغير الفقيه إلا باذنه.

وأن يروى عنّي جميع ما صحّت لي روايته...

بحقّ اجازتي من العالمين العلمين... والحجتين الآيتين الازهدين، فقيهي عصرهما ووحيدى دهرهما: الحاج ميرزا حسين [بن] الميرزا خليل الطهراني النجفي،

والشيخ محمد طه نجف، بأسانيدهما الكثيره...

واوصيه بالتقوى والمراقبه والمحاسبه، وأن يجعل الموت نصب عينيه، فكان بما هو كائن من الدنيا عمّا قريب كأن لم يكن، وما هو كائن في الآخره عن قلبي كأن لم يزل، وكأن لم يكن لنا في الدنيا قرار ولا غير القبور ديار.

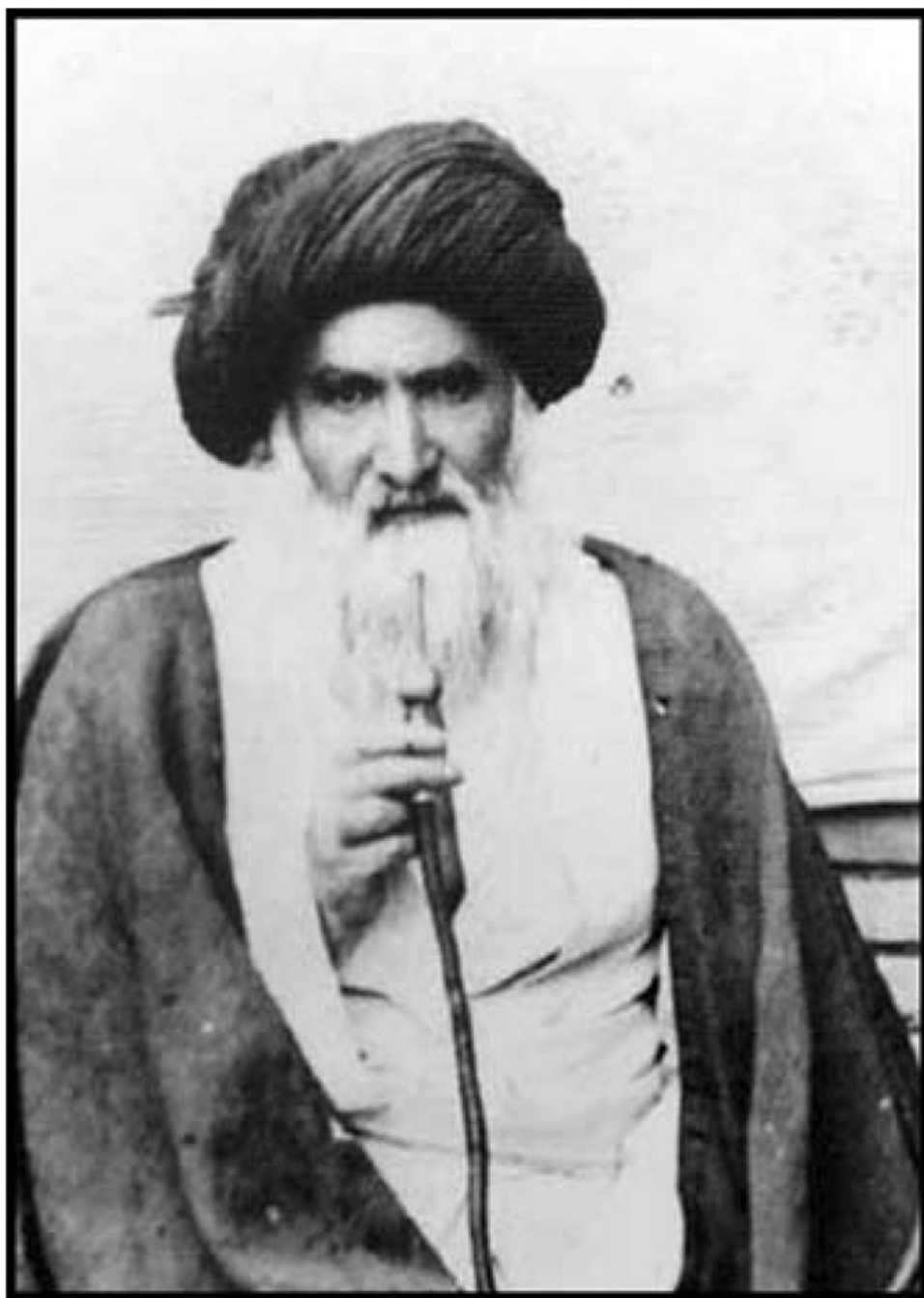
جعله الله تعالى ممّن يهدى إلى الله بعلمه وعمله...

محمد حسين الغروي النائيني ٢ ذى قعدة الحرام ١٣٢٥هـ."

٤. اجازة آيه الله العظمى سيّد ابوالحسن اصفهاني

"وبعد، فإنّ العالم العامل الفاضل الفاضل والمهذب الكامل، التقى النقى، المعتمد النحرير، المحقق المدقق، الحاج آقا محمد الشهير بالمقدس - أدام الله تأييده وتسديده - ممّن صرف عمره في تحصيل العلوم الشرعيه وتنقيح مبانيها النظرية وتعب وكّد وجدّ واجتهد، وحضر على جملة من الأعيان وثله من الأركان، وعلى الحقيير شرطراً صالحاً

من الزمان، وحقَّق ودَقَّق وأفاد واستفاد، إلى أن فاز المراد، وهو بلوغ مرتبه الاستنباط، وله العمل بما يستنبطه من الأحكام، على النهج المألوف بين الأعلام، وله التصدي للامور التي يرجع أو يستأذن من الحكام.



وأجزت له أن يروى عنِّي ما صحَّ لي روايته من كتب الأخبار... واوصيه أن يسلك سبيل الاحتياط، وأن لا ينساني من صالح الدعاء. حرَّر ذلك في ٢٦ شوال سنة ١٣٤٥.

بازگشت به اصفهان

آيه الله مقلِّدس پس از وصول به مقامات عاليه علم و اجتهاد به اصفهان مراجعت نموده و مورد نظر و وثوق عموم طبقات قرار گرفت و به اقامه جماعت در مسجد پدر و موعظه و تدريس پرداخت.

وی پس از وفات مرحوم حاج شیخ اسدالله فاضل،^(۱) به جای او در مدرسه میرزا مهدی امامت می نمود و به سعی و همت ایشان تعمیرات لازمه در این مدرسه انجام گردید.

آیه الله مقدس سالها در اصفهان مرجع شرعیات و نماینده تام الاختیار مراجع وقت بود و مردم را با مواعظ حسنه ارشاد و هدایت می فرمود.

وی از خواص آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی^(۲) و مورد نظر و وثوق آن

ص: ۳۱۲

۱- عالم فاضل زاهد شیخ اسدالله بیدآبادی معروف به حاج فاضل، از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی، آقا سید محمد باقر درجه ای و شیخ محمد تقی آقاجفی، از مخصوصین میرزا عبدالحسین نجفی و آخوند ملا محمد حسین فشارکی بود و در محضر آنان به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم می پرداخت. وی از دست پروردگان عارف ربانی شیخ محمد جواد بیدآبادی بود و در مدرسه میرزا مهدی در محله بیدآباد امامت می نمود. او در روز جمعه ۸ ذی قعدة ۱۳۶۰ق وفات کرد و در تکیه بروجردی مدفون شد.

۲- زعیم بزرگ شیعه آیه الله العظمی سید حسین بن علی بن احمد بن علی نقی بن جواد بن مرتضی (پدر علامه بحرالعلوم) طباطبائی بروجردی در سال ۱۲۹۲ق در بروجرد متولد شد. در سال ۱۳۱۰ به اصفهان رفت و از محضر علمای بزرگی همچون: میرزا ابوالمعالی کلباسی، میر محمد تقی مدرّس، سید محمد باقر درجه ای، میرزا عبدالحسین محلاتی، سید محمد تقی فقیه احمدآبادی، میر محمد صادق خاتون آبادی، سید مهدی درجه ای در منقول و آخوند ملا محمد کاشانی، جهانگیرخان قشقائی و ملا محمد مهدی قمشه ای در معقول بهره برد و در سن ۲۵ یا ۲۶ سالگی دارای قوه قدسیه اجتهاد گردید و به تدریس کتاب "قوانین الاصول" و غیره پرداخت. در سال ۱۳۱۸ق به نجف اشرف مهاجرت کرد و از شاگردان خاص آخوند خراسانی گردید و در همان اوان تعلیقاتی بر "کفایه الاصول" او مرقوم نمود. در سال ۱۳۲۸ به بروجرد بازگشت و به تدریس و ترویج و تألیف پرداخت و مرجع تقلید اهالی غرب و جنوب و برخی نواحی دیگر واقع گردید. سرانجام در ۱۴ محرم ۱۳۶۴ق به شهر مقدّس قم وارد شد و جهت اداره حوزه علمیه و دیگر امور مذهبی در آنجا توطّن اختیار نمود و از زمان فوت آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، زمامدار شیعیان جهان گردید و طلاب علوم را از چشمه فیاض دانش خود سیراب نمود.

مرحوم و وکیل تامّ الاختیار ایشان در اصفهان بود.

اجازات آیه الله العظمی بروجردی

"بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می رساند: مرجو آن که وجود محترم از سوانح و بلیات مصون و محفوظ بوده، لا یزال در ترویج شریعت مقدسه مؤید و موفق باشید.

نظر به این که آقای صدیقین(۱) مرحوم شده اند و کسی که بتواند وکالت کند در اخذ وجوه و رسانیدن به مصرف، جز جنابعالی و یک نفر دیگر در نظر نیست، چنانچه قبول بفرمایید مرقوم دارید تا نوشته وکالت صادر و فرستاده شود.

مستدعی است در مواقع توجه و دعاء حقیر را مشمول ادعیه خود فرمائید. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. تاریخ ۱۵ شهر ربیع الاول ۱۳۶۸."

"بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می رساند: مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج عالی بود واصل و موجب مسرت گردید. ورقه وکالت نامه به اسم شریف جنابعالی فرستادم.

امیدوار هستم در این موضوع سعی وافیه بفرمایید و خود را در این عمل یکی از خدام بزرگ اسلام و دیانت و حفظ حوزه های علمیه بدانید. وجوهی که جمع آوری می شود، مقداری که لازمه این مقام است در آنجا مصرف نمایند و به ارباب استحقاق

ص: ۳۱۳

۱- منظور عالم ربانی حاج ملا حسینعلی صدیقین است.

و توقع بدهید؛ لکن از ثلث تجاوز نکنید، و در هر ماه موجودی نزد خودتان را از دو ثلث دیگر به حقیر اطلاع دهید، تا مقداری که برای طلاب اصفهان لازم است حواله داده که مقسمین از جنابعالی اخذ نمایند؛ ولکن خود جنابعالی در تقسیم گمان می کنم صلاح نیست دخالت فرمایید. و چنانچه زیادتى داشته باشد به اینجا برسد برای شهریه طلاب قم و وجه نان نجف و کربلا و سامرا و سایر نوائبی که امروزه حقیر را احاطه نموده است.



و البته می دانید که انجام این وظیفه موقوف است بر این که با مردم معاشرت و مجالست بیشتری داشته باشید، و با انزواء انجام این مقصد ممکن نیست.

مستدعی است در مواقع توجه، حقیر را از دعاء فراموش نفرمائید. والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته. تاریخ ۸ ربیع الثانی ۱۳۶۸."

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعضی کے میرا نہ موجود ہے وجود محرم از سوا حق و تعالیٰ

و محفوظ بودہ لایزال در ترویج شریف ہے کہ نہ ہو تو حق با

بائے انہی صدیقان رحوم شدہ اند و کسی سے نہ اند و کا

راختہ و جوہ و سائیکہ بصریہ جزئیات لایزال و نفوذ در

چنانچہ قبول بفرمائید مرقوم و دریدہ نوشتہ و کالت

مستحق است در ذراع لوحہ و در حاکم حضرت از قبول ادعای

والسلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ ما بعد ۱۵ ربیع الاول ۱۳۱۱ھ



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 وَبَعْدُ فَخَيَّ نَسَاءً ذَكَرَ فِيهَا طَبَقَ حَمْدِ الْإِسْلَامِ أَهْرَاجِ أَحْمَدِ مَعْدَسٍ
 وَامْتِ بِمَكَاتِهِ لِرَجَائِزِ حَمْدِهِ وَكَالَتْ دَارُهُ دَرَاهِمَ السُّورِ كَيْهَ دَرِّ زَمَانِ غَيْبَتِ
 أَمَامِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ رَاجِعِ نَفَقَةِ عَصْرِ دَرِّ مَجْمَعِ وَقَتِ هَيْتِ دِينَزِ وَكَالَتْ دَارُهُ
 دَرِّ اخْتِزِ دُجُوبِهِ كَيْهَ نَظَرِ نَفَقَةِ رَادِ مِصْرَفِهَا نَهَادِ صِلَتِهَا تَقْوَى كَادِ احْتِطِ
 دُجُوبًا دَرِّ اسْتِحْبَابِ دِينَزِ وَكَيْلِنْدِ دَرِّ سَكْرَتَانِ كَرْدَنِ دُجُوبِهِ وَصِلَاغِ دَرِّ مَوَارِدِ
 اسْتِبْقَاءِ بَرَارِ رِفَائِيَّتِ دَهْنِدِه كَانِ دُجُوبِهِ سِلِّ شَخَاصِي كَيْهَ سِحْوِ اسْتِهْنَادِ دُجُوبِهِ
 بَحْمِيرِ رِسَا نَزْدِ دِلَّتِ رِسِي نَدَارِنْدِ بَحْرَانِ سِرَاحِه نَمَائِنْدِ دَفْعَانِ
 نَفْسِ حَمْدِهِ دِلَّتِ شَانِ دَرِ اِنْمَنْزَلِه دِلَّتِ حَمْدِهِ دَانْدِ حَرَامِ نَائِنْدِ دَرِ تَوْفِيقِ
 اِسْتِثْنَاءِ دَعَايِه سَلِيمِ دَارِ اِرْزَاوِنْدِ حَبْرِ جَلَالِه سَلْبِ تَهْنِئِه دَاوِصِيَه
 بِالْأَحْيَاتِ طَوَالِجِ عَنِ اسْتِهْبَاتِ دَانِ لَانِ لِي عِنْدَ التَّوَجُّهِ وَالِدَعَاءِ
 كَالْأَنْبَاءِ هَيْتِ هَيْتِ قَالِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَرَحْمَةُ رَبِّكَ
 بِرِيحِ اسْمِ تَوَرِيحِ هَيْتِ ۱۳۶۱ اللاحق فسرنا الطبا طبيا



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

وَرَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ
رَبِّمِ بَرِکَاتِ

Handwritten notes in the right margin, including a circular stamp and various lines of text.

الحمد لله رب العالمين والصلاه والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين.

وبعد، مخفی نماناد که جناب مستطاب حجه الاسلام آقای حاج آقا محمد مقدّس - دامت برکاته - از جانب حقیر وکالت دارند در انجام اموری که در زمان غیبت امام - علیه الصلاه والسلام - راجع به فقیه عصر و مرجع وقت است.

و نیز وکالت دارند در اخذ وجوهی که نظر فقیه را در مصرف آنها مدخلیت است، فتوی و احتیاطاً، وجوباً أو استحباباً. و نیز وکیل اند در دستگردانی کردن وجوه و اصلاح در موارد اشتباه، برای رفاهیت دهندگان وجوه.

پس اشخاصی که می خواهند وجوه مذکوره را به حقیر برسانند و دسترسی ندارند، به جناب ایشان مراجعه نمایند، و فعل ایشان را فعل حقیر، و دستشان را به منزله دست حقیر بدانند.

دوام تأیید و توفیق ایشان و عامّه مسلمین را از خداوند - جلّ جلاله - مسألت می نماید. و اوصیه بالاحتیاط والتجنّب عن الشبهات، وأن لا ینسانی عند التوجّه والدعاء، كما لا أنساه إن شاء الله تعالی.

والسلام علیه وعلى المؤمنین ورحمه الله وبرکاته تاریخ هشتم شهر ربیع الثانی ۱۳۶۸ الأحرر حسین الطباطبائی".

اوصاف و خدمات

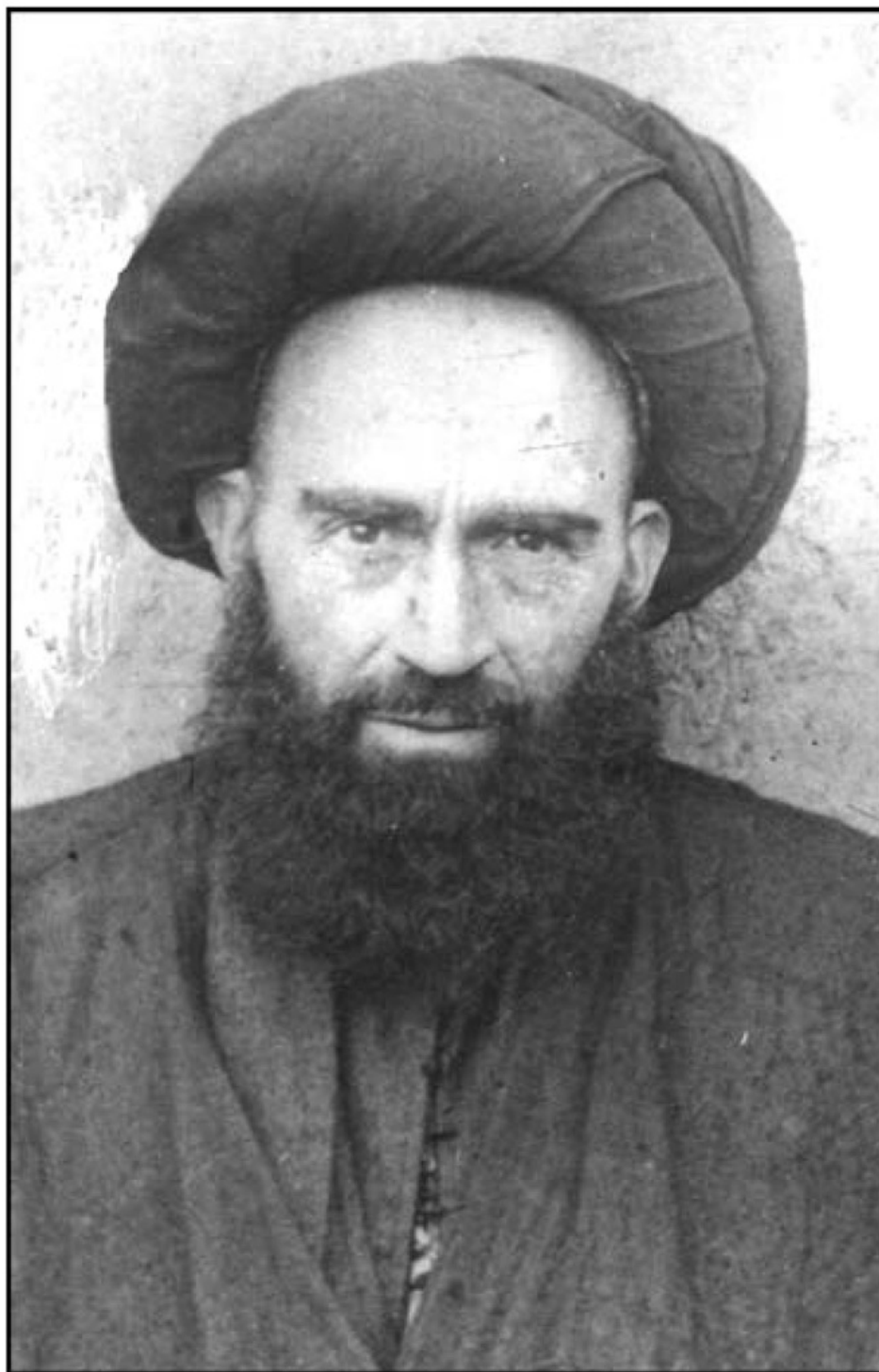
آیه الله مقدس از علمای بزرگوار اصفهان بود که علم را با عمل توأم ساخته و عمر مبارک خود را به کسب علم و فضیلت، در کمال نیک نامی و پاکدامنی گذراند.

وی در محله بیدآباد اصفهان منزل داشت و اهالی را نسبت به ایشان ارادتی

خالص و محبتی وافر بود.

در مدرسه میرزا مهدی (سرجوی بابا حسن در بیدآباد) اقامه جماعت می کرد و وعظ می نمود. در تعظیم شعائر مذهبی و ارشاد خلق کوشا بود.

مجملاً دارای شرافت حسب و نسب، و جامع فضائل و کمالات علمی و عملی صوری و معنوی بود. (۱)



آیه الله سید محمد مقدّس

ص: ۳۱۹

۱- مقدمه کتاب الاوائل به قلم حضرت استاد علامه سید محمد علی روضاتی دام عزّه.

آیه الله مقدّس در اواخر عمر به شهر مقدس قم مهاجرت نمود و حدود ده سال در آن شهر به تدریس و تألیف و خدمات دینی اشتغال ورزید. وی در قم از خواصّ مرحوم آیه الله العظمی بروجردی و مورد علاقه شدید آن مرحوم بود. در حوزه قم تدریس می کرد و از محصّلین اصفهانی تفقّد و دستگیری می نمود و در حلّ مشکلات آنان سعی وافی مبذول می داشت.

در خلال این مدت هرگاه به اصفهان می آمد تنها با کتابخانه شخصی خود سر و کار داشت. (۱)

مرحوم شیخ محمد شریف رازی در کتاب "آثار الحجه" می نویسد:

"جناب حاج سید محمد مقدس اصفهانی از علماء حوزه علمیه و خواص موثّقین اصحاب آیه الله بروجردی و به فضل و تقوا و قدس معروف و به امانت و وثاقت موصوف است..."

دارای مقام علم و عمل و پرهیزکاری است و چند سالی است از اصفهان به قم آمده و در حوزه حضرت آیه الله حاضر و نیز تدریس هم دارند. (۲)

ص: ۳۲۰

۱- مقدمه کتاب الاوائل به قلم حضرت استاد علامه سید محمد علی روضاتی دام عزّه.

۲- آثار الحجه ج ۲ ص ۶۳.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقبیر الہ اعمالکم
 بجز از اجراء سلام و تحیت سلامت
 جناب سید علی راز خلدوند تالی سکت میاید و امیدوارم
 عارض بنموده شود و منصرف باشید سلام حیدر را بجناب سید علی
 انا حبیب مستر دات انا فاته ابلان فریاد سته عی
 نوم و دعاء حیدر را سمول ادر حیدر خیر خوربان قرار دیم و السلام
 در همه آله و برکات ۲۴ رضان ۱۲۷۲ بعد از ماه رمضان
 برای جناب سید علی باشم از جناب سید علی حاج شیخ عبید
 انا فاته سوال کنید که مهدی بن براج در کتابخانه خاندان



تأیید اجتهاد آیه الله خادمی به قلم آیه الله مقدس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعضی نیرسانه و موجب تطایب عالی را برین
 مرچوردانه وجود محرم از جمیع بیعت مخصوصا بوجه در نظر
 عصر عجله الله تعالی فرجه الشریف بترویج معرفت معصومین
 با سید متهی است در این ایام و بیایه تبرک حضرت امیرالمؤمنین
 خورده آن فرزند سید و اسلام علیه و عهد الله و برکاته ۱۲۷۱
 اصفهان از کتب اربع حدیث برجه پیدا شود که علامت
 برای عصر ابتیاع کنند و اگر مهذب قاضی عبدالغفران بن براج
 ابی الصلاح اگر پیدا شود و بفروشد ابتیاع کنند و اگر فرو
 و عاریه بدینجه برای نمایم بفرستید حسن الضامن

اجازه آیه الله العظمی بروجردی

تدریس

آیه الله مقدّس در اصفهان و قم تدریس می کرد و برخی از طلاب فاضل از درس او بهره می بردند. از جمله شاگردان ایشان در اصفهان مرحوم آیه الله سید علاء الدین مدرّس بوده

است. (۱) آیه الله حاج آقا حسین یزدی نیز از شاگردان درس "فرائد" ایشان در شهر قم بوده است. (۲)

ایشان همچنین در مسجد اعظم قم تفسیر قرآن برای چند تن از طالبان بیان می فرموده است. (۳)

تألیفات

آیه الله مقدّس عالمی بسیار متّبع و پرکار بوده و جزوات و یادداشت های بسیار زیادی از او در موضوعات مختلف دینی برجای مانده است.

چنانچه از ملاحظه آثار برجای مانده از ایشان برمی آید وی قصد تنظیم یادداشت های خود را داشته ولی موفق به این کار نشده است.

برخی از آثار مدوّن ایشان عبارتند از:

۱- الأوائل که به وسیله محقق ارجمند علامه سید محمد علی روضاتی تصحیح و در سال ۱۳۸۱ق به کوشش مرحوم سید حبیب الله مقدس برادر ایشان در ۶۴۰ صفحه به وسیله مؤسسه نشر نفائس مخطوطات اصفهان چاپ شده است.

۲- الأواخر

ص: ۳۲۳

۱- علوم و عقاید ص ۵۸.

۲- مصاحبه نگارنده با آیه الله یزدی حفظه الله تعالی.

۳- مصاحبه نگارنده با حجه الاسلام والمسلمین شیخ مهدی معتمدی حفظه الله تعالی.

در شرح و تفسیر ۱۷ آیه از قرآن کریم که در آن کلمه "عظیم" به کار رفته است.

۴- خوف و رجاء

۱۷

چشم‌گزار

۱

سببها لوضع الوجدان والصلوة والسلام علی محمد و آل الطاهرين الذين هم صلوة الله علیهم والصلوة والسلام علیهم
 بعداء الاثام واللذی من الآن انی قیام یوم الذی

خوانندگان در عهد خود داشته باشند. رساله‌ای که درست متنوع و تحسینی و توضیح است سوسین کتاب (غیر از اول و اول چاپ شده)
 از نگاشته‌های معجم خود معجم من چاپ شده که مدرس اصطلاحات است که اختصار استماع و تعلق و یاد در آن من و دانش در آن به
 نخستین کتاب زندگی لغوی حکم بود که با طریقی چاپ بیابان رسید. دومین اثر در موضوع خوف و رجاء بود که بصورت کتابی چاپ
 و مباحثی که در آن شده در یاد دینی جمع آوری و خانه یافت. این رساله پیام از العظیم سوسین اثر در دست نگارش و توضیح
 است و من نیازی نمی‌بینم در مقدمه بجهت مفضل آغاز و نگارش دم تنها باید با اختصار بگویم رساله اگر از بی طعم خواننده‌ها می‌گذرد
 (پیام العظیم) لطیفه طی مضمون زیر نگارش آمده و بیابان یافته است

- ۱- مولف در حجم مقدمه مورد که کلمه "العظیم" در قرآن که ذکر شده مورد بحث و تفسیر و تفسیر وارد داده و نگارش است
- ۲- در تفسیر وارد یاد شده تقدیم و تفسیری رخ داده که آنهم چشم‌گیر و عطاب زبان نخست نبوده و مستقیم
- ۳- هر جای لازم بوده است عبارت را تغییر و یا تبیین و یا تلخیص نموده و نگاشته‌ام
- ۴- هر مورد که حدیث و یا عباراتی عربی ذکر شده در زمینه گردیده است در یاد دینی توضیح داده در هر مورد که لازم بود
- ۵- شماره آیات و یا عبارات و تاریخ و فایده اعلام یاد شده در کتاب را یاد آورده کرده‌ام (در زمانه آن نبی است)
- ۶- فهرست مطالب را هم منظم و ضمنیه فراهم ساخت. لطیفه بیابان شماره در مقدمه نگارش و مطالعه کتاب در دست
 هم‌اکنون از عهدای بزرگ در نشر احکام و ترویج خواندن سعادت بخش قرآن بودی جلیم و ما توفیقی الا بالمدد علی

توکلت والی‌اشیب والوالید محمد باقر طوبی ۱۴۰۱ ۱۳۹۲

این سه کتاب به وسیله دانشمند فقید مرحوم شیخ محمد باقر ملبوبی (۱) پس از وفات مؤلف، در قم تدوین و تصحیح شده و کتاب سوم به کوشش حاجیه خانم سادات آل رسول، همسر برادر مؤلف، با نام "چهره جاوید زمان در حکم و مواعظ لقمان" به چاپ رسیده است.

۶. رساله فی صلاه الجمعه

۷. تقریرات صوم محقق نائینی

۸. تقریرات رضاع آقا ضیاء الدین عراقی

۹. تقریرات منجزات مریض آقا ضیاء الدین عراقی

نسخه خطی سه تقریر فوق به خط آیه الله مقدس موجود است.

ص: ۳۲۵

۱- عالم فاضل، در سال ۱۳۰۸ش در اراک متولد شد. تحصیل علوم دینی را در اراک آغاز کرد و در سال ۱۳۲۶ش به حوزه علمیه قم رفت. سطوح را نزد حضرات آیات: سید محمد باقر سلطانی و میرزا محمد مجاهدی تبریزی و خارج فقه را نزد آیات عظام: بروجردی، گلپایگانی و امام خمینی فراگرفت و به تبلیغ دین و تألیف پرداخت. وی عالمی متخلق به اخلاق اسلامی و در عمل به مستحبات و ترک مکروهات و امر به معروف ممتاز بود. از آثار او: "الوقایع والحوادث"، "حقیقت جاویدان" در شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها، "شرح دعای کمیل" به چاپ رسیده است. وی در سن ۶۵ سالگی پس از چند سال بیماری در ۷ ربیع الاول ۱۴۱۵ق (۲۵ مرداد ۱۳۷۳ش) وفات کرد. آینه پژوهش ش ۲۷ ص ۱۲۸.

بسم الله الرحمن الرحيم ^{تقوى}
 الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين ^{والعنة} ^{الله}
 على اعدائهم من الان الى قيام يوم الدين وبعد يقول محمد بن عبد الجبار
 الحسيني الساجي اللصفي في الشهبان المقدس عفي الله عن جرأته هذه ^{بإزالة}
 مختصرة في صلوة الجمعة وحكمها في الغيبة وهي مشتملة على مقدمة ^{مطلبية}
 وخاتمة ^{مطلبية} اما المقدمة ففي بيان امور ينبغي التنبه عليها قبل التوجه ^{إلى}
 واما المطلب الاول في ماهية صلوة الجمعة وحققتها والمطلب ^{الثاني}
 في شرائطها صحه ووجوبها اقامه وحضورها والمطلب الثالث في بيان ^{بعض}
 الفروع المتعلقة ^{بها} بصلوة الجمعة واما الخاتمة ففي بعض الفوائد المهمة ^{المنشقة}
 بها وبغيرها ولا يخفى ان كثيرا مما ذكرت في هذه الرسالة انما استفدتها من ^{مجلس}
 درس بيده مولانا وملاذنا حجة الاسلام والحسين بن ابي الله في العالمين ^{الحاج}
 افاضين الطباطبائي البروجردى منع الله المسلمين بطول بقائه وصحته ^{بإزالة}

آیه الله مقدس برخی از تألیفات علما را نیز استنساخ کرده است، از جمله:

۱. کتاب "الصلاه" آیه الله شیخ موسی خوانساری (تقریرات درس آیه الله العظمی نائینی) در ۵۵۰ صفحه.

۲. جلد دوم کتاب "منبرالوسيله"

۳. رساله "مفتاح الحقیقه فی بیان المراد من الحقیقه" هر دو از تألیفات آیه الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی.

کتابخانه

آیه الله مقدس دارای ذوقی سرشار و سلیقه ای بس عالی بود. وی به تدریج به جمع آوری گل

های باغ علم همت گماشت و در زادگاه خود باغستانی مشتمل بر هرگونه شجر و ثمری از علوم و فنون تشکیل داد.

هرزمان که به اصفهان مراجعت می فرمود نواقص آن را تکمیل می کرد تا کتابخانه ای بالغ بر دو هزار جلد کتاب خطی و چاپی، شامل انواع مجلات زبده و کتب علمی عربی و فارسی فراهم شد.

بنا بر وصیت آن مرحوم، برادر ارجمندش مرحوم ثقه الاسلام حاج آقا حبیب مقدس تمام آنها در اختیار مرحوم آیه الله آقای بروجردی قرار داد تا به کتابخانه مسجد اعظم شهر مقدس قم و در قفسه مخصوصی منتقل گردد. (۱)

چند حکایت

مرحوم مهدوی چند حکایت زیر را از آیه الله مقدس نقل کرده است:

"نقل کرد عالم جلیل، السید السند المجدد الحاج آقا محمد المقدس

ص: ۳۲۷

۱- مقدمه کتاب "چهره جاوید زمان" به قلم حاجیه خانم آل رسول.

الاصفهانی از برای نگارنده، دو مرتبه که یکی از آنها در روز دوشنبه شانزدهم رجب سال ۱۳۷۳ هجری قمری بود در منزل ایشان در قم، دو حکایت زیر را:

اول: نقل فرمود از قول عالم زاهد و حکیم عابد، عارف به معارف الهی مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی اصفهانی که ایشان فرموده بودند که: در ایام تحصیل، در مدرسه جدّه ساکن بودم.

سالی در شب ۹ ربیع الاول که آن را عید الزهراء می نامند با طلاب مدرسه، اجتماعی فراهم کرده و تا صبح شادی کردیم و آن را عید قرار دادیم.

من از این حالت بسیار خوشم آمد و با خود خیال کردم: بد نیست هر چند ماه یک مرتبه این عمل تجدید شود تا رفع خستگی ایام تحصیل بشود. روی همین نظر پس از یکی دو ماه خودم پیش قدم شده، وسایل خوشی و تفریح فراهم کردم و طلاب مدرسه را به حجره خویش دعوت نمودم و تا پاسی از شب رفته به خوشی گذشت.

چون جمعیت متفرق شدند و من خوابیدم، در عالم رؤیا مشاهده کردم که در منزلی وارد شده ام. دو نفر آمدند نزد من و اظهار داشتند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تو را می خواهند.

من از ترس بر خود لرزیدم و دنبال آنها به حرکت آمدم.

وارد شدیم به اطاق بزرگی که ظاهراً حضرت رسول صلی الله علیه و آله در یک گوشه آن قرار گرفته بودند و اطراف ایشان علماء و فضلاء بودند. من از جمله آنها فقط مرحوم عالم بزرگوار ملاحسینعلی تویسرکانی که استادم بود را شناختم، دیگران

را نشناختم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که چوب و فلک بیاورید. فوراً حاضر کردند. دستور دادند که ملامحمد کاشانی را بخوابانید و چوب بزنید که دیگر از این کارها نکند.

من از ترس و وحشت می لرزیدم و قدرت تکلم نداشتم.

مرحوم حاج ملاحسینعلی به خدمت ایشان اظهار کرد: او را به من ببخشید، او طلبه بدی نیست، اشتباه کرده است و شروع کرد به عذرخواهی.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا به استادم بخشیدند.

از وحشت از خواب پریدم. قبل از اذان صبح بود. دانستم که عمل دیشب من که طلاب را دعوت کرده ام و آنها را از مطالعه بازداشته ام عمل اشتباهی بوده و این عمل عیش و سرور در شب عیدالزهراء از جهت دیگری ممدوح است و إلا وقت و عمر را نباید بیهوده تلف کرد.

دوم: نقل کرد آن سید جلیل [حاج آقا محمد مقدس] از همان عالم محقق [ملا محمد کاشانی]

که فرموده بود: شبی در ایام تحصیل، تاریخ مطالعه می کردم. جنگ جمل را می خواندم. به آنجا رسیدم که محمد بن حنفیه شتر عایشه را پی کرد. حضرت علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر فرمودند: خواهرت را دریاب و مگذار به او اذیتی شود.

پیش خود در دل گفتم (و یا به زبان راندم): یا علی! چرا نگذار دید عایشه را بکشند و کار را تمام کنند؟!!

ص: ۳۲۹

خواهیدم. در عالم رؤیا دیدم که حضرت امیر علیه السلام به من فرمودند: ملا محمد! تو هم به من ایراد می گیری؟! (و یا تو هم مثل دیگران به من ایراد می گیری!؟).

وحشت زده از خواب پریدم و استغفار کردم و اظهار داشتم: یا علی! من از روی عقیده قلبی چنین مطلبی اظهار نکرده ام، بلکه شوخی بوده است.

و مرحوم آخوند ملا محمد کاشانی هروقت این حکایت را نقل می کرده است می فرموده است: شوخی بود، و استغفار می نموده است.



۳. و هم نقل کرد آن سید عالم بزرگوار [حاج آقا محمد مقدّس] از قول همان عالم عارف و حکیم الهی [ملا محمد کاشانی] که روزی در محضر درس، در حضور جمعی از طلاب و مشتعلین، در موقعی که بحث در معنی و تفسیر این آیه شریفه از سوره فاطر بود که در قرآن مجید می فرماید: "جاعل الملائکه اولی أجنحه مثنی و ثلاث و رباع" "إلی آخر الآیه.

ایشان فرموده بودند: زمانی که مشغول ریاضت و تصفیه نفس بودم، گاهی اوقات

ملائکه را می دیدم که دارای بال های متعدّد بودند" (۱).

این چند نکته و حکایت آموزنده را نیز آیه الله مقدس در یادداشت های خود آورده است:

۱. پرسیدم از حاجی شیخ حسنعلی اصفهانی در مشهد مقدس از این که چه باید کرد که رغبت در عبادت پیدا شود؟

فرمود: عمدۀ چیزی که رغبت به عبادت می آورد چشیدن طعم عبادت است، و عمدۀ چیزی که مانع است از چشیدن طعم عبادت، لقمه حرام و شبهه ناک است.

۲. نقل فرمود از ناظر مرحوم آخوند تفریسی (که در اصفهان مدفون است؛ اول در قبرستان آب بخشان، و فعلاً استخوان او را در تخت فولاد آورده اند) که ناظر مرحوم آقا محمد بیدآبادی هم بوده، که: روزی مرحوم آخوند مرا طلبید و فرمود: دیشب برای نماز شب بیدار نشدم و هیچ جهتی نداشته إلا این که این گاوی که شیر او را می خورم روز گذشته علف او از محل شبهه ناک بوده، بگو بدانم از کجا خریده بودی؟

معلوم شد که روز گذشته علف پیدا نشده و پوست خربوزه از دکان میوه فروش خریده، و آن خربوزه بابت مالیات دولت از صحرا بوده و به میوه فروش فروخته.

۳. حقیر از احوال ملا حسن نائینی که در ایوان بابا رکن الدین دفن است پرسیدم؛ چون قدری سابقه داشتم به حال او.

ص: ۳۳۱

۱- دفترچه یادداشت های مرحوم مهدوی شامل چهارده حکایت، مخطوط. با تشکر از جناب آقای فروغی داماد محترم ایشان که این دفترچه و سایر آثار مخطوط مرحوم مهدوی را در اختیار نگارنده نهاد.

فرمود: میرزای جلوه فرمود: اگر ملا حسن نائینی را ندیده بودم باور نمی کردم که کسی بدون دکان داری باشد.

۴. حقیر حکایت حاجی سید محمد حسین... که از اقوام خودمان بود را گفتم، که آن سید جلیل گفت: شبی را در بالاخانه قبر ملا حسن بیتوته کردم برای تشریف به مکه، و در آن سال مشرف شدم. و بعضی از حالات دیگر او را که در نظر داشتم از آن سید جلیل شنیده بودم.

فرمود: من هم قریب به این را دیدم، و چون تو این نقل را کردی می گویم، و الا نمی خواستم بگویم. رفتم به مقبره بابا، بیرون آمدم، فقیری آنجا بود. در دل من آمد که بابا می گوید: این فقیر دیشب اینجا بوده و یک چیزی به او بده.

من ده شاهی به او دادم، به قصد این که مشرف شوم، و همان سال مشرف شدم.

۵. جناب عالم فاضل حجه الاسلام حاجی سید رضا قوچانی، امام مسجد گوهرشاد که مدت هاست که حقیر ایشان را به خوبی می شناسم، در روز سه شنبه ۵ نجومی ربیع الاول ۵۵، طرف صبح، در منزل حقیر در مشهد مقدس تشریف فرما بودند، و جناب عالم فاضل متقی آقای آقا شیخ اسماعیل معروف به پشمی اصفهانی هم تشریف داشته، با دو نفر دیگر، این حکایت را نقل فرمود که اجمالا این است که:

عیال اول من فوت کرد. عیال دیگری خواستم اختیار کنم، صبیبه ای که از عیال اول داشتم دختری را خواستگاری نمود از جانب من.

پس از قبول کردن پدر دختر، بنا شد به استخاره. استخاره کردم از کلام الله مجید، این آیه آمد: "وازلفت الجنة للمتقین".

بنای عقد شد. وقت جریان صیغه عقد، دیدم وکیل مخدّره گفت: به عقد دائم بدادم مخدّره موکله خود را مسّمات به "جنت خانم".

منتقل به استخاره و آیه شدم. با تفصیلی که راجع به دختر نقل نمودند که هرچه خواستگاری شده بود قبول نکرده بودند.

۶. ایضا ایشان حکایت شرفیابی حاجی شیخ قاسم را خدمت امام زمان در تخت

فولاد اصفهان از "شرح دعای سمات" حاجی شیخ علی اکبر نهاوندی نقل کردند

مفصلاً.

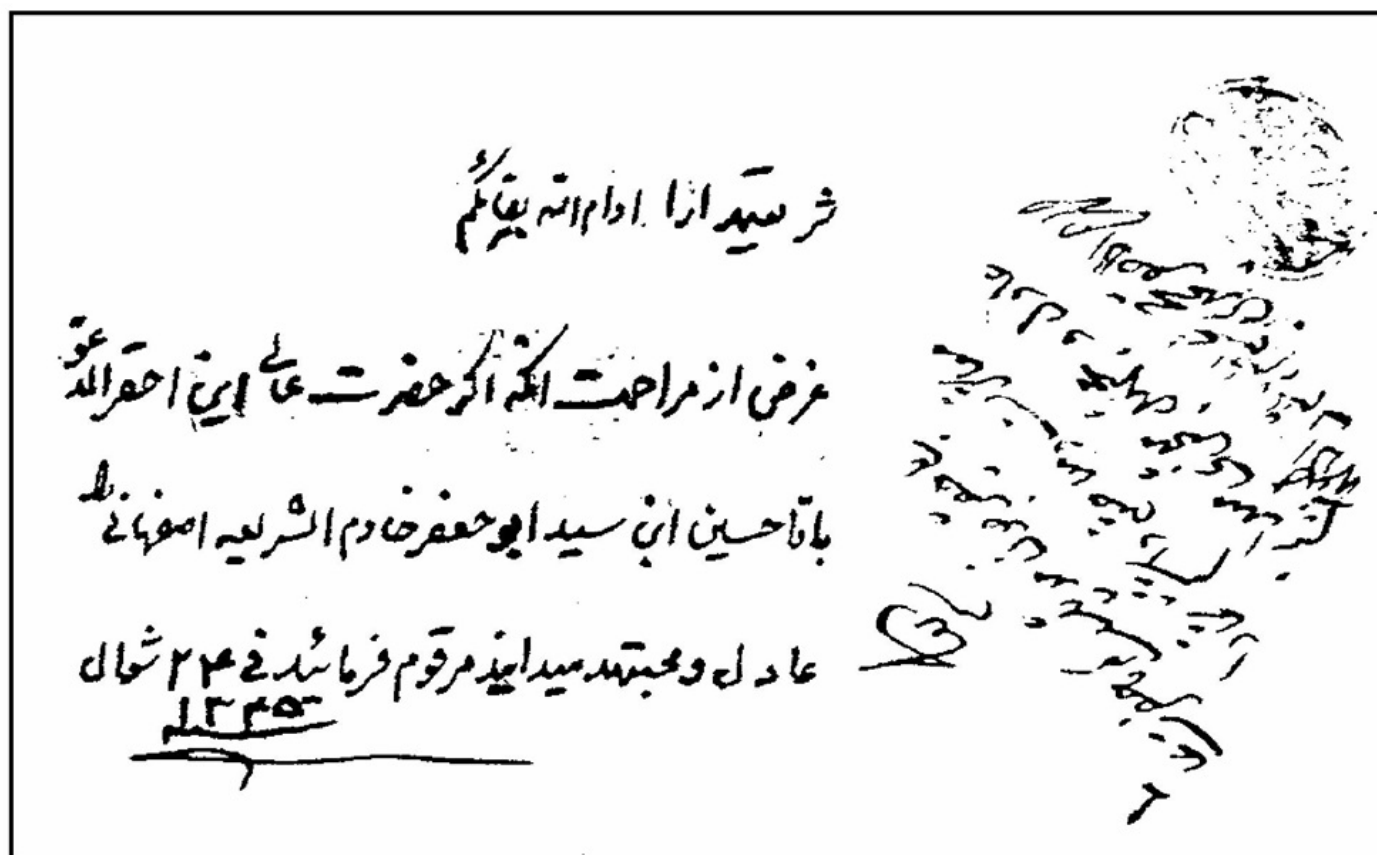
۷. و ایضا حکایت شرفیابی خودشان را بعد از تحویل در راه حرم خدمت

حضرت، به این طور که: نزدیک مسجد ملا حیدر، عربی رسید و پنج خرما به من

داد. دو تای آنها را برداشتم. پرسیدم: کیستی؟ گفت: مهدی. گفتم: کدام مهدی؟ گفت:

مهدی حجت. و رفت. چند قدم رفتم، از خادم پرسیدم شناختی؟ گفت: نه. ملتفت

شدم امام زمان صلوات الله علیه بود. (۱)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَزِمُوا يَأِي صَادِقَهُ كَهَقِيرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ شَهْرًا
 بِمَوْلَاكَ قَمِي دِلِيمِ اِنْ اَسْتَكْرَمِي دَر نَزْدِيكَ سَحْرَ حَضْرَتِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ
 اَبِي خَوَابٍ دِيدِمِ كِه دَر اِيْرَانِ خَانَهُ نَشْتِه اَنْدِ وَ جَمِيْعَتِ زِيَادِ دَر بِلَدِ بُو كِي وَ زِيَارَتِ
 اَنْخِرَتِ مِيَادِ نَدِ وَ چِنْدِ نَفَرِ مِمِ دَر خِدْمَتِ اَنْخِرَتِ دَر اِيْلِيْنِ وِيَسَارِ نَشْتِه بُو دَنْدِ حَقِيْر
 نَزْدِيكَ رَفْتِمِ خَوَاتِمِ دَسْتِ اَنْخِرَتِ اِيْ بُو سَمِ اَبْتَدَأُ دَسْتِ مَبَارَكِ خَوَاتِمِ كَشِيْدِ نَدِ عَرْضِ
 كَرْدِمِ دَسْتَانِ رَا بَدِ اِيْسِيْدِ بُو سَمِ دَسْتِ مَبَارَكِ خَوَاتِمِ اَرَا دَنْدِ بُو سِيْدِمِ بَعْدِ دَسْتِ مَبَارَكِ
 دَر كِيَه خَوَاتِمِ نُوْنِدِ مَقْدَارِ اِسْكَنْاسِ لَارِ كَاغَذِ بُو دِ خَوَاتِمِ بَحْرِيَه بَدِ اِيْسِيْدِ عَرْضِ كَرْدِمِ اَنْخِرَتِمِ
 فَرْمُوْدَنْدِ بِيْگِرِ شَا كِه اَز دُوْرِ مِيَادِ مِيَدِ شَهْرِ كِه نَزْدِيكَ مِيْنِ نَشْتِه بُو دِيْمِ اِنْ كَفْتِ فَلَانِ
 بِاَسْلَامِ خِيْلِي خِدْمَتِ نَمُوْدِه اِيْسِيْدِ كَرْتِمِ وَ بَا اِيْتِيْنِ عَرْضِ كَرْدِمِ عَاقِبَتِ بَحْرِيَه وَ خِيْلِيَه
 خَوَاتِمِ اَز مِيْنِ اَز خَوَاتِمِ اَنْخِرَتِ اِيْسِيْدِ فِي الْجَلْدِ تُوْجِهَرِ بِيْاَلِمِ بِلَا فَرْمُوْدَنْدِ وَ فَرْمُوْدَنْدِ خَوَاتِمِ
 وَ اَز خَوَابِ بِيْدِ اَرَشْتِمِ دَر رُوْزِ اِيْلَانِ شَبِ جَنَابِ تَطَابِ مُحَمَّدِ اَلَا سَلَامِ اَنْ صَبْحِ اَنْخِرَتِ
 اَصْفَهَانَ دَسْتِ تَا بِيْدَا تِه دَر مَرَكِ حَضْرَتِ اِيْتِ اِيْ اَعْظَمِ اَنْخِرَتِ اِيْ اَوْ جُوْدِي مَدِ ظَلَمِ اِيْسِيْدِ
 تَشْرِيفِ اُوْرْدَنْدِ وَ حَقِيْقَتِ سَجَادِيَه بَحْرِيَه وَ حَقِيْقَتِ فَرْمُوْدَنْدِ

نامه آیه الله صفائی خوانساری به آیه الله مقدس

وفات و مرانی

اشاره

آیه الله مقدس در ظهر روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۸ ق پس از عمل جراحی در

بیمارستان رحیم زاده اصفهان وفات یافت و در تکیه ای که به نام آن مرحوم، جنب تکیه گلزار بنا شده مدفون گردید.

تشییع عظیم و مجالس ترحیم متعددی که در فوت آن مرحوم منعقد شد حاکی از

تأثر عمیق اهالی اصفهان بود. (۱)

عده ای از شعرای اصفهان در وفات ایشان شعر و ماده تاریخ سروده اند از جمله: (۲)

۱. مرثیه میرزا حبیب الله تبر

حکم الإله یجری فی کل من تنفس

والموت للبرایا ثوب الرحیل ألبس

قد مات آیه الله محبوبنا محمد

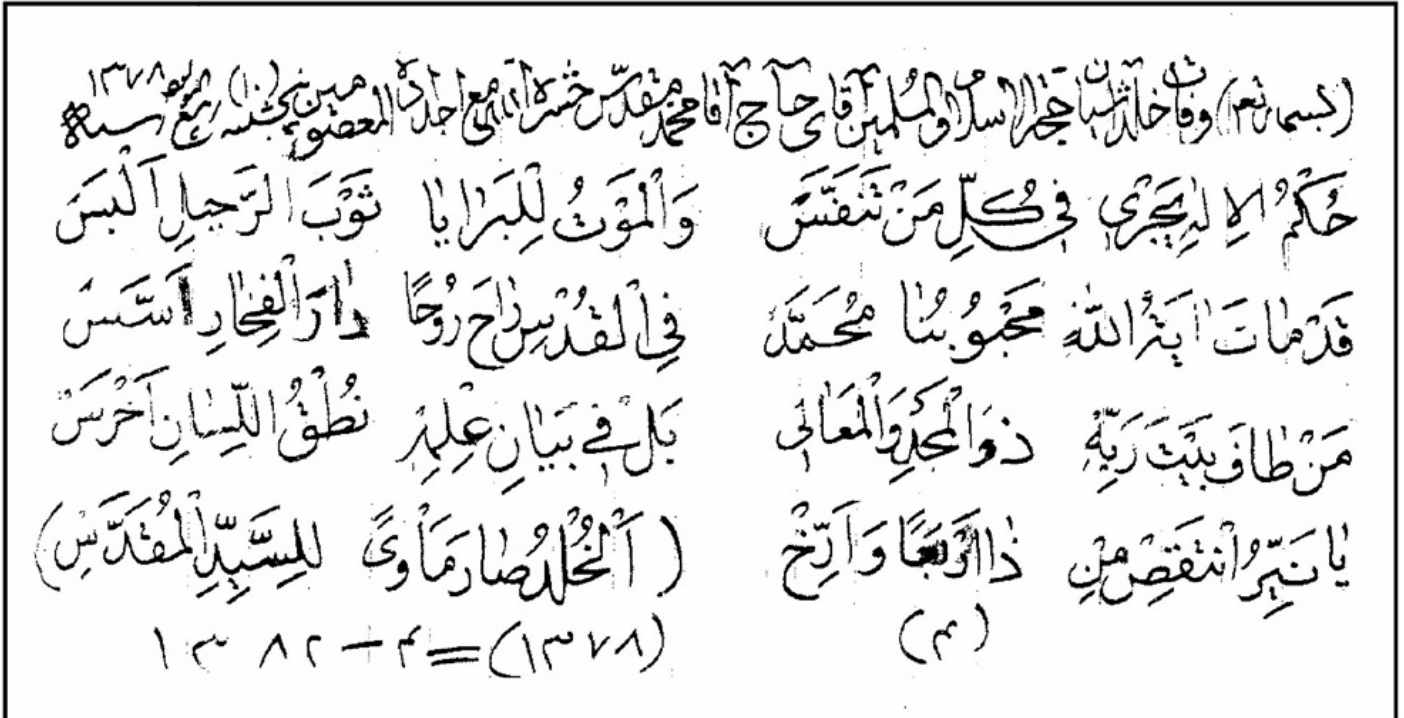
فی القدس راح روحاً دارالفخار أسس

من طاف بیت ربّه، ذوالمجد والمعالی

بل فی بیان علمه، نطق اللسان أخرس

یا "تبر" انتقص من ذا أربعا وأرخ:

"الخلد صار مأوی للسید المقدّس"



۱- مقدمه الأوئل به قلم علامه روضاتی.

۲- مرثی مزبور از یادداشت های خطی مرحوم سید مصلح الدین مهدوی نقل شد.

ز جور آسمان دل ها غمین شد
ز دنیا حجت اسلام و دین شد
چه بانک الرحیلش آمد از دوست
اجابت کرد و در جنت مکین شد
چه نور روشنی از دیده ها رفت
نهان در خاک آن در ثمین شد
به روز روشن و شب های تاریک
خدا را خواند و بر خاکش جبین شد
تمام عمر در ارشاد طی کرد
پی احکام خیرالمرسلین شد
همیشه در پی ترویج دین بود
مطیع امر قرآن مبین شد

ص: ۳۳۶

۱- فرزند آیه الله میرزا مهدی جویباره ای. از زنان فاضله اصفهان که در شعر و ادب تبحر داشت و "بانو" تخلص می کرد. وی در ۱۵ رجب سال ۱۳۰۸ق در اصفهان متولد شده و از سن ۱۲ سالگی به گفتن اشعار لب گشوده، دارای حافظه ای قوی بوده و تمام اشعار خود را در خاطر داشته است. این بانوی فرزانه که همسر عالم جلیل سید مرتضی خاتون آبادی بود در ۱۶ شوال سال ۱۳۸۹ق وفات کرده و در تکیه فاضل سراب مدفون گردید. "شکیب" از بهر تاریخ وفاتش زحیرت چون قلم گردید ابکم حبیبی سر به جمع آورد و گفتا: "بهشت جاودان شد جای مریم"

به سوی جنه المأوی روانه

برای ازدواج حور و عین شد

پی تاریخ رحلت بانوی زار

سرود و با غم و محنت قرین شد

به شمسی ناله زد بیرون و گفتا:

"محمد ساکن خلد برین شد"

۳. مرثیه حجه الاسلام سید مجتبی میرمحمدصادقی

گرفت چون که محمد مکان به عالم قدس

شدند نغمه سرا قدسیان به عالم قدس

یگانه لعل گران، چشم ناگهان بر بست

شتافت سوی جنان از جهان به عالم قدس

چو تنگ حوصله او شد از جهان عنود

گرفت مرغ دلش آشیان به عالم قدس

ز سال رحلت او شد ز مجمعی پرسش

رسید نغمه ای از این و آن به عالم قدس

بگفت "صادقی" این مصرع و بشد تاریخ:

"شدی روان مقدس روان بعالم قدس"

۴. مرثیه آقای میرزا فضل الله اعتمادی "برنا"

آه از این جهان کج بنیاد

وای از این روزگار سست نهاد

آه از این غم سرا که هیچ کسی
لحظه ای نیست اندر آن دلشاد
من ندانم بنالم از گیتی
یا ز دست اجل کنم فریاد
مرگ چون باد و عمر چون شمع است
شمع روشن نماند اندر باد
چون اجل می رسد نمی پرسد
پیر و برنا و بنده و آزاد
یک سخن آورم من از سعدی
رحمت حق بود بر آن استاد
اینقدر بر جهان مشو غرّه
تکیه گاه نمود باشد و عاد
بوعلی خویش معترف گردید
عقده و رمز مرگ را نگشاد
فیلسوف بزرگ ما ختّام
خوش در این باره داد معنی داد
عمر را عاقبت بود و پایان
خواه در بلخ و خواه در بغداد
الغرض رفت عالمی ز جهان
عالمی بس شریف و پاک نژاد
فاضلی بود اهل علم و عمل
زاهدی بود مرد بخشش و داد

پارسائی ز شهر اصفاهان

پیشوائی ز اهل بیدآباد

حاج آقا محمد از دنیا

رفت و خون کرد قلب

مردم راد گلی از

گلستان احمد رفت

سروی از باغ دین ز پا افتاد

در نکوکاری و نکو خویی

همچو او هیچ کس ندارد یاد

خواست از طبع خویشتن "برنا"

سنه فوت آن ستوده نهاد

بیتی گفتش به هجری قمری

تا که آن رهنمای مردم باد

"شد مقدّس برون از این دنیا

سوی وادی باقی رو بنهاد"

ماده تاریخ دیگر:

خواستند از طبع "برنا" سال فوتش را به شمسی

"ناشر شرع مقدّس بود" شد تاریخ فوتش

۵. ماده تاریخ میرزا یدالله نائب

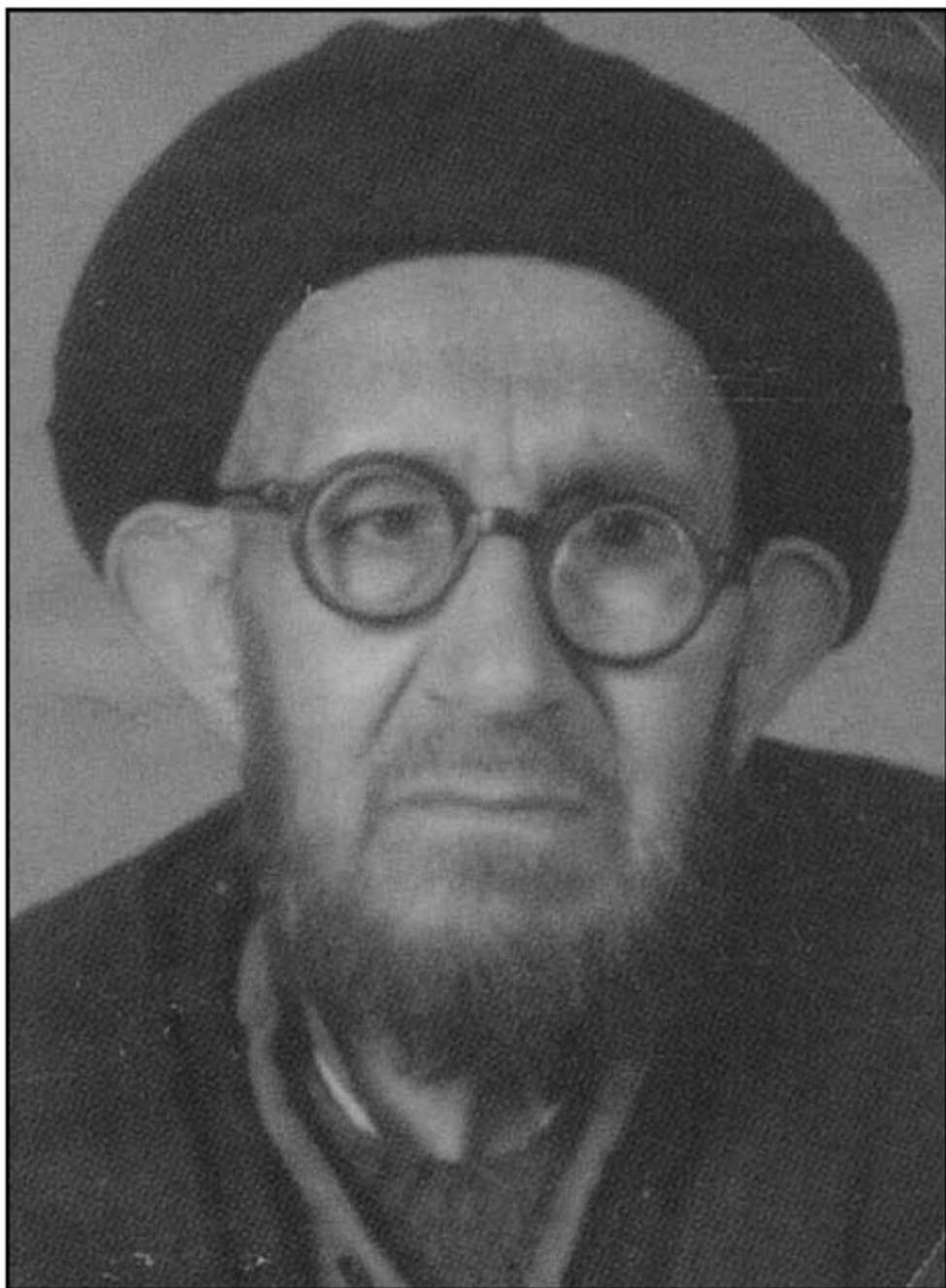
"نائب" از صدق و صفا تاریخ فوتش را بگفتا:

"زین جهان با امر حق نیکو مقدّس بر جنان شد"

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زهر خودای روزگار زنده
 بر همه پیر و جوان هم به مقدس
 شرم تو نمودی از خدا و روش
 رحیم نزدی به قرب یا تمام مقدس
 لاک اجل گشتی خسرو به ربود
 طعمه خود کردی آخر ان وجود مقدس
 نهی و زاهد و فقیه و مدرس
 عالم و دانش سخنی و زاده مقدس
 حامی شیخ نبی و مرجع احکام
 صاحب اخلاق با صفات مقدس
 محرم و محرم به راز و شکل بر کس
 صلت ملکننده زانکال مقدس
 یاد هر ستمند و گوشه نشین
 غمخوار ایام و بی گنا مقدس
 چه اسلام بدزد و دمان محمد
 حاجی آقا محمد آن شاعر مقدس
 آتشی افروختی به سخن دلسا
 عالم شیعه شادی غزای مقدس
 صدق همان کل نفس بقدر اہمیت
 ہمرہ قلب تمام دوستان مقدس
 ورنہ تو ای روزگار در اربابا
 نی رتہ رخسہ ما بکام مقدس
 داعضار و جگر بچہ دار نمود
 قلب ہمہ مرد و زن ز داغ مقدس
 لیک بہین بس کہ روح پاک میرش
 جنت فردوس شد مکان مقدس
 مرستی اگر تا قیامت از این چشم
 خون بیکہ دیدہ در فراق مقدس
 کم بود اما یقین تو بر این دار
 چہارودہ گویند ہم نشین بچہ مقدس
 حب لام حضرت ہی تا صلح الین و سدا
 توجیر و تقدیم گردیدہ ۱۲- باب ۳۷

برادرش عالم زاهد مرحوم حجه الاسلام حاج آقا حبيب مقدس نیز از علمای ابرار بود که به جای برادر در مسجد او اقامه جماعت می نمود.
وی در ۴ ربیع الثانی ۱۳۹۱ق وفات یافت و در کنار برادرش مدفون شد.



حاج ملا علی ماریینی

اشاره

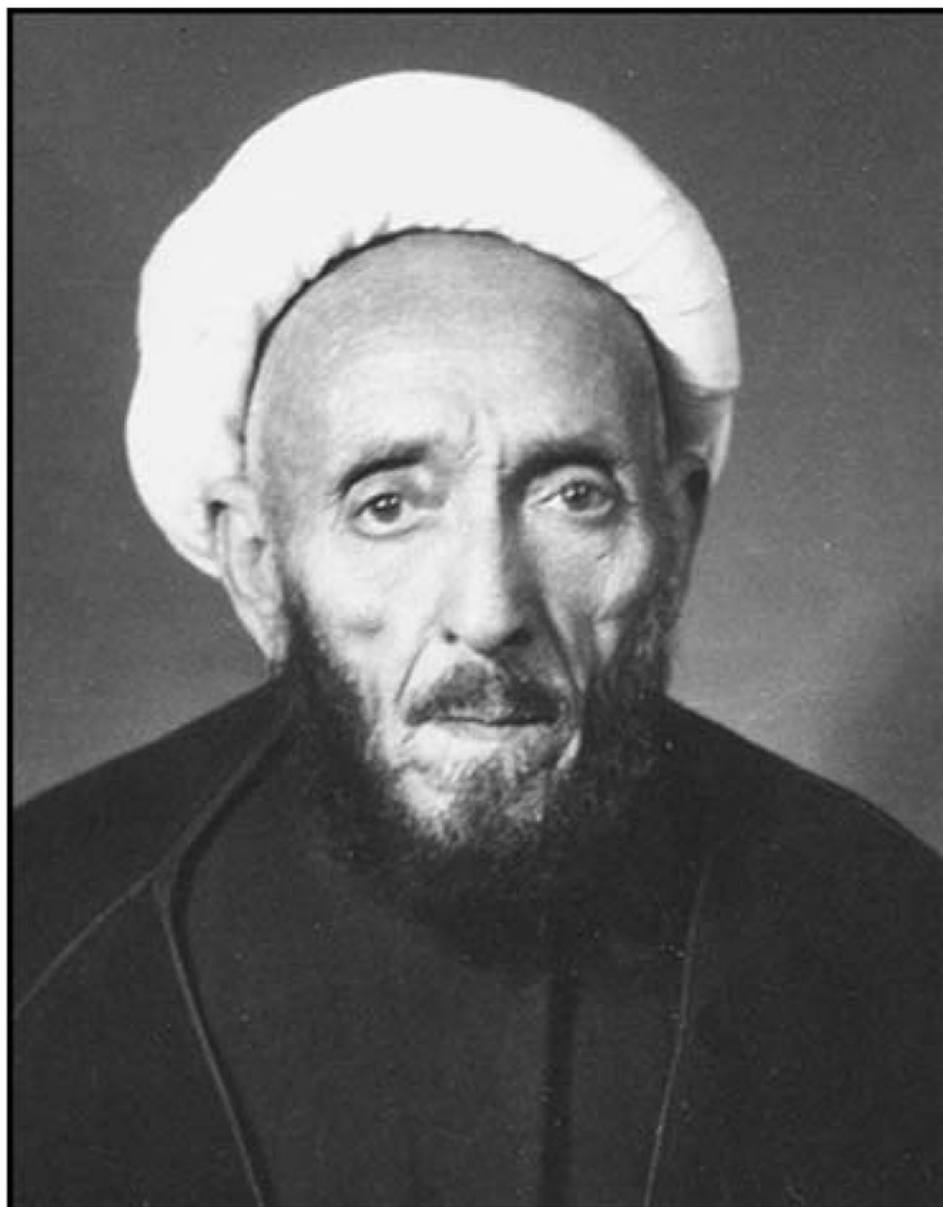
عالم فاضل کامل.

تولد و تحصیلات

اشاره

وی در سال ۱۲۶۹ش در روستای ماریین اردستان متولد شد.

پدرش: ملا- ابوتراب فرزند ملا- محمد، از عالمان خدمتگزار در منطقه جرقویه و اردستان بود که از ینگ آباد جرقویه به ماریین اردستان مهاجرت نموده بود. ملا علی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و دیگر فضیای منطقه انجام داد و به اصفهان مهاجرت نمود.



برخی از اساتید او در اصفهان عبارتند از حضرات آیات:

۱. میرزا احمد مدرّس خراسانی

۲. سید ابو القاسم دهکردی

۳. علامه شیخ محمّد رضا نجفی

۴. میر سید علی بهبهانی (۱)

۵. سید محمّد باقر درچه ای

۶. سید علی نجف آبادی

۷. سید محمّد نجف آبادی

۸. شیخ محمّد حسین اشنی قودجانی (۲)

ص: ۳۴۳

۱- چهار استاد فوق در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۲ ص ۳۲۹ ذکر شده و اساتید بعد در دست نوشت آن مرحوم آمده است.

۲- فقیه زاهد. در حدود ۱۲۸۵ق در قودجان گلپایگان متولّد شد. در اصفهان و نجف نزد بزرگانی چون: میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمّد تقی مدرّس، سید محمّد باقر درچه ای، شیخ محمد تقی آقانجفی، آخوند کاشی و آخوند خراسانی تحصیل نموده و به مراتب عالی علمی نایل گردید. استاد محمد ابراهیم جواهری می نویسد: شیخ حسین قودجانی گلپایگانی از علمای اصفهان بود و بعضی از فضلاء او را اوّل مجتهد اصفهانی می دانستند. در فقه و اصول مهارت داشت. حافظه او بسیار قوی و با این که سال ها تدریس و مطالعه را رها کرده بود، مع ذلک از مسائل فقهیه با اطلاع بود. در اصفهان درس خوانده و با آیه الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی همدرس بود و آن مرحوم به وی احترام می گذاشت. وی در زمان رضا شاه به گلپایگان رفت و در قودجان اقامت گزید و امتیاز دفتر اسناد رسمی گرفت و ده سال به آخر عمرش مانده بود که دوباره به اصفهان آمد و مدّتی در مدرسه درب کوشک خارج فقه را تدریس می کرد، ولی کم کم نابینا شد و در خانه سید عبدالرسول رحیم زاده در محله احمدآباد سکونت اختیار کرد. جز خواص کسی با او مراوده نداشت. آیه الله سید صدر الدین کوپایی به فقاهتش معترف بود. این فقیه بزرگ در روز یکشنبه ۲۴ ماه رمضان ۱۳۷۵ق وفات نموده و در تکیه میرزا ابوالمعالی کلباسی مدفون شد.

۹. آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۱۰. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (۱)

اجازه آخوند ملا محمد حسین فشارکی

مرحوم ملا- علی از دو نفر از مجتهدین بزرگ اصفهان اجازه اجتهاد و نقل روایت داشت. (۲) آخوند فشارکی در سال ۱۳۴۷ق در اجازه نامه خود مراتب بلند علمی و تقوای وی را تأیید نموده و می نویسد:

"...وَمَنْ جَدَّ وَأَجَدَّ وَكَدَّ وَأُكِدَّ فِي تَحْصِيلِ الْمَطْلَبِ وَتَكْمِيلِ الطَّلَبِ حَتَّى فَازَ مِنْ مَرَاتِبِ الْعِلْمِ أَعْلَاهَا وَحَازَ فِي دَرَجَاتِ الْعَمَلِ أَرْفَعَهَا وَأَزْكِيهَا:

العالم العامل والفاضل الكامل والناسك الصالح والباذل الراشد والناهج مناهج التحقيق والدرج مدارج التدقيق، الحبر البهي والأيد السديد، المهذب الوفي، ذوالفهم العالي والفكر الكافي، البالغ بجدّه الأکید وسعيه البلیغ إلى منتهی الرشاد، والمترقی عن حضيض التقليد إلى أوج الاجتهاد، مولانا الجلیل آقا خواننده ملا علی، أدام الله أيام افاضته واستفاضته وبلغه آماله وأعلى عزّه وأدام توفيقه ويسّر عليه العسير وسهّل عليه السعي في التكميل وغايه بذل الجهد في الجمع والتأليف وصرف العمر في البحث

ص: ۳۴۴

۱- استاد اخیر در کتاب بوستان فضیلت ص ۷۰ ذکر شده است.

۲- با تشکر از حجه الاسلام سید محمد علی بهشتی نژاد که اجازات فوق را در اختیار نویسنده قرار داد.

والتدريس والفكر والتدقيق، وعليه بالتحزُّز عن المسامحة والتعزُّب بعد الهجره.

ص: ٣٤٥

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله على ما انعم واصلوه على النبي الكريم
 وعلى آله وولياؤه ادم حبه الدين اال ان ينقضي العالم ^{لغته} اعظم
 على اعدائهم الجبين فيكم يوم الدين و بعد ليرجع ان امن اعظم
 من الله اعلى الامم في امن غيبة الامام عليه السلام وجود
 العلماء الامم و اعرفها البره الكرام ولولدهم له خصل النظام
 واصفدت الامم فان بيدهم ازمنة الامم و من مياض الفهم
 يسهل كل معسور و ام المرجع في الامم و يقولون هوذا المثل
 من الحرام فلم من كنت و لصدف و جمع و تا ليفك له حقان
 و ابطال الباطل و شروخ الدين و اطفال ارا العوازل و لذا
 هتافت نفوس في حصيل العلم و طلبة مع امة في لغته و كرم
 نفوسهم و اولادهم و لغز اراء مسكنه و اولادهم و اولادهم
 و حبه و اولادهم و ابي طلبة و اكتبه في اهلها و النفاط
 دره من اصداق اريانه حتى نفقهوا في الذين و تروا من
 عيون الغفاه و البقن و شكر الله لهم الجبل شوايه الجبل و من حد
 و احب و كذا و اكتب في حصيل الفلك و كذا الفلك حتى فاز
 من راس العلم اعلاها و حاز في درجات الجبل ارفعها
 و اذ ليها العالم العامل و الفاضل الكامل و التاميد الصالح
 بالباذل الرائد و الناهج مناهج التحقيق و الرابع ملج
 المتدين الحمر البهي و اللامد اكد المهدب الوفي
 ذوا الفهم الطالبي و الفكر الكافي البالغ تحده اللحد
 رمعها للبلع الى منتهى الرشد و المشرق عن
 مفضي القلوب الى اروع الاهداه من له ناسيل
 انا عزانه ملا على اجسام الله ايام افاضه و سفاضة

صورتها بين

و بلغ آتاه وأعلى غيره وأدام لواقعة ولغيره لغيره وهو عليه السلام
 في الجبل وغاية بذل الجهد في الجمع والتأليف مما هو في العلم
 في الحشوة والتدليس والفكر والتدبر وعلية بالتخزين عن البداية
 والتعدي بعد الهمة فقد وجه عليه الله جهاداً في العمل بالهداية
 بعدما استظناه القول القدسية في القدرة على الاعتقاد
 فقد صرح عليه المقلد بما قدره في الحكام على العلم في ما عرف
 من الحكم التي عرفه في الأدلة لفحصه تلك الأدلة في هذه الفصلة
 العظمى فإن أشك فصل الله لثبته من العلم وقد استجاز من بعد
 بعد حضوره عنده من الدين وفحصه المباني ولشهيده العالي من
 الأصول والفقه وبلغه في الأصول في فاشي تكلم معه في المسائل العامة
 فوجدته صحتها وبحثت معه في دقائق فرائد بارعاً فكتب
 وأوجبت على نفسه أن يدبر لإتمام على وجود العلم الحكام الذي هو
 من النظم والتكريم والابتداء والاتباع ثم شتم الله عز وجل
 وأما قوله تعالى في سورة الرواد إن يؤمن من الله عز وجل
 وأما قوله تعالى في سورة الرواد إن يؤمن من الله عز وجل
 وأما قوله تعالى في سورة الرواد إن يؤمن من الله عز وجل
 وأما قوله تعالى في سورة الرواد إن يؤمن من الله عز وجل
 وأما قوله تعالى في سورة الرواد إن يؤمن من الله عز وجل

الاجمعي

فقد وجب عليه الاجتهاد والعمل بالاستنباط بعد ما أعطاه القوه القدسيه والقدرة على الاجتهاد، فقد حرم عليه التقليد فيما قدر فيه من الأحكام على العمل فيه بما عرف من الاحكام الفرعيه من الأدله التفصيليه.

فليشكر الله تعالى لهذه الفضيله العظيمه، فإنّ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء. وقد استجاز منّي بعد حضوره عندي سنين وتحصيله المباني وتشبيده المعالي من الاصول والفقه وبلوغه إلى العوالم؛

فإنّي تكلمت معه في المسائل الغامضه، فوجدته مجتهداً،

وباحث معه في دقائق، فرأيت به بارعاً.

فشكرت الله تعالى وأوجبت على نفسي إبلاغ الأنام على وجوب الإعظام الواجب ممّا أوجه الله من التعظيم والتكريم والاهتداء والاتباع.

ثمّ استخرت الله عز وجلّ وأجزته تبرّكاً للانتظام في سلك الرواه أن يروى عنّي كلّما صحّحت لي روايته...".

اجازه علامه شيخ محمد رضا نجفی

ایشان نیز در پایان اجازه مفصلی که برای جماعتی از اهل علم که خواستار اجازه نقل حدیث بوده اند نگاشته می نویسد:

"وقد أجزت الشيخ العالم الفاضل الكامل وقاموس العلم الذي ليس له ساحل، عماد المحققين وعميد الفقهاء والاصوليين، البالغ بجدّه واجتهاده المرتبه الساميه والذروه العاليه، الشيخ على الماريني الاصفهاني، أن يروى عنّي ما صحّ لي روايته بهذه الطرق، مراعيًا للاحتياط، وأرجو أن يذكرني بصالح الدعاء".

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على منواته ونعماته ومن فضله الأثر والصلوة على نبيه
 المرسل ومهمسره الأول أبي القاسم محمد والدا الأجداد الذين
 دووا حديث المجد عنه مسلاً بالآباء والأجداد ورضوان
 وغفرانه للأسلاف الصالحين ومثابعتنا الماضين الذين
 حافظوا^{الله}
 ما استودعوه من أحاديث أهل العصمة وأووا إلى الخلف
 مواديث الأئمة صانوا من الروايات عن الشريف بالعرض
 والمقابلين وأسانيد الأحاديث من الانقطاع بالقرائن و
 المقاطعة وبعد فان جماعة من حملة العلم ونبي محمد
 ولاسيب جلدته وعافدي بوجهه أمثال قروا بين
 السعد بن العلم والعمل وغيرهم المشمل نصارى الاقطار
 عجم المشمل فنحو محمد يد افكارهم من اجواب المشكلات
 كل معضل وحلوا بانامل انظارهم العفد من كل معضل
 احبوا الدخول في عداد السراوات من الأئمة المعصومين
 ورغبوا في اتصال اسانيدهم بأسلافنا الماضين فاستجازوا
 هذا العبد فاجرت لهم ادام الله لهمم التوفيق وسالتهم
 فصد الطريق جميع ما صححت لي طرفة وجاز لي روايتهم
 عن

ح ابی حفص الطوسی عن الشیخ ابی عبد اللہ المفید عن
 حفص بن محمد ابی قلوبه عن محمد بن یعقوب الکلینی عن ابی
 ابراهیم عن ابیه عن الحسن بن ابی الحسین الفارسی عن عبد
 الرحمن بن زید عن ابیه عن ابی عبد اللہ علیه السلام قال قال
 رسول الله طلب العلم فرضیه الا ان الله یحب بغاة العلم
 وقد اجزت السع لکام القاضد الکامل و قاموس العلم
 الذی لیس له ساحل عماد المحققین و عمید العلماء
 و الاصولیین البالغ بحدّه و اجتهاده المرتبة السامیه
 و کذروه العالی السع علی المار بنی الاصفهانی
 ان یروی عنی طاصح لی روايته یرید ان یروی عنی
 للافتباط و ارجوان تذکر فی مصابح الدفء العمد الرصد
 منه

صفحه اول اجازہ علامہ شیخ محمد رضا نجفی

اوصاف

به نوشته مرحوم سید مصلح الدین مهدوی: وی عمر خود را در راه تحصیل علم و دانش و نشر معارف اسلام و بیان مسائل و مواظب و ذکر مناقب و بیان مصائب اهل بیت علیهم السلام گذرانید و تا آخرین سالیان حیات در تحصیل علم و تعلیم آن کوتاهی ننمود. (۱)

ص: ۳۵۰

با داشتن مراتب عالی علمی، از او جهت خدمت در دادگستری دعوت به عمل آمد ولی او خدمت در ادارات زمان طاغوت را پذیرا نشده و افتخار ذاکری اباعبدالله علیه السلام را از دست نداد.

وی به امر تبلیغ اهمیت بسیاری می داد و از این رو از پذیرش امامت جماعت که به اصرار مؤمنین برای مساجد مختلف دعوت می شد خود داری می کرد.

با این که در شهر سکونت داشت ولی هر از چند گاه به محل تولد خود ماریین اردستان می رفت و به حل و فسخ مشکلات مردم و ارشاد آنان می پرداخت. وی دارای صفای باطن بود و در تعبیر خواب مهارت داشت. (۱)

تدریس و شاگردان

حاج ملا علی در مدرسه علمیه درب کوشک به تدریس دروسی چون "مغنی"، "معالم"، "شرح تجرید"، "شرح لمعه" و "کفایه الاصول" اشتغال داشت. (۲)

برخی از شاگردان ایشان عبارتند از:

۱. مرحوم حجه الاسلام حاج آقا رضا مظاهری (۳)

۲. حجه الاسلام حاج شیخ مهدی مظاهری (۴)

ص: ۳۵۱

۱- [۲] به نقل از جناب حجه الاسلام سید محمد علی بهشتی نژاد.

۲- دست نوشته مرحوم حاج ملا علی ماریینی.

۳- گلشن نام آوران ص.

۴- مصاحبه نگارنده با جناب حجه الاسلام مظاهری.

۳. حجه الاسلام شيخ محمد رضا ناطق اصفهانی (۱)

۴. شاعر گران قدر معاصر استاد فضل الله اعتمادی متخلص به "برنا" (۲)

وفات

اشاره

این شیفته خامس آل عبا و خدمت گذار مکتب اهل بیت علیهم السلام سرانجام در روز جمعه ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۴۰۲ ق (۱۶ بهمن ۱۳۶۰ ش) وفات یافت و در بقعه تکیه آیه الله مقدّس مدفون گردید. سنگ نوشته مزارش چنین است:

"هذا مرقد العالم الجمیل والفقیه النبیل حجه الاسلام والمسلمین المحدث الشریف الحاج

ملا علی مارینی ابن حجه الاسلام ملا ابوتراب حشرهما مع رسول الله وکان ارتحاله إلى دارالبقاء فی یوم الجمعه العاشر ربیع الثانی ۱۴۰۲ مطابق با ۱۶ بهمن سال ۱۳۶۰ شمسی".

مرثیه استاد میرزا فضل الله اعتمادی "برنا"

حاج ملا علیّ مارینی

کآیتی ازخدای اکبر بود

هم ز امجاد جلسه تدریس

هم ز اجلای اهل منبر بود

آمری بود از پی معروف

ناهی هر خطا و منکر بود

ص: ۳۵۲

۱- باقیات الصالحات یا زندگی نامه ناطق اصفهانی ص ۴۱.

۲- مصاحبه نگارنده با جناب آقای اعتمادی برنا.

بود استاد بعضی از فضلا
اهل علمی ادیب پرور بود
دهر ظاهر نگر از او گویی
دیده اش کور، گوش آن کر بود
بود کم حجم و شاخ وی شجری
که بسی پر شکوفه و بر بود
نه بکوشید بهر شهرت و جاه
نه پی کسب مکنت و زر بود
آن تواضع گزین که در همه جا
بی تظاهر ولی موقر بود
آن قناعت قرین که در همه وقت
دیده اش بر عطای داور بود
آن فروتن فقیه بی دستگاه
که به دانش زهمگنان سر بود
آن متانت مآب کز دانش
مثل او در زمانه کمتر بود
ظاهراً او ز فرط زهد و ورع
با یکی مبتدی برابر بود
لیک در باطن آن مهین فرجاد
گنج پنهان پر ز گوهر بود
وقت تدریس و در سخن گفتن
از بسی اهل علم برتر بود

بر محیط و مدار علم و عمل
مرکزی پایدار و محور بود
حامی دین حق و امر نبی
ناشر شرع و کیش جعفر بود
شیعه صهر و بنت آل رسول
تابع مصحف و پیمبر بود
محضر و مدرسش به مدرسه ای
حجره ای کوچک و محقر بود
ثروتش از تمام مال جهان
چند جنگ و کتاب و دفتر بود
بس که بودی فروتن و خاضع
یا خشوعش ز بس که در بر بود
نشد او مقتدای صفّ صلوات
گرچه اش دعوت مکرر بود
بود نجل جلیل ملا تراب
خلف عالمی معمر بود
بود شیخ شهیش و بیدآباد
زان سراج این دو جا منور بود
رو، ز دنیا به سوی عقبا کرد
عرصه اش چون جهان دیگر بود
بیتی از بهر سال فوتش گفت
طبع "برنا" اگر مکدر بود

"حاج ملاعلیّ ماربینی

عالم دوستان حیدر بود"

(ق ۱۴۰۲)

ماده تاریخ دیگر:

"حاج ملاعلیّ ماربینی

یکی از شیعیان جعفر بود"

(ش ۱۳۶۰)

ص: ۳۵۵

ملقب به لسان الدین. عالم فاضل و خطیب هنرمند شاعر.

تولد و تحصیلات

وی در سال ۱۲۷۹ق متولد شد.

پدرش: ملا عبدالله بن ملا محمد حسین بن حسن ریزی لنجانی از اهل منبر بود که در ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۱۵ق وفات یافت و در تخت فولاد مدفون گردید. (۱)

خطیب تحصیلات مقدماتی و سطوح را در اصفهان به پایان رسانیده و دارای معلومات کافی و فضایل وافیه گردید.

برخی از اساتید وی عبارتند از حضرات آیات: (۲)

۱. شیخ محمد تقی آقاجانی

۲. حاج میرزا بدیع درب امامی

۳. آخوند ملا عبدالکریم گزی

۴. میرزا محمد حسن نجفی

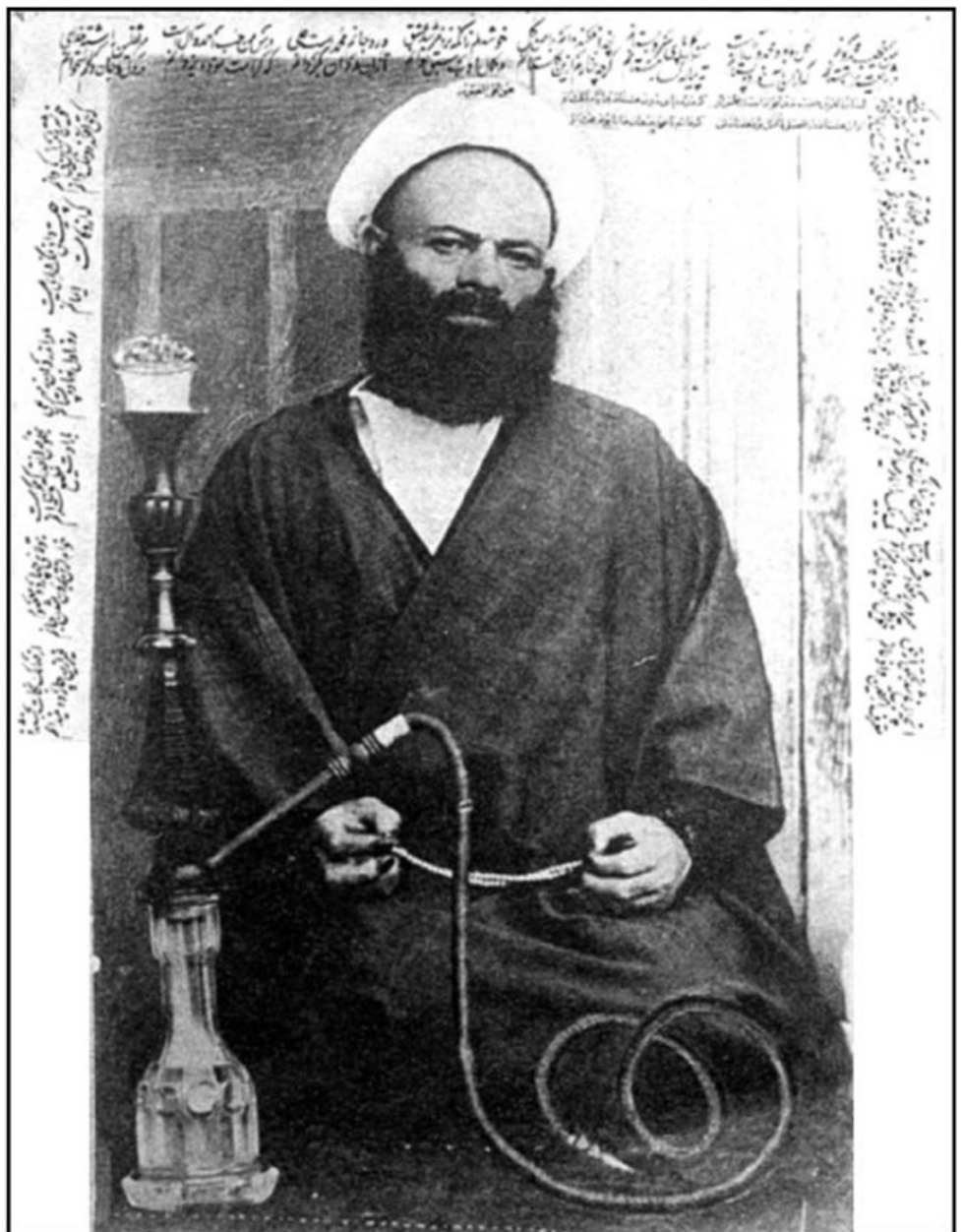
وی همچنین نزد دو استاد بزرگ: میرزا عبدالرحیم افسر و فرزندش میرزا فتح الله

ص: ۳۵۶

۱- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۶۲.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۶۲.

خان جلالی به فراگیری خط نستعلیق پرداخت و در این خط تبخّر کافی پیدا کرد. (۱)



اوصاف

خطیب ادیبی شاعر و گوینده ای توانا و خطاطی ماهر بود.

وی از طرف امام جمعه اصفهان منصب خطابت داشت و به ایراد خطابه در اعیاد و

ص: ۳۵۷

مجالس فاتحه می پرداخت.

وی که در خط نستعلیق تبحر داشت، سالیان دراز در مدارس ملی اصفهان سمت معلّمی داشت و از جمله در مدرسه قدسیه تعلیم قرآن و خط نستعلیق می داد. (۱)

استاد فقید جلال الدین همایی، در مقدمه دیوان پدر ارجمندش طرب بن همای شیرازی می نویسد: پدرم طرب و خطیب هر دو خطاط نستعلیق بودند. خطیب در مدارس ملی تعلیم می داد.

روزی در تلاقی با یکدیگر، پدرم از خطیب می پرسد: میرزا، اوقات را چگونه می گذرانید؟

خطیب پاسخ می دهد: به معلّمی اطفال مشغولم.

و طرب فوراً این بیت را برایش زمزمه می کند:

به طفلی خدمت پیری نکردی

به پیری خدمت طفلان ضرور است

نمونه اشعار

اشاره

خطیب طبع شعر روانی داشته و در وفات بسیاری از معاصرین خود، ماده تاریخ

ص: ۳۵۸

۱- خوشنویسی در کتیبه های اصفهان ص ۱۰۵.

گفته و اشعار مصیبت زیادی سروده است. (۱)

دیوان اشعارش در حدود سه هزار بیت بوده (۲) که اکنون در دست نیست.

نمونه اشعارش چنین است:

معراج علی فراز او آدنی شد

در خم چو به دست مصطفی بالا شد

قوسین ز قامت نبی بیش نبود

ره طی شد و او بر افق اعلی شد

* * *

من گل پای سرو بستانم

ته پیاله گسار مستانم

پنجه افکنده ام به دامن گل

گر چه خارم از این گلستانم

خوش دلم زان که نزد مرشد عشق

در کمال ادب سبق خوانم

ورد جانم محمد است و علی

تا زبان در دهان بگردانم

درس من حبّ احمد و آل است

که کرامت نموده یزدانم

ص: ۳۵۹

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان ص ۱۸۱.

۲- دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۷۶۲.

مهر ثقلین را سرشته خدای

در دل و جان و لحم و استخوانم

خویشتن را من آن یکی دانم

که حق افکنده در نمکدانم

چیست دانی نمک؟ ولای علی است

که از او کامل است ایمانم

مادر اندر دهان ز مهر علی

روز اول نهاده پستانم

به خلوص آن قدر که نمکی هست

به ارادت مطیع قرآنم به تولای چهارده

معصوم خواهم از تن برون

شدن جانم از مهالك نجات

بخشنده غیر از این چهارده

نمی دانم آنچه ابلاغ شد به

خلق از حق معترف از یقین واذعانم

می روم بر معاد و حشر و حساب

خویش را دیده پای میزانم

یازده تن ز نسل پاک علی

یک به یک را امام می دانم

منتظر هستم آخرینشان را

که به پایش فدا شود جانم

اشهدوا هذه عباد الله

چون بدارند پای میزانم

این بود شرح اعتقاداتم

که شهادت دهند اخوانم

ای رقیب و عتید ثبت کنید

اعتقادات من بر اکفانم

من خطیب محمدیونم

در شریعت هزار دستانم

گل وجود محمد و آل است

که از آن آب خورده بستانم^(۱)

در تهنیت مولود مسعود حضرت حجه بن الحسن صلوات الله علیه:

"من كلام أفصح الشعراء وأخطب الخطباء، المسمّى بميرزا عبدالجواد، المعروف بلسان الدين، المتخلص بالخطيب، قدّس الله طبعه وأنفاسه"^(۲)

ص: ۳۶۱

۱- با تشکر از جناب آقای محمد خطیب که این اشعار و عکس مرحوم خطیب را در اختیار نگارنده نهاد.

۲- هدیه المعصومین از میرزا محمد علی عارفچه چاپ سنگی ص ۳۸۲ - ۳۸۱.

کَمُفَنِيكَ مَوْلَايَ مَعُونٍ حَضْرَتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ
 اَزْ كَلَامِ خُطْبِ اَصْفَهَانِي

چوناف نور جهان شد زان جهان فخر	نام گشت بر اطا و خلق نعمت حق
بخلی از لی شد که وصفان شوان	اگر شود طبقات فلک نام ورق
بجیروم که چنان نور کبریا بگنجد	که بخلیش اندر فضا طاسن برون
براه که شد گاز کشته بجا رسیده	که ناکند تمسک بدان همین زور
رسیدانکه ز سه مشر گرفت شرع و راج	رسیدانکه ز بیغش گرفت دین رونق
رسیدانکه از شرف پال عالم را	کنند اعدای دین را بمشیر کین ملحق
امام فاطمه موعود مهدی این سخن	که شد خطیب بجز ولاش مستغرف

سرود خیل ملایک، به کاخ هفت طبق

بشارت زهق الباطل است و جاء الحق

حدیث "اشرق الارض" حکم انشا یافت

به نص محکم قرآن صادق اصدق

شد آفتاب جهانتاب نور حق، تابان

دلیل ما خلق الله گشت و ما یخلق

شهنشهی ز حجابات غیب شد به شهود

که گشت نور وی از نور ذات حق مشتق

به حکم اوست زمین و زمان و کون و مکان

به امر اوست همه ماسوای او مطلق

ص: ۳۶۲

ولّی مطلق حق، قطب عالم ایجاد
کز انبیاء اولوالعزم برد گوی سبق
امین حق، به تمام تصرّفات اولی
معین دین، به تمام تبدّلات احق
فرید نقطه توحید منحصر در فرد
که شد ز مصدر جودش وجودها مشتق
به فجر نیمه شعبان چو صبح صادق تافت
در افق عالم نور الهدی، جمال الحق
مهی که عیسی گردون نشین ز عشق رخس
فراز چرخ چهارم، چو شمس زد بیدق
شهنشهی که کمین چاکرش زند ز شرف
به فرق قبه دیهیم خسروان ابلق
چو تافت نور جمالش در آن همایون فجر
تمام گشت بر اطباق خلق، نعمتِ حق
تجلّی ازلی شد که وصف آن نتوان
اگر شود طبقات فلک، تمام ورق
به حیرتم که چنان نور کبریا گنجید
گه تجلیش اندر قماط استبرق
به راه گم شدگان، کشتی نجات رسید
که تا کنند تمسّک بدان مهین زورق
رسید آن که ز سهمش گرفت شرع، رواج
رسید آن که ز تیغش گرفت دین، رونق

رسید تا کند از شرک، پاک عالم را

کند اعدای دین را به مشرکین ملحق

امام قائم موعود مهدی ابن حسن

که شد "خطیب" به بحر و لاش مستغرق حکایت (۱)

حکایت

شنیدستم یکی از پادشاهان

به قتل بی گناهی داد فرمان

چو آن بیچاره دست از جان خود شست

ملک را زیر لب دشنام می گفت

شه از حصار بار خویش پرسید

که می گوید چه، این از خویش نومید

وزیری نیک محضر گفت با شاه

که می گوید به خویش ای عدلت خواه

مگر این پادشاه عدل بنیاد

شدش "الکاظمین الغیظ" از یاد

چرا ناورده شه این نکته را پاس

کریمانند عافین عن الناس

در این دم کاین گرفتار است در بند

امید عفو دارد از خداوند

وزیری ضد او ناپاک فطرت

به کذبش داد نسبت پیش حضرت

بگفت ابناء جنس ما نشاید
بر شه جز به باب صدق آید
به شاه این بی ادب دشنام می داد
ز شتم شه به خویش آرام می داد
کشید از این سخن، شه روی در هم
که بنشیند تو را مادر به ماتم
بُد آن کذب وی از صدق تو بهتر
که پیش ما ز صلح آورد محضر
بُدی آن نیک محضر، مصلحت بین
نه مانند تو ز اخوان الشیاطین
چه نیکو مولوی فرموده دستور
که سگ عوعو نماید، مه دهد نور
خطیبا! نیک خواه و نیک بین باش
همیشه دشمن اعدای دین باش

ماده تاریخ ها

اشاره

خطیب برای بسیاری از علما و بزرگان اصفهان ماده تاریخ گفته است، از جمله:

۱. ماده تاریخ وفات آیه الله شیخ محمد تقی آقاجفی

(۱)

آیه الله شمع شرع رسول

از سحاب فنا نقاب گرفت

ص: ۳۶۵

۱- گوهر گران بها در تاریخ وفات علما، مخطوط.

قلزمی شد فرو که عالم را
از غمش زاشک خلق، آب گرفت
فلکی سیر بود و سدره خرام
راه خلد آن فلک قباب گرفت
ماه شعبان، پسین یازدهم
چون شنید ارجعی، شتاب گرفت
شد سؤال از "خطیب" تاریخش
جا چو آن گنج در تراب گرفت
"یا" برای ندا برون شد و گفت:
"اینها الناس آفتاب گرفت"

۱۳۳۲ = ۱۰ - ۱۳۴۲

۲. ماده تاریخ وفات آقاجنی و بازگشت حاج آقا نورالله به اصفهان:

(۱)

نهان شد ماه و مهر از پی برآمد
چو شد آن نور، نور دیگر آمد
مهین اسّ اساس عدل کز وی
اساس معدلت محکم تر آمد
به دیدارش همه خلق آرزومند
خدا را شکر کام دل برآمد
سپاس و منت بی حد خدا را
که دور دوری و فرقت سرآمد

ص: ۳۶۶

دل و چشم تمام خلق، روشن

ضیاء شرع، نور انور آمد

رئیس دین و دولت آیه الله

رکین رکن هدا از در درآمد

مسلمانان بساط عیش چنید

که مفتی طریق محضر آمد

به اجرای قوانین حاکم عدل

به احکام شریعت داور آمد

پناه و کھف و غوث و مأمَن خلق

امین منهج پیغمبر آمد

دگر زین پس نگریم آیه الله

که آن دریا برفت، این گوهر آمد

تویی آب حیات چشمه نور

که عطشانت هزار اسکندر آمد

تویی کاندنر بنای عدل، نامت

از اول روز، صدر دفتر آمد

وجودت دُرّه التاج شرافت

که در اسلام زیب دفتر آمد

ردای آیه اللهی تو را راست

بر اندام شریعت گستر آمد

شد ار آن آیه الله، بدر دین، خسف

به تابش، نور شمس دیگر آمد

چون رفت آن نور، این نور خدا تافت

به منهاج شریعت رهبر آمد

بشارت ساکنان قلم شرع

که بهر کشتی دین لنگر آمد

به شعبان آیه الله شد به جنت

به ذی قعد آیتی روشن تر آمد

به حکم نص "ما ننسخ من آیه"

به جایش آیتی نیکوتر آمد

"خطیب" از بهر تاریخ دو آیت

که آن شد خسف و این زین بر درآمد

به بحر فکر هر سو غوطه ور گشت

نصیب خامه اش این گوهر آمد

برون چون شد یکی تاریخ گفتا:

"نهان شد شمس نور از پی برآمد"

(۱۳۳۲)

۳. آیه الله حاج شیخ محمد علی نقه‌الاسلام نجفی (م: ۱۳۱۸ق):

(۱)

اسلام را پدید شدی ثلمه ای عجب

درهم شکست قائمه شرع زین سبب

شد رایته ز شرع، نگون کز تزلزلش

رکن الهدی تهدم والسقف قد خرب

ص: ۳۶۸

۱- الانهار، آیه الله شیخ مهدی نجفی، چاپ سنگی.

همدم به اهل دین ز وضع و شریف شد
از این قضیه غصه و غم، محنت و تعب
ای چرخ کج نهاد، ز دور تو تا به چند
باشند اولیای خدا بر بلا مصب
آن بحر علم و دانش و حکمت که از شرف
بُد بر محمد و عیش نام منتسب
آن عندلیب گلشن دین از چه شد خموش
آن نکته سنج عرش نبی از چه بسته لب
ای گل چه شد تو را که شدی ناگهان خزان
ای سرو چون ز پای فتادی تو بی سبب
افسوس زان غیاث زمین، ملجأ زمان
صد حیف زان ملاذ عجم، مرجع عرب
آن آفتاب شرع چو شد از نظر نهران
شد روز اهل دین ز غمش تیره همچو شب
تاریخ این مصیبت جانسوز گفت: "آه
اسلام را پدید شد ثلمه عجب"

۴. شیخ احمد مجتهد بیدآبادی (م: ۱۳۵۷)

(۱)

به معراج قرب احد رفت احمد

حضور شهنشاه عالم محمد

ص: ۳۶۹

چنان با براق او روان شد به جنت

در آغوش حوران به عیش مخلد

چو در بندگی بود در حدّ اعلی

نمودش خدا شامل لطف بی حدّ

به ترویج شرع متین مطهر

به هر حالت احوال بودش ممهد

به تحصیل و تدریس مرضات باری

به تأیید الله بودی مؤید نبید

منکرش هیچ کس در محامد

که اوصاف مدحیه اش بود بی حد

به شهر جمادی، مه تیر، بردش

به درگاه خود، حیّ قیوم سرمد

خدایش فرو برد در بحر رحمت

به جنات عدنش نماید ممهد

به تاریخ فقدش مریدان عارف

پی جستجو تا که گردد مؤید

"خطیب" آه از دل برآورد و گفتا:

"بمعراج قرب احد رفت احمد"

۵. شیخ علی مدرّس یزدی (م: ۱۳۵۳ق)

(۱)

علی، مدرّس یزدی به خلد مأوا کرد

روی نیاز به درگاه حیّ یکتا کرد

هزار و سیصد و پنجاه و سه، مه شعبان

شمول رحمت جانان، به جان تمنا کرد

نوشت از پی تاریخ آن "لسان الدین":

"علی مدرّس یزدی بخلد مأوی کرد"

۶. شیخ محمد نظام الاسلام

(۲)



ص: ۳۷۱

-
- ۱- یادداشت های خطی مرحوم سید مصلح الدین مهدوی.
 - ۲- اشعار فوق از قاب عکس نظام الاسلام که در مقبره وی واقع در تکیه کازرونی نصب شده نقل گردید.

افسوس و درد و آه، شد اسلام بی نظام

شد بی نظام حوزه علمیه عظام

با ما سپهر بر سر کین است تا به چند

اف بر تو باد و دور تو ای چرخ نیک فام

ای روزگار چند تو را کجروی است کار

تا چند کینه جویی از احرار نیک نام

با آدمی مدام تو کین داری ای عجوز

شوهر کشی است کار تو ای زال علی الدوام

از مرگ هیچ راه فرار و گریز نیست

فکری به حال خویش نمایید یا انام

در قلعه های آهن و فولاد اگر روید

بایست مُرد، حرف همین است والسلام

در زخم مرگ جمله طیبیان جنّ و انس

یک باره عاجزند ز داروی التیام

پیمانه ای است مرگ که از در کشیدنش

بسته است راه چاره چو پر می کنند جام

مرحوم شد محمد و مجدش یتیم گشت

گویید جمله تعزیتش ایها الکرام

کردش ندا منادی قدس از علوّ قرب

روحش نمود در عرفات جنان مقام

تاریخ وی سؤال نمودند از "خطیب"

این رشته یافت از رقمش زیب ارتسام

رفت از درون جمع برون چون محمدی

گفتا خطیب: "آه شد اسلام بی نظام"

۷. ملا عبدالجواد واعظ باغبادرانی (م: ۱۳۳۵ق)

(۱)

در پناه رحمت حق شد جواد

رحمتش پیوسته بادا بر نهاد

جوهر انسان، جهان مردمی

مردم بینائی اهل رشاد

عالم نحریر، حبر بی عدیل

کز کمال و فضل و معنی داد داد

بود نشر مذهب اثنی عشر

دایمش در منبر و مسجد مراد

بود گنجی از هنر، چنگک اجل

چون گهر بر بود و در خاکش نهاد

جست تاریخش خطیب عبدالجواد

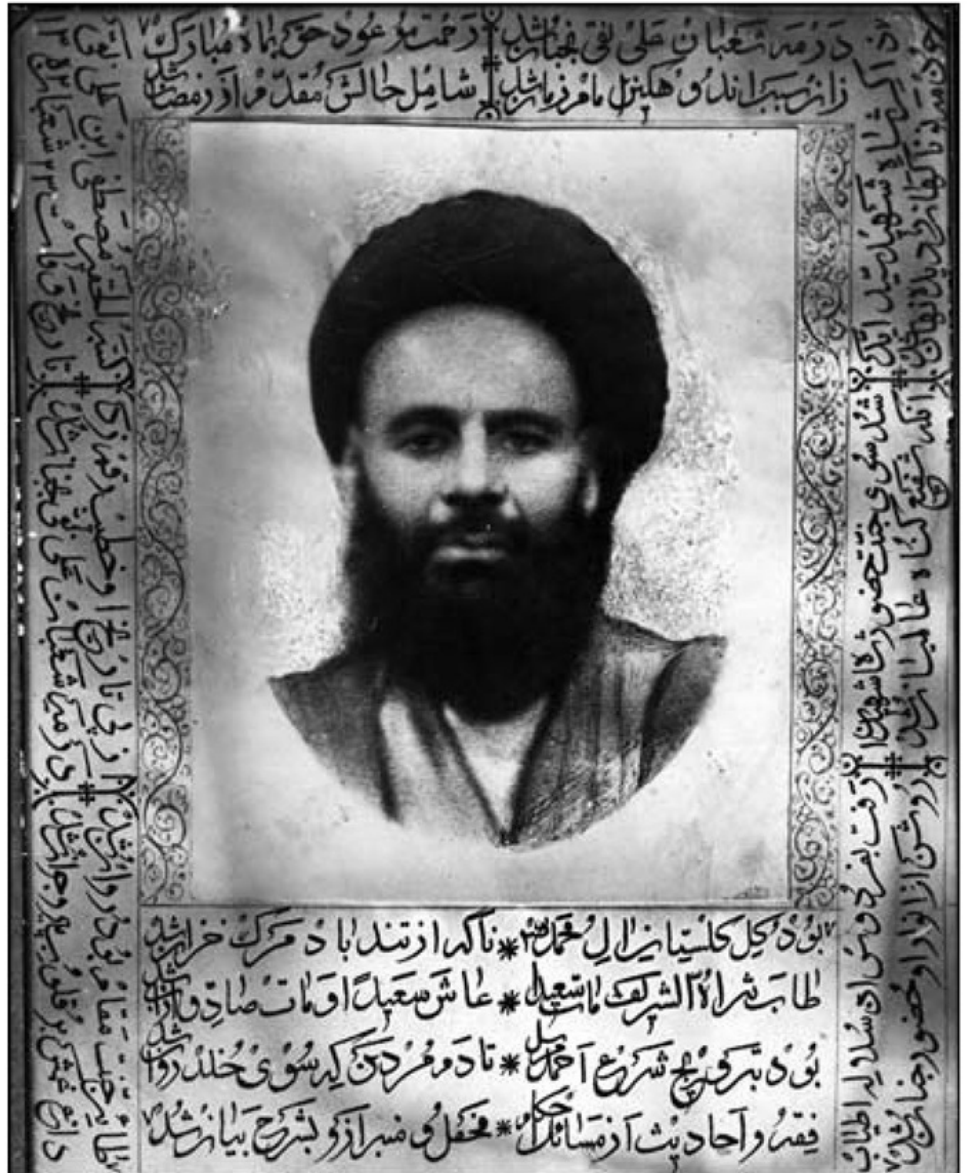
تا که تقدیم روان وی کناد

آمد از جمع یکی بیرون و گفت:

"در پناه رحمت حق شد جواد"

ص: ۳۷۳

۱- عالم فاضل و واعظ محدث خبیر، صاحب آثار و تألیفات فراوان. وی در شب ۶ ماه رمضان ۱۳۳۵ وفات یافت و درمقابل تکیه میرزا ابوالمعالی مدفون گردید. عبارات سنگ قبر وی چنین است: "هذا مرقد العالم العامل المتبحر النحریر الکامل المتکلم الخبیر، مفخر اهل الرشاد، الحاج عبدالجواد الواعظ الباغبادرانی، وکان وفاته فی لیله السادس من شهر الصیام فی سنه ۱۳۳۵. اشعار فوق نیز بر سنگ مزار وی آمده است.



(۱)

در ماه شعبان علی نقی به جنان شد

زان سبب اند وهگین امام زمان شد

رحمت موعود حق به ماه مبارک

شامل حالش مقدم از رمضان شد

ذاکر شاه شهید، سید اید

چون ماه نو ناگهان ز دیده نهان شد

۱- واعظ پارسا، از سادات خاتون آبادی و پدر حجه الاسلام والمسلمین سید ضیاء الدین تجویدی. وی در ۲۳ شعبان ۱۳۵۲ ق وفات یافت و در قبرستان مصلی مدفون شد و سپس به عتبات عالیات منتقل گردید. با تشکر از جناب آقای سید رضا تجویدی که اشعار فوق را در اختیار نگارنده نهاد.

شد سوی جنت حضور شاه شهیدان

آن که شفیع گناه عالمیان شد

رفت به فردوس آن سلاله اطیاب

روشن از انوار او حضور جنان شد

بود گل گلستان آل محمّد

ناگه از تند باد مرگ خزان شد

طاب ثراه الشریف مات سعیدا

عاش سعیداً و مات، صادق از آن شد

بود به ترویج شرع احمد مرسل

تا دم مردن که سوی خلد روان شد

فقه و احادیث از مسائل احکام

محفل و منبر از او به شرح و بیان شد

طائر جنت مقام بود و روان شد

داغ غمش بر قلوب پیر و جوان شد

از پی تاریخ او "خطیب" رقم زد:

"در مه شعبان علی نقی بجنان شد"

به گلشن از اثر آه روز شیون و شین
مصیبتی فلک افزود بر عزای حسین
چو شد فدای شهنشاه دین حسین شدم؟
حسن که بُد خلف مرتضی ابوالحسنین
نصیری شه لب تشنه بود تا جان داشت
حضور خواجه کونین شد به رأی العین
به کار تعزیه مشغول بود در گلشن
که دید قصر جنان را عیان به رأی العین
خرام کرد به جنات عدن فی طوله
بهشت از قدمش یفت زیب و زینت و زین
حقوق خدمت او بر رسول و آل رسول
حضور حضرت صدیقه گشت نصب العین
حسن شنید ندائی ز ارجعی از حق
به پای منبر جد بزرگوار، حسین
دمی که کرد ملاقات رحمت حق را

ص: ۳۷۶

۱- از تجار نیک نام اصفهان، فرزند سید مرتضی، وفات: روز جمعه ۲۵ شوال ۱۳۴۲، مدفون در تکیه ریزی. مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری می نویسد: تعزیه خوانی باشکوهی مانند سنوات به اقدام حاج سید حسن بنکدار در گلشن، و روز آخر که شبیه حضرت امام موسی را درآورده با زنجیر از محبس هارون، حاج سید حسن و آقا سید علی روضه خوان که بر سر و مغز خود زدند، حاج سید حسن همان جا فوت شده؛ مؤلف به تاریخ گفتم در خاتمه اشعار: (ص ۳۹۰) چو پا بیرون زد از گلشن به گلزار جنان گفتم: "حسن آمد در این گلشن فدای موسی جعفر"

بُدی مصیبت موسی بن جعفر اندر بین
سؤال گشت ز تاریخش از "لسان الدین"
که تا رقم کند و باز گو کند شفتین
ادب درون شد و با آب دیده کرد رقم"
"حسن فدای به موسی بن جعفر است و حسین"
(۱۳۴۲)

۱۰. میرزا محمد رضا رشتی

(۱)

شد رضا پرگشا به کوی رضا
رفت در قصر جنه المأوی
زاده بوتراب رشتی راد
قدوه سالکان راه هدا
نزد بوالصهر خویش شیخ اجل
مرتضی شد رضای خلد سرا
در رجب شد به روز غرّه شهر
طیر روحش به شاخه طوبی
گفت تاریخ او "خطیب" ادیب
شد چو زاخلاف پاک او ایما
کلکش آورد در میان آداب
ص: ۳۷۷

۱- فرزند حاج میرزا ابوتراب رشتی. داماد مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی و شاگرد ایشان و مدفون در بقعه اوست. فرزندش: عالم فاضل عادل زاهد شیخ مرتضی رشتی، از شاگردان: حاج آقا آخوند زفره ای، آقا شیخ هبهالله هرنندی و حاج سید محمد باقر سدهی بود که عمری به زهد و قناعت به سر برده و در سال ۱۳۸۶ق بدون اولاد وفات یافت.

زد رقم گفت: "شد بکوی رضا"

۱۱. میرزا محمود خاتون آبادی (م: ۱۳۵۴)

(۱)

بهرتاریخش "خطیب" آورد "ب" در جمع

"آن همه اوصاف محمود عاقبت محمود شد"

(۱۳۲۵)

۱۲. حاج محمد مهدی سمسار

فرزند آقا علی اکبر، تاجر نیکوکار، بانی طبع کتاب "وافی" مدفون در داخل بقعه تکیه تویسرکانی. (۲)

مهدی ز چشم اگرچه شد، از دل نمی رود

در دل قرار یافته، در گل نمی رود

ممتاز عصر بودی و تقوا و راستی

حق گوی راست رو، ره باطل نمی رود

افزون شد از نود و سه سال عمر او به سال

زو حرف جز حسن شمایل نمی رود

می کرد کار بهر خدا، خالی از ریا

راه ریا موحد عاقل نمی رود

"وافی" زحد وافی او زیب طبع یافت

ص: ۳۷۸

۱- ماده تاریخ خطیب را مرحوم معلم در "مکارم الآثار" ج ۸ ص ۳۰۲۳ ذکر کرده ولی سال وفات را به اشتباه ۱۳۵۲ نوشته است. جهت شرح حال میرزا محمود ر.ک: "شرح مجموعه گل" اثر نویسنده.

۲- فرزندش مرحوم حاج میرزا عبدالحسین سمسارزاده، بانی طبع "ترتیب التهذیب"، "حجه الاسلام" و "منتخب مقاتیح الجنان" نیز در شعبان ۱۴۰۹ق وفات کرد و در بقعه تکیه تویسرکانی مدفون شد.

یادش ز یاد عالم عامل نمی رود

طوبی له، نوشت به تاریخ او "خطیب"

شعری که یاد سائر و راحل نمی رود

مهدی به دل درآمد و گفتا "لسان دین":

"مهدی ز چشمم اگر چه شد از دل نمی رود"

(۱۳۵۳)

۱۳. ماده تاریخ چاپ قرآن کریم با تفسیر مولوی

(۱)

شد حسین مولوی ابن محمد کامیاب

زانتظام طبع و نشر این کتاب مستطاب

بود توفیق و سعادت یاور و یارش که شد

خدمتش در شرع پاک احمدی کامل نصاب

این کلام الله جامع، با اشارات شریف

والدینش را شفاعت خواه باشد در حساب

هر مقامی را مناسب از تفاسیر آنچه بود

کرد در آیات اشارت، تا شود قاری مثاب

معتصم بر عترت و قرآن شد از پاکئی نفس

حبذا حسن سعادت، مرحبا حسن المآب

درّه الله، اجرش با خداوند کریم

خوش به حالش روز محشر، زاده الله الثواب

بس ریاضت ها کشید از جمع تفسیر صحیح

ص: ۳۷۹

۱- با تشکر از جناب آقای مجتبی ایمانیه که نسخه چاپ سنگی قرآن کریم چاپ مولوی را در اختیار نگارنده نهاد.

تا مرتب گشت از متن و حواشی، این کتاب
کار هر کس نیست اقدام، این چنین در کار خیر
می برد نفس خدا جو، این چنین گوی ثواب
باقیاتی بهتر از قرآن نباشد صالحات
این کلام حق، بس او را شافع یوم الحساب
هر که را توفیق خواندن شد میسر خالصا
باید الحمدی نماید هدیه بهر آن جناب
در هزار و سیصد و پنجاه و پنج از حسن طبع
خاتمت جست این کلام الله و بیرون شد ز چاپ
بهر تاریخش ز روح القدس ملهم شد "خطیب"
شاید آن ناچیز هم زان فیض گردد بهره یاب
حافظ قرآن اله (۳۶) اندر میان جمع گفت:
"از حسین مولوی ماند این کتاب مستطاب"
(۱۳۱۹)

۱۴. ماده تاریخ آب انبار مسجد رکن الملک (۱۳۲۵)

(۱)

از همت رکن الملک، معمور صفاهان شد
در مسجدش آب انبار سرچشمه حیوان شد
نوشاندش از کوثر، هر لحظه عوض حیدر
کین آب روان پرور، زان منبع احسان شد
خواهی اگرش اطوار، بنگر تو بدین آثار

کاین مسجد و آب انبار، شر ذمه ای از آن شد
می جست "خطیب" از غیب، تاریخ که ذوقش گفت:
"این صرح ممرد نیز بنیان ز سلیمان شد"

۱۵. ماده تاریخ ساختمان آب انبار تکیه کازرونی (۱۳۴۰)

کرد حسین این اساس بهر حسین شهید
آب چو نوشی بکن لعنت حق بر یزید
نوش نما زین فرات، لعنت پیوسته کن
بر پسر سعد و شمر، ابن زیاد پلید
نعمت و عرش خدای دم به دم افزون کناد
عزت و اقبال باد، روز به روزش مزید
ز آب برون شد یکی، گفت مورخ "خطیب":
"آب چو نوشی بکن لعنت حق بر یزید"



این است سلیل مصطفی، ناشر علم

فرزند جلیل مرتضی، باقر علم

در مذهب پاک جعفری، اعلم عصر

این سید موسوی بود ذاخر علم

معمور شود درجه، کز آن این دُر خاست

کز آن صدف آمد این دُر فاخر علم

کردند طلب شمایلش را ز "خطیب"

جمعی ز بلاد دور، از آن تاجر علم

آورد ادب به جمع تاریخش گفت:

"منصور من الله شود ناصر علم"

ص: ۳۸۲

سارعوا بالأربعین الهاشمیه یا کرام!
می نماید مسلک حق را به برهان تمام
کرد تدوین اربعین را بهر ارشاد عموم
نخبه الأبرار، نجل طیب خیر الأنام
آن امینه در اساس دین حق، بیت امین
آن گلاب ناب گلزار رسول، او را سلام
درّها لله، از آن بانوست این خیر کثیر
باید از فیضش نمایند اهل دانش اغتنام
روح و ریحان کرده بذل اندر کتاب اربعین
مشک افشانده ز نوک خامه، آن شیرین کلام
آری آری طیب از طیب همی راند سخن
آری آری طاهر از طاهر همی گیرد زمام
خواهی ار شیرین شود کامت ز تحقیقات وی
جو به تعبیرات تنمیقات لبش اعتصام

ص: ۳۸۳

۱- این کتاب ارجمند از آثار بانوی مجتهده اصفهانی است. وی در سن چهل سالگی به قوه استنباط احکام دست یافت و پس از نگارش این کتاب و استجازه از برخی از مراجع نجف اشرف و پاسخ به سؤالات علمی آنان به دریافت اجازه اجتهاد نایل گردید. آیات عظام: شیخ محمد کاظم شیرازی و سید ابراهیم اصفهانانی با عنایت به این کتاب و پاسخ های مکتوب او قوه اجتهادش را تصدیق کردند. آیه الله العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری نیز اجازه آیه الله شیرازی را تأیید نموده و این بانوی بزرگ را نایل به مرتبه اجتهاد دانست. علامه شیخ محمد رضا نجفی نیز اجازه روایتی مفصلی برای بانو نگاشته و کتاب اربعین او را حاوی انواع علوم و محیی رسوم و حلال بسیاری از مشکلات علمی و روایی دانست.

بس لطائف جسته طبعش در اشارات بدیع
بس لثالی سفته کلکش حاوی خیرالکلام
باید از انوار آن مکنونه کردن کسب نور
کز درون شد جلوه گر از خاندان احتشام
فخر نسوان بر رجال این بس که بانویی چنین
داده دادِ علم و فضل از دوده فخر انام
مادر ایام باشد از چنین بنتی عقیم
که از او ماند بجا در صفحه ایام، نام
می سزد زین سیده، سادات جویند افتخار
شاید از تمجید وی یابد دواوین ارتسام
ستر علیا ز اصل طه، بضعه پاک امین
که روانش کرده جا در غرفه دارالسلام
بخ از آن نخل شرف کاین گونه ماند از وی اثر
اصل پاک این گونه ریزد شربت شیرین به کام
آفرین بر عنصر پاکی کز او ماند این سلیل
که به نشر شرع اطهر کرده در عمرش قیام
مرحبا اهلاً وسهلاً، حَبْنَدَا طُوبَى لَهَا!
با رسول الله جَدِّش حشر یابد مستدام
أَجْرَتِ أَى صَدِيقَةٍ! با جَدَّتِ رَسُولِ هَاشِمِی
در بهشت حق دهد در جنه المأوی مقام
کس نداند حق تو جز مالک الملک قدیم
از کرم داند چه بخشاید مقامت در قیام

از پی تاریخ نشر آن کتاب مستطاب

جست از روح القدس یاری "خطیب" نیک نام

"یا" شد از بهر ندا بیرون ز جمع و گفت فاش:"

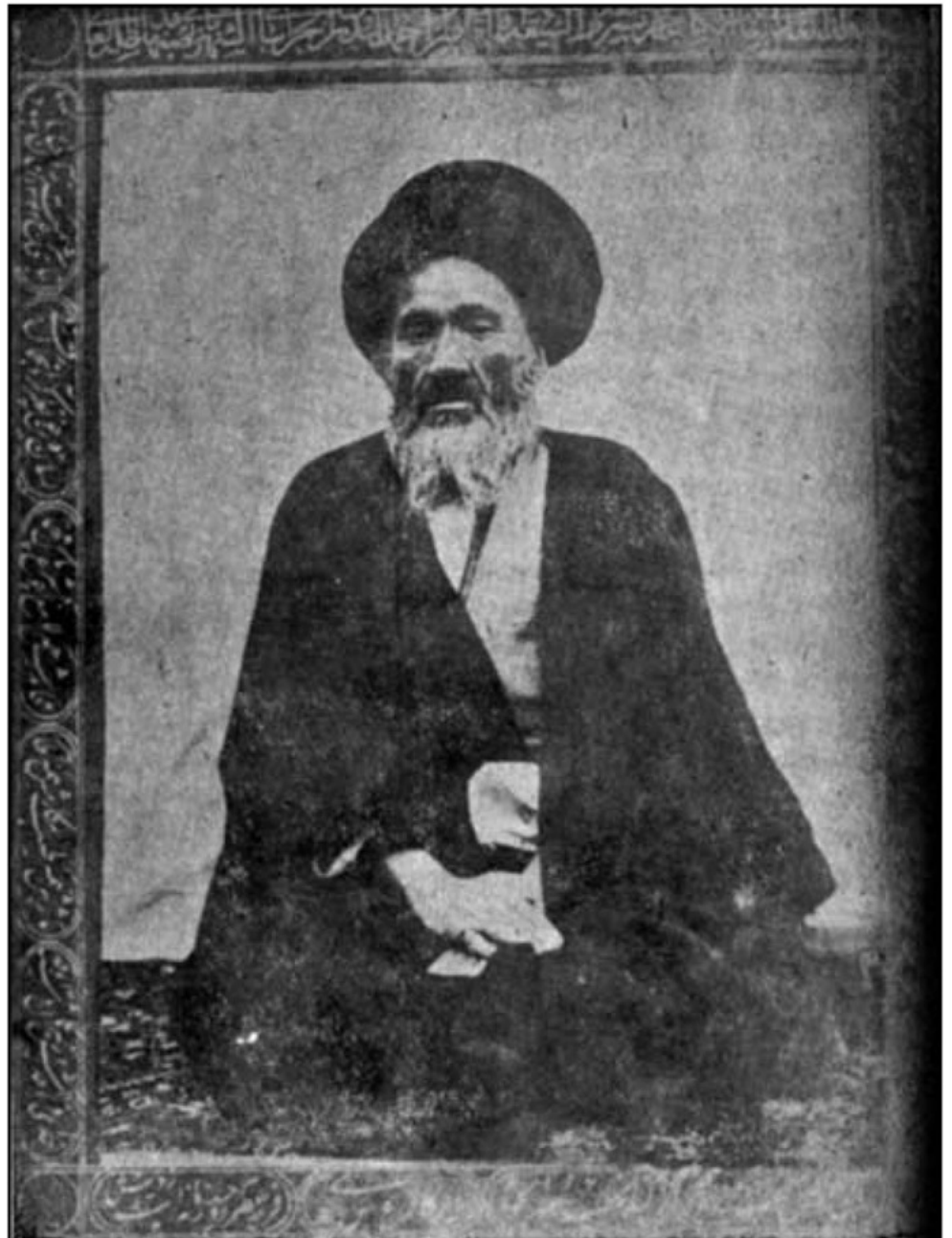
"سارعوا بالأربعین الهاشمیه یا کرام!"

کرد تکرار از پی تاکید و تاریخش نوشت:

"می نماید مسلک حق را بیرهان تمام"

(۱۳۵۵)

۱۸. شعر تمثال آیه الله میرزا احمد مدرس خراسانی



از آثار خوشنویسی مرحوم خطیب دو مورد قابل توجه است:

۱. کتیبه سردر مدرسه صدر بازار اصفهان.

۲. کتیبه سردر آب انبار کازرونی در تخت فولاد که شعر آن هم از اوست.



مواضع سیاسی

چنانچه اشاره شد خطیب از طرف امام جمعه اصفهان منصب خطابت داشته است.

از نکات قابل تأمل در زندگی خطیب، همکاری او با حکومت در امر سربازگیری، و عدم همراهی با علمای مهاجر به قم در اعتراض به این امر (به سال ۱۳۴۶ق) است.

ص: ۳۸۶

در نامه ای که حکومت اصفهان به وزارت دربار پهلوی نگاشته آمده:

"آقای میرزا عبدالجواد خطیب یکی از اشخاصی است که در قسمت سربازگیری فوق العاده خدمت به دولت نموده و همه روزه در مجالس سربازگیری حاضر و تا حدود امکان، از خدمت و مساعدت های لازمه در این موضوع خودداری نکرده، و اخیراً هم که آقایان از قم به اصفهان وارد شدند، طرف اغراض و بغض آقایان واقع شده؛ به علاوه چون شخصاً آدم ادیب فاضل محترمی است، از طرف دولت هر نوع کمک و مساعدتی که مقتضی باشد درباره مشارالیه بفرمایند که خدمات و زحمات او جبران شده باشد."

وزارت دربار در جواب نوشته است:

"نسبت به آقای "مکرم" همیشه مساعدت شده و خواهد شد. نسبت به آقا میرزا عبدالجواد خطیب هم در موقع خود مساعدت خواهد شد." (۱)

در نامه دیگری از شخصی به نام اخگر چنین آمده:

"در اوایل شروع به تشکیل مجلس سربازگیری در اصفهان و پیدایش آن انقلابات شهری، هیچ یک از علماء یا روحانیون برای قبول عضویت مجلس حاضر نشده و چند روزی در نتیجه فقدان نماینده مذکور، امور مجلس در حال وقفه بود، تا این که آقا شیخ

عبدالجواد خطیب، شخصاً بدون آن که از روحانیون و مخالفین ملاحظه نموده، یا محافظه کاری ظاهری را رعایت نمایند، عضویت مجلس را قبول، و در واقع با این اقدام، امورات ساکن شده را اعاده نمود.

ص: ۳۸۷

۱- فرازی از زندگانی سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی به روایت اسناد ص ۱۳۶.

پس از این که علما از قم مراجعت نمودند، آقای خطیب را با یک اقدامات جدی منفور و محدود نموده، و به قسمتی از امورات شهری ایشان لطمه های سنگین وارد ساخته، و بالاخره در شهر به کلی بر علیه احترامات و مقامات ایشان عملیات جدی نموده، خساراتی وارد ساخته اند .

این است که مراتب را بدین وسیله معروض و مسئلت صحت و موفقیت حضرت اجل را می نماید" (۱).

خطیب در این رابطه اشعاری را برای "مقام منبع بندگان عظمت حضرت اشرف آقای وزیر دربار" بدین شرح فرستاده است: (۲).

مرا کردند هو، همشهریانم

که کردم امتثال امر والی

که اندر مجلس سرباز گیری

شدم حاضر به حسب امر عالی

به هو هو از مقامم پست کردند

گروهی هوچیان لابلالی

گرفتارم کنون در کلبه غم

چو بو تیماری از بشکسته بالی

لزوماً مقتضی شد حال خود را

نمایم عرض در دربار عالی

ص: ۳۸۸

۱- همان ص ۱۳۸.

۲- همان ص ۱۳۹.

دگر تا اقتضای همّت ملک

چه باشد بعد عرض حسب حالی

دوام دولتش را خواستارم

مدام از پیشگاه لایزالی

فقط امیدها در وعد لطفی است

که فرمود آن وزیر بی همالی

وفات

اشاره

خطیب در شب سه شنبه ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۵۹ وفات یافت و در سمت جنوبی آب انبار کازرونی مدفون گردید. بر سنگ مزارش چنین آمده است:

"بسم الله الرحمن الرحيم كل شيء هالك إلا وجهه. وفات مرحوم مغفور مبرور آقای ملاً عبدالجواد خطیب لسان الدین، ولد مرحمت و غفران پناه آقا ملاً عبدالله، حشرهما مع الائمة المعصومین، روز بیست و یکم ربیع الاولی، مطابق با دهم اردیبهشت ۱۳۱۹. عمل مشهدی قنبرعلی جار دهقی ابن محمد تقی".

مرثیه میرزا حبیب الله تبر

(۱)

خطیب آن جامع فضل و خط و قدس

که او را بود گنج علم، مکنت

شدی عبدالجوادش نام در شعر

بُد استاد آن لسان دین و سنت

ص: ۳۸۹

بشد افزون ربیع الاول از بیست

به مرگ آسوده گشت از رنج و محنت

چو شد "نیر" پی سال وفاتش

بگفتش هاتف و بنهاد منت

که چون بای "خطیب" آری میان، گوی:

"لسان الدین خطیب آمد بجنت"

فرزندش مرحوم علی خطیب، ادیب خطاط، از خوشنویسان اصفهان در جنب پدر مدفون گردید.

ص: ۳۹۰

اشاره

عالم فاضل کامل و ادیب شاعر.

تولد و تحصیلات

وی در حدود سال ۱۳۰۰ق در قریه دهاقان سمیرم متولد شد.

در اصفهان و قم و نجف اشرف نزد جمعی از بزرگان علما تلمذ نمود تا به مقامات عالی رسید و اجازه روایت و اجتهاد دریافت کرد.

وی سال ها در مدرسه میرزا حسین در محله بیدآباد سکونت نموده و به مطالعه و تدریس سطوح فقه و اصول و ادبیات اشتغال داشت.

اساتید

۱. میرزا احمد اصفهانی

۲. شیخ علی مدرّس یزدی

۳. سید احمد خوانساری

۴. میرزا اسماعیل دهاقانی (۱)

۵. شیخ محمد تقی آقاجفی

۶. میر محمد صادق خاتون آبادی

ص: ۳۹۱

۱- اساتید یاد شده را مرحوم محمد ابراهیم جواهری در کتاب علوم و عقائد (ص ۱۰۲) ذکر کرده است.

۷. شیخ محمد حکیم خراسانی

۸. میر سید علی نجف آبادی

۹. علامه شیخ محمد رضا نجفی

۱۰. آقا سید محمد باقر درچه ای

۱۱. حاج شیخ عبدالکریم حائری

۱۲. آقا ضیاءالدین عراقی (۱)

برخی از مشایخ اجازه او عبارتند از آیات عظام: (۲)

۱. آقا سید ابوالحسن اصفهانی

۲. آخوند ملا محمد حسین فشارکی

۳. حاج شیخ عبدالکریم حائری

۴. سید محمد تقی خوانساری

۵. سید صدرالدین صدر

تالیفات

وی تقریرات اساتید خود آیات عظام: درچه ای، حائری یزدی و آقا ضیاءالدین عراقی را نوشته و یک دوره کامل فقه نیز مرقوم نموده است. (۳)

ص: ۳۹۲

۱- نام اساتید فوق را مرحوم مهدوی در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ذکر کرده است.

۲- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۳۷۰.

۳- تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان ج ۳ ص ۳۷۰.

دیوان شعری هم از او موجود است. (۱)

وفات

وی در پنج شنبه ۲ جمادی الاولی سال ۱۳۸۹ ق در اصفهان وفات یافت و در جنوب تکیه مقدّس

مدفون گردید.

ص: ۳۹۳

۱- سیمای دهاقان ص ۲۸۷.

اشاره

عالم فاضل، امام مسجد درب کوشک.

تولد و تحصیلات

وی در سال ۱۳۱۰ق در فریدن متولد شد. (۱)

در حوزه علمیه اصفهان تحصیل نمود و به مراتبی از علم و کمال دست یافت.

برخی از اساتید ایشان عبارتند از: (۲)

۱. آقا سید ابوالقاسم دهکردی

۲. حاج سید ابوالحسن بروجردی

۳. میر محمد صادق خاتون آبادی

۴. آخوند ملا حسین فشارکی

۵. سید محمد نجف آبادی

۶. شیخ محمد حکیم خراسانی

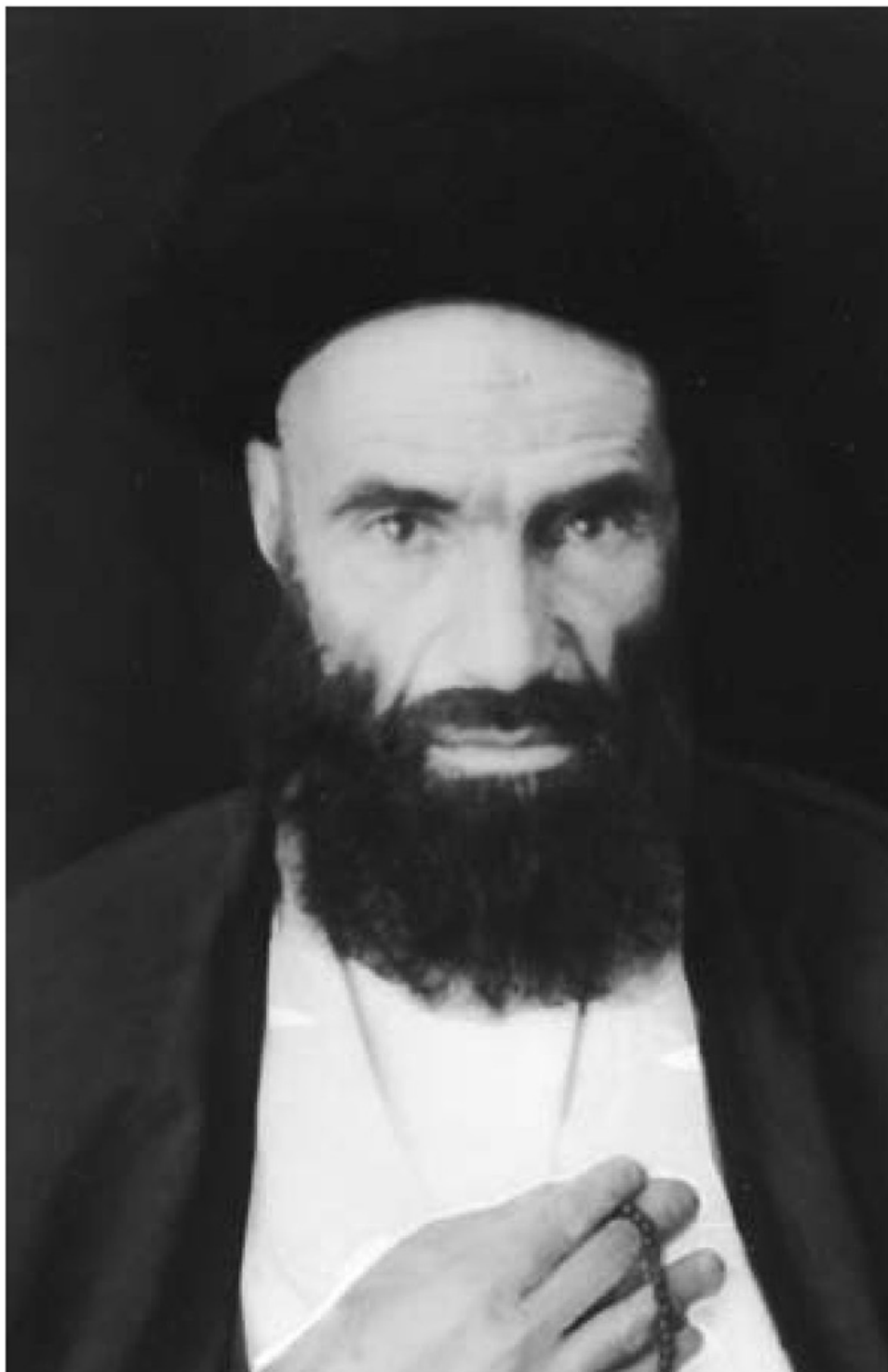
۷. حاج شیخ مهدی نجفی

او عالمی زاهد و پارسا بود و به نوشته مرحوم میرزا حسن خان جابری: با کمال

ص: ۳۹۴

۱- تاریخ اصفهان جابری ص ۲۹۲.

۲- همان.



وفات

وی در ۲ ربیع الثانی ۱۳۸۴ ق وفات یافت و در تکیه مقدس مدفون گردید.

سنگ نوشته مزارش چنین است:

"قد ارتحل من دارالمحنه والغرور الی دارالبهجه والسرور، حجه الاسلام، السید الزاهد العالم العامل، الحاج سید ابوالقاسم الموسوی الشهیر بأمیر شاهکرمی الخوانساری، ابن المرحوم المبرور حاج سید محمد هاشم، جعله الله فی جوار رحمته، فی یوم الاثنین الثانی من شهر ربیع الثانی ۱۳۸۴،

۱۹ مرداد ۱۳۴۳."

ص: ۳۹۵

۱- همان.

اشاره

عالم فاضل زاهد.

تولد و خاندان

اشاره

وی در سال ۱۲۹۸ق متولد شد. پدرش میر سید محمد مهدی فرزند عالم ربانی سید ابوالحسن فرزند آیه الله العظمی سید صدرالدین عاملی بود.

آیه الله العظمی سید صدرالدین عاملی

محدث فرزانه حاج شیخ عباس قمی در "منتهی الآمال" می نویسد:

سید الفقهاء کاملین وسند العلماء الراسخین، أفضل المتأخرین، أكمل المتبحرین، نادره الخلف وبقیه السلف، ذوالبیت العالی العماد والحسب الرفیع الآباء والأجداد؛

والده اش دختر شیخ علی بن شیخ محی الدین بن شیخ علی سبط شهید ثانی است.

ووالدش سید سند و رکن معتمد آقا سید صالح، سبط شیخنا الأجل شیخ حرّ عاملی است؛

چه آن که والد ماجدش آقا سید محمد تلمذ کرده بر شیخ حرّ عاملی و تزویج کرده کریمه او را، وحق تعالی روزی فرموده او را از آن مخدره جلیله، سید صالح که از اعلام علماء عصر خود و مرجع ریاست امامیه در بلاد شامیه بوده. ولادتش سنه ۱۱۲۲ و هجرتش از جبل عامل

به عراق به سبب ظلم و تعدیات احمد جرّار در سنه ۱۱۹۷ بوده. در نجف اشرف سکنی گرفت و در سنه ۱۲۱۷ وفات کرد...

سید صدرالدین در حجر والدش تربیت شده و در سنه ۱۱۹۷ از جبل عامل به اتفاق والدش به عراق آمد و در نجف ساکن شدند، و در سنه ۱۲۰۵ که سنش به دوازده سال رسیده بود به کربلا مشرف شد و به درس استاد اکبر آقای بهبهانی و درس علامه طباطبائی بحرالعلوم حاضر شد.

گویند: سید بحرالعلوم مشغول به نظم "درّه" بود و هرچه به نظم در می آورد بر او عرضه می فرمود؛ به جهت مهارت او در فن شعر و ادب. و در سنه ۱۲۱۰ از صاحب "ریاض" اجازه طلبید، سید ریاض او را اجازه داد و تصریح کرد به اجتهاد او در احکام.

و شیخ اکبر صاحب "کشف الغطاء" دختر خود را تزویج اونمود، و حق تعالی آقا سید محمدعلی معروف به آقا مجتهد را که نادره عصر و یگانه دهر بود از آن مخدره به او مرحمت فرمود.

و بعد از چندی که ساکن نجف اشرف بود به عزم زیارت حضرت امام رضا علیه السلام به خراسان سفر کرد و طریق مراجعت را از یزد و اصفهان قرار داد، و چون به اصفهان رسید در آنجا اقامت فرمود و مرجع تدریس و قضا گردید. جماعتی از علما بر او تلمذ کردند، و از جمله شیخ الطائفه علامه انصاری و سید صاحب روضات و برادرش و آقا سید محمد شفیع صاحب "روضه".

و این سید جلیل، بگاء و کثیر المناجات... و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار ساعی بود و اقامه حدود به اصفهان می نمود.

و این بزرگوار زاهد و قانع و کثیر العیال بود، و به همان نحو که در نجف زندگانی

می! کرد در اصفهان نیز زندگانی کرد.

و در آخر عمر ضعف و استرخائی در اعضایش عارض شد شبیه به فلج و در خواب دید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود که: تو میهمان منی در نجف. دانست که وفاتش نزدیک است.

از اصفهان حرکت کرد به نجف اشرف و در سنه ۱۲۶۴ در آن جا وفات کرد و در حجره ای که در زاویه غربیه صحن مطهر است متصل به باب سلطانی به خاک رفت. (۱)

و آقا سید صدرالدین را مصنفات بسیار است که در "روضات الجنات" و "فوائد

الرضویه" مذکور است و صاحب روضات ترجمه او را نگاشته و گفته که نهایت شفقت

با من داشت و اعانت کرد مرا بر تصنیف "روضات". (۲)

سید ابوالحسن عاملی

عالم زاهد ربانی. در سال ۱۲۴۳ ق متولد شد. از تحصیلات و مقام علمی او

اطلاعی در دست نیست ولی در منابعی که نامش ذکر شده به زهد و تقوا و عبادت او

اشاره گشته و در این جهات مورد ستایش فراوان واقع شده است.

علامه سید عبدالحسین شرف الدین می نویسد:

"كان عالماً ربانياً متجرداً للمعارف والعباده والزهد والانزواء وترك المعاشره

للناس. حدث عنه بذلك كله صنوه حجه الاسلام السيد اسماعيل، قدس سرهما، وذكره

مره فقال: كان جمال السالكين والعارفين، دائم العباده والمراقبه، لا يترك الرواتب

وصوم الايام المندوبه، دائم الذكر والفكر.

ص: ۳۹۸

۱- منتهی الآمال تصحیح حسین استادولی ج ۲ ص ۳۴۲ - ۳۳۸.

۲- منتهی الآمال تصحیح حسین استادولی ج ۲ ص ۳

. قلت: وجدّی الصدوق ابوالحسن الهادی یثنی علیه ثناء بلیغاً ویدکر من علمه وورعه وزهده وعبادته وانقطاعه إلى الله تعالی شیئا کثیراً" (۱).

آیه الله علامه سید حسن صدر نیز می نویسد:

"کان من العلماء الریانین المتجردين للمعارف والعباده والزهد والانزواء وترك المعاشره. لم اره ولكنی سمعت اوصافه الحمیده من الاهل والارحام خصوصا من اخیه السید حجه الاسلام السید اسماعیل الصدر" (۲).

علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی می نویسد:

"عالم تقی وعباد زاهد. کان اخوه العلامه السید اسماعیل یثنی علیه کثیراً وحدّثنی أنّ تقواه وعزلته وانصرافه إلى العباده كانت سجیته إلى أن توفّی بعد ۱۳۰۰" (۳).

این عالم ربّانی در سال ۱۳۱۴ق در اصفهان وفات کرد (۴) و در صحن تکیه علامه شیخ محمد تقی رازی نجفی مدفون شد.

وی دارای ۱۵ اولاد بود که ۹ نفر از آنان در کودکی از دنیا رفتند.

یکی از فرزندان: سید محمد مهدی عاملی است که اهل زهد و تقوا بوده و در سال ۱۳۱۴ق وفات کرده و دو فرزند پسر داشته:

ص: ۳۹۹

۱- بغیه الراغبین ج ۱ ص ۱۷۶.

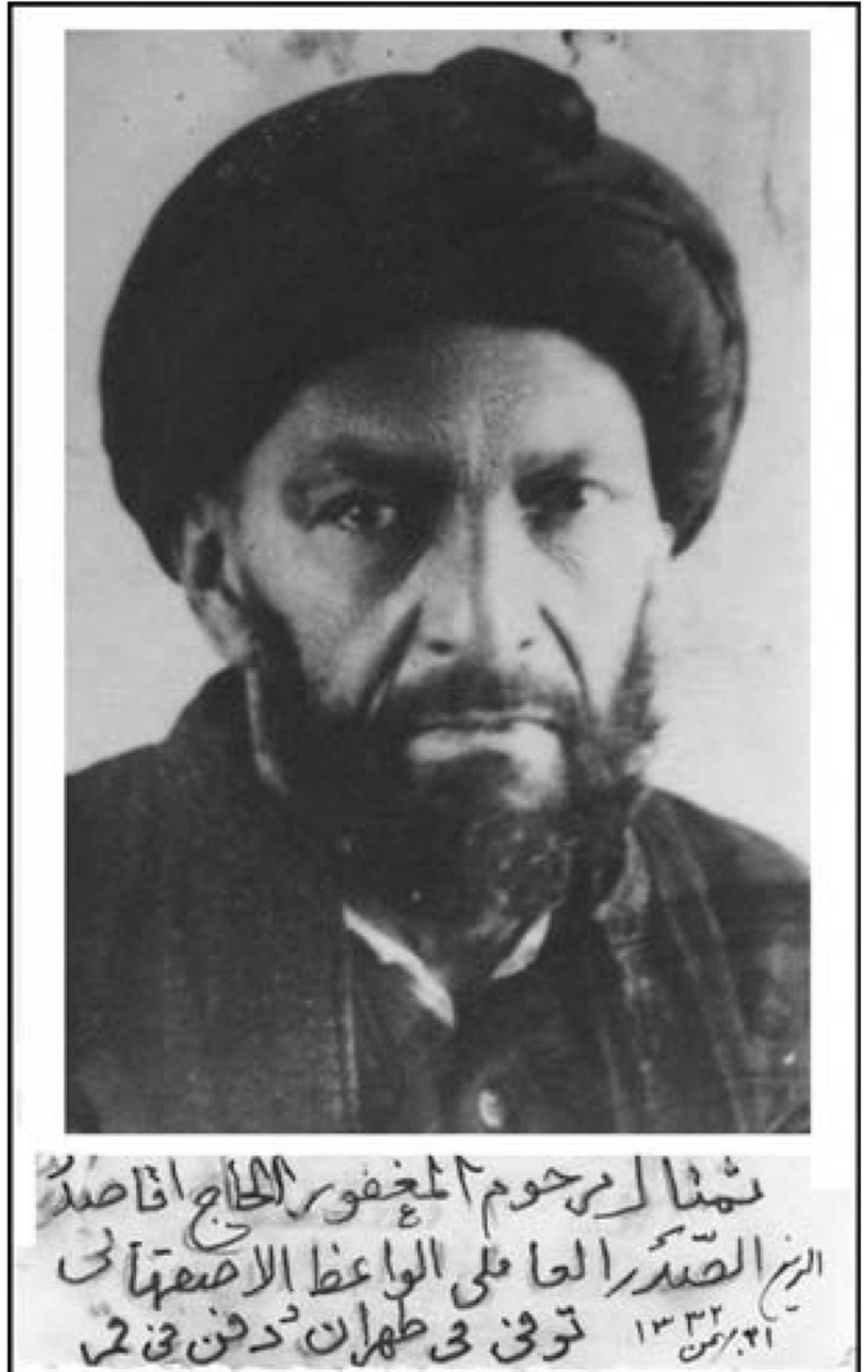
۲- تکمله امل الآمل ج ۱ ص ۴۱۶.

۳- نقباء البشر ج ۱ ص ۳۷.

۴- بغیه الراغبین ج ۱ ص ۱۷۶.

۱. حجه الاسلام سيد صدرالدين صدر عاملی

از وعاظ معروف که در سال ۱۳۰۶ متولد و در ۲۵ جمادی الاول ۱۳۷۲ ق وفات کرده و در قم مدفون شد. (۱)



۲. عالم ربانی سيد اسدالله مستجاب الدعواتی

ص: ۴۰۰

۱- فرزندش: سيد مهدی صدر عاملی نیز از ائمه جماعت و وعاظ تهران و داماد آیه الله العظمی سيد صدرالدين صدر بود. وی در سال ۱۳۳۲ ق

متولد شد. در قم و تهران درس خوانده و از دانشکده معقول و منقول لیسانس دریافت نموده و عمر خود را به اقامه جماعت و تدریس و خطابه گذراند. او در ماه ربیع الثانی ۱۴۰۶ ق وفات کرد و در شهر مقدس قم مدفون شد. از آثارش کتاب "کلام قدسی" در تفسیر آیه الکرسی چاپ شده است.

مرحوم سید اسدالله عالمی فاضل و باتقوا بود. وی در اصفهان نزد علمای زمان از جمله آیه الله شیخ محمدتقی آقاجانی و علامه شیخ ابوالمجد محمد رضا نجفی تحصیل نمود.

سپس با دایر کردن مکتب خانه که بعدها به دبستان شش کلاسه "صدریه" تبدیل شد، به تعلیم کودکان و نوجوانان پرداخت و آنان را با علم و ادب و دیانت آشنا نمود.

آنگاه به دعوت برخی از مسئولین به دادگستری رفت و با کمال تدین و پارسایی به خدمت پرداخت.



آقا سید اسدالله مستجاب الدعواتی - حاج سید لکد صدر عاملی - حاج سید علی نقی صدرزاده - سید جمال صدرزاده
حاج آقا سید حسن صدر عاملی - حاج سید صدرالدین صدر عاملی

آیه الله سید مرتضی مستجابی درباره پدر بزرگوار خود می نویسد:

پس از پایه گذاری دبستان صدریه ناچار به وزارت فرهنگ منتقل شده و در مدارس علیّه آن

زمان مشغول تدریس شدند. و از آنجا به خواهش برخی مثل مرحوم آقا سید جلال صدرزاده که از عموزادگان ایشان بودند و در وزارت دادگستری از صاحب منصبان محسوب می شدند، به وزارت عدلیه دعوت شدند تا کارهای ژرف و مشکل دادگستری که کمتر اشخاص، مطلع بودند با نظر مستقیم ایشان حلّ و فصل شود. در هر حال ایشان بسیار محترم بودند، چنانچه روزی از رئیس عدلیه وقت عصبانی شده و قلمی که در دست داشتند را به صورت او پرتاب کردند که به صورت رئیس خورد و به او گفتند: تو را یک قلم داده اند، اگر شمشیر داده بودند چه می کردی؟! و همان روز با لباس روحانیت به طرف عراق حرکت کرد.

پس از چند روز تلفن زدند که من به اصفهان حرکت کردم. بنده با چند ماشین از رفقا و اهل علم و گویندگان به استقبال رفتیم.

یکی از رفقا پرسید: چرا به این زودی باز گشتید؟

فرمودند: من در حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول نماز بودم. پس از خاتمه نماز، کسی به پای من افتاد. او را بلند کردم، دیدم رئیس عدلیه اصفهان است که به عراق آمده که مرا برگرداند.

معلوم می شود که در آن ظلمات، مردمانی بدین پاکی هم وجود داشته اند.

در هر حال تا پایان عمر در عدلیه مشغول گره گشایی از کار مردم و دژ

وفات

این عالم وارسته عمری با تقوا و پارسایی و عبادت خالق و خدمت به مخلوق به سربرد و در روز چهارشنبه ۸ رمضان ۱۳۸۷ ق وفات کرد و در تکیه مقدّس مدفون گردید. سنگ نوشته مزارش به خط مرحوم حسام الواعظین چنین است:

"قد ارتحل من مضیق نشأه الفانی إلى عالم الباقي، العالم الصمدانی والعارف الربّانی، السيد السعيد آقا سيّد اسدالله مستجاب الدعواتی، ابن مرحوم مير سيّد مهدي، طاب ثراهما، في يوم أربعاء ثامن شهر الصيام سنه ألف وثلاثمائة وسبع وثمانين بعد الألف من الهجرة النبويه، على هاجرها آلاف من التحيه والثناء".





درمانگاه امام موسی صدر اهدایی مرحوم سید اسدالله مستجاب الدعواتی

۱. حجه الاسلام والمسلمین حاج سید محمد علی مستجاب الدعواتی

عالم فاضل پارسا. در سال ۱۳۴۲ق متولد شد. در اصفهان و قم و دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرد و در تهران به تدریس در آموزش و پرورش و اقامه جماعت در مسجد قمر بنی هاشم و وعظ و ارشاد مردم پرداخت.

وی در تیر ماه ۱۳۸۰ش وفات کرد و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد.

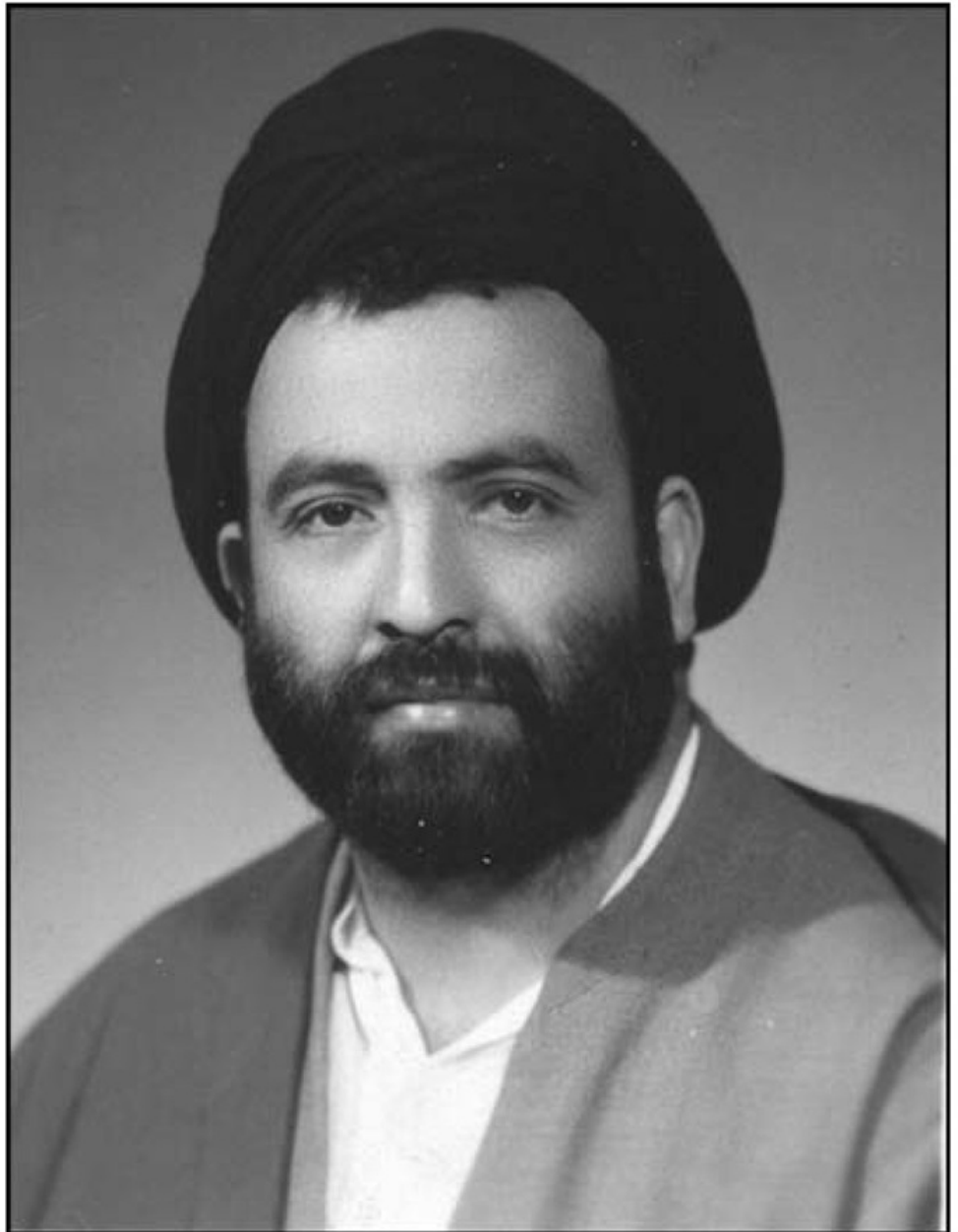


۲. آیه الله حاج سید مرتضی مستجابی

از علمای جلیل القدر معاصر اصفهان.

وی در سال ۱۳۰۲ش متولد شد. پس از طی تحصیلات مکتب خانه و دبستان، کتب درسی ادبیات عرب را با قسمتی از "شرح لمعه" از محضر پدر بزرگوار و برخی دیگر اساتید فراگرفت.

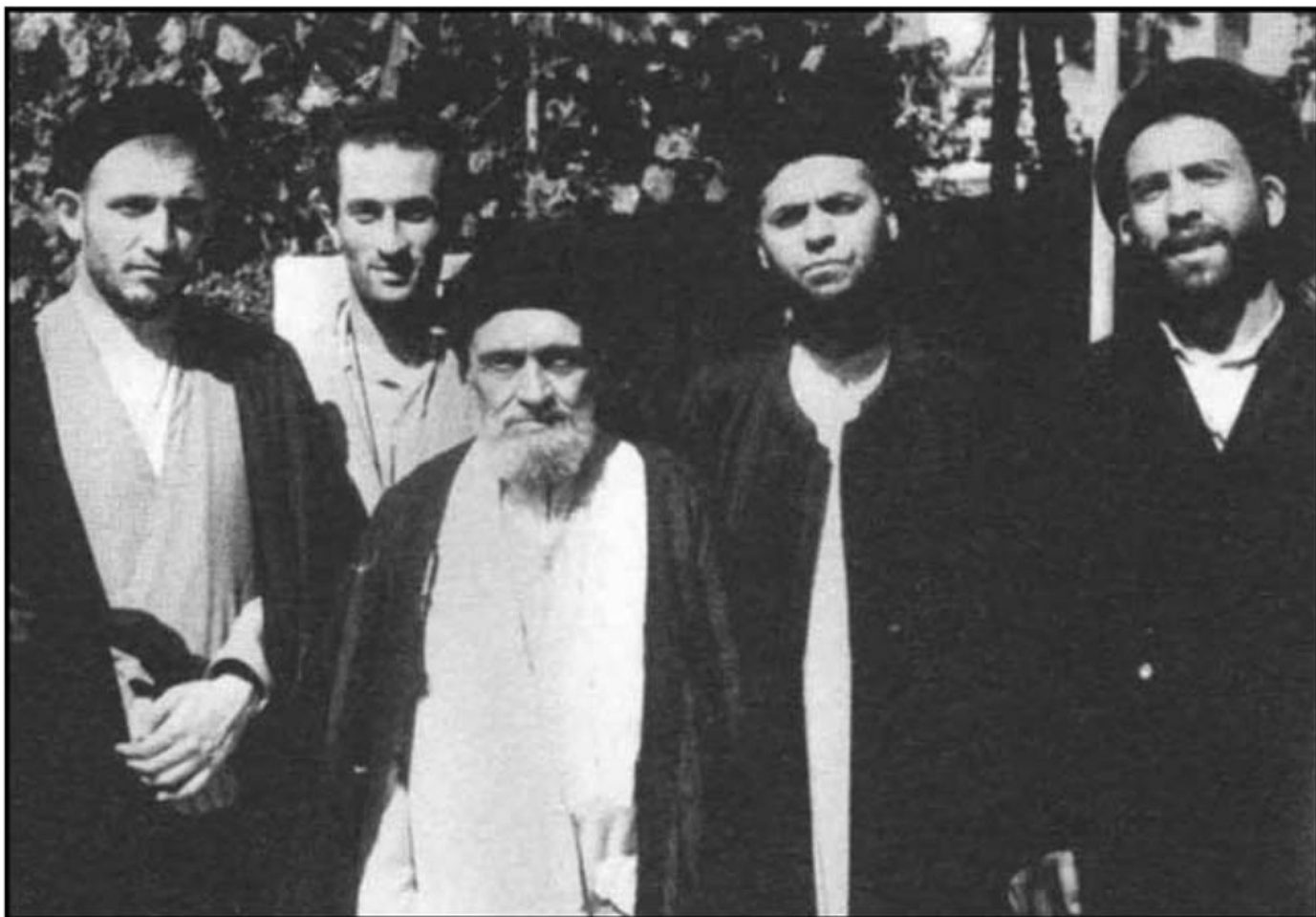
سپس به تهران رفت و در مدرسه مروی ساکن گشت و از درس علمایی چون: عالم زاهد آیه الله شیخ عبدالرزاق قائینی، سید علی اکبر فشارکی (آیه الله زاده اصفهانی) سید صدرالدین جزایری، شیخ محمد حسین کنی، شیخ عباس همدانی، سید محمد مشکاه و سید محمد کاظم عصار بهره برد.



آن گاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و به خواسته علامه امینی در مدرسه آخوند ساکن شده و به درس و بحث پرداخت.

سطوح عالی را نزد عالم ربانی شیخ محمد همدانی و شیخ محمد رضا بروجردی فراگرفت و مدتی نیز از درس خارج بزرگان نجف از جمله آیه الله العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی بهره برد و به اخذ اجازه اجتهاد از آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی نایل گردید.

سپس به دستور برخی از مراجع تقلید نجف اشرف، به همراه شهید سید مجتبی نواب صفوی و مرحوم حجهالاسلام سیدهاشم تهرانی جهت مبارزه با انحرافات دینی و مقابله با کسروی و شیخ محمدباقر کمره ای به ایران بازگشت و به فعالیت پرداخت.



وی از رجال معروف و مؤثر دوران ملی شدن نفت و از اصحاب و یاران خاص آیه الله کاشانی بوده و با شهید نواب صفوی و بعدها با امام موسی صدر همکاری

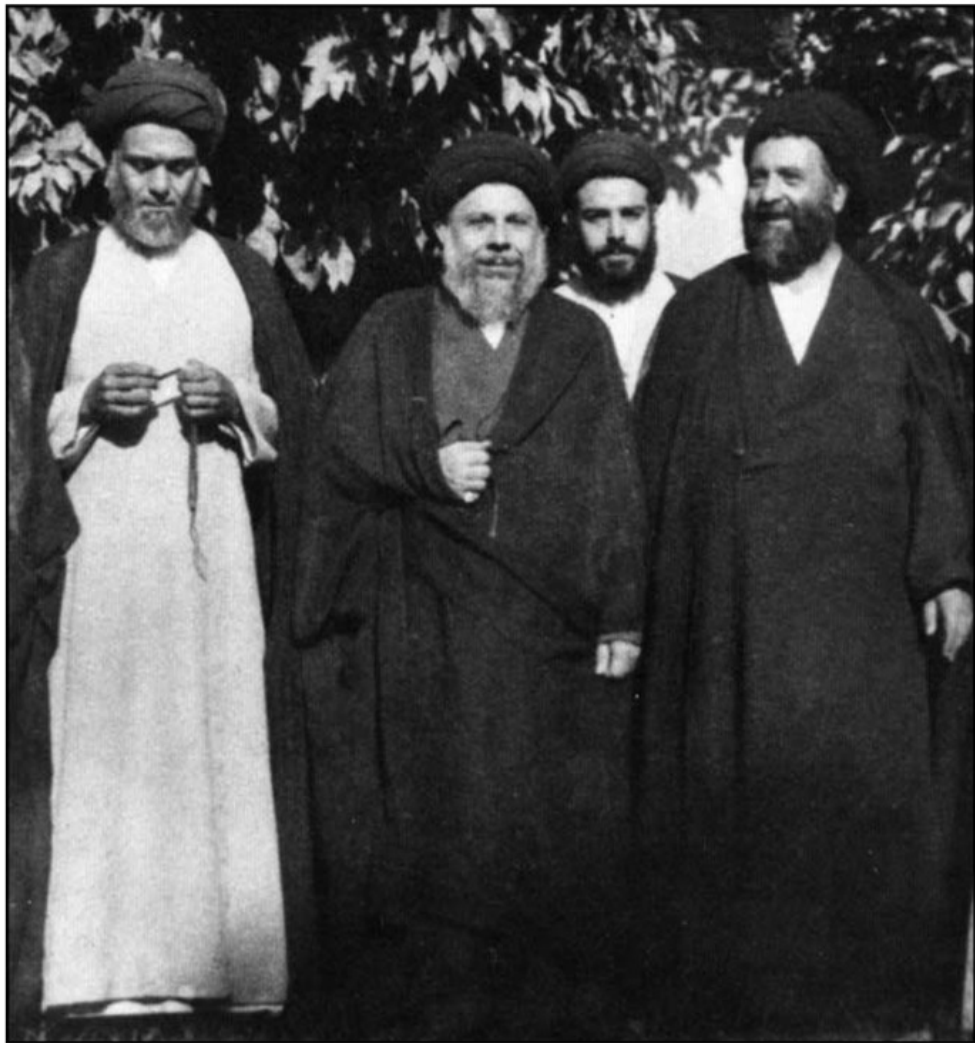


این عالم جلیل پس از اعدام فدائیان اسلام و رهایی از تعقیب دژخیمان طاغوت،

به اصفهان آمد و چون از هرگونه فعالیت مذهبی ممنوع شده بود، به اداره دفتر اسناد پرداخته و سال هاست که در اصفهان به رتق و فتق امور مردم اشتغال دارد.

آیه الله مستجابی از رجال کم نظیر زمان است و در فتوت و شجاعت و سخاوت و

عقل و درایت ممتاز و صفات اخلاقی او زبانزد خاص و عام است.



مرحوم آیه الله سید محمد علی صادقی در مکتوب مورخ ۱۹ ذی الحجه ۱۴۱۰ ق چنین مرقوم فرموده است: "جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مرتضی مستجاب الدعواتی - دام توفیقه العالی - خود عالم وارسته و زاهد با تقوایی هستند و از بیت علم و تقوا و عرفان می باشند و از کسانی هستند که خود را وقف نموده اند برای خدمت به علم و علمای مذهب و خدمت به مستمندان و واماندگان، به حدی که از وصف این بنده ناچیز بیرون است."

مرحوم آیه الله العظمی میر سید علی علامه فانی نیز در اجازه نامه خود می نویسد:

"جناب مستطاب حجه الاسلام والمسلمین، الكامل المهدب، والتقی النقی المهدب،
الذی وقف نفسه القدسیه لخدمه الدین وأهله وإغائه الملهوفین وترویج أحكام القرآن
المبین ونشر آثار جدّه المصطفی فی مشارق الأرض ومغاربها، آقای حاج سید مرتضی
مستجابی دام عزّه وزاد شرفه از اعظم روحانین بالمعنی الاخص و از موالی
قدماء اینجانب و مورد کمال وثوق و اطمینان می باشند، و از طرف این اهل العلم
مجازند در نشر مسائل شرعیه و اقامه جماعت و اخذ حقوق شرعیه...".



آیه الله مستجابی در خوشنویسی و شعر و ادب نیز مهارت دارد و مجموعه مفصلی
از اشعار برگزیده شاعران را با نام "بر سجاده شعر" در شش جلد منتشر ساخته
است. ایشان همچنین پهلوان و پیش کسوت در ورزش های باستانی ایران است.

ادیب شاعر روزنامه نگار.

در سال ۱۲۷۵ش در اصفهان متولد شد. پس از طی دوران کودکی وارد عرصه شعر و ادب شد و در انجمن های ادبی همچون انجمن سعدی و انجمن ادبی اصفهان حضور یافت و با قطعاتی از اشعارش که در روزنامه های آن زمان به چاپ می رساند، در بین مردم اشتهار یافت.

او "پروانه" تخلص می کرد، و یکی از غزل سرایان اصفهان محسوب می شد. بعدها خود بانی و مؤسس انجمن ادبی پروانه شد که مجمع و محفل گرمی برای ادب دوستان بود.

هم زمان با اداره انجمن ادبی، دست به انتشار روزنامه "شمع حقیقت" زد و با تمام سختی ها و مشقات، به اداره کردن هر دوی آنها پرداخت.

شرحی در باب روزنامه شمع حقیقت

این روزنامه بر خلاف نام روزنامه بودنش، هفته ای یک بار و بعضاً بیشتر از یک هفته، در چهار صفحه متوسط در اصفهان منتشر می شد.

مندرجات آن شامل اخبار خارجه و داخله ایران، مخصوصاً شهر اصفهان و بررسی اوضاع نابسامان آن، ارائه داستان های کوتاه، چاپ اشعار اجتماعی از مدیر روزنامه، بررسی مسائل سیاسی و روزمره و مقالات انتقادی نسبت به امور کشور بود.

این روزنامه به مدت سه سال تا سال ۱۳۳۳ش چاپ و منتشر می شد.

"پروانه" که خود از زحمت کشیدگان و رنج بران روزگار بود، در نوشته ها و مقالات خود اشارات زیادی به افراد مستمند و بی نوا داشت.

انتقاداتی که نسبت به مسئولین ادارات و وزارت خانه ها، ابراز می داشت، تمامی در رفع معضلات و پرداختن به حوائج قشر کم درآمد و ناتوان بود.

وی نسبت به مسائل سیاسی زمان خود آگاهی کاملی داشت و آینده این کشور را از آن خود ملت می دانست، لذا همواره توصیه می کرد "در حفظ منافع ملی و حیاتی مردم" باید کوشید. بیگانگان هیچ بهره ای از منابع ملی ما ندارند، پس نباید در برابر آمریکا و انگلیس از منابع نفتی خود کوتاه آمد. (۱)

نمونه اشعار

ماه من تا از رخ زیبا نقاب انداخته

جلوه خورشیدم از چشم پر آب انداخته

شانه بر گیسوی پرچین تا زده آن ماهرو

سایه بر مهر درخشان از سحاب انداخته

کرده تا از پرده بیرون، عارض چون ماه را

بر دل عشاق مسکین، التهاب انداخته

بسته بر هر مو هزاران سلسله دیوانه را

تا به زلف مشک آسا، پیچ و تاب انداخته

ص: ۴۱۲

۱- به نقل از نوشته فاضل ارجمند جناب آقای اخضری.

خال او تا جا گرفته بر لب آب بقا
مرغ دل را روز و شب در اضطراب انداخته
چون که بوده شیوه اش عیاری و عاشق کشتی
کشته در هر سو ز چشم نیم خواب انداخته
شمع روی او نه تنها سوخته " پروانه " را
بلکه آتش بر تن هر شیخ و شاب انداخته

*

**

چو من هر کس به دل عکس رخ جانانه می جوید
ز راه معرفت در خانه، صاحب خانه می جوید
دلم دارد هوای خال رخسار تو ای مهوش
مکن منعی اگر این مرغ مسکین دانه می جوید
ز جان و دل فرو رفتم به دریای غم عشقت
چو غواصی که در دریا به جان دردانه می جوید
نظر بر دولت قارون ندارد عاشق بیدل
که او گنج مراد اندر دل ویرانه می جوید
نیابد زاهد خودبین به قاف قرب تو راهی
ولی عاشق در آن جا همچو عنقا لانه می جوید
چنان حیران شدم بر زلف و رخسار پریروی
که روز و شب دلم در کوی او کاشانه می جوید
نه تنها من اسیر طره طرار دلدارم
علاج خویش از زنجیر، هر دیوانه می جوید

به گرد شمع جانبازی نباشد کار هر بیدل

مگر آن کس که کام خویش چون " پروانه " می جوید

*

**

هر کس در این زمانه به کف سیم و زر نداشت

جز خون دل به سفره، غذای دگر نداشت

گر در دل غنی ز مروت نشانه بود

مسکین، مدام غوطه به خون جگر نداشت

زد غوطه در محیط حوادث ز راه جهل

هر کس ز فضل و دانش و بینش خبر نداشت

آن روزها به خیر که آموزگار خلق

درسی به غیر درس محبت ز بر نداشت

گر سود ملک ما به کف خارجی نبود

این قدر بهر ملت ایران ضرر نداشت

این قدر بهر ملت ایران ضرر نداشت

ورنه صفا و صلح از اول خطر نداشت

گر شمع صلح شعله اش افزون نگشته بود

" پروانه " این قدر به تن و جان شرر نداشت

وفات

" پروانه " برای اعتلای فرهنگ اصفهان کوشش زیادی نمود و سرانجام در پنجم مهرماه ۱۳۵۵ش دارفانی را وداع گفت و در تکیه مقدس به خاک سپرده شد.

شاعر ارجمند استاد میرزا فضل الله خان اعتمادی " برنا " در وفاتش گوید:

گفت "برنا": "سوی نور حبّ یار

بال زد پروانه با شوق وصال"

(۱۳۹۶)

سنگ نوشته: آرامگاه ابدی شاعر گرانمایه محمد علی پروانه حقیقت، فرزند مرحوم عبدالوہاب، تولد: ۱۲۷۵، وفات: پنجم مهر ماه ۱۳۵۵ شمسی.

ای آن که پا نہی سرِ آرامگاه من

افتد به تو ز عالم علوی نگاه من

کردم سفر به عالم علوی ز جان و دل

مدح علی و آل بود توش راه من

ہستم امیدوار کہ در روز رستخیز

بخشد خدا بہ شافع محشر گناه من

اشعار من کہ هست بہ مدح علی و آل

دیوان شعر من بود آنجا گواہ من

چون در دلم ولایت شاه ولایت است

باشد ولای آل علی داد خواہ من

"پروانہ" گفت در دم رفتن کہ در بہشت

بنگر بہ عزّت و شرف و قدر و جاہ من

ص: ۴۱۵

خطاط ماهر، برادر کوچک تر عالم ربانی آیه الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب.

استاد همایی در تاریخ اصفهان (مجلد هنر و هنرمندان) می نویسد: از کسانی که شهرت ندارد اما نسخ را بسیار خوب می نویسد و اگر بهتر و شیرین تر از آقا میرزا ابوالقاسم [قدسی] کتابت نکند قطعاً از وی پست تر نیست آقا عبدالله ارباب است. (۱)

وی در ۲ جمادی الثانی ۱۳۷۹ق وفات کرده و در این تکیه مدفون گشت.

سنگ نوشته مزارش: "هوالباقی. فاز بجوار رحمه ربه البرّ الرحیم عبده الفقیر الیه، الراجی عفوه واحسانه، الحسن الظنّ به، المحبّ لله ولرسوله ولاهل بیت رسوله، عبدالله ارباب، ابن علی پناه، اسکنهما الله بجبوحه جنته، فی ۲ جمادی الاولی سنه ۱۳۷۹".

چو عبدالله ارباب از جهان گشت

روان زی بارگاه ربّ الارباب

به شمسی سال تاریخش "سنا" گفت:

"بر حق رفت عبدالله ارباب"

(۱۳۳۸)

برادرش: حاج عبدالعلی ارباب نیز مردی فاضل و محترم و بافضیلت بود. وی در

ص: ۴۱۶

۸ ماه رجب ۱۳۸۴ ق (۲۲ آبان ۱۳۴۳ ش) وفات کرد و در این تکیه مدفون گشت.

وی دوست صمیمی مرحوم شیخ محمد حکیم خراسانی بوده و سنگ نوشته تمام قد مزار حکیم را وی انجام داده است. (۱)

هو الجاني

فانجزوا حجتهم من الله عز وجل
فانجزوا حجتهم من الله عز وجل

فانجزوا حجتهم من الله عز وجل
فانجزوا حجتهم من الله عز وجل

المخالفين في الدين والذين
المخالفين في الدين والذين

الذين هم في الدنيا
الذين هم في الدنيا

الذين هم في الدنيا
الذين هم في الدنيا

الذين هم في الدنيا
الذين هم في الدنيا

الذين هم في الدنيا
الذين هم في الدنيا

الذين هم في الدنيا
الذين هم في الدنيا

سنگ نوشته مزارش چنین است: "فاز بجوار رحمه ربّه البرّ الرحيم، عبده الغريق في محبته ومحبه أوليائه، الراجي عفوه وغفرانه الواسع، المتخلق بأخلاق أولياء الله

ص: ۴۱۷

۱- تاریخ اصفهان (فصل تکایا و مقابر) ص ۴۹۳. متأسفانه سنگ مزبور در تعمیرات شهرداری از بین رفته است.

الاطياب، جناب الحاج عبدالعلي أرباب، ابن مرحوم علي پناه، في يوم الجمعة الثامن من شهر رجب الاصب سنة ١٣٨٤ مطابق ٢٢ آبان ١٣٤٣
رحمه الله وبركاته عليه ورضوانه".

گشت ز دار فنا روان به ملک بقا

ز جمع اربابیان حاجی عبدالعلی

جامع اخلاق پاک، مجمع اخوان صدق

سالک شرع نبی، پیرو آل علی

چون به نبی و ولی داشت خلوص تمام

شافع روز جزاش باد نبی و ولی

در بر خلق جهان داشت مقامی رفیع

هم به قصور جنان یافت مکان علی

از پی تاریخ او کلک "سنا" زد رقم:

"بودی زارباب فضل حاجی عبدالعلی"

(١٣٨٤)

ص: ٤١٨

۱. مهدی تدین

فرزند ملا محمد باقر نجف آبادی، تاریخ وفات: ۱۳۳۳ش. (۱)

داشت مهدی تدین سال ها اندر جهان

انتظار حضرت مهدی، شه صاحب زمان

بعد فوت اندر نجف آباد فرزندی خلف

بود از ملا محمد باقر روشن روان

آنچه زین دنیای رنگارنگ می شد بر کنار

خدمت نوع بشر را داشت دامن بر میان

ص: ۴۱۹

۱- وی نواده فقیه محقق حاج ملا عبدالرحیم نجف آبادی صاحب "حقایق الاصول" است. ملا عبدالرحیم از معاصران میرزای شیرازی و شیخ محمد باقر نجفی بود. وی در نجف اشرف تحصیل کرده و سپس در نجف آباد ساکن شده و به تدریس و زعامت پرداخته و مسجد بزرگی در محله حکیم نجف آباد بنا کرد. ملا عبدالرحیم پس از وفات به نجف اشرف منتقل گردید و در ایوان طلا دفن شد. دو فرزند پسر از وی باقی ماند: حاج ملا محمد باقر و حاج ملا محمد. ملا محمد باقر از علمای بانفوذ زمان بود و به تدریس و قضاوت اشتغال داشت. وی در سفر مکه در کاظمین وفات کرد و در وادی السلام نجف مدفون شد. وی شش اولاد ذکور داشت از جمله: میرزا محمد مهدی تدین که از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای بود و به جای پدر در مسجد بزرگ میدان اقامه جماعت می نمود. حاج محمد جعفر که در نجف اشرف شاگرد خالوی خود آیه الله شیخ علی محمد نجف آبادی بود و پس از برادر خود میرزا محمد مهدی تدین در مسجد پدر امام جماعت و به قضاوت اشتغال داشت. و حاج آقا حسین تدین رئیس دبیرستان بهشت آئین که دارای لیسانس و در ادبیات فارسی و عربی ید طولایی داشت.

بود از اوّل او محبّ چارده معصوم پاک
تا گرفت آخر مکان اندر بهشت جاودان
بود هفتاد و دو سالش خدمت اسلام کار
در میان اهل دانش بارها شد امتحان
چون که طی شد نوزده روز از مه اردیبهشت
قلب پاکش از صلاهی ارجعی شد شادمان
سال شمسی یکهزار و سیصد و سی و سه بود
از جهان بر بست رخت و باز کرد اندر جنان

۲. شیخ محمد رضا باقری محمود آبادی

م: شب ۱۳ رجب ۱۳۷۸ق. (۱)

۳. حاج میرزا محمد حسین شهیر به حاج آقا میرزا فریدنی

فرزند حاج میرزا عبدالحسین حسینی م: ۱۸ رجب ۱۳۸۲ (۵ دی ماه ۱۳۴۱ش)

۴. حاج آقا حسن صدر عاملی واعظ

فرزند مرحوم آقا میرزا سید علی واعظ م: ۳ شعبان ۱۳۸۵ق (۶ آذر ۱۳۴۴ش)

۵. حاج سید علی کرمانی

فرزند حاج سید مهدی (۲) م: ۶ جمادی الثانی ۱۳۷۸ق (۲۶ آذر ۱۳۳۷ش)

ص: ۴۲۰

۱- عالم فاضل متقی، از زمره اخیار و مورد وثوق علمای اصفهان. وی در مدرسه در کوشک ساکن بود. نزد جمعی از بزرگان تحصیل نموده و از راه استیجار نماز و روزه امرار معاش می نمود. مرحوم شیخ عباس مصباح مقدمات صرف و نحو را نزد او آموخته بود. ارشادالناس مرحوم مهدوی، نسخه خطی.

۲- حاج سید مهدی کرمانی فرزند سید زین العابدین موسوی، عالم فاضل، از کرمان به اصفهان مهاجرت نموده و نزد حاج شیخ محمد باقر نجفی و دیگران تحصیل کرده و در مسجد شیخ لطف الله اقامه جماعت می نمود. وی در سال ۱۳۱۸ق وفات کرد و جنازه اش به نجف اشرف منتقل گردید. فرزندش: میر سید علی و آقا سید جعفر (م: ۱۳۵۶ق، مدفون در تکیه زنجانی) می باشند. دانشمندان و بزرگان اصفهان ج ۲ ص ۹۶۰.

۶. آقا سید هادی عطار موسوی

فرزند سید علی م: ۴ جمادی الثانی ۱۳۸۰ ق.

۷. مرحومه زاهده فاضله حاجیه شاهزاده خانم دانش نژاد

صبیه مرحوم حجه الاسلام آخوند ملا محمد حسین بن ملا عبدالعظیم، و نواده دختری آیه الله ملا علی اکبر فشارکی، و زوجه حجه الاسلام شیخ محمد دهاقانی طاب ثراهم، که در تاریخ ۴ شنبه ۲۴ ماه رمضان ۱۴۰۰ به رحمت ایزدی پیوست.

طبع "برنا" بهر سال رحلتش

گفت بیتی چون شد از دار فنا

"جان بانو حاجیه دانش نژاد

در جنان جاودان دارد سرا"

ص: ۴۲۱

فهرست اعلام

- ابرقویی، علی اکبر، ۱۳۶
- آبشاهی، احمد، ۱۷۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶
- ابطحی سدهی، محمدباقر، ۲۳۵، ۲۵۲
- ابن الصدر کاظمینی، مهدی، ۱۲۶
- ابوالبرکات، رضا، ۱۱۳
- آخوند تفرلیسی، ۲۹۷
- آخوند زفره ای، ۳۳۹
- آخوند کاشی، ۱۷۶
- ادیب، عباسعلی، ۲۳۷
- آدینه ای، جواد، ۷۱
- ادیب بجنوردی، محمدحسین، ۱۵۶
- ادیب، عباسعلی، ۱۳۶، ۱۵۶، ۱۶۳، ۲۳۵
- آدینه ای، عبدالجواد، ۲۳۲
- ارباب، رحیم، ۱۶۱، ۲۲۲، ۳۷۶
- ارباب، عبدالعلی، ۳۷۷
- اردستانی، ۱۲۲
- اردکانی، محمدتقی، ۱۴۲
- اردکانی، مرتضی، ۱۵۱
- اشتری، حسن، ۱۷۵
- اشتری، مرتضی، ۱۷۵، ۱۸۹
- آشتیانی، محمدحسن، ۹۵
- آشتیانی، جلال الدین، ۲۵۰

آشتیانی، مرتضی، ۱۲۶

اشنی قودجانی، محمدحسین، ۳۰۹

اشنی، نورالله، ۱۵۰

اصطهباناتی، ابراهیم، ۳۴۴

اصطهباناتی، محمدباقر، ۲۷۱

اصفہانی، ابوالحسن، ۸۶، ۲۷۰، ۳۵۳

اصفہانی، سید ابوالحسن، ۵۷

اصفہانی، ابوالحسن، ۵۹، ۶۲، ۱۰۰، ۱۶۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۶۳

اصفہانی، احمد، ۳۵۲

اصفہانی، اسدالله، ۱۵۱

اصفہانی، بهاءالدین، ۱۷۲

اصفہانی، حسنعلی، ۲۹۷

اصفہانی، عبدالجواد، ۱۷۲

اصفہانی، ملا تقی، ۱۷۷

اعتمادی، فضل الله، ۸۷، ۱۱۲، ۱۱۲، ۲۵۸، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۷۵

اعتمادی، مصطفی، ۱۵۱

افسر، عبدالرحیم، ۳۱۹

آقاجفی، محمد تقی، ۲۷۴، ۳۱۹، ۳۵۲

آقاجفی، محمد تقی، ۱۵۵، ۲۱۴، ۳۰۹، ۳۲۷

امام جمعه، حسن، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳

امام خمینی، ۶۲

امام خمینی، ۱۲۸، ۲۹۲

- امامی، عطاءالله، ۱۸۷
- امامی، محمدرضا، ۱۵۰
- املائی، رمضانعلی، ۵۷
- امین عاملی، محسن، ۱۲۶
- امینی، ابراهیم، ۵۷
- انجم، علیرضا، ۱۷۳
- انصاری، مرتضی، ۲۴۱
- آیتی یزدی، عبدالحسین، ۲۴۷
- آیهاالله زاده، محمدرضا، ۱۰۰
- ایمانیه، مجتبی، ۳۴۱
- بادکوبه ای، صدرا، ۱۵۱
- باقری محمود آبادی، محمدرضا، ۳۸۰
- باقی، عبدالعلی، ۸۶
- بدری، علی محمد، ۲۳۲
- بدری حسینی، عبدالجواد، ۲۳۴
- بدری، ابوالحسن، ۲۳۰، ۲۳۵
- بدری، رضا، ۲۳۲
- بدری، عبدالوهاب، ۲۳۱
- بدری، علی محمد، ۲۳۵
- بدیع زادگان، علی، ۵۳، ۲۶۳
- برزانی، علی اصغر، ۵۶، ۱۲۲، ۱۳۶، ۲۵۲
- بروجردی، ابوالحسن، ۱۴۶، ۳۵۴

- بروجردی، حسین، ۳۱۰
- بروجردی، علی، ۱۱۴
- بروجردی، اسماعیل، ۱۱۴
- بروجردی، حسین، ۹۰، ۱۳۶، ۲۹۲
- بروجردی، محمدرضا، ۳۶۳
- بروجردی، منیرالدین، ۱۱۴
- بصیر، عبدالکریم، ۲۶۰
- بنکدار، محمدحسن، ۳۳۸
- بهبهانی، علی، ۱۳۶، ۲۵۲، ۳۰۹
- بهشتی نژاد، محمدعلی، ۱۲۷، ۳۱۰
- بهشتی، رضا، ۵۲، ۲۶۰
- بیدآبادی، احمد، ۱۴۶
- بیدآبادی، محمد، ۱۲۲، ۱۶۲
- بیدآبادی، محمدجواد، ۲۷۴
- بیان الواعظین، احمد، ۲۲۷
- بیدآبادی، آقا محمد، ۲۹۷
- بیدآبادی، محمد، ۱۱۷
- پروانه، محمود، ۱۷۳
- پسندیده، مرتضی، ۲۳۷
- پشمی، اسماعیل، ۲۹۸
- پناه اصفهانی، ۱۷۷
- تائب، یدالله، ۳۰۷

تابش، علی اکبر، ۱۷۳
تاج اصفهانی، ۲۶
تبریزی، کاظم، ۱۵۱
تجویدی، رضا، ۳۳۶
تجویدی، ضیاءالدین، ۳۳۶
تدین، حسین، ۳۷۹
تدین، مهدی، ۳۷۹
تنکابنی، عبدالفتاح، ۲۶۸
تنکابنی، محمد، ۲۴۹
تهرانی، هاشم، ۳۶۳
تولایی، عباس، ۱۷۵
تویسرکانی، حسینعلی، ۲۶۷، ۲۹۶
تیرانی کرونلی، محمدباقر، ۱۵۴
ثقه الاسلام، عبدالله، ۱۲۳
ثقه الاسلام، محمدعلی، ۳۳۰
جاپلقی، شفیع، ۱۳۹
جاپلقی، محمد شفیع، ۳۵۶
جزایری، صدرالدین، ۳۶۳
جلالی، فتح الله، ۳۱۹
جمالزاده، محمدعلی، ۴۸
جناب، علی، ۲۲۱
جواهری، محمدابراهیم، ۳۰۹

جواهری، محمد ابراهیم، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۴، ۳۵۲

جویبارہ ای، محمد صالح، ۲۶۸

جویبارہ ای، مهدی، ۳۰۴

چارسوقی، محمد هاشم، ۶۱

چاووش، محمد کاظم، ۱۷۴

چهارسوقی، محمد هاشم، ۸۳، ۱۶۲، ۲۴۷

چهارسوقی، حسن، ۱۶۳

چهارسوقی، محمد، ۱۷۵

چهارسوقی، هدایه الله، ۸۳

حائری، عبدالکریم، ۳۵۲

حائری، عبدالکریم، ۱۲۶

حائری، عبدالکریم، ۵۷، ۸۶، ۹۰، ۹۸، ۲۱۴، ۲۵۲، ۳۴۴

حجت کوه کمری، محمد، ۹۰

حسام الواعظین، محمد رضا، ۱۱۲

حسین آبادی، محمد جواد، ۸۳

حسینی اصفهانی، حسین، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰

حسینی (فریدنی)، محمد حسین، ۳۸۰

حسینی، محمد حسین، ۵۶

حکیم خراسانی، محمد، ۳۵۲

حکیم خراسانی، محمد، ۱۲۲، ۳۵۴

حکیم باشی، محمد باقر، ۲۲۰

حکیم خراسانی، محمد، ۳۷۷

خاتون آبادی، محمدصادق، ۳۵۲، ۳۵۴

خاتون آبادی، مرتضی، ۳۰۴

خاتون آبادی، محمدصادق، ۸۴، ۸۶

خاتون آبادی، محمود، ۳۴۰

خادمی، حسین، ۲۲۶

خادمی، حسین، ۱۱۳، ۱۵۱

خاکی، حسن، ۱۷۲

خراسانی، محمد کاظم، ۳۰۹

خراسانی، محمد کاظم، ۶۱

خراسانی، محمدرضا، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۶، ۲۱۵

خراسانی، محمد کاظم، ۶۰، ۷۳، ۱۰۰، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۷۱

خزدوز، محمد حسن، ۱۸۷

خزدوز، عباس، ۲۶۵

خطاط، علی، ۱۷۲

خطیب، علی، ۳۵۱

خطیب، محمد، ۳۲۳

خطیبی، حسین، ۱۴۷، ۱۵۰

خلیلی، حسین، ۶۲

خلیقی پور، محمد مهدی، ۱۳۱

خلیلیان، احمد، ۲۶

خلیلیان، حمید، ۱۸۳

خلیلیان، علی، ۲۸، ۳۱، ۱۷۲

خمینی، مصطفی، ۱۵۱

خوئی، ابوالقاسم، ۱۵۱

خوانساری، محمدتقی، ۳۵۳

خوانساری، احمد، ۱۰۰، ۱۳۷، ۳۵۲

خوانساری، جمال الدین، ۲۲۶

خوانساری، زین الدین، ۲۳۰

خوانساری، علی اکبر، ۱۳۸

خوانساری، کمال الدین، ۱۴۵

خوانساری، محمدابراهیم بن کلبعلی، ۱۴۵

خوانساری، محمدباقر، ۸۳، ۱۶۲

خوانساری، محمدحسین، ۱۳۸، ۱۴۳

خوانساری، موسی، ۲۹۳

خوانساری، هاشم، ۱۵۳

خوراسکانی، غلامرضا، ۱۲۳، ۲۱۵

دانش نژاد، شاهزاده خانم، ۳۸۱

درب امامی، بدیع، ۲۷۴، ۳۱۹

درب امامی، بدیع، ۲۲۰

درچه ای، محمدباقر، ۵۶، ۸۶، ۸۹، ۱۴۶، ۲۴۷، ۲۷۴، ۳۰۹

درچه ای، مهدی، ۸۹

درچه ای، محمدباقر، ۳۵۲

درچه ای، محمدباقر، ۶۰، ۱۳۳، ۱۵۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۷۵، ۳۰۹، ۳۴۳، ۳۷۹

درچه ای، مهدی، ۱۲۲

درخشان، غلامحسین، ۲۶

دهاقانی، اسماعیل، ۳۵۲

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۸۹، ۲۲۴، ۳۵۴

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۳۰۹

دهکردی، ابوالقاسم، ۱۴۶، ۱۷۷، ۲۳۳، ۲۹۳

دهکردی، محمدحسن، ۱۷۶

دهکردی، یوسف، ۱۷۷

دوانی، علی، ۲۷۵

رازی، محمدتقی، ۳۵۷

رام پناه، حسین، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۸۶

ربّانی، عباس، ۱۵۵

رجائی، محمدباقر، ۱۵۱

رشتی، ابوتراب، ۳۳۹

رشتی، حبیب الله، ۹۵

رشتی، عبدالرزاق، ۲۵۱

رشتی، قوام الدین، ۲۵۲

رشتی، محمدحسین، ۱۵۰، ۲۵۲

رشتی، محمدرضا، ۳۳۹

رشتی، مرتضی، ۲۵۲، ۳۳۹

رشتی، مهدی، ۲۵۲

رشتی، هاشم، ۶۲

رضوی خوانساری، محمدرضا، ۷۱

رضوی خوانساری، محمدرضا، ۵۶، ۶۲

روّاس، فرج الله، ۱۷۳

روضاتی، محمدعلی، ۲۹۲

روضاتی، محمدعلی، ۲۷۸، ۲۸۳

روضاتی، ابوالحسن، ۱۱۲

روضاتی، احمد، ۲۴۱

روضاتی، اسدالله، ۸۶، ۱۱۳

روضاتی، حبیب الله، ۸۳

روضاتی، عبدالحسین، ۹۰، ۱۱۰، ۱۱۳

روضاتی، عبدالعلی، ۱۱۲

روضاتی، محمدحسن، ۱۶۳

روضاتی، محمدهاشم، ۲۴۱

روضاتی، محمود، ۸۶

ریزی، مرتضی، ۳۳۹

ریحان یزدی، علیرضا، ۲۴۶

ریزی، مرتضی، ۶۰، ۱۱۹

زفره ای، ابوالقاسم، ۱۲۲، ۲۲۴

زمانی، شاطر عباس، ۱۷۵

زنجانی کاظمینی، محمدرضا، ۸۶

زنجیره فروش، علی، ۱۱۸

زند کرمانی، محمدباقر، ۱۳۶

زنوزی، عبدالله، ۲۴۹

سادات، محمدحسن، ۲۴۷

سادات، مهدی، ۲۱۹

ساغر، محمدابراهیم، ۱۷۲

سبزواری، ملا هادی، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۴۹

سدهی، محمدباقر، ۳۳۹

سدهی، ملا هادی، ۱۶۲

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سرّی، ابوالقاسم، ۱۶۳

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سعیدمنش، اصغر، ۱۷۵

سقا، علی، ۱۷۵

سلطانی، محمدباقر، ۲۹۲

سمسار، محمد مهدی، ۳۴۰

سمسارزاده، عبدالحسین، ۳۴۰

سودائی دستگردی، عبدالکریم، ۸۴

سودائی، عبدالکریم، ۱۷۳

سیدالعراقین، عبدالحسین، ۱۲۳

سیستانی، علی، ۱۵۱

سینی، عبدالغنی، ۲۳۱

سینی، محمدعلی، ۲۳۰

سینی، مهدی، ۲۳۲

شاگرد، حسین، ۱۷۲

شاه آبادی، محمدعلی، ۶۲

شاه آبادی، محمدعلی، ۵۶، ۶۱

شاه علائی، مصطفی، ۲۴۸

شاهرودی، محمد، ۱۵۱

شاهنده، حبیب الله، ۲۱۵

شرف الدین، عبدالحسین، ۳۵۶

شریعت اصفهانی، ۹۵

شریعت اصفهانی، ۱۰۰، ۲۳۰

شریعت ریزی، محمود، ۲۱۵

شریعتی، محمدجواد، ۲۶۵

شریعتی، مهدی، ۲۶۵

شریف رازی، محمد، ۲۸۳

شریف، علی اصغر، ۲۲۶

شفتی ثانی، محمدباقر، ۲۲۰

شفتی، محمدباقر، ۲۴۷

شفتی بیدآبادی، اسدالله، ۲۴۷

شفتی، اسدالله، ۱۴۰، ۲۵۱، ۲۶۷، ۲۶۹

شفتی، جعفر، ۲۵۱

شفتی، محمدباقر، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۴۳، ۲۶۷، ۲۶۹

شفیعی، ابوالقاسم، ۱۶۵

شفیعی، محمد، ۲۴

شکیب، ۲۶

شکيب اصفهانی، محمدرضا، ۵۲

شکيبای کرمانی، علی، ۲۶

شمس آبادی، ابوالحسن، ۵۷

شمس آبادی، ابوالحسن، ۱۳۶، ۲۵۲

شمس القراء، عبدالغفور، ۱۱۸

شهاب لاوی، نصرالله، ۱۶۱

شهشاهانی، محمد، ۲۶۷

شهشاهانی، حسین، ۲۴۸

شهشاهانی، محمد، ۲۵۱، ۲۶۹

شهشاهانی، محمدجعفر، ۲۴۷

شهشاهانی، مرتضی، ۲۴۸

شوقی کهرانی، یدالله، ۱۸۳

شیخ حرّ عاملی، ۳۵۵

شیدا، عباس خان، ۱۶۱

شیرازی، محمدتقی، ۱۳۳

شیرازی، محمدحسن، ۱۱۴

شیرازی، محمدتقی، ۶۲

شیدا، ۲۳

شیدا، عباس خان، ۲۸، ۳۱، ۱۷۸، ۱۸۷

شیرازی، عبدالهادی، ۳۶۳

شیرازی، محمدتقی، ۱۰۰

شیرازی، محمدحسین، ۱۵۱

شیرازی، محمد کاظم، ۳۴۴

شیرازی، میرزا علی آقا، ۱۲۳، ۲۲۲

صابر اصفهانی، رمضان، ۵۴، ۱۷۲

صادقی، محمد علی، ۵۷

صادقی، محمد علی، ۱۱۴، ۳۶۹

صالحی، ۳۰۴

صدر عاملی، حسن، ۳۸۰

صدر عاملی، صدرالدین، ۳۵۷

صدر، اسماعیل، ۷۳، ۱۲۶

صدر، حسن، ۳۵۷

صدر، صدرالدین، ۶۲، ۷۳، ۹۰، ۳۵۳، ۳۵۸

صدرالواعظین، محمد، ۱۲۳

صدوقی سها، منوچهر، ۱۷۶

صدیقین، حسینعلی، ۲۲۶

صدیقین، محمد باقر، ۵۷

صدیقین، حسینعلی، ۲۷۶

صغیر اصفهانی، ۱۹۰

صغیر اصفهانی، ۲۸، ۱۸۱

صغیر، محمد حسین، ۱۷۳

صفاء، احمد، ۱۷۵

صفی، عباس، ۲۵۲

صهری، جمال الدین، ۲۲۷

طالع، حسين، ۱۷۳

طاهري خورزوقي، محمدرضا، ۲۲۵

طاهري، جلال الدين، ۱۱۴

طاهري، محمد، ۲۴

طلاني، احمد، ۲۶۴

طهراني، آقا بزرگ، ۳۵۷

طيب، عبدالحسين، ۱۵۱، ۱۵۶

ظهير الاسلام، علي، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۱

عارفچه، محمدعلي، ۳۲۳

عاصم كاشاني، ۱۱۸

عالم حبيب آبادي، محمدعلي، ۱۱۳

عالم نجف آبادي، محمدحسن، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۶

عالم، محمدحسن، ۱۵۱، ۲۵۲

عاملی، ابوالحسن، ۳۵۶

عاملی، صدرالدين، ۱۳۸

عاملی، محمدمهدي، ۳۵۷

عراقي، ضياءالدين، ۵۷، ۲۷۰، ۳۵۲

عراقي، ضياءالدين، ۱۲۶

عريضي، محمدعلي، ۱۲۶

عزلتي، اكبر، ۱۷۵

عصار، محمد كاظم، ۳۶۳

عصارزادگان، حسين، ۱۷۵

عطار موسوی، هادی، ۳۸۱

عظیمی، محسن، ۱۵۰

علامه فانی، علی، ۳۶۹

عماد الاسلام شفتی، محمد، ۲۵۲

غاضری، محمدحسین، ۲۱۳

غاضری، حسین، ۱۹۳

غاضری، محمدحسین، ۱۷۸

غروی اصفهانی، محمدحسین، ۲۳۹، ۲۷۰، ۲۷۱

فاتحی برزانی، مهدی، ۶۱

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۳۶

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۱۳

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۵۱

فاضل هرنندی، یحیی، ۲۳۵

فاضل، اسدالله، ۲۷۴

فرشید، حسین، ۱۵۶

فروهان، حمید، ۱۴۸

فریدنی، صالح، ۱۵۴

فریدنی، محمدجواد، ۱۱۳

فشارکی، حسین، ۳۵۴

فشارکی، محمدحسین، ۶۰، ۶۷، ۸۶، ۱۴۶، ۲۷۴، ۳۵۳

فشارکی، علی اکبر، ۳۶۳

فشارکی، محمد، ۲۷۱

فشارکی، محمدحسین، ۶۲، ۹۰، ۱۳۳، ۳۱۰

فصیح القراء، مرتضی، ۱۲۶

فضائلی، حبیب الله، ۱۳۱، ۱۴۹

فقیه امامی، حسن، ۵۷

فقیه احمدآبادی، محمد، ۲۳۳

فقیه ایمانی، محمدباقر، ۲۳۸

فقیه نظری، محمدحسین، ۲۱۶

فقیهی، محمدعلی، ۵۸

فلسفی، علی، ۱۵۱

فولادگر، محمد، ۱۵۰

فیاض، احمد، ۱۳۶

قائینی، عبدالرزاق، ۳۶۳

قاضی عسکر، نورالله، ۱۵۱

قدسی، منوچهر، ۲۵۶

قزوینی، ملا آقا، ۲۴۹

قشقائی، جهانگیرخان، ۲۷۰، ۷۱

قشقائی، جهانگیرخان، ۱۵۴، ۲۷۵

قشقایی، جهانگیرخان، ۲۳۰

قصیر، محمد، ۱۳۸

قمشه ای، اسدالله، ۱۶۷

قمشه ای، نصرالله، ۱۱۴

قمشه ای، اسدالله، ۱۵۵

قمشه ای، محمدرضا، ۲۴۹

قمی، عباس، ۳۵۵

قوچانی، رضا، ۲۹۸

کاشانی، محمد، ۲۷۰

کاشانی، عبدالرسول، ۱۴۰

کاشانی، محمد، ۱۳۳، ۱۵۴، ۲۳۱، ۲۷۵، ۲۹۵، ۲۹۷

کاشف الغطاء، حسن، ۱۱۴

کاشف الغطاء، محمدحسین، ۹۰، ۱۰۳

کاشی، آخوند، ۱۶۲

کاشی، ملا محمد، ۳۰۹

کاظمی هرسینی، فرج الله، ۵۹

کتابفروش، محمد، ۲۲۱

کتاب فروش، محمدصادق، ۲۲۰

کتابی، ابوالفضل، ۲۲۳

کتابی، محمدباقر، ۲۱۹، ۲۲۲

کتابی، محمدجواد، ۲۲۰

کتابی، محمدحسین، ۲۲۲

کتابی، هلال الدین، ۲۲۳

کرمانی، حسین، ۱۱۴

کرمانی، علی، ۳۸۰

کرمانی، مهدی، ۳۸۰

کفّاش اصفهانی، حسن، ۱۷۲

کفّاش، حسن، ۱۷۴

کلباسی، ابوالمعالی، ۳۰۹

کلباسی، فخرالدین، ۵۷

کلباسی، محمدابراهیم، ۲۴۷

کلباسی، ابوالمعالی، ۲۷۵، ۲۵۲

کلباسی، عبدالجواد، ۲۶۹

کلباسی، محمدابراهیم، ۱۱۹

کلباسی، محمد مهدی، ۲۶۹، ۲۵۱

کلباسی، مهدی، ۲۴۹

کلشادی، محمود، ۸۹

کمالی، غلامعلی، ۱۷۱

کنی، محمدحسین، ۳۶۳

کوپائی، صدرالدین، ۱۳۶، ۳۱۰، ۱۵۶، ۲۳۵

گری، عبدالکریم، ۲۲۰، ۲۷۰، ۳۱۹

گری، عبدالکریم، ۱۴۶، ۱۵۵، ۲۱۴

گلپایگانی، محمدرضا، ۲۹۲

گلشن، حسینعلی، ۱۷۲

گورتانی، عباسعلی، ۲۳۷

گیاهی، عباس، ۱۷۵، ۱۸۴

گیلانی، محراب، ۲۴۹

لنگرودی، محمدجعفر، ۲۴۹

ماربینی، علی، ۱۵۱، ۲۲۷

مازندرانی، رضی، ۲۴۹

مازندرانی، شریف العلماء، ۱۴۳

مامقانی، عبدالله، ۱۲۶

مبارکه ای، محمدعلی، ۱۵۵

مجاهدی تبریزی، محمد، ۲۹۲

مجتهد بیدآبادی، احمد، ۱۴۶، ۲۲۴، ۲۷۰، ۳۱۰، ۳۳۱

مجتهد چهارسوقی، جمال الدین، ۷۱

مجتهد خوانساری، رضا، ۷۱

مجتهد نطنزی، محمدحسن، ۲۷۰

مجتهد، احمد، ۶۱

مجلسی، محمدتقی، ۵۷

محدث نوری، ۹۵

محرزونی، محمد، ۱۵۵

محموظ اصفهانی، ۱۵۱

محقق داماد، محمد، ۱۳۶

محقق سبزواری، محمدباقر، ۱۶۲

محمّدی، مهدی، ۱۵۰

محمودزاده، رضا، ۲۶

مدرّس بیدآبادی، یحیی، ۲۱۴

مدرّس بیدآبادی، یحیی، ۱۶۱، ۱۷۰

مدرّس خراسانی، احمد، ۱۲۳، ۲۵۳، ۳۰۹، ۳۴۷

مدرّس نجف آبادی، محمد، ۱۱۵

مدّرس هاشمی، حسن، ۱۳۱، ۱۳۶

مدّرس یزدی، علی، ۸۶، ۸۹، ۱۲۲، ۱۴۶، ۲۲۴

مدّرس یزدی، علی، ۲۳۶، ۳۳۲، ۳۵۲

مدّرس، ابوالقاسم، ۲۴۹

مدرس، حسن، ۱۴۰

مدّرس، حسن، ۱۴۳، ۲۶۷

مدّرس، علاءالدین، ۲۸۳

مدرس، علی، ۲۴۹

مدّرس، محمدتقی، ۲۴۱، ۲۷۵، ۳۰۹

مدّرس، یحیی، ۱۷۲

مدّرس زاده، محمدرضا، ۲۴۵

مدرسی یزدی، جواد، ۲۳۶

مروی، محمد، ۱۱۴

مسأله گو، علی نقی، ۳۳۶

مستجاب الدعواتی، اسدالله، ۳۵۸

مستجاب الدعواتی، محمدعلی، ۳۶۲

مستجابی، مرتضی، ۱۴۷، ۳۶۲

مسعودی، عزیزالله، ۱۷۵

مشفق، عبدالحسین، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۹۰

مشفق، علی، ۲۶، ۲۸، ۱۶۵

مشکاه، محمد، ۳۶۳

مشکین، رضا، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۵

مصباح، عباس، ۱۵۰، ۳۸۰

مظاهری اصفهانی، مرتضی، ۱۲۶

مظاهری، حسین، ۱۴۹

مظاهری، رضا، ۱۴۵، ۱۵۰، ۳۱۵

مظاهری، مهدی، ۱۴۹، ۳۱۵

معمدی، مهدی، ۲۸۳

معلم حبیب آبادی، ۱۶۳، ۲۳۷، ۸۳

مفید، علی، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۳۶

مقدس، احمد، ۱۱۳، ۲۶۹

مقدس، احمد، ۱۵۰

مقدس، حبیب، ۲۹۵

مقدس، حسن، ۲۶۹

مقدس، علی، ۲۶۷

مقدس، محمد، ۱۴۸، ۲۲۶

مقدس، محمد، ۲۶۸

مقدس، مقدس، ۱۵۰

مقدس، نورالدین، ۲۶۹

مکارم، ناصر، ۱۵۱

ملاذ روضاتی، محمد حسین، ۱۶۳

ملبویی، محمد باقر، ۲۹۲

ملکوتی، مسلم، ۱۵۱

منعم، شکرالله، ۳۲

مهدوی، مصطفی، ۱۱۳، ۱۵۱

مهدوی، مصلح الدین، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۳۲

موحد ابطحی، مرتضی، ۲۳۷، ۱۵۶

موسوی اصفهانی، حسن، ۱۵۱

موسوی کاظمینی، محمد مهدی، ۸۳

مولوی، عبدالمولی، ۲۴۵

میر محمد صادقی، مجتبی، ۱۱۳، ۳۰۵

میر هندی، محمود، ۲۱۵

نائینی، محمد حسین، ۵۷

نائینی، محمد حسین، ۵۹، ۹۰، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۹۳

نائینی، ملا حسن، ۲۹۸

ناسخیان، حسین، ۲۸

ناطق اصفهانی، رضا، ۱۵۰، ۲۲۴

ناطق اصفهانی، محمد رضا، ۳۱۵

نجف آبادی، علی، ۳۵۲

نجف آبادی، محمد، ۱۴۶، ۳۵۴

نجف آبادی، عبدالرحیم، ۳۷۹

نجف آبادی، علی، ۱۲۲، ۲۱۴، ۳۰۹

نجف آبادی، علی محمد، ۳۷۹

نجف آبادی، محمد، ۸۶، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۵۴، ۳۰۹

نجف آبادی، محمدباقر، ۳۷۹

نجف، محمدباقر، ۱۶۲

نجفی، محمدباقر، ۸۳، ۲۲۰

نجفی، محمدحسن، ۳۱۹

نجفی، محمدرضا، ۱۴۶

نجفی، مهدی، ۳۵۴

نجفی هرسینی، محمد، ۵۹

نجفی، جمال الدین، ۲۵۲

نجفی، عبدالحسین، ۲۷۴

نجفی، عنایه‌الله، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷

نجفی، محمدباقر، ۱۱۴، ۲۳۰، ۳۷۹

نجفی، محمدرضا، ۱۳۵، ۲۷۰، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۸

نجفی، هدایه‌الله، ۱۳۷

نحوی، مهدی، ۱۴۶

نحوی، محمدباقر، ۱۴۶

نراقی، مهدی، ۸۶

نصیری، صدرالاسلام، ۲۳۹

نظام الاسلام، محمد، ۳۳۳

نعمه‌اللهی، مرتضی، ۱۶۷

نهایندی، علی اکبر، ۹۰، ۹۵، ۱۰۳

نوا، جعفر، ۲۶۲

نوا، اصفهانی، جعفر، ۵۰، ۲۵۶

نوربخش، شمس الدین، ۲۶۵

نوربخش، کمال الدین، ۱۷۶

نوری، علی، ۲۴۹

نوری، فضل الله، ۲۳۰

نیر، حبیب الله، ۱۱۲، ۲۱۹، ۲۲۳، ۳۰۳، ۳۵۰

هاشم زاده، محمدعلی، ۱۷۵

هدایتی خواجه‌نوی، علی، ۱۵۵

هرندی، هبه‌الله، ۳۳۹

هرندی، رضا، ۲۱۵

هرندی، هبه‌الله، ۲۵۲

هسته‌ای، علی، ۱۵۱، ۲۳۰

همایی، جلال الدین، ۳۲۰

همدانی، رضا، ۲۷۱

همدانی، عباس، ۳۶۳

همدانی، محمد، ۳۶۳

واعظ باغبادرانی، عبدالجواد، ۳۳۴

واعظ، علی اکبر، ۵۷

واعظ، محمدصادق، ۵۹

وحید دستگردی، حسن، ۱۶۳

وفا زواره‌ای، محمدعلی، ۱۳۸

یزدی، حسین، ۲۸۳

یزدی، محمد، ۲۱۵

یزدی، محمد کاظم، ۷۳، ۱۰۰، ۲۳۰

اعتمادی، فضل الله، ۸۷، ۱۱۲، ۲۵۸، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۷۵

اعتمادی، مصطفی، ۱۵۱

افسر، عبدالرحیم، ۳۱۹

آقاجفی، محمد تقی، ۲۷۴، ۳۱۹، ۳۵۲

آقاجفی، محمد تقی، ۱۵۵، ۲۱۴، ۳۰۹، ۳۲۷

امام جمعه، حسن، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳

امام خمینی، ۶۲

امام خمینی، ۱۲۸، ۲۹۲

امامی، عطاءالله، ۱۸۷

امامی، محمدرضا، ۱۵۰

املائی، رمضانعلی، ۵۷

امین عاملی، محسن، ۱۲۶

امینی، ابراهیم، ۵۷

انجم، علیرضا، ۱۷۳

انصاری، مرتضی، ۲۴۱

آیتی یزدی، عبدالحسین، ۲۴۷

آیهالله زاده، محمدرضا، ۱۰۰

ایمانیه، مجتبی، ۳۴۱

باد کوبه ای، صدرا، ۱۵۱

باقری محمود آبادی، محمدرضا، ۳۸۰

باقی، عبدالعلی، ۸۶

بدری، علی محمد، ۲۳۲

بدری حسینی، عبدالجواد، ۲۳۴

بدری، ابوالحسن، ۲۳۰، ۲۳۵

بدری، رضا، ۲۳۲

بدری، عبدالوهاب، ۲۳۱

بدری، علی محمد، ۲۳۵

بدیع زادگان، علی، ۵۳، ۲۶۳

برزانی، علی اصغر، ۵۶، ۱۲۲، ۱۳۶، ۲۵۲

بروجردی، ابوالحسن، ۱۴۶، ۳۵۴

بروجردی، حسین، ۳۱۰

بروجردی، علی، ۱۱۴

بروجردی، اسماعیل، ۱۱۴

بروجردی، حسین، ۹۰، ۱۳۶، ۲۹۲

بروجردی، محمدرضا، ۳۶۳

بروجردی، منیرالدین، ۱۱۴

بصیر، عبدالکریم، ۲۶۰

بنکدار، محمدحسن، ۳۳۸

بههانی، علی، ۱۳۶، ۲۵۲، ۳۰۹

بهشتی نژاد، محمدعلی، ۱۲۷، ۳۱۰

بهشتی، رضا، ۵۲، ۲۶۰

بیدآبادی، احمد، ۱۴۶

بیدآبادی، محمد، ۱۲۲، ۱۶۲

بیدآبادی، محمدجواد, ۲۷۴

بیان الواعظین، احمد, ۲۲۷

بیدآبادی، آقا محمد, ۲۹۷

بیدآبادی، محمد, ۱۱۷

پروانه، محمود, ۱۷۳

پسندیده، مرتضی, ۲۳۷

پشمی، اسماعیل, ۲۹۸

پناه اصفهانی, ۱۷۷

تائب، یدالله, ۳۰۷

تابش، علی اکبر, ۱۷۳

تاج اصفهانی, ۲۶

تبریزی، کاظم, ۱۵۱

تجویدی، رضا, ۳۳۶

تجویدی، ضیاءالدین, ۳۳۶

تدین، حسین, ۳۷۹

تدین، مهدی, ۳۷۹

تنکابنی، عبدالفتاح, ۲۶۸

تنکابنی، محمد, ۲۴۹

تهرانی، هاشم, ۳۶۳

تولایی، عباس, ۱۷۵

تویسرکانی، حسینعلی, ۲۹۶, ۲۶۷

تیرانی کرونلی، محمدباقر, ۱۵۴

ثقه الاسلام، عبدالله، ۱۲۳

ثقه الاسلام، محمدعلی، ۳۳۰

جاپلقى، شفيع، ۱۳۹

جاپلقى، محمد شفيع، ۳۵۶

جزايرى، صدرالدين، ۳۶۳

جلالى، فتح الله، ۳۱۹

جمالزاده، محمدعلی، ۴۸

جناب، علی، ۲۲۱

جواهرى، محمد ابراهيم، ۳۰۹

جواهرى، محمد ابراهيم، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۴، ۳۵۲

جويباره اى، محمد صالح، ۲۶۸

جويباره اى، مهدى، ۳۰۴

چارسوقى، محمد هاشم، ۶۱

چاووش، محمد كاظم، ۱۷۴

چهارسوقى، محمد هاشم، ۸۳، ۱۶۲، ۲۴۷

چهارسوقى، حسن، ۱۶۳

چهارسوقى، محمد، ۱۷۵

چهارسوقى، هدايه الله، ۸۳

حائرى، عبدالکريم، ۳۵۲

حائرى، عبدالکريم، ۱۲۶

حائرى، عبدالکريم، ۵۷، ۸۶، ۹۰، ۹۸، ۲۱۴، ۲۵۲، ۳۴۴

حجت کوه کمرى، محمد، ۹۰

حسام الواعظین، محمدرضا، ۱۱۲

حسین آبادی، محمدجواد، ۸۳

حسینی اصفهانی، حسین، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰

حسینی (فریدنی)، محمدحسین، ۳۸۰

حسینی، محمدحسین، ۵۶

حکیم خراسانی، محمد، ۳۵۲

حکیم خراسانی، محمد، ۱۲۲، ۳۵۴

حکیم باشی، محمدباقر، ۲۲۰

حکیم خراسانی، محمد، ۳۷۷

خاتون آبادی، محمدصادق، ۳۵۲، ۳۵۴

خاتون آبادی، مرتضی، ۳۰۴

خاتون آبادی، محمدصادق، ۸۴، ۸۶

خاتون آبادی، محمود، ۳۴۰

خادمی، حسین، ۲۲۶

خادمی، حسین، ۱۱۳، ۱۵۱

خاکی، حسن، ۱۷۲

خراسانی، محمدکاظم، ۳۰۹

خراسانی، محمدکاظم، ۶۱

خراسانی، محمدرضا، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۶، ۲۱۵

خراسانی، محمدکاظم، ۶۰، ۷۳، ۱۰۰، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۷۱

خزدوز، محمدحسن، ۱۸۷

خزدوز، عباس، ۲۶۵

خطاط، علی، ۱۷۲

خطیب، علی، ۳۵۱

خطیب، محمد، ۳۲۳

خطیبی، حسین، ۱۴۷، ۱۵۰

خلیلی، حسین، ۶۲

خلیقی پور، محمد مهدی، ۱۳۱

خلیلیان، احمد، ۲۶

خلیلیان، حمید، ۱۸۳

خلیلیان، علی، ۲۸، ۳۱، ۱۷۲

خمینی، مصطفی، ۱۵۱

خوئی، ابوالقاسم، ۱۵۱

خوانساری، محمد تقی، ۳۵۳

خوانساری، احمد، ۱۰۰، ۱۳۷، ۳۵۲

خوانساری، جمال الدین، ۲۲۶

خوانساری، زین الدین، ۲۳۰

خوانساری، علی اکبر، ۱۳۸

خوانساری، کمال الدین، ۱۴۵

خوانساری، محمد ابراهیم بن کلبعلی، ۱۴۵

خوانساری، محمد باقر، ۸۳

۱۶۲

خوانساری، محمد حسین، ۱۳۸، ۱۴۳

خوانساری، موسی، ۲۹۳

خوانساری، هاشم، ۱۵۳

خوراسکانی، غلامرضا، ۱۲۳، ۲۱۵

دانش نژاد، شاهزاده خانم، ۳۸۱

درب امامی، بدیع، ۲۷۴، ۳۱۹

درب امامی، بدیع، ۲۲۰

درچه ای، محمدباقر، ۵۶، ۸۶، ۸۹، ۱۴۶، ۲۴۷، ۲۷۴، ۳۰۹

درچه ای، مهدی، ۸۹

درچه ای، محمدباقر، ۳۵۲

درچه ای، محمدباقر، ۶۰، ۱۳۳، ۱۵۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۷۵، ۳۰۹، ۳۴۳، ۳۷۹

درچه ای، مهدی، ۱۲۲

درخشان، غلامحسین، ۲۶

دهاقانی، اسماعیل، ۳۵۲

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۸۹، ۲۲۴، ۳۵۴

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۳۰۹

دهکردی، ابوالقاسم، ۱۴۶، ۱۷۷، ۲۳۳، ۲۹۳

دهکردی، محمدحسن، ۱۷۶

دهکردی، یوسف، ۱۷۷

دوانی، علی، ۲۷۵

رازی، محمدتقی، ۳۵۷

رام پناه، حسین، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۸۶

ربّانی، عباس، ۱۵۵

رجائی، محمدباقر، ۱۵۱

رشتی، ابوتراب, ۳۳۹

رشتی، حبيب الله, ۹۵

رشتی، عبدالرزاق, ۲۵۱

رشتی، قوام الدين, ۲۵۲

رشتی، محمدحسين, ۲۵۲, ۱۵۰

رشتی، محمدرضا, ۳۳۹

رشتی، مرتضى, ۳۳۹, ۲۵۲

رشتی، مهدي, ۲۵۲

رشتی، هاشم, ۶۲

رضوی خوانساری، محمدرضا, ۷۱

رضوی خوانساری، محمدرضا, ۶۲, ۵۶

رؤاس، فرج الله, ۱۷۳

روضاتی، محمدعلی, ۲۹۲

روضاتی، محمدعلی, ۲۸۳, ۲۷۸

روضاتی، ابوالحسن, ۱۱۲

روضاتی، احمد, ۲۴۱

روضاتی، اسدالله, ۱۱۳, ۸۶

روضاتی، حبيب الله, ۸۳

روضاتی، عبدالحسين, ۹۰

۱۱۳, ۱۱۰

روضاتی، عبدالعلی, ۱۱۲

روضاتی، محمدحسن, ۱۶۳

روضاتی، محمد هاشم، ۲۴۱

روضاتی، محمود، ۸۶

ریزی، مرتضی، ۳۳۹

ریحان یزدی، علیرضا، ۲۴۶

ریزی، مرتضی، ۱۱۹، ۶۰

زفره ای، ابوالقاسم، ۱۲۲، ۲۲۴

زمانی، شاطر عباس، ۱۷۵

زنجانی کاظمینی، محمدرضا، ۸۶

زنجیره فروش، علی، ۱۱۸

زند کرمانی، محمدباقر، ۱۳۶

زنوزی، عبدالله، ۲۴۹

سادات، محمدحسن، ۲۴۷

سادات، مهدی، ۲۱۹

ساغر، محمد ابراهیم، ۱۷۲

سبزواری، ملا هادی، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۴۹

سدهی، محمدباقر، ۳۳۹

سدهی، ملا هادی، ۱۶۲

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سرّی، ابوالقاسم، ۱۶۳

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سعیدمنش، اصغر، ۱۷۵

سقا، علی، ۱۷۵

- سلطانی، محمدباقر، ۲۹۲
- سمسار، محمد مهدی، ۳۴۰
- سمسارزاده، عبدالحسین، ۳۴۰
- سودائی دستگردی، عبدالکریم، ۸۴
- سودائی، عبدالکریم، ۱۷۳
- سیدالعراقین، عبدالحسین، ۱۲۳
- سیستانی، علی، ۱۵۱
- سینی، عبدالغنی، ۲۳۱
- سینی، محمدعلی، ۲۳۰
- سینی، مهدی، ۲۳۲
- شاکر، حسین، ۱۷۲
- شاه آبادی، محمدعلی، ۶۲
- شاه آبادی، محمدعلی، ۵۶، ۶۱
- شاه علائی، مصطفی، ۲۴۸
- شاهرودی، محمد، ۱۵۱
- شاهنده، حبیب الله، ۲۱۵
- شرف الدین، عبدالحسین، ۳۵۶
- شریعت اصفهانی، ۹۵
- شریعت اصفهانی، ۱۰۰، ۲۳۰
- شریعت ریزی، محمود، ۲۱۵
- شریعتی، محمدجواد، ۲۶۵
- شریعتی، مهدی، ۲۶۵

شريف رازى، محمد، ۲۸۳

شريف، على اصغر، ۲۲۶

شفتى ثانى، محمدباقر، ۲۲۰

شفتى، محمدباقر، ۲۴۷

شفتى بيدآبادى، اسدالله، ۲۴۷

شفتى، اسدالله، ۱۴۰، ۲۵۱، ۲۶۷، ۲۶۹

شفتى، جعفر، ۲۵۱

شفتى، محمدباقر، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۴۳، ۲۶۷، ۲۶۹

شفيعى، ابوالقاسم، ۱۶۵

شفيعى، محمد، ۲۴

شكيب، ۲۶

شكيب اصفهانى، محمدرضا، ۵۲

شكيباىى كرمانى، على، ۲۶

شمس آبادى، ابوالحسن، ۵۷

شمس آبادى، ابوالحسن، ۱۳۶، ۲۵۲

شمس القراء، عبدالغفور، ۱۱۸

شهاب لاوى، نصرالله، ۱۶۱

شهشهانى، محمد، ۲۶۷

شهشهانى، حسين، ۲۴۸

شهشهانى، محمد، ۲۵۱، ۲۶۹

شهشهانى، محمدجعفر، ۲۴۷

شهشهانى، مرتضى، ۲۴۸

شوقی کهرانی، یدالله، ۱۸۳

شیخ حرّ عاملی، ۳۵۵

شیدا، عباس خان، ۱۶۱

شیرازی، محمدتقی، ۱۳۳

شیرازی، محمدحسن، ۱۱۴

شیرازی، محمدتقی، ۶۲

شیدا، ۲۳

شیدا، عباس خان، ۲۸، ۳۱، ۱۷۸، ۱۸۷

شیرازی، عبدالهادی، ۳۶۳

شیرازی، محمدتقی، ۱۰۰

شیرازی، محمدحسین، ۱۵۱

شیرازی، محمد کاظم، ۳۴۴

شیرازی، میرزا علی آقا، ۱۲۳، ۲۲۲

صابر اصفهانی، رمضان، ۵۴، ۱۷۲

صادقی، محمدعلی، ۵۷

صادقی، محمدعلی، ۱۱۴، ۳۶۹

صالحی، ۳۰۴

صدر عاملی، حسن، ۳۸۰

صدر عاملی، صدرالدین، ۳۵۷

صدر، اسماعیل، ۷۳، ۱۲۶

صدر، حسن، ۳۵۷

صدر، صدرالدین، ۶۲، ۷۳، ۹۰، ۳۵۳، ۳۵۸

- صدرالواعظین، محمد، ۱۲۳
- صدوقی سہا، منوچہر، ۱۷۶
- صدیقین، حسینعلی، ۲۲۶
- صدیقین، محمدباقر، ۵۷
- صدیقین، حسینعلی، ۲۷۶
- صغیر اصفہانی، ۱۹۰
- صغیر اصفہانی، ۲۸، ۱۸۱
- صغیر، محمدحسین، ۱۷۳
- صفا، احمد، ۱۷۵
- صفی، عباس، ۲۵۲
- صہری، جمال الدین، ۲۲۷
- طالع، حسین، ۱۷۳
- طاہری خورزوقی، محمدرضا، ۲۲۵
- طاہری، جلال الدین، ۱۱۴
- طاہری، محمد، ۲۴
- طلائی، احمد، ۲۶۴
- طہرانی، آقا بزرگ، ۳۵۷
- طیب، عبدالحسین، ۱۵۱، ۱۵۶
- ظہیر الاسلام، علی، ۱۲۲، ۱۲۸، ۱۳۱
- عارفچہ، محمدعلی، ۳۲۳
- عاصم کاشانی، ۱۱۸
- عالم حبیب آبادی، محمدعلی، ۱۱۳

عالم نجف آبادی، محمدحسن، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۶

عالم، محمدحسن، ۱۵۱، ۲۵۲

عاملی، ابوالحسن، ۳۵۶

عاملی، صدرالدین، ۱۳۸

عاملی، محمدمهدی، ۳۵۷

عراقی، ضیاءالدین، ۵۷، ۲۷۰، ۳۵۲

عراقی، ضیاءالدین، ۱۲۶

عریضی، محمدعلی، ۱۲۶

عزلتی، اکبر، ۱۷۵

عصار، محمدکاظم، ۳۶۳

عصارزادگان، حسین، ۱۷۵

عطار موسوی، هادی، ۳۸۱

عظیمی، محسن، ۱۵۰

علامه فانی، علی، ۳۶۹

عماد الاسلام شفتی، محمد، ۲۵۲

غاضری، محمدحسین، ۲۱۳

غاضری، حسین، ۱۹۳

غاضری، محمدحسین، ۱۷۸

غروی اصفهانی، محمدحسین، ۲۳۹، ۲۷۰، ۲۷۱

فاتحی برزانی، مهدی، ۶۱

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۳۶

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۱۳

فاضل لنكرانى، محمد، ۱۵۱

فاضل هرندي، يحيى، ۲۳۵

فاضل، اسدالله، ۲۷۴

فرشيد، حسين، ۱۵۶

فروهان، حميد، ۱۴۸

فريدنى، صالح، ۱۵۴

فريدنى، محمدجواد، ۱۱۳

فشاركى، حسين، ۳۵۴

فشاركى، محمدحسين، ۶۰، ۶۷، ۸۶، ۱۴۶، ۲۷۴، ۳۵۳

فشاركى، على اكبر، ۳۶۳

فشاركى، محمد، ۲۷۱

فشاركى، محمدحسين، ۶۲، ۹۰، ۱۳۳، ۳۱۰

فصيح القراء، مرتضى، ۱۲۶

فضائلى، حبيب الله، ۱۳۱، ۱۴۹

فقيه امامى، حسن، ۵۷

فقيه احمدآبادى، محمد، ۲۳۳

فقيه ايمانى، محمدباقر، ۲۳۸

فقيه نظرنزى، محمدحسين، ۲۱۶

فقيهى، محمدعلى، ۵۸

فلسفى، على، ۱۵۱

فولادگر، محمد، ۱۵۰

فياض، احمد، ۱۳۶

قائینی، عبدالرزاق, ۳۶۳

قاضی عسکر، نورالله, ۱۵۱

قدسی، منوچهر, ۲۵۶

قزوینی، ملا آقا, ۲۴۹

قشقائی، جهانگیرخان, ۲۷۰, ۷۱

قشقائی، جهانگیرخان, ۱۵۴, ۲۷۵

قشقایی، جهانگیرخان, ۲۳۰

قصیر، محمد, ۱۳۸

قمشه ای، اسدالله, ۱۶۷

قمشه ای، نصرالله, ۱۱۴

قمشه ای، اسدالله, ۱۵۵

قمشه ای، محمدرضا, ۲۴۹

قمی، عباس, ۳۵۵

قوچانی، رضا, ۲۹۸

کاشانی، محمد, ۲۷۰

کاشانی، عبدالرسول, ۱۴۰

کاشانی، محمد, ۱۳۳, ۱۵۴, ۲۳۱, ۲۷۵, ۲۹۵, ۲۹۷

کاشف الغطاء، حسن, ۱۱۴

کاشف الغطاء، محمدحسین, ۹۰, ۱۰۳

کاشی، آخوند, ۱۶۲

کاشی، ملا محمد, ۳۰۹

کاظمی هرسینی، فرج الله, ۵۹

- کتابفروش، محمد، ۲۲۱
- کتاب فروش، محمدصادق، ۲۲۰
- کتابی، ابوالفضل، ۲۲۳
- کتابی، محمدباقر، ۲۱۹، ۲۲۲
- کتابی، محمدجواد، ۲۲۰
- کتابی، محمدحسین، ۲۲۲
- کتابی، هلال الدین، ۲۲۳
- کرمانی، حسین، ۱۱۴
- کرمانی، علی، ۳۸۰
- کرمانی، مهدی، ۳۸۰
- کفّاش اصفهانی، حسن، ۱۷۲
- کفّاش، حسن، ۱۷۴
- کلباسی، ابوالمعالی، ۳۰۹
- کلباسی، فخرالدین، ۵۷
- کلباسی، محمدابراهیم، ۲۴۷
- کلباسی، ابوالمعالی، ۲۵۲، ۲۷۵
- کلباسی، عبدالجواد، ۲۶۹
- کلباسی، محمدابراهیم، ۱۱۹
- کلباسی، محمدمهدی، ۲۵۱، ۲۶۹
- کلباسی، مهدی، ۲۴۹
- کلیشادی، محمود، ۸۹
- کمالی، غلامعلی، ۱۷۱

کنی، محمدحسین، ۳۶۳

کوپائی، صدرالدین، ۱۳۶، ۳۱۰، ۱۵۶، ۲۳۵

گری، عبدالکریم، ۲۲۰، ۲۷۰، ۳۱۹

گری، عبدالکریم، ۱۴۶، ۱۵۵، ۲۱۴

گلپایگانی، محمدرضا، ۲۹۲

گلشن، حسینعلی، ۱۷۲

گورتانی، عباسعلی، ۲۳۷

گیاھی، عباس، ۱۷۵، ۱۸۴

گیلانی، محراب، ۲۴۹

لنگرودی، محمدجعفر، ۲۴۹

ماربینی، علی، ۱۵۱، ۲۲۷

مازندرانی، رضی، ۲۴۹

مازندرانی، شریف العلماء، ۱۴۳

مامقانی، عبدالله، ۱۲۶

مبارکه ای، محمدعلی، ۱۵۵

مجاهدی تبریزی، محمد، ۲۹۲

مجتهد بیدآبادی، احمد، ۱۴۶، ۲۲۴، ۲۷۰، ۳۱۰، ۳۳۱

مجتهد چهارسوقی، جمال الدین، ۷۱

مجتهد خوانساری، رضا، ۷۱

مجتهد نطنزی، محمدحسن، ۲۷۰

مجتهد، احمد، ۶۱

مجلسی، محمدتقی، ۵۷

محدث نوری, ۹۵

محزونیه، محمد, ۱۵۵

محموظ اصفهانی, ۱۵۱

محقق داماد، محمد, ۱۳۶

محقق سبزواری، محمدباقر, ۱۶۲

محمدی، مهدی, ۱۵۰

محمودزاده، رضا, ۲۶

مدرّس بیدآبادی، یحیی, ۲۱۴

مدرّس بیدآبادی، یحیی, ۱۶۱, ۱۷۰

مدرّس خراسانی، احمد, ۱۲۳, ۲۵۳, ۳۰۹, ۳۴۷

مدرّس نجف آبادی، محمد, ۱۱۵

مدرّس هاشمی، حسن, ۱۳۱, ۱۳۶

مدرّس یزدی، علی, ۸۶, ۸۹, ۱۲۲, ۱۴۶, ۲۲۴

مدرّس یزدی، علی, ۲۳۶, ۳۳۲, ۳۵۲

مدرّس، ابوالقاسم, ۲۴۹

مدرس، حسن, ۱۴۰

مدرّس، حسن, ۱۴۳, ۲۶۷

مدرّس، علاءالدین, ۲۸۳

مدرس، علی, ۲۴۹

مدرّس، محمدتقی, ۲۴۱, ۲۷۵, ۳۰۹

مدرّس، یحیی, ۱۷۲

مدرّس زاده، محمدرضا, ۲۴۵

مدرسی یزدی، جواد، ۲۳۶

مروی، محمد، ۱۱۴

مسأله گو، علی نقی، ۳۳۶

مستجاب الدعواتی، اسدالله، ۳۵۸

مستجاب الدعواتی، محمدعلی، ۳۶۲

مستجابی، مرتضی، ۱۴۷، ۳۶۲

مسعودی، عزیزالله، ۱۷۵

مشفق، عبدالحسین، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۹۰

مشفق، علی، ۲۶، ۲۸، ۱۶۵

مشکاه، محمد، ۳۶۳

مشکین، رضا، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۵

مصباح، عباس، ۱۵۰، ۳۸۰

مظاهری اصفهانی، مرتضی، ۱۲۶

مظاهری، حسین، ۱۴۹

مظاهری، رضا، ۱۴۵، ۱۵۰، ۳۱۵

مظاهری، مهدی، ۱۴۹، ۳۱۵

معمدی، مهدی، ۲۸۳

معلم حبیب آبادی، ۱۶۳، ۲۳۷، ۸۳

مفید، علی، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۳۶

مقدس، احمد، ۱۱۳، ۲۶۹

مقدّس، احمد، ۱۵۰

مقدّس، حبيب، ۲۹۵

مقدّس، حسن، ۲۶۹

مقدّس، على، ۲۶۷

مقدّس، محمد، ۱۴۸، ۲۲۶

مقدّس، محمد، ۲۶۸

مقدّس، مقدّس، ۱۵۰

مقدّس، نورالدين، ۲۶۹

مكارم، ناصر، ۱۵۱

ملاذ روضاتي، محمدحسين، ۱۶۳

مليوبي، محمدباقر، ۲۹۲

ملكوتي، مسلم، ۱۵۱

منعم، شكرالله، ۳۲

مهدي، مصطفى، ۱۱۳، ۱۵۱

مهدي، مصلح الدين، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۳۲

موحد ابطحي، مرتضى، ۲۳۷، ۱۵۶

موسوي اصفهاني، حسن، ۱۵۱

موسوي كاظميني، محمدمهدي، ۸۳

مولوي، عبدالمولي، ۲۴۵

مير محمدصادقي، مجتبي، ۱۱۳، ۳۰۵

ميرهندي، محمود، ۲۱۵

نائيني، محمدحسين، ۵۷

نائینی، محمدحسین، ۵۹، ۹۰، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۹۳

نائینی، ملا حسن، ۲۹۸

ناسخیان، حسین، ۲۸

ناطق اصفهانی، رضا، ۱۵۰، ۲۲۴

ناطق اصفهانی، محمدرضا، ۳۱۵

نجف آبادی، علی، ۳۵۲

نجف آبادی، محمد، ۱۴۶، ۳۵۴

نجف آبادی، عبدالرحیم، ۳۷۹

نجف آبادی، علی، ۱۲۲، ۲۱۴، ۳۰۹

نجف آبادی، علی محمد، ۳۷۹

نجف آبادی، محمد، ۸۶، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۵۴، ۳۰۹

نجف آبادی، محمدباقر، ۳۷۹

نجف، محمدباقر، ۱۶۲

نجفی، محمدباقر، ۸۳، ۲۲۰

نجفی، محمدحسن، ۳۱۹

نجفی، محمدرضا، ۱۴۶

نجفی، مهدی، ۳۵۴

نجفی هرسینی، محمد، ۵۹

نجفی، جمال الدین، ۲۵۲

نجفی، عبدالحسین، ۲۷۴

نجفی، عنایه‌الله، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷

نجفی، محمدباقر، ۱۱۴، ۲۳۰، ۳۷۹

ابرقویی، علی اکبر، ۱۳۶

آبشاهی، احمد، ۱۷۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶

ابطحی سدهی، محمدباقر، ۲۳۵، ۲۵۲

ابن الصدر کاظمینی، مهدی، ۱۲۶

ابوالبرکات، رضا، ۱۱۳

آخوند تفلیسی، ۲۹۷

آخوند زفره ای، ۳۳۹

آخوند کاشی، ۱۷۶

ادیب، عباسعلی، ۲۳۷

آدینه ای، جواد، ۷۱

ادیب بجنوردی، محمدحسین، ۱۵۶

ادیب، عباسعلی، ۱۳۶، ۱۵۶، ۱۶۳، ۲۳۵

آدینه ای، عبدالجواد، ۲۳۲

ارباب، رحیم، ۱۶۱، ۲۲۲، ۳۷۶

ارباب، عبدالعلی، ۳۷۷

اردستانی، ۱۲۲

اردکانی، محمدتقی، ۱۴۲

اردکانی، مرتضی، ۱۵۱

اشتری، حسن، ۱۷۵

اشتری، مرتضی، ۱۷۵، ۱۸۹

آشتیانی، محمدحسن، ۹۵

آشتیانی، جلال الدین، ۲۵۰

آشتیانی، مرتضی، ۱۲۶

اشنی قودجانی، محمدحسین، ۳۰۹

اشنی، نورالله، ۱۵۰

اصطهباناتی، ابراهیم، ۳۴۴

اصطهباناتی، محمدباقر، ۲۷۱

اصفہانی، ابوالحسن، ۸۶، ۲۷۰، ۳۵۳

اصفہانی، سید ابوالحسن، ۵۷

اصفہانی، ابوالحسن، ۵۹، ۶۲، ۱۰۰، ۱۶۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۳۶۳

اصفہانی، احمد، ۳۵۲

اصفہانی، اسدالله، ۱۵۱

اصفہانی، بهاءالدین، ۱۷۲

اصفہانی، حسنعلی، ۲۹۷

اصفہانی، عبدالجواد، ۱۷۲

اصفہانی، ملا تقی، ۱۷۷

اعتمادی، فضل الله، ۸۷، ۱۱۲، ۱۱۲، ۲۵۸، ۲۶۱، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۷۵

اعتمادی، مصطفی، ۱۵۱

افسر، عبدالرحیم، ۳۱۹

آقاجفی، محمد تقی، ۲۷۴، ۳۱۹، ۳۵۲

آقاجفی، محمد تقی، ۱۵۵، ۲۱۴، ۳۰۹، ۳۲۷

امام جمعه، حسن، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳

امام خمینی، ۶۲

امام خمینی، ۱۲۸، ۲۹۲

- امامی، عطاءالله, ۱۸۷
- امامی، محمدرضا, ۱۵۰
- املائی، رمضانعلی, ۵۷
- امین عاملی، محسن, ۱۲۶
- امینی، ابراهیم, ۵۷
- انجم، علیرضا, ۱۷۳
- انصاری، مرتضی, ۲۴۱
- آیتی یزدی، عبدالحسین, ۲۴۷
- آیهالله زاده، محمدرضا, ۱۰۰
- ایمانیه، مجتبی, ۳۴۱
- بادکوبه ای، صدرا, ۱۵۱
- باقری محمود آبادی، محمدرضا, ۳۸۰
- باقی، عبدالعلی, ۸۶
- بدری، علی محمد, ۲۳۲
- بدری حسینی، عبدالجواد, ۲۳۴
- بدری، ابوالحسن, ۲۳۰, ۲۳۵
- بدری، رضا, ۲۳۲
- بدری، عبدالوهاب, ۲۳۱
- بدری، علی محمد, ۲۳۵
- بدیع زادگان، علی, ۵۳, ۲۶۳
- برزانی، علی اصغر, ۵۶, ۱۲۲, ۱۳۶, ۲۵۲
- بروجردی، ابوالحسن, ۱۴۶, ۳۵۴

بروجردی، حسین، ۳۱۰

بروجردی، علی، ۱۱۴

بروجردی، اسماعیل، ۱۱۴

بروجردی، حسین، ۹۰، ۱۳۶، ۲۹۲

بروجردی، محمدرضا، ۳۶۳

بروجردی، منیرالدین، ۱۱۴

بصیر، عبدالکریم، ۲۶۰

بنکدار، محمدحسن، ۳۳۸

بهبهانی، علی، ۱۳۶، ۲۵۲، ۳۰۹

بهشتی نژاد، محمدعلی، ۱۲۷، ۳۱۰

بهشتی، رضا، ۵۲، ۲۶۰

بیدآبادی، احمد، ۱۴۶

بیدآبادی، محمد، ۱۲۲، ۱۶۲

بیدآبادی، محمدجواد، ۲۷۴

بیان الواعظین، احمد، ۲۲۷

بیدآبادی، آقا محمد، ۲۹۷

بیدآبادی، محمد، ۱۱۷

پروانه، محمود، ۱۷۳

پسندیده، مرتضی، ۲۳۷

پشمی، اسماعیل، ۲۹۸

پناه اصفهانی، ۱۷۷

تائب، یدالله، ۳۰۷

- تابش، علی اکبر، ۱۷۳
- تاج اصفهانی، ۲۶
- تبریزی، کاظم، ۱۵۱
- تجویدی، رضا، ۳۳۶
- تجویدی، ضیاءالدین، ۳۳۶
- تدین، حسین، ۳۷۹
- تدین، مهدی، ۳۷۹
- تنکابنی، عبدالفتاح، ۲۶۸
- تنکابنی، محمد، ۲۴۹
- تهرانی، هاشم، ۳۶۳
- تولایی، عباس، ۱۷۵
- تویسرکانی، حسینعلی، ۲۶۷، ۲۹۶
- تیرانی کرونلی، محمدباقر، ۱۵۴
- ثقه الاسلام، عبدالله، ۱۲۳
- ثقه الاسلام، محمدعلی، ۳۳۰
- جاپلقی، شفیع، ۱۳۹
- جاپلقی، محمد شفیع، ۳۵۶
- جزایری، صدرالدین، ۳۶۳
- جلالی، فتح الله، ۳۱۹
- جمالزاده، محمدعلی، ۴۸
- جناب، علی، ۲۲۱
- جواهری، محمدابراهیم، ۳۰۹

جواهری، محمد ابراهیم، ۱۲۳، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۴، ۳۵۲

جویبارہ ای، محمد صالح، ۲۶۸

جویبارہ ای، مهدی، ۳۰۴

چارسوقی، محمد هاشم، ۶۱

چاووش، محمد کاظم، ۱۷۴

چهارسوقی، محمد هاشم، ۸۳، ۱۶۲، ۲۴۷

چهارسوقی، حسن، ۱۶۳

چهارسوقی، محمد، ۱۷۵

چهارسوقی، هدایه الله، ۸۳

حائری، عبدالکریم، ۳۵۲

حائری، عبدالکریم، ۱۲۶

حائری، عبدالکریم، ۵۷، ۸۶، ۹۰، ۹۸، ۲۱۴، ۲۵۲، ۳۴۴

حجت کوه کمری، محمد، ۹۰

حسام الواعظین، محمد رضا، ۱۱۲

حسین آبادی، محمد جواد، ۸۳

حسینی اصفهانی، حسین، ۹۰، ۹۱، ۱۰۰

حسینی (فریدنی)، محمد حسین، ۳۸۰

حسینی، محمد حسین، ۵۶

حکیم خراسانی، محمد، ۳۵۲

حکیم خراسانی، محمد، ۱۲۲، ۳۵۴

حکیم باشی، محمد باقر، ۲۲۰

حکیم خراسانی، محمد، ۳۷۷

خاتون آبادی، محمدصادق، ۳۵۲، ۳۵۴

خاتون آبادی، مرتضی، ۳۰۴

خاتون آبادی، محمدصادق، ۸۴، ۸۶

خاتون آبادی، محمود، ۳۴۰

خادمی، حسین، ۲۲۶

خادمی، حسین، ۱۱۳، ۱۵۱

خاکی، حسن، ۱۷۲

خراسانی، محمد کاظم، ۳۰۹

خراسانی، محمد کاظم، ۶۱

خراسانی، محمدرضا، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۳۶، ۲۱۵

خراسانی، محمد کاظم، ۶۰، ۷۳، ۱۰۰، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۷۱

خزدوز، محمد حسن، ۱۸۷

خزدوز، عباس، ۲۶۵

خطاط، علی، ۱۷۲

خطیب، علی، ۳۵۱

خطیب، محمد، ۳۲۳

خطیبی، حسین، ۱۴۷، ۱۵۰

خلیلی، حسین، ۶۲

خلیقی پور، محمد مهدی، ۱۳۱

خلیلیان، احمد، ۲۶

خلیلیان، حمید، ۱۸۳

خلیلیان، علی، ۲۸، ۳۱، ۱۷۲

خمینی، مصطفی، ۱۵۱

خوئی، ابوالقاسم، ۱۵۱

خوانساری، محمدتقی، ۳۵۳

خوانساری، احمد، ۱۰۰، ۱۳۷، ۳۵۲

خوانساری، جمال الدین، ۲۲۶

خوانساری، زین الدین، ۲۳۰

خوانساری، علی اکبر، ۱۳۸

خوانساری، کمال الدین، ۱۴۵

خوانساری، محمدابراهیم بن کلبعلی، ۱۴۵

خوانساری، محمدباقر، ۸۳، ۱۶۲

خوانساری، محمدحسین، ۱۳۸، ۱۴۳

خوانساری، موسی، ۲۹۳

خوانساری، هاشم، ۱۵۳

خوراسکانی، غلامرضا، ۱۲۳، ۲۱۵

دانش نژاد، شاهزاده خانم، ۳۸۱

درب امامی، بدیع، ۲۷۴، ۳۱۹

درب امامی، بدیع، ۲۲۰

درچه ای، محمدباقر، ۵۶، ۸۶، ۸۹، ۱۴۶، ۲۴۷، ۲۷۴، ۳۰۹

درچه ای، مهدی، ۸۹

درچه ای، محمدباقر، ۳۵۲

درچه ای، محمدباقر، ۶۰، ۱۳۳، ۱۵۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۷۵، ۳۰۹، ۳۴۳، ۳۷۹

درچه ای، مهدی، ۱۲۲

درخشان، غلامحسین، ۲۶

دهاقانی، اسماعیل، ۳۵۲

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۸۹، ۲۲۴، ۳۵۴

دهکردی، ابوالقاسم، ۸۶، ۳۰۹

دهکردی، ابوالقاسم، ۱۴۶، ۱۷۷، ۲۳۳، ۲۹۳

دهکردی، محمدحسن، ۱۷۶

دهکردی، یوسف، ۱۷۷

دوانی، علی، ۲۷۵

رازی، محمدتقی، ۳۵۷

رام پناه، حسین، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۸۶

ربّانی، عباس، ۱۵۵

رجائی، محمدباقر، ۱۵۱

رشتی، ابوتراب، ۳۳۹

رشتی، حبیب الله، ۹۵

رشتی، عبدالرزاق، ۲۵۱

رشتی، قوام الدین، ۲۵۲

رشتی، محمدحسین، ۱۵۰، ۲۵۲

رشتی، محمدرضا، ۳۳۹

رشتی، مرتضی، ۲۵۲، ۳۳۹

رشتی، مهدی، ۲۵۲

رشتی، هاشم، ۶۲

رضوی خوانساری، محمدرضا، ۷۱

رضوی خوانساری، محمدرضا، ۵۶، ۶۲

روّاس، فرج الله، ۱۷۳

روضاتی، محمدعلی، ۲۹۲

روضاتی، محمدعلی، ۲۷۸، ۲۸۳

روضاتی، ابوالحسن، ۱۱۲

روضاتی، احمد، ۲۴۱

روضاتی، اسدالله، ۸۶، ۱۱۳

روضاتی، حبیب الله، ۸۳

روضاتی، عبدالحسین، ۹۰، ۱۱۰، ۱۱۳

روضاتی، عبدالعلی، ۱۱۲

روضاتی، محمدحسن، ۱۶۳

روضاتی، محمدهاشم، ۲۴۱

روضاتی، محمود، ۸۶

ریزی، مرتضی، ۳۳۹

ریحان یزدی، علیرضا، ۲۴۶

ریزی، مرتضی، ۶۰، ۱۱۹

زفره ای، ابوالقاسم، ۱۲۲، ۲۲۴

زمانی، شاطر عباس، ۱۷۵

زنجانی کاظمینی، محمدرضا، ۸۶

زنجیره فروش، علی، ۱۱۸

زند کرمانی، محمدباقر، ۱۳۶

زنوزی، عبدالله، ۲۴۹

سادات، محمدحسن، ۲۴۷

سادات، مهدی، ۲۱۹

ساغر، محمدابراهیم، ۱۷۲

سبزواری، ملا هادی، ۱۵۴، ۱۷۶، ۲۴۹

سدهی، محمدباقر، ۳۳۹

سدهی، ملا هادی، ۱۶۲

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سرّی، ابوالقاسم، ۱۶۳

سرّی، ابراهیم، ۱۶۳

سعیدمنش، اصغر، ۱۷۵

سقا، علی، ۱۷۵

سلطانی، محمدباقر، ۲۹۲

سمسار، محمد مهدی، ۳۴۰

سمسارزاده، عبدالحسین، ۳۴۰

سودائی دستگردی، عبدالکریم، ۸۴

سودائی، عبدالکریم، ۱۷۳

سیدالعراقین، عبدالحسین، ۱۲۳

سیستانی، علی، ۱۵۱

سینی، عبدالغنی، ۲۳۱

سینی، محمدعلی، ۲۳۰

سینی، مهدی، ۲۳۲

شاگرد، حسین، ۱۷۲

شاه آبادی، محمدعلی، ۶۲

شاه آبادی، محمدعلی، ۵۶، ۶۱

شاه علائی، مصطفی، ۲۴۸

شاهرودی، محمد، ۱۵۱

شاهنده، حبیب الله، ۲۱۵

شرف الدین، عبدالحسین، ۳۵۶

شریعت اصفهانی، ۹۵

شریعت اصفهانی، ۱۰۰، ۲۳۰

شریعت ریزی، محمود، ۲۱۵

شریعتی، محمدجواد، ۲۶۵

شریعتی، مهدی، ۲۶۵

شریف رازی، محمد، ۲۸۳

شریف، علی اصغر، ۲۲۶

شفتی ثانی، محمدباقر، ۲۲۰

شفتی، محمدباقر، ۲۴۷

شفتی بیدآبادی، اسدالله، ۲۴۷

شفتی، اسدالله، ۱۴۰، ۲۵۱، ۲۶۷، ۲۶۹

شفتی، جعفر، ۲۵۱

شفتی، محمدباقر، ۱۱۹، ۱۳۸، ۱۴۳، ۲۶۷، ۲۶۹

شفیعی، ابوالقاسم، ۱۶۵

شفیعی، محمد، ۲۴

شکیب، ۲۶

شکيب اصفهانی، محمدرضا، ۵۲

شکيبای کرمانی، علی، ۲۶

شمس آبادی، ابوالحسن، ۵۷

شمس آبادی، ابوالحسن، ۱۳۶، ۲۵۲

شمس القراء، عبدالغفور، ۱۱۸

شهاب لاوی، نصرالله، ۱۶۱

شهشاهانی، محمد، ۲۶۷

شهشاهانی، حسین، ۲۴۸

شهشاهانی، محمد، ۲۵۱، ۲۶۹

شهشاهانی، محمدجعفر، ۲۴۷

شهشاهانی، مرتضی، ۲۴۸

شوقی کهرانی، یدالله، ۱۸۳

شیخ حرّ عاملی، ۳۵۵

شیدا، عباس خان، ۱۶۱

شیرازی، محمدتقی، ۱۳۳

شیرازی، محمدحسن، ۱۱۴

شیرازی، محمدتقی، ۶۲

شیدا، ۲۳

شیدا، عباس خان، ۲۸، ۳۱، ۱۷۸، ۱۸۷

شیرازی، عبدالهادی، ۳۶۳

شیرازی، محمدتقی، ۱۰۰

شیرازی، محمدحسین، ۱۵۱

شیرازی، محمد کاظم، ۳۴۴

شیرازی، میرزا علی آقا، ۱۲۳، ۲۲۲

صابر اصفهانی، رمضان، ۵۴، ۱۷۲

صادقی، محمد علی، ۵۷

صادقی، محمد علی، ۱۱۴، ۳۶۹

صالحی، ۳۰۴

صدر عاملی، حسن، ۳۸۰

صدر عاملی، صدرالدین، ۳۵۷

صدر، اسماعیل، ۷۳، ۱۲۶

صدر، حسن، ۳۵۷

صدر، صدرالدین، ۶۲، ۷۳، ۹۰، ۳۵۳، ۳۵۸

صدرالواعظین، محمد، ۱۲۳

صدوقی سها، منوچهر، ۱۷۶

صدیقین، حسینعلی، ۲۲۶

صدیقین، محمد باقر، ۵۷

صدیقین، حسینعلی، ۲۷۶

صغیر اصفهانی، ۱۹۰

صغیر اصفهانی، ۲۸، ۱۸۱

صغیر، محمد حسین، ۱۷۳

صفاء، احمد، ۱۷۵

صفی، عباس، ۲۵۲

صهری، جمال الدین، ۲۲۷

طالع، حسين, ۱۷۳

طاهري خورزوقي، محمدرضا, ۲۲۵

طاهري، جلال الدين, ۱۱۴

طاهري، محمد, ۲۴

طلاني، احمد, ۲۶۴

طهراني، آقا بزرگ, ۳۵۷

طيب، عبدالحسين, ۱۵۱, ۱۵۶

ظهير الاسلام، علي, ۱۲۲, ۱۲۸, ۱۳۱

عارفچه، محمدعلي, ۳۲۳

عاصم كاشاني, ۱۱۸

عالم حبيب آبادي، محمدعلي, ۱۱۳

عالم نجف آبادي، محمدحسن, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۳۶

عالم، محمدحسن, ۱۵۱, ۲۵۲

عاملی، ابوالحسن, ۳۵۶

عاملی، صدرالدين, ۱۳۸

عاملی، محمدمهدي, ۳۵۷

عراقي، ضياءالدين, ۵۷, ۲۷۰, ۳۵۲

عراقي، ضياءالدين, ۱۲۶

عريضي، محمدعلي, ۱۲۶

عزلتي، اكبر, ۱۷۵

عصار، محمد كاظم, ۳۶۳

عصارزادگان، حسين, ۱۷۵

عطار موسوی، هادی، ۳۸۱

عظیمی، محسن، ۱۵۰

علامه فانی، علی، ۳۶۹

عماد الاسلام شفتی، محمد، ۲۵۲

غاضری، محمدحسین، ۲۱۳

غاضری، حسین، ۱۹۳

غاضری، محمدحسین، ۱۷۸

غروی اصفهانی، محمدحسین، ۲۳۹، ۲۷۰، ۲۷۱

فاتحی برزانی، مهدی، ۶۱

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۳۶

فاضل کوهانی، محمدحسین، ۱۱۳

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۵۱

فاضل هرنندی، یحیی، ۲۳۵

فاضل، اسدالله، ۲۷۴

فرشید، حسین، ۱۵۶

فروهان، حمید، ۱۴۸

فریدنی، صالح، ۱۵۴

فریدنی، محمدجواد، ۱۱۳

فشارکی، حسین، ۳۵۴

فشارکی، محمدحسین، ۶۰، ۶۷، ۸۶، ۱۴۶، ۲۷۴، ۳۵۳

فشارکی، علی اکبر، ۳۶۳

فشارکی، محمد، ۲۷۱

فشارکی، محمدحسین، ۶۲، ۹۰، ۱۳۳، ۳۱۰

فصیح القراء، مرتضی، ۱۲۶

فضائلی، حبیب الله، ۱۳۱، ۱۴۹

فقیه امامی، حسن، ۵۷

فقیه احمدآبادی، محمد، ۲۳۳

فقیه ایمانی، محمدباقر، ۲۳۸

فقیه نظری، محمدحسین، ۲۱۶

فقیهی، محمدعلی، ۵۸

فلسفی، علی، ۱۵۱

فولادگر، محمد، ۱۵۰

فیاض، احمد، ۱۳۶

قائینی، عبدالرزاق، ۳۶۳

قاضی عسکر، نورالله، ۱۵۱

قدسی، منوچهر، ۲۵۶

قزوینی، ملا آقا، ۲۴۹

قشقائی، جهانگیرخان، ۲۷۰، ۷۱

قشقائی، جهانگیرخان، ۱۵۴، ۲۷۵

قشقایی، جهانگیرخان، ۲۳۰

قصیر، محمد، ۱۳۸

قمشه ای، اسدالله، ۱۶۷

قمشه ای، نصرالله، ۱۱۴

قمشه ای، اسدالله، ۱۵۵

قمشه ای، محمدرضا، ۲۴۹

قمی، عباس، ۳۵۵

قوچانی، رضا، ۲۹۸

کاشانی، محمد، ۲۷۰

کاشانی، عبدالرسول، ۱۴۰

کاشانی، محمد، ۱۳۳، ۱۵۴، ۲۳۱، ۲۷۵، ۲۹۵، ۲۹۷

کاشف الغطاء، حسن، ۱۱۴

کاشف الغطاء، محمدحسین، ۹۰، ۱۰۳

کاشی، آخوند، ۱۶۲

کاشی، ملا محمد، ۳۰۹

کاظمی هرسینی، فرج الله، ۵۹

کتابفروش، محمد، ۲۲۱

کتاب فروش، محمدصادق، ۲۲۰

کتابی، ابوالفضل، ۲۲۳

کتابی، محمدباقر، ۲۱۹، ۲۲۲

کتابی، محمدجواد، ۲۲۰

کتابی، محمدحسین، ۲۲۲

کتابی، هلال الدین، ۲۲۳

کرمانی، حسین، ۱۱۴

کرمانی، علی، ۳۸۰

کرمانی، مهدی، ۳۸۰

کفّاش اصفهانی، حسن، ۱۷۲

کفّاش، حسن، ۱۷۴

کلباسی، ابوالمعالی، ۳۰۹

کلباسی، فخرالدین، ۵۷

کلباسی، محمدابراهیم، ۲۴۷

کلباسی، ابوالمعالی، ۲۷۵، ۲۵۲

کلباسی، عبدالجواد، ۲۶۹

کلباسی، محمدابراهیم، ۱۱۹

کلباسی، محمد مهدی، ۲۶۹، ۲۵۱

کلباسی، مهدی، ۲۴۹

کلشادی، محمود، ۸۹

کمالی، غلامعلی، ۱۷۱

کنی، محمدحسین، ۳۶۳

کوپائی، صدرالدین، ۱۳۶، ۳۱۰، ۱۵۶، ۲۳۵

گری، عبدالکریم، ۲۲۰، ۲۷۰، ۳۱۹

گری، عبدالکریم، ۱۴۶، ۱۵۵، ۲۱۴

گلپایگانی، محمدرضا، ۲۹۲

گلشن، حسینعلی، ۱۷۲

گورتانی، عباسعلی، ۲۳۷

گیاهی، عباس، ۱۷۵، ۱۸۴

گیلانی، محراب، ۲۴۹

لنگرودی، محمدجعفر، ۲۴۹

ماربینی، علی، ۱۵۱، ۲۲۷

مازندرانی، رضی، ۲۴۹

مازندرانی، شریف العلماء، ۱۴۳

مامقانی، عبدالله، ۱۲۶

مبارکه ای، محمدعلی، ۱۵۵

مجاهدی تبریزی، محمد، ۲۹۲

مجتهد بیدآبادی، احمد، ۱۴۶، ۲۲۴، ۲۷۰، ۳۱۰، ۳۳۱

مجتهد چهارسوقی، جمال الدین، ۷۱

مجتهد خوانساری، رضا، ۷۱

مجتهد نطنزی، محمدحسن، ۲۷۰

مجتهد، احمد، ۶۱

مجلسی، محمدتقی، ۵۷

محدث نوری، ۹۵

محرزونی، محمد، ۱۵۵

محموظ اصفهانی، ۱۵۱

محقق داماد، محمد، ۱۳۶

محقق سبزواری، محمدباقر، ۱۶۲

محمّدی، مهدی، ۱۵۰

محمودزاده، رضا، ۲۶

مدرّس بیدآبادی، یحیی، ۲۱۴

مدرّس بیدآبادی، یحیی، ۱۶۱، ۱۷۰

مدرّس خراسانی، احمد، ۱۲۳، ۲۵۳، ۳۰۹، ۳۴۷

مدرّس نجف آبادی، محمد، ۱۱۵

مدّرس هاشمی، حسن، ۱۳۱، ۱۳۶

مدّرس یزدی، علی، ۸۶، ۸۹، ۱۲۲، ۱۴۶، ۲۲۴

مدّرس یزدی، علی، ۲۳۶، ۳۳۲، ۳۵۲

مدّرس، ابوالقاسم، ۲۴۹

مدرس، حسن، ۱۴۰

مدّرس، حسن، ۱۴۳، ۲۶۷

مدّرس، علاءالدین، ۲۸۳

مدرس، علی، ۲۴۹

مدّرس، محمدتقی، ۲۴۱، ۲۷۵، ۳۰۹

مدّرس، یحیی، ۱۷۲

مدّرس زاده، محمدرضا، ۲۴۵

مدرسی یزدی، جواد، ۲۳۶

مروی، محمد، ۱۱۴

مسأله گو، علی نقی، ۳۳۶

مستجاب الدعواتی، اسدالله، ۳۵۸

مستجاب الدعواتی، محمدعلی، ۳۶۲

مستجابی، مرتضی، ۱۴۷، ۳۶۲

مسعودی، عزیزالله، ۱۷۵

مشفق، عبدالحسین، ۱۶۱، ۱۷۲، ۱۹۰

مشفق، علی، ۲۶، ۲۸، ۱۶۵

مشکاه، محمد، ۳۶۳

مشکین، رضا، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۷۵

مصباح، عباس، ۱۵۰، ۳۸۰

مظاهری اصفهانی، مرتضی، ۱۲۶

مظاهری، حسین، ۱۴۹

مظاهری، رضا، ۱۴۵، ۱۵۰، ۳۱۵

مظاهری، مهدی، ۱۴۹، ۳۱۵

معمدی، مهدی، ۲۸۳

معلم حبیب آبادی، ۱۶۳، ۲۳۷، ۸۳

مفید، علی، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۲۲

مفید، محمود، ۱۳۶

مقدس، احمد، ۱۱۳، ۲۶۹

مقدس، احمد، ۱۵۰

مقدس، حبیب، ۲۹۵

مقدس، حسن، ۲۶۹

مقدس، علی، ۲۶۷

مقدس، محمد، ۱۴۸، ۲۲۶

مقدس، محمد، ۲۶۸

مقدس، مقدس، ۱۵۰

مقدس، نورالدین، ۲۶۹

مکارم، ناصر، ۱۵۱

ملاذ روضاتی، محمد حسین، ۱۶۳

ملبویی، محمد باقر، ۲۹۲

ملکوتی، مسلم، ۱۵۱

منعم، شکرالله، ۳۲

مهدوی، مصطفی، ۱۱۳، ۱۵۱

مهدوی، مصلح الدین، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۱۹، ۲۵۳، ۲۹۵، ۳۰۳، ۳۱۵، ۳۳۲

موحد ابطحی، مرتضی، ۲۳۷، ۱۵۶

موسوی اصفهانی، حسن، ۱۵۱

موسوی کاظمینی، محمد مهدی، ۸۳

مولوی، عبدالمولی، ۲۴۵

میر محمد صادقی، مجتبی، ۱۱۳، ۳۰۵

میر هندی، محمود، ۲۱۵

نائینی، محمد حسین، ۵۷

نائینی، محمد حسین، ۵۹، ۹۰، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۹۳

نائینی، ملا حسن، ۲۹۸

ناسخیان، حسین، ۲۸

ناطق اصفهانی، رضا، ۱۵۰، ۲۲۴

ناطق اصفهانی، محمدرضا، ۳۱۵

نجف آبادی، علی، ۳۵۲

نجف آبادی، محمد، ۱۴۶، ۳۵۴

نجف آبادی، عبدالرحیم، ۳۷۹

نجف آبادی، علی، ۱۲۲، ۲۱۴، ۳۰۹

نجف آبادی، علی محمد، ۳۷۹

نجف آبادی، محمد، ۸۶، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۵۴، ۳۰۹

نجف آبادی، محمدباقر، ۳۷۹

نجف، محمدباقر، ۱۶۲

نجفی، محمدباقر، ۸۳، ۲۲۰

نجفی، محمدحسن، ۳۱۹

نجفی، محمدرضا، ۱۴۶

نجفی، مهدی، ۳۵۴

نجفی هرسینی، محمد، ۵۹

نجفی، جمال الدین، ۲۵۲

نجفی، عبدالحسین، ۲۷۴

نجفی، عنایه‌الله، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷

نجفی، محمدباقر، ۱۱۴، ۲۳۰، ۳۷۹

نجفی، محمدرضا، ۱۳۵، ۲۷۰، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۸

نجفی، هدایه‌الله، ۱۳۷

نحوی، مهدی، ۱۴۶

نحوی، محمدباقر، ۱۴۶

نراقی، مهدی، ۸۶

نصیری، صدرالاسلام، ۲۳۹

نظام الاسلام، محمد، ۳۳۳

نعمه‌اللهی، مرتضی، ۱۶۷

نهایندی، علی اکبر، ۹۰، ۹۵، ۱۰۳

نوا، جعفر، ۲۶۲

نوا، اصفهانی، جعفر، ۵۰، ۲۵۶

نوربخش، شمس الدین، ۲۶۵

نوربخش، کمال الدین، ۱۷۶

نوری، علی، ۲۴۹

نوری، فضل الله، ۲۳۰

نیر، حبیب الله، ۱۱۲، ۲۱۹، ۲۲۳، ۳۰۳، ۳۵۰

هاشم زاده، محمدعلی، ۱۷۵

هدایتی خواجه‌نوی، علی، ۱۵۵

هرندی، هبه‌الله، ۳۳۹

هرندی، رضا، ۲۱۵

هرندی، هبه‌الله، ۲۵۲

هسته‌ای، علی، ۱۵۱، ۲۳۰

همایی، جلال الدین، ۳۲۰

همدانی، رضا، ۲۷۱

همدانی، عباس، ۳۶۳

همدانی، محمد، ۳۶۳

واعظ باغبادرانی، عبدالجواد، ۳۳۴

واعظ، علی اکبر، ۵۷

واعظ، محمدصادق، ۵۹

وحید دستگردی، حسن، ۱۶۳

وفا زواره‌ای، محمدعلی، ۱۳۸

یزدی، حسین، ۲۸۳

یزدی، محمد، ۲۱۵

یزدی، محمد کاظم، ۷۳، ۱۰۰، ۲۳۰

فهرست منابع

آثار الحججه، شیخ محمد شریف رازی

اصفهان زادگاه جمال و کمال،

آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، باقری بیدهندی

احسن الودیعہ، سید محمد مهدی کاظمی

ارشاد الناس در شرح حال حاج شیخ عباس مصباح، سید مصلح الدین مهدوی، خطی

ارمغان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی

اغصان طیبه، سید حسین خاتون آبادی، نسخه خطی

الاولئ، سید محمد مقدس، علامه سید محمد علی روضاتی

باقیات الصالحات یا زندگانی ناطق اصفهانی

بغیہ الراغبین، سید عبدالحسین شرف الدین، چاپ بیروت

بوستان فضیلت، حمید خلیلیان

بیان المفآخر، سید مصلح الدین مهدوی

تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان جابری

تاریخ اصفهان مجلد هنر و هنرمندان، استاد جلال الدین همائی

تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، سید مصلح الدین

مهدوی

تاریخ حکما و عرفاء، منوچهر صدوقی سها

تذکرہ مآثر الباقریہ، سید محمد علی وفا زواره ای، دکتر حسین مسجدی

تکمله امل الآمل، سید حسن صدر، چاپ بیروت

تذکرہ القبور، ملا عبدالکریم گزی، باقری بیدهندی

تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی

جغرافیای تاریخی اصفهان، میرزا حسین خان تحویلدار

جمال الزاهدین، حمید فروهان

خاطرات آیه الله پسندیده

خوشنویسی در کتیبه های اصفهان، منوچهر قدسی

دانشمندان گلپایگان، رضا استادی

دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، تصحیح رحیم قاسمی

دولت دیدار، منوچهر قدسی

دیوان اشعار طوفان دریا، سید رضا بهشتی

دیوان شکیب اصفهانی

دیوان یحیی اصفهانی

دیوان محفوظ اصفهانی

دیوان گلزار اصفهانی

دیوان کامل نوای اصفهانی

دیوان سید ابراهیم سرّی

دیوان صغیر اصفهانی

رجال اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی

رجال اصفهان، دکتر محمدباقر کتابی

رجال و مشاهیر اصفهان، سید علی جناب

الروضه البهیه فی الطرق الشفیعیه، سید محمد شفیع جابلقی، چاپ سنگی

ریحانه الأدب، میرزا محمد علی مدرّس تبریزی

زندگانی آیه الله چهارسوقی، سید محمد علی روضاتی

سیری در تاریخ تخت فولاد، سید مصلح الدین مهدوی

سیمای دهاقان، دکتر عبدالرحیم عناقه

طریق الرشاد، حیدرعلی خان برومند

علماء الاسره، صاحب روضات، سید احمد روضاتی

علوم و عقاید، محمد ابراهیم جواهری

فرازی از زندگانی سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی به روایت اسناد

فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه صدر بازار، سید جعفر اشکوری

فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی

فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی

قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، انتشارات علمی و فرهنگی

گلبن ولایت، یدالله شوقی

گلشن نام آوران، محمد طاهری

گنجینه دانشمندان، شیخ محمد شریف رازی

گوهر گران بها در تاریخ وفات علما، سید مصلح الدین مهدوی

مجالس الاربعین، سید نورالله قاضی عسکر

مدرس شهید مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی

مزارات اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، دکتر اصغر منتظرالقائم

مصیبت نامه صغیر اصفهانی

معادن الافادات، میرزا حبیب الله نیر

مکارم الآثار، میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی، سید محمد علی روضاتی

مجله حوزه

مخزن المصائب یا خزائن شکن، علی مشفق

مناهج المعارف، میرابوالقاسم کبیر، سید احمد روضاتی

منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، تصحیح حسین استادولی

نغمه های ولا یا دیوان گیاهی

النجوم السرد، سید جواد مدرسی

دیوان مرتضی اشتری

نقباء البشر، علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی

نوری از مصباح واعظ، سید محمد علی فقیهی

یادداشت های خطی مرحوم سید مصلح الدین مهدوی

یادداشت های خطی مرحوم محمد ابراهیم جواهری

یادنامه مهندس میر احمد سادات

ص: ۵۱۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

